

کیمهان ۵۰۲

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۰ تا پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۶۸

جنگ و صلح!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنججاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

آگهی در **کیهان** آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت **کیهان** نمونه به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

[@KayhanLife](https://twitter.com/KayhanLife)
[@kayhanlife](https://www.instagram.com/kayhanlife)
[@KayhanLife](https://www.facebook.com/KayhanLife)
<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

[@KayhanLondon](https://twitter.com/KayhanLondon)
[@kayhanlondon](https://www.instagram.com/kayhanlondon)
[@kayhanlondon](https://www.facebook.com/kayhanlondon)
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۶۸ (۵۰۲)

جمعه ۱۰ تا پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۳
۲۸ فوریه تا ۶ مارس ۲۰۲۵



جنگ و صلح!



● جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را به کار خواهد گرفت تا با وعده‌های توخالی به اروپایی‌ها اختلافات بین دوسوی اقیانوس اطلس را دامن بزند.

با برخی مقامات کشورهای اروپایی در ژنو را باید در همین راستا ارزیابی کرد.

تهران، کی‌یف

جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را به کار خواهد گرفت تا با وعده به اروپایی‌ها (وعده‌هایی که هرگز به آنها عمل نخواهد کرد) اختلافات بین دوسوی اقیانوس اطلس را دامن بزند. بر پایه گمانه‌زنی‌ها، سرگی لاوروف در سفر اخیر خود به تهران از مقامات جمهوری اسلامی خواسته است پذیرند که گفتگوهای را بطور غیرمستقیم به نمایندگان دولت آمریکا آغاز کنند بدون آنکه فعلاً قبول کنند برنامه هسته‌ای یا موشکی خود را متوقف سازند.

پیشنهاد روسیه به جمهوری اسلامی در مقطع کنونی خرید وقت است تا در این میان شاید نتیجه‌ی مذاکرات مسکو و واشنگتن در رابطه با وکراین مشخص شود. تنها زمانی که پوتین بتواند پرونده این جنگ را به نفع خود ببندد، حاضر خواهد شد که جمهوری اسلامی را در مقابل پای دونالد ترامپ قربانی کند.

از سوی دیگر، یکی از اهداف رئیس‌جمهور آمریکا برای نزدیکی به پوتین فاصله انداختن بین مسکو و پکن است. البته جمهوری اسلامی نیز از کارت روابط خود با پکن و گسترش آن، در معامله با مسکو استفاده می‌کند.

بازی‌هایی که این روزها در جریان هستند بسیار پیچیده و در هم تنیده‌اند. هر طرف برنامه‌ای در نظر دارد که باید دید گفتگوها و دیدارها در هفته‌های آینده هر کدام از این بازیگران را در کجا و در چه موقعیتی قرار خواهد داد. در کنار دیدارها و گفتگوهای دیپلماتیک باید نگاهی هم به سیاست‌های اسرائیل داشت که برای حفظ امنیت خود تلاش می‌کند.

اسرائیل، جمهوری اسلامی

از آخرین گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در رابطه با ذخایر اورانیوم غنی‌شده در ایران با غلظت نزدیک به درجه تسلیحاتی، چنین بر می‌آید که درحال حاضر ←

سفر سرگی لاوروف وزیر خارجه روسیه به تهران، پس از دیدار با همتای آمریکایی‌اش مارکو رابوئو در ریاض و همچنین سفر حمد بن خلیفه آل ثانی امیر قطر به تهران، از جمله تلاش‌هایی هستند که باید آنها را در چارچوب پیشنهاد دونالد ترامپ به جمهوری اسلامی برای انتخاب بین دو گزینه «مذاکره» یا «جنگ» بررسی کرد.

اگر امیر قطر در دیدار با علی خامنه‌ای پیام احتمالی از کاخ سفید را به رهبر جمهوری اسلامی رساند، لاوروف با هدف دیگری به تهران سفر کرد. وزیر خارجه روسیه حامل هیچ پیامی از مارکو رابوئو برای عباس عراقچی نبود بلکه پیامی از تزار روسیه ولادیمیر پوتین به تهران برد.

مسکو، واشنگتن، پکن، بروکسل

روسیه در نظر دارد در مناسباتش با رئیس‌جمهور آمریکا از کارت جمهوری اسلامی کمال استفاده را ببرد، هرچند هنوز نمی‌توان به این نتیجه رسید که لزوماً ولادیمیر پوتین، جمهوری اسلامی و خامنه‌ای را قربانی مذاکرات مسکو و واشنگتن خواهد کرد.

پرونده پایان دادن به جنگ اوکراین در شرق اروپا، تازه وارد مرحله‌ی جدید شده است و هنوز مشخص نیست چگونه حل و فصل خواهد شد. عوامل بسیاری می‌توانند در هفته‌های آینده در این زمینه نقش داشته باشند که شاید مهم‌ترین آنها روابط جدید آمریکا با متحدان اروپایی باشد. اینهمه در شرایطی است که اروپا روسیه‌ی ولادیمیر پوتین را خطری بسیار جدی برای امنیت خود ارزیابی می‌کند، در حالی که برای آمریکا جمهوری خلق چین از نظر تهدیدات در اولویت قرار دارد. این اختلاف نظر بین اروپا و آمریکا می‌تواند در مذاکرات مسکو و واشنگتن نیز تأثیرگذار باشد.

در این بازی هرکدام از بازیگران تلاش خواهند کرد، موقعیت‌هایی را به وجود آورند که در جهت و به سود اهداف آنها باشد. جمهوری اسلامی نیز تلاش خواهد کرد در این بازی در حد امکانات و ظرفیت‌های خود حضور داشته باشد. دیدار نمایندگان جمهوری اسلامی در روزهای گذشته

سرمقاله

دادخواهی و ابتذال ۵۷

فرآیند دادخواهی علیه جمهوری اسلامی در ایران آینده که بی‌تردید در راه است، شامل رسیدگی به هزاران پرونده‌ی نه تنها مربوط به مقامات حکومت پهلوی و دیگر مخالفان و دگراندیشان و مردم معترض بلکه حتا حذف‌های درونی خود نظام و همچنین پرونده‌های غیرسیاسی می‌شود که در دادرسی‌های عادی نیز حقوق متهمان در آنها رعایت نشده است.

دادخواهی در ایران آینده شامل پرونده‌های اقتصادی و فساد، انواع غضب و تصرف در اموال مردم و همچنین غارت منابع طبیعی و ایرانفروشی و جنایت علیه محیط زیست نیز می‌شود.



بر اینهمه می‌بایست پرونده فجایی مانند شلیک به پرواز ۷۵۲ و انواع سوانح مشکوک قطار و هواپیما و هلی‌کوپتر و کشتی را نیز افزود. مسئولیتی عظیم که برای انجام آن می‌بایست از تجارب کشورهای دیگر مانند آلمان نیز استفاده کرد که این روند را هم پس از سقوط فاشیسم در ۱۹۴۵ و هم پس از سقوط کمونیسم در ۱۹۸۹ از سر گذرانده است.

قابل توجه اینکه «دادخواهی» مبتنی بر دموکراسی و حقوق بشر هرگز پس از ۵۷ در ارتباط با حکومت پهلوی از سوی افراد و گروه‌های سیاسی مطرح نشد؛ بلکه توسط نظام مذهبی مورد حمایت آنها و همراه با تشویق آنان، انتقامجویی خونینی به راه افتاد که تصاویر آن روی کار آمدن «جمهوری وحشت» را در ایران مستند کرده‌اند.

جمهوری اسلامی در ارتباط با جنایاتی مانند سینما رکس نیز که مرتکبان به خود آن مربوط می‌شدند، خیلی سریع توانست با سوزاندن تر و خشک، بی‌عدالتی را هم در دوره انتقال و هم به عنوان زیربنای نظام حقوقی و دستگاه قضایی خود تثبیت کند. دادخواهی همواره دست‌کم دو طرف دارد و قطعاً از یکسو با انکار و از سوی دیگر با انتقام به دست می‌آید. اینکه در ارتباط با کسانی که پیش از ۵۷ «زندانی سیاسی» بودند و شماری از آنها بعداً زمامداران جنایتکار جمهوری اسلامی شدند، هرگز هیچ بی‌عدالتی روی نداده و یا قانونی زیر پا گذاشته نشده، ادعایی است که می‌بایست بر اساس اسناد و مدارک راست‌آزمایی شود. قوه قضائیه و دادگستری و همچنین ابتکار تشکیل «خانه‌های انصاف» در روستاها و نقاط دورافتاده در دوران دو پادشاه پهلوی برای اجرای قانون و تأمین عدالت برای همه بود. مبالغه و گرافه‌گویی در تأیید و یا تکذیب آنچه مورد قبول یا رد است، واقعیت را تغییر نمی‌دهد و هیچ کمکی به فرد یا جریان مورد تأیید نمی‌کند و هیچ زبانی هم به فرد یا جریان مورد تکذیب نمی‌زند! بلکه واقعیت را خدشه‌دار کرده و امکان برخورداری و دفاع از حقیقت را سلب و یا راه رسیدن به آن را سخت می‌کند.

اگر ابتذال ۵۷ مفهوم دادخواهی را با انتقام خونین تیرباران کرد، اکنون همان ابتذال تازه به فکر دادخواهی از یک مقام امنیتی (پرویز ثابتی) افتاده که اگر پس از ۵۷ در ایران می‌بود مانند صدها مقام نظامی و غیرنظامی و کارآفرین و یا مدیر ارشد و میانی و حتا پایین حکومت پیشین در بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی و بدون دادرسی عادلانه تیرباران می‌شد! «دادخواهی» ۱۴۰۳ با درخواست غرامت چند میلیون دلاری نه در ایران آینده بلکه در آمریکا و در زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است، علیه مقامی که چون در ایران نبود، در اعدام‌های انقلابی تیرباران نشد، همان ابتذال ۵۷ است که بار دیگر نه صرفاً علیه آن مقام بلکه عین جمهوری اسلامی در ضدیت با پهلوی و هراس از اراده و انتخاب مردم بالا زده است!

که واکنش آنها به اقدامات اسرائیل اگر مورد تأییدشان هم نباشد گذرا خواهد بود و تأثیر درازمدت در روابط با این کشور نخواهد داشت.

از سوی دیگر نباید نقطه نظر جمهوری اسلامی را نادیده نگرفت. حکومت ایران نمی‌تواند «خلع سلاح» اتمی یا موشکی و پهپادی را بپذیرد. چنانکه نخواهد پذیرفت که نیروهای به اصطلاح «جبهه مقاومت» با وجود ضربات شدیدی که اخیراً متحمل شده‌اند کاملاً حذف شوند.

خلع سلاح اتمی و موشکی و پهپادی و از دست دادن نیروهای نیابتی برای وارثان روح‌الله خمینی به معنای خودکشی جمعی و پایان حکومتی است که در سال ۵۷ در ایران روی کار آمد.

جمهوری اسلامی و رهبرش علی خامنه‌ای ممکن است با جنگ، شانس برای ادامه داشته باشد، ولی از دست دادن کارت‌های کنونی‌اش برای آن به مثابه مرگ است. برای همین نیز انتظار اینکه خامنه‌ای به خواست‌های دونالد ترامپ تن در دهد، کاملاً بیهوده است.

چنانکه زمانی روح‌الله خمینی نیز گفته بود، برای جمهوری اسلامی جنگ «نعمت» است؛ و آن زمان بود چرا که همراه با قلع و قمع مخالفان، به تثبیت آن کمک کرد! البته نعمتی که مردم ایران بهای آن را طی چهار دهه گذشته پرداخت کرده و تا امروز نیز در حال پرداخت آن هستند. اینبار اما ممکن است در جنگی که قطعاً مانند جنگ هشت ساله نخواهد بود، دیگر برای زمامداران نظام نه «نعمت» بلکه مصیبتی باشد که سرنوشت نهایی حکومت‌شان را رقم خواهد زد.

اتمی و حتا موشکی و پهپادی است. اگرچه آمریکا و اروپا و روسیه و کشورهای منطقه همه نگران اقدام نظامی احتمالی اسرائیل علیه جمهوری

تهران برای ساختن بین پنج تا شش بمب هسته‌ای اورانیوم کافی دارد که این می‌تواند واکنش احتمالی اسرائیل را تسریع کند.



اسلامی هستند ولی نباید از نظر دور داشت که این کشور برای تامین امنیت خود هرگز مخالفت دیگر کشورها حتا متحدانش را در نظر نداشته است زیرا به خوبی می‌داند

اخباری که از ایران می‌رسند نیز تأییدی بر احتمال اقدام نظامی و همچنین تلاش برای آغاز اعتراضات اجتماعی از سوی اسرائیل در مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی اعم از

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «آی ۲۴»:

پرزیدنت ترامپ باید درک کند که ذات رژیم ایران تغییر نمی‌کند



رژیم روحانیت صحبت می‌کنیم، یا ایران سکولار و دموکراتی که ارزش‌های دنیای آزاد را پذیرفته است؟ این موضوعی است که پرزیدنت ترامپ باید درک کند که راه حل، مذاکره با جمهوری اسلامی نیست. سیاست جهان غرب تا کنون این بوده که انتظار داشته باشد این رژیم رفتار خود را تغییر دهد. اما این رژیم قادر به تغییر رفتار نیست، همانطور که قادر به تغییر ذات خود نیست. آنچه باید تغییر کند، خود رژیم است و این خواست مردم ایران است.»

او در ادامه تأکید کرد، «وقتی رژیم سقوط کند، هرگونه تهدید علیه موجودیت اسرائیل، بی‌ثباتی در منطقه، تأمین مالی تروریسم، افراط‌گرایی و تهدیدات هسته‌ای همگی با هم از بین می‌رود.»

دادن به این رژیم است، زیرا برخلاف این رژیم که ذاتاً متخاصم است، مردم ایران خواهان صلح هستند. ما می‌خواهیم با جهان و منطقه در صلح باشیم. ایرانیان هیچ دشمنی و خصومتی با اسرائیل، یهودیان، اعراب یا سعودی‌ها ندارند.»

شاهزاده رضا پهلوی به سفر دو سال پیش خود به اسرائیل اشاره کرد و گفت: «وقتی دو سال پیش به اورشلیم سفر کردم، یکی از پیشنهاداتم به رهبران اسرائیل این بود که تصور کنید پیمان ابراهیم به سطحی بالاتر ارتقا پیدا کند و شامل ایران به عنوان یک شریک قابل اعتماد شود، نه اینکه چون یک ایرانی هستم این را بگویم، بلکه چون ایران می‌تواند در برقراری تعادل نقش کلیدی ایفا کند اما مسئله این است که کدام ایران؟ آیا درباره ایران تحت حاکمیت

● شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «آی ۲۴» اسرائیل بار دیگر عنوان کرد که جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین وضعیت خود در چهار دهه اخیر قرار دارد و مردم ایران نیز در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری خواستار تغییر رژیم هستند ● وی در این مصاحبه که یکشنبه ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ (پنجم اسفندماه) صورت گرفت، گفت: «امروز مردم خواستار پایان این رژیم هستند. تا همین چند سال پیش، همچنان بحث اصلاحات در داخل رژیم مطرح بود. اما اکنون اصلاح‌طلبان سابق هم در کنار ما قرار گرفته‌اند. ما شاهد افزایش ریزش‌ها در داخل حکومت هستیم.»

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «آی ۲۴» اسرائیل بار دیگر عنوان کرد که جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین وضعیت خود در چهار دهه اخیر قرار دارد و مردم ایران نیز در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری خواستار تغییر رژیم هستند.

وی در این مصاحبه که یکشنبه ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ (پنجم اسفندماه) صورت گرفت، گفت: «فکر می‌کنم که در طول بیش از چهار دهه گذشته، رژیم ایران هیچگاه تا این حد ضعیف نبوده و در عین حال، هیچگاه مردم ایران تا این اندازه برای تغییر [رژیم] آماده نبودند. امروز مردم خواستار پایان این رژیم هستند. تا همین چند سال پیش، همچنان بحث اصلاحات در داخل رژیم مطرح بود. اما اکنون اصلاح‌طلبان سابق هم در کنار ما قرار گرفته‌اند. ما شاهد افزایش ریزش‌ها در داخل حکومت هستیم.»

او در ادامه افزود: «اما آنچه باید رخ دهد تغییر سیاست در کشورهای غربی است. بجای اینکه فکر کنند مآشات و مذاکره راه حل است، باید بفهمند که تنها راه حل نهایی، پایان

روزنامه «تلگراف»؛ ولیعهد ایران:

کشور من در آستانه انقلابی مانند انقلاب ۱۹۷۹ قرار دارد



شاهزاده رضا پهلوی در هفدهمین «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» / ۱۸ فوریه ۲۰۲۵

کنفرانس امنیتی مونیخ یک نمونه در همین زمینه بود که نخست از پهلوی دعوت و بعد آن را لغو کرد و پس از دعوت مجدد نیز باز آن را لغو نمود. او از این موضوع خشمگین بود و وزارت خارجه آلمان را متهم کرد که صدای مردم ایران را به خاطر مداخلات با حکومت ملایان حذف می‌کند.

وی در همین ارتباط گفت: «من فقط یک پیام‌رسان هستم. با ساکت کردن من، صدای میلیون‌ها قربانی این رژیم را خاموش می‌کنید.» او می‌گوید که بسیاری از میلیون‌ها ایرانی در داخل که وی آنها را نمایندگی می‌کند، بطور قابل توجهی از دیپلمات‌های غربی که به نام «جلوگیری از برخی سناریوهای بد» با رژیم ایران مداخلات می‌کنند، عصبانی هستند. به عقیده وی، «اگر از ترس انتقام‌جویی، تردید یا ملاحظاتی وجود داشته باشد، اتفاقاً تن ندادن به همین بازی برای باج‌گیری است. این یعنی دادن کارت سفید به رژیم تا هر زمان که احساس فشار کنند، از کارت باج‌خواهی استفاده کرده و دولت‌ها را مجبور به عقب‌نشینی نمایند.»

احتمالاً خانواده‌های گروگان‌های سیاسی و دیپلمات‌های غربی که وظیفه سنگینی برای ایجاد توازن بین منافع ملی خود، امنیت هسته‌ای جهان و بازگرداندن شهروندان زندانی خود به کشورشان دارند، نظری غیر از این راهکاری که ساده به نظر می‌رسد دارند.

«ملت ما هرگز به این اندازه برای تغییر آماده نبوده است» در هر صورت حتی منتقدان نیز اذعان می‌کنند که پهلوی دست‌کم برنامه‌ای برای اصلاح دارد و از اقبال گسترده‌ای چه در داخل و چه در خارج کشور برخوردار است. چشم‌انداز او- همانچیزی که می‌خواست در کنفرانس امنیتی مونیخ به دولت‌های غربی ارائه دهد- این است که معامله با رژیم (که او آن را مداخلات می‌نامد) شکست خورده اما همزمان می‌بایست از اقدام نظامی نیز اجتناب ←

فرصت حیاتی برای تغییر تاریخ به وجود آمده و ممکن است فقط چند ماه باز باشد. اکنون زمان عمل است. ایران در شور انقلابی یا دست‌کم مرحله پیش از انقلاب قرار دارد و این شور هر روز در حال افزایش است. همه شعارهایی که در خیابان‌ها شنیده می‌شود مانند «مرگ بر جمهوری اسلامی» و «مرگ بر دیکتاتور» و همه اعتراض‌ها و تظاهرات‌ها بطور مشخص خواستار پایان دادن به این رژیم هستند.»

رولاند آلیفانت نویسنده‌ی این گزارش می‌گوید که شاهزاده رضا پهلوی «حین بازدید از دفتر «تلگراف» برای ضبط یک پادکست سیاسی» به وی توضیح می‌دهد که «چشم‌انداز روشن است به ویژه در چهل و ششمین سالگرد انقلاب که برگزاری مراسم حکومتی آن با اعتراضات مردم همراه بود. این اعتراضات محدود فقط به چند نقطه نیست.»

این گزارش با توضیح اینکه ولیعهد ایران در یک سفر دیپلماتیک فشرده در اروپا بسر می‌برد که شامل حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ نیز می‌شد، می‌نویسد، او به همراه گروهی از محافظان و مشاوران طی دو هفته گذشته در دفاتر سیاستمداران پایتخت‌های اروپا در رفت و آمد بود تا با دولت‌های غربی درباره این موضوع گفتگو کند که برای فروپاشی جمهوری اسلامی آماده شوند. متقاعد کردن دیگران به این موضوع همیشه چندان آسان نیست.

همه باور نمی‌کنند که او از پشتوانه و حمایتی که مدعی است در داخل کشور برخوردار است. برخی در اپوزیسیون تبعیدی ایران در انگیزه‌های حامیان او تردید دارند. به ویژه پس از اینکه برخی از آنها از رسانه‌های اجتماعی برای حمله به فعالانی که طرفدار پادشاهی نیستند استفاده کرده‌اند. بسیاری از دولت‌ها نیز نمی‌خواهند روابط حساس دیپلماتیک و سیاسی با [رژیم] ایران را به خطر بیندازند و به همین دلیل در میزبانی از شخصیتی که خواهان تغییر رژیم است احتیاط به خرج می‌دهند.

● روزنامه بریتانیایی «تلگراف» در گزارش مفصلی که یکشنبه ۲۳ فوریه (۵ اسفند) منتشر شده می‌نویسد، رضا پهلوی معتقد است زمان آن رسیده است که غرب برای فروپاشی نزدیک جمهوری اسلامی آماده شود و از موج فزاینده مخالفت‌ها حمایت کند.

● این گزارش با توضیح اینکه ولیعهد ایران در یک سفر دیپلماتیک فشرده در اروپا بسر می‌برد که شامل حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ نیز می‌شد، می‌نویسد، او به همراه گروهی از محافظان و مشاوران طی دو هفته گذشته در دفاتر سیاستمداران پایتخت‌های اروپا در رفت و آمد بود تا با دولت‌های غربی درباره این موضوع گفتگو کند که برای فروپاشی جمهوری اسلامی آماده شوند. متقاعد کردن دیگران به این موضوع همیشه چندان آسان نیست.

● پهلوی با اطمینان معتقد است که ظرفیت ایفای نقش رهبری در دوران گذار مورد نظرش را دارد و می‌گوید برنامه‌ای نیز برای اجتناب از اشتباهات انقلاب گذشته دارد: «تفاوت این است که اینبار نه تنها می‌گوییم که این رژیم باید برود، زیرا همه از جمله اصلاح‌طلبان سابق که اکنون در مسیری همگرایی با ما هستند می‌دانند که باید برود، بلکه راه روشنی برای آلترناتیو با گزاره‌های مشخص وجود دارد. مردم اینبار نیازی به حدس و گمان ندارند که چه خواهد شد. آنها می‌دانند چه چیزی می‌خواهند.»

روزنامه بریتانیایی «تلگراف» در گزارش مفصلی که یکشنبه ۲۳ فوریه (۵ اسفند) منتشر شده می‌نویسد، رضا پهلوی معتقد است زمان آن رسیده است که غرب برای فروپاشی نزدیک جمهوری اسلامی آماده شود و از موج فزاینده مخالفت‌ها حمایت کند.

این روزنامه با نگاهی به گذشته و پیش از سال‌های ۵۷ می‌نویسد، رضا پهلوی هفت ساله بود که فهمید چیزی در مورد او متفاوت است. او که پس از تاجگذاری پدرش در سال ۱۹۶۷ سوار بر کالسکه از خیابان‌های تهران عبور می‌کرد، متوجه شد که جمعیت فقط برای پدر و مادرش دست نمی‌زنند؛ او به یاد می‌آورد: «من متوجه شدم که آنها مرا هم تشویق می‌کنند و آن لحظه‌ای بود که چیزی در ذهنم کلیک کرد و آن اینکه من موقعیت خاص یا مهمی دارم.» وی همچنین می‌گوید که «مردم شوق، عشق و محبت داشتند اما در عین حال انتظاراتی هم به عنوان ولیعهد بودن وجود داشت و همه اینها باعث می‌شد که فکر کنم در برابر اینهمه فداکاری و نیز مسئولیت، چه محدودیت‌هایی را باید پذیرفت تا بتوان این توقعات را برآورده کرد؟»

اما اکنون نیز که او ۶۴ سال دارد، همچنان با اعتماد به نفس شخصیتی که برای حکومت بزرگ شده صحبت می‌کند

«پنجره فرصت»

او استدلال می‌کند که جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی در داخل گلویش فشرده می‌شود، در منطقه به لحاظ نظامی به طرز مرگبار ضربه خورده و از نظر ایدئولوژیک رو به مرگ است و به سرعت اقتدار خود را حتی در میان حامیان دیرینه خود از دست می‌دهد. دولت‌های غربی باید از این لحظه برای کمک به ایرانیان جهت استقرار یک دموکراسی سکولار از طریق نافرمانی مدنی استفاده کنند: «یک پنجره

می‌دانند رژیم به بن‌بست رسیده و دیگر نمی‌توان موضوع اصلاحات از درون را مطرح کرد.» پهلوی مدعی است افرادی مانند نصیری ثابت می‌کنند که افراد بیشتری خواهان نابودی جمهوری اسلامی هستند: «ما نمی‌خواهیم سناریویی را تشویق کنیم که به هرج و مرج منجر شود، بلکه یک فروپاشی کنترل شده می‌خواهیم. اما این اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه شما همکاری ضمنی نیروهای نظامی و شبه‌نظامی را داشته باشید. البته کسانی که دست‌شان به خون مردم آغشته است، روزی باید در برابر عدالت قرار گیرند. و فراتر از آن، کسانی که نه فاسد هستند و نه مسئولیت‌گیری دارند، باید بدانند که در آینده جایگاهی دارند، بنابراین لازم نیست فکر کنند که محکوم هستند با این رژیم مانند.»

پهلوی قطعاً شایستگی پرداختن به مباحث در مورد پویایی تغییر را دارد. او متولد ۱۹۶۰ و نخستین پسر محمدرضا شاه و شهبانو فرح پهلوی است که زندگی‌اش با تحولات سیاسی انقلاب ایران متحول شد. او تصدیق می‌کند که دوران کودکی‌اش غیرمعمول بوده و در کاخ سلطنتی در شمال سرسبز تهران بزرگ شده و آینده او به عنوان پادشاه از آغاز رقم خورده بود. او از عبارت «شسته رفته» برای توصیف اینکه چگونه تحصیلاتش با جلسات توجیهی در مورد پروتکل سلطنتی و شرکت در آیین‌های رسمی با والدینش آمیخته شد استفاده می‌کند. این یک زندگی با امتیازات و امکانات غیرقابل تصور بود- درس فوتبال با تیم ملی، غواصی با نیروی دریایی. والدین‌اش او را تشویق می‌کردند که به میل خود در تهران و بعداً در سایر نقاط کشور پرسه بزند و گاهی سعی می‌کرد از محافظان امنیتی خود فرار کند: «پدر و مادرم هرگز مرا از تلاش باز نداشتند. آنها می‌دانستند که من عاشق پرواز هستم و از همان ابتدا می‌گفتند: «چرا که نه؟ ادامه بده.» او به یاد می‌آورد: «من از حدود ۱۲ سالگی پرواز را شروع کردم. اولین پرواز انفرادی من وقتی ۱۳ ساله بودم با یک مربی از خلبانان نظامی بود. البته بعدها در نگاهی به گذشته متوجه می‌شوید، اوه خدای من. منظورم اینست که همه این امکاناتی را تصور کنید که ممکن بود برخی از آنها را نمی‌داشتیم، اگر من همان کسی نمی‌بودم که آن‌موقع بودم.»

درک این موضوع که چنین امتیازی نیز با بار بزرگی از مسئولیت همراه بود، ابتدا در روز تاجگذاری پدرش به ذهن او خطور کرد و با گذشت زمان بیشتر شد. او می‌گوید: «می‌توانید آن را حس آگاهی بنامید، اما من هرگز در برابر پذیرش این مسئولیت عصیان نکردم.» این چیز است که او فکر می‌کند در تربیت‌های سلطنتی مشترک است و می‌افزاید: «شرط می‌بندم اگر از شاه چارلز هم بپرسید، او نیز داستان مشابهی خواهد داشت.»

زندگی ساخته شده در غربت

پهلوی یک روز پس از پایان دبیرستان، برای شروع آموزش رسمی به عنوان خلبان جنگنده به آمریکا رفت. او در مدرسه خلبانی در تگزاس بود که در ژانویه ۱۹۷۹ خبر پیدا کرد که پدرش از سلطنت کناره‌گیری کرده و به مصر رفته است. ناراضی‌گسترده از گرانی، نابرابری، فساد، وحشیگری پلیس مخفی شاه و خشم محافظه‌کاران از سکولاریزاسیون منجر به قیام مردم شد. او تصدیق می‌کند که وقوع چنین موضوعی را نمی‌دید. پهلوی استدلال می‌کند که اکثر کسانی که خواهان تغییر بودند نیز فکر نمی‌کردند چنین اتفاقی بیفتد. اما از پایان سال ۱۹۷۸ این قیام شتابی یافت که دیگر قابل توقف نبود.

در فوریه ۱۹۷۹، یک ماه پس از خروج شاه از کشور، خمینی از فرانسه به ایران برگشت و جمهوری ←

ندارد، جز اینکه باید سکولار و دموکراتیک باشد. در این واقعیت که جمهوری اسلامی دچار مشکلات جدیست، پهلوی تنها نیست. رژیم خامنه‌ای در داخل تحت فشار شدید اقتصادی قرار دارد و پس از ضربات اسرائیل به حزب‌الله و سقوط اسد در سوریه، در منطقه نیز متحمل شکست‌های نظامی چشمگیری شده است. در میان مردم ایران نیز تفاهم و همگرایی عمومی وجود دارد. رژیم هم مشروعیت عمومی و هم اعتماد تعدادی از خودی‌هایی را از دست داده که دیگر باور ندارند می‌توان آن را اصلاح کرد. در همین حال، مخالفان این فرصت را احساس می‌کنند.

دونالد ترامپ تحریم‌های «فشار حداکثری» را مجدداً علیه [رژیم] ایران به اجرا گذاشته تا آن را مجبور به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای خود کند، زیرا گمان می‌رود بیش از هر زمان دیگری به تولید بمب نزدیک شده است.

در صورت شکست این سیاست اما به نظر می‌رسد که اسرائیل و آمریکا حملات هوایی و موشکی به تأسیسات هسته‌ای در ایران انجام خواهند داد، چیزی که پهلوی می‌گوید تا حد امکان باید از آن اجتناب کرد. آیا فرصتی تاریخی برای تغییر وجود دارد؟ او می‌گوید: «ما معتقدیم بله، اما فکر می‌کنم که شکست سیاست‌گذاران غربی در مسیری که [رژیم] ایران را به جایگاه فعلی رسانده، می‌تواند مانع موفقیت ما در یافتن راهی برای حل مشکل نهایی شود.»

او از طرفداران بزرگ سیاست فشار حداکثری ترامپ است، اما می‌گوید که این سیاست باید با «حمایت حداکثری» از مخالفان ایرانی در داخل کشور و تشویق «حداکثر ریزش» از رژیم فعلی همراه باشد.

گفتگو با تیم رئیس‌جمهور کنونی آمریکا او را خوشبین کرده است. آنهم با وجود قطع کمک‌های توسعه که می‌تواند به تلاش‌ها برای رصد کردن رژیم ضربه بزند. چندین رسانه ایرانی که قیلاً از آمریکا بودجه دریافت می‌کردند اخیراً مجبور به تعطیلی یا اخراج کارکنان خود شدند. او می‌گوید: «مارکو رابوئو احتمالاً اولین وزیر خارجه است که واقعاً موضوع و پویایی نوع تغییری را که ما پیشنهاد می‌کنیم درک می‌کند.»

«فروپاشی کنترل شده»

پهلوی می‌گوید ایده «حمایت حداکثری» از حمایت غرب از ناراضیان شوروی و اروپای شرقی در دهه آخر جنگ سرد یا فشار بین‌المللی که در نهایت به پایان آپارتاید در آفریقای جنوبی منجر شد، نشأت می‌گیرد. به عنوان مثال، برای اطمینان از دسترسی ایرانیان به اطلاعات و قطع نشدن ارتباط آنها با جهان از طریق اینترنت، چه باید کرد؟

ایده دوم، در مورد ریزش نیروهای حکومت و عملی شدن انقلاب و به حداقل رساندن خونریزی احتمالی است: هر چه افراد بیشتری را بتوان از رژیم جدا کرد- بوروکرات‌ها، سیاستمداران، رده‌های متوسط و پایین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پرسنل نظامی و امنیتی- احتمال سقوط نسبتاً مسالمت‌آمیز رژیم بیشتر خواهد بود. در سال ۱۹۷۹، تصمیم ارتش ایران برای اعلام بی‌طرفی، کلید موفقیت آن انقلاب بود.

او به عنوان شاهی بر این مدعا که روند ریزش در جریان است، به مهدی نصیری یکی از نزدیکان رهبر جمهوری اسلامی و سردبیر سابق روزنامه کیهان، مهم‌ترین روزنامه حامی رژیم، اشاره می‌کند. نصیری اخیراً با صراحت از رضا پهلوی حمایت کرده است: «او با من صحبت کرده و این آغاز آن روند همگرایی است. خیلی‌ها مثل او هستند که

→ شود. او می‌گوید: «آنچه به آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها گفته‌ام، این است که از دیپلماسی شکست‌خورده مستقیماً به درگیری و جنگ نپردازیم. بلکه گزینه سومی وجود دارد که بهترین گزینه است و آن حمایت از مردم ایران است. این سناریو برخلاف دیگر سناریوهای تغییر رژیم خواهد بود که به خوبی انجام و اجرا نشده‌اند، برای مثال در عراق و سقوط صدام حسین. تغییر رژیم در ایران هیچ ربطی به آنچه غرب و به ویژه آمریکا از ۱۱ سپتامبر در افغانستان و عراق تجربه کرده است، ندارد. رژیم در آسیب‌پذیرترین و ضعیف‌ترین وضعیت خود قرار دارد و در عین حال ملت ما هرگز به این میزان برای تغییر آماده نبوده است.»

این پیامی است که با دقت و متناسب با نگرانی‌های رای‌دهندگان و سیاستمداران آمریکایی تنظیم شده است. او می‌گوید که آنها نباید نگران «ارتش زمینی» باشند، زیرا مردم ایران خود این ارتش هستند. نیازی به جنگ داخلی یا فروپاشی دولتی مانند عراق یا لیبی نیست، زیرا یک انقلاب مسالمت‌آمیز اعضای رژیم را با خود همراه خواهد کرد. پهلوی استدلال می‌کند که «طالبان‌سازی» در ایران وجود نخواهد داشت، زیرا مردم ایران طعم دیکتاتوری مذهبی را چشیده‌اند و از آن خسته شده‌اند.

بسیاری از مورخان بر این باورند که یکی از اشتباهات پدر رضا پهلوی تلاش از بالا به پایین برای اعمال سکولاریسم به سبک غربی در یک جامعه سنتی بود. پهلوی استدلال می‌کند که چهار دهه حکومت جمهوری اسلامی کاملاً ورق را برگردانده است: اکنون این مردم هستند که در برابر رژیمی که ایدئولوژی مذهبی را تحمیل کرده است، سکولار شده‌اند.

البته نکته قابل توجهی در این نظر پسر شاه ایران وجود دارد که شرایط کنونی را با سال ۱۹۷۹ مقایسه می‌کند چرا که آنوقت آیا تشابه ناخوشایندی بین پدرش و علی خامنه‌ای ایجاد نمی‌شود که از سال ۱۹۸۹ به عنوان جانشین روح‌الله خمینی و رهبر جمهوری اسلامی سلطنت کرده است؟

رضا پهلوی اذعان می‌کند: «این یک سؤال منصفانه است. ولی تفاوت بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۲۰۲۵ در این است که در آن زمان، هیچکس درکی از آلترناتیو نداشت، زیرا فراخوان اصلی این بود که شاه هر چه هست باید برود و بعد خواهیم دید که چه خواهد شد. خوب، حدس بزنید چه اتفاقی افتاد؟ خمینی اتفاقاً افتاد! هیچکس نمی‌دانست که قرار است چکار کند. زمانی هم که همه متوجه شدند، دیگر خیلی دیر شده بود.»

خمینی هم مانند پهلوی قبل از انقلاب در تبعید بود. ناظران مسائل ایران- و دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی- همیشه در پی یافتن رهبر مخالفان ضد رژیم که بتوانند مردم را مانند او متحد کنند هستند.

پهلوی با اطمینان معتقد است که ظرفیت ایفای نقش رهبری در دوران گذار مورد نظرش را دارد و می‌گوید برنامه‌ای نیز برای اجتناب از اشتباهات انقلاب گذشته دارد: «تفاوت این است که اینبار نه تنها می‌گویم که این رژیم باید برود، زیرا همه از جمله اصلاح‌طلبان سابق که اکنون در مسیری همگرایی با ما هستند می‌دانند که باید برود، بلکه راه روشنی برای آلترناتیو با گزاره‌های مشخص وجود دارد. مردم اینبار نیازی به حدس و گمان ندارند که چه خواهد شد. آنها می‌دانند چه چیزی می‌خواهند.»

پیشنهاد مشخص او در ارتباط با رسیدن به یک دولت موقت است که کشور را در حالی اداره می‌کند که همزمان مجلس مؤسسان نیز برای تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید انتخاب می‌شود تا یک همه‌پرسی برگزار کند. او می‌گوید که هیچ نظری در مورد جزئیات آن قانون اساسی

فاکس نیوز: شاهزاده رضا پهلوی خواستار اقدام جهانی علیه رژیم خامنهای شد

شبکه «فاکس نیوز» در گزارشی به حضور شاهزاده رضا پهلوی در «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» و محورهای اصلی سخنرانی او در این نشست پرداخت.

رضا پهلوی خواستار اقدام جهانی برای شکست دادن رژیم جمهوری اسلامی شد. او می‌گوید این رژیم «ضعیف‌تر از هر زمان دیگری» است و مردم ایران آماده‌اند تا «کشور به تاراج رفته» خود را پس بگیرند.

وی در «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» با اشاره به رنج مردم ایران آنها را «ملتی در بند» خواند و ماهیت سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به رهبری علی خامنه‌ای را محکوم کرد.

استراتژی رضا پهلوی برای آزادی و بازسازی ایران شامل اعمال «فشار حداکثری» از سوی دولت‌های «گروه ۲۰» بر رژیم جمهوری اسلامی، در کنار ارائه «حمایت حداکثری» از مردم ایران است.

«فاکس نیوز» نوشته است که پهلوی طی یک سخنرانی پرشور بارها عشق خود را به ایران و فرهنگ ایرانی ابراز کرد و تأکید نمود که رژیم کنونی در تلاش است تا این فرهنگ را نابود کند. او افزود: «ما فقط علیه جمهوری اسلامی نمی‌جنگیم، ما برای ایران می‌جنگیم».

شبکه «فاکس نیوز» در گزارشی به حضور شاهزاده رضا پهلوی در «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» و محورهای اصلی سخنرانی او در این نشست پرداخت.

در این گزارش که ۱۹ فوریه (اول اسفند) منتشر شد آمده، شاهزاده رضا پهلوی خواستار اقدام جهانی برای شکست دادن رژیم جمهوری اسلامی شد. او می‌گوید این رژیم «ضعیف‌تر از هر زمان دیگری» است و مردم ایران آماده‌اند تا «کشور به تاراج رفته» خود را پس بگیرند. پهلوی در «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» با اشاره به رنج مردم ایران آنها را «ملتی در بند» خواند و ماهیت سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به رهبری علی خامنه‌ای را محکوم کرد.

او در یک سخنرانی سرشار از احساسات عنوان کرد: «مردم ایران بیش از چهار دهه رنج کشیده‌اند، اما روحیه‌شان هرگز نشکسته است. آنها فقط برای خودشان نمی‌جنگند، بلکه برای ارزش‌های آزادی، عدالت و کرامت انسانی مبارزه می‌کنند».

در ادامه گزارش «فاکس نیوز» آمده، «پدر او، محمدرضا شاه پهلوی، در سال ۱۹۷۹ حکومت را از دست داد و خانواده‌اش مجبور به ترک ایران شدند و اسلامگرایان قدرت را به دست گرفتند. شاهزاده پهلوی تا امروز در تبعید زندگی می‌کند و امکان بازگشت به وطن خود، ایران، را ندارد».

در بخش دیگری از این گزارش آمده، استراتژی رضا پهلوی برای آزادی و بازسازی ایران شامل اعمال «فشار حداکثری» از سوی دولت‌های «گروه ۲۰» بر رژیم جمهوری اسلامی، در کنار ارائه «حمایت حداکثری» از مردم ایران است.

در این سخنرانی پرشور، پهلوی به مبارزات مردم ایران به ویژه زنان برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی اشاره کرد

→ اسلامی را اعلام کرد.

پهلوی و خانواده‌اش متعاقباً از کشوری به کشور دیگر - مراکش، باهاما، مکزیک، پاناما و ایالات متحده - در جستجوی یک بندر امن و در نگرانی دائم از مبادله با گروگان‌های آمریکایی که توسط انقلابیون در ایران به اسارت گرفته شده بودند، سفر می‌کردند. در همین حال، آنها اخبار اعدام مقامات حکومت پادشاهی را دریافت می‌کردند که بسیاری از آنها دوستان نزدیک خانواده بودند. سرانجام سفر آنها به قاهره ختم شد، جایی که شاه در ژوئیه ۱۹۸۰ در سن ۶۰ سالگی بر اثر بیماری سرطان درگذشت.

پهلوی سال‌ها در جستجوی شفاف ساختن موقعیت زندگی‌اش بود. در همان سالی که پدرش درگذشت، او کالج را در ماساچوست، جایی که برای مقطع کارشناسی تحصیل می‌کرد، رها کرد. هنگامی که صدام حسین در سپتامبر ۱۹۸۰ به ایران حمله کرد، در تماس با نیروی هوایی وقت ایران تماس گرفت تا به عنوان خلبان جنگنده خدمات خود را ارائه دهد. مقامات جدید که از توطئه سلطنت‌طلبان می‌ترسیدند، تقاضای او را رد کردند.

در این میان، تلاش‌های اولیه وی برای اینکه خود را به عنوان پادشاه قانونی در تبعید نشان دهد، تا حد زیادی توسط بقیه جهان نادیده گرفته شد. تلاش برای بازسازی سلطنت بی‌نتیجه ماند. سرانجام او و مادرش به نیوانگلند نقل مکان کردند و در آنجا در رشته علوم سیاسی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی تحصیل کرد.

در سال ۱۹۸۵، او با یاسمین اعتماد امینی، هموطن ایرانی تبعیدی هشت سال کوچکتر از خود، زمانی که یک دوست مشترک آنها را از فرودگاه واشنگتن دالاس می‌برد، آشنا شد. آنها سال بعد ازدواج کردند و در منطقه واشنگتن دی‌سی ساکن شدند، جایی که از آن زمان تا کنون در آنجا زندگی می‌کنند.

آنها سه دختر دارند - نور، ایمان و فرح - که به گفته رضا پهلوی، از بسیاری جهات، زندگی معمولی آمریکایی دارند. نور در بیوتکنولوژی کار می‌کند، ایمان برای آمریکن اکسپرس و فرح در حال اتمام دوره کارشناسی در دانشگاه ایالتی میشیگان است.

مانند بسیاری از والدین مهاجر، او سعی کرده است که آنها را با میراث کشور خود در ارتباط نگه دارد، اما متوجه شده است که «اگر شب و روز با آن سر و کار نداشته باشید، خواندن و نوشتن به زبان فارسی آسان نیست».

یاسمین که دهه اول ازدواج خود را به عنوان وکیل سپری می‌کرد، در جایگاه خودش به عنوان یک شخصیت انسان‌دوست و چهره اجتماعی ظاهر شد. او با ایجاد یک بنیاد که تا سال ۲۰۱۴ آن را اداره می‌کرد، مراقبت‌های بهداشتی برای کودکان ایرانی ارائه می‌داد و بطور خستگی‌ناپذیر از رسانه‌های اجتماعی جهت کمپین برای همسرش استفاده می‌کرد.

پهلوی به او این موقعیت را می‌داد تا بسیاری از پروژه‌های خود را عملی سازد. او جنجال نیز برانگیخته است و اخیراً در یک پست اینستاگرامی برخلاف تمایل عمومی همسرش برای پس گرفتن تاج و تخت، از او به عنوان شاه یاد می‌کند. پهلوی می‌گوید: «او تقریباً مانند شیر است که از خانه دفاع می‌کند، و از طرف دیگر، خود را سانسور نمی‌کند و همان چیزی را می‌گوید که باور دارد».

یک ایرانی: «ایرانی‌ها زمان شاه را می‌خواهند، اما شاه را نه!»

اگر او در مورد پیش‌بینی خود مبنی بر فروپاشی نزدیک رژیم درست بگوید، پس تبعید طولانی خانواده‌اش ممکن است به زودی به پایان برسد. اما آیا او در اینصورت محکوم نخواهد بود تا به یک «بانی پرنس چارلی» (ولیعهد قرن هجدهم انگلیس که در تبعید زندگی می‌کرد) تبدیل شود؟

رهبر یک مسیر عاشقانه اما غیرممکن که کشوری را که می‌خواست به آن برگردد نمی‌شناخت؟

او این مقایسه را به شدت رد می‌کند و می‌گوید: «بر اساس شواهد اصلاً اینطور نیست» و افزود که جوانان ایرانی امید و انتظار تغییر دارند: «میزان محبوبیت و احترامی که نسبت به پدر بزرگم و کارهایی که پدرم سعی کرد انجام دهد، در این نسل شگفت‌انگیز است».

سنجش درستی این ادعا دشوار است. پهلوی در حال حاضر احتمالاً برجسته‌ترین، فعال‌ترین و کارآمدترین تشکیلات سیاسی را در صحنه اپوزیسیون پراکنده ایران هدایت می‌کند. یک نمونه‌گیری از ایرانیان در تبعید نشان می‌دهد که این نظر مشترک وجود دارد که فقط به دلیل شناخته بودن نام وی هم که باشد، او از حمایت گسترده در داخل کشور برخوردار است.

با این حال، همدلی با ولیعهد و خشم از رژیم فعلی با تمایل به بازگشت پادشاهی یکی نیست.

یک ایرانی که معتقد است پهلوی نقش مهم حقوقی در تغییر و انتقال قدرت در آینده خواهد داشت و ادعا می‌کند: «ایرانی‌ها زمان شاه را می‌خواهند، اما شاه را نه!»

یکی از تبعیدیان دوران اخیر نیز مدعی است که اکثر ایرانیان در داخل کشور موضوع پهلوی را کمی ابلهانه تصور می‌کنند اما عمدتاً خوش‌خیم تلقی می‌شود و او را میلیون‌ها برابر به مریم رجوی از مجاهدین خلق که به دنبال جلب حمایت سیاستمداران غربی است و در داخل کشور به شدت منفور است، ترجیح می‌دهند.

با این حال، برخی دیگر از تناقض بین سخنان وحدت‌بخش و آشتی‌جویانه پهلوی و رفتار برخی از پیروان او که آشکارا خواستار احیای نظام سلطنتی و انتقام خونین از کسانی هستند که آن را سرنگون کردند ابراز نگرانی می‌کنند. یک نفر خاطرنشان کرد: «هیچکس نمی‌خواهد از دست سپاه خلاص شود تا دوباره ساواک مستقر شود».

شکست سریع ائتلاف اپوزیسیون [جرج تاوان] که برای حمایت از اعتراضات زن زندگی آزادی در سال ۲۰۲۲ شکل گرفته بود، ادعای او را مبنی بر اینکه یک چهره متحدکننده است خدشه‌دار کرد و برخی از مخالفانی را که طرفدار پادشاهی نیستند از او دور نمود.

پهلوی خود از پرداختن به موضوع احیای سلطنت پرهیز می‌کند. او خود را به عنوان پادشاهی که باز می‌گردد معرفی نمی‌کند بلکه به عنوان شخصیتی که پرچمدار دوران گذار است. وی مدت‌هاست که می‌گوید مسئله پادشاهی یا جمهوری باید توسط عموم مردم ایران تعیین شود. او می‌گوید پس از سقوط رژیم کنونی و برقراری دموکراسی سکولار، باید در یک همه‌پرسی درباره این موضوع تصمیم گرفته شود.

اگرچه پهلوی هرگز صراحتاً بازگشت به تاج و تخت طاووس را رد نمی‌کند، اما برایش روشن است که علاقه‌ای به نامزدی در مناصب دولتی ندارد. اما به گفته‌ی او، تبدیل ایران به یک سکولاردموکراسی شغل تمام‌وقت اوست و واقعاً کاری جز این در زندگی وی وجود ندارد که آن را ترجیح دهد.

وقتی از او پرسیده می‌شود دلش برای چه چیز از سال‌های گذشته تنگ می‌شود، می‌گوید: «پرواز. چیز خاصی در آن لحظه ورود به کابین خلبان وجود دارد. حس آزادی. سعی می‌کنم هر زمان که فرصت داشته باشم این کار را انجام دهم، اما همیشه زمان کمی برایش وجود دارد».

*منبع: روزنامه تلگراف

*نویسنده: رولاند آلیفانت خبرنگار ارشد سیاست خارجی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

بیانیه «حزب رستاخیز ایرانیان» درباره نشست همگرایی مونیخ



شاهزاده رضا پهلوی در نشست حقوق بشر ژنو / ۳۰ بهمن ۱۴۰۳



ملت شریف ایران، شبروخورشید به عنوان پرچم ملی ایران و نماد مبارزه علیه جمهوری اسلامی معرفی شده است.

این ائتلاف نه تنها راهی برای ایجاد وحدت ملی است، بلکه زمینه‌ای برای اقدام عملی و هماهنگ در جهت براندازی رژیم، حمایت از معترضان داخل کشور و ایجاد ساز و کارهای لازم برای انتقال قدرت پس از جمهوری اسلامی خواهد بود. ما متعهد هستیم که با اجرای طرح‌های عملی و گزارش‌دهی مداوم به مردم، این تعهد را به سرانجام برسانیم

پیام‌های نشست همگرایی: برای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی: این نشست بر سرنگونی رژیم از طریق انقلاب ملی، عدم مذاکره، و ایجاد یک اپوزیسیون منسجم تأکید دارد. همچنین عدالت انتقالی را برای محاکمه ناقضان حقوق بشر دنبال می‌کند.

برای نیروهای نیابتی رژیم: کاهش نفوذ، افشای شبکه‌های لابیگری و از دست دادن مشروعیت در صحنه بین‌المللی از پیام‌های کلیدی نشست بود.

برای نیروهای مستقل و سازمان‌هایی که در این نشست حضور نداشتند: این ائتلاف فرصتی برای مشارکت سیاسی شفاف و مبتنی بر انتخابات آزاد فراهم می‌کند و از تمام گروه‌های سکولار دموکرات دعوت به همکاری می‌نماید.

پیام نهایی: اتحاد و همکاری ملی برای نجات ایران ضروری است و نباید اجازه داد که دشمنان این همکاری را تضعیف کنند.

«ما ایران را از بلندی دماوند و تیسفون و توس می‌نگریم»
«همبستگی ما، آینده ماست!»

حزب رستاخیز ایرانیان - ۱۶ فوریه ۲۰۲۵

نشست همگرایی مونیخ که در تاریخ ۱۶ فوریه ۲۰۲۵ (۲۸ بهمن ۱۴۰۳) برگزار شد، گامی تاریخی در مسیر همبستگی ملی برای آزادی و بازپس‌گیری ایران از چنگال جمهوری اسلامی است. در این نشست، گروه‌ها و احزاب آزادیخواه، در فرآیندی شفاف و با حضور چهره‌های سیاسی و ملی، بر اصول همکاری مشترک به توافق رسیدند و آغاز این همکاری را رسماً اعلام کردند.

حزب رستاخیز ایرانیان به عنوان یکی از حامیان این حرکت بر تعهد خود نسبت به این توافق تأکید کرده و همکاری مستمر با دیگر گروه‌های آزادیخواه را در راستای سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و برقراری یک دولت ملی، سکولار و دموکراتیک وظیفه خود می‌داند.

پیشنهاد‌های حزب ما در این نشست عبارتند بودند از:
۱- افزودن اصل یازدهم به عنوان اصل نخست به اصول همکاری که بر مبنای آن، رهبری شاهزاده رضا پهلوی در دوران گذار بطور رسمی از سوی احزاب و سازمان‌های عضو ائتلاف مشتاقان به رسمیت شناخته شود.

۲- به رسمیت شناختن پرچم پر افتخار شبروخورشید به عنوان پرچم رسمی ایران

۳- زبان پارسی به عنوان زبان رسمی ایران نیز افزوده شوند.

بر اساس بیانیه نهایی، شاهزاده رضا پهلوی از سوی گروه‌های شرکت‌کننده به عنوان رهبر انقلاب ملی و دوران گذار تا زمان برگزاری انتخابات آزاد و تشکیل اولین مجلس و دولت دموکراتیک تعیین شده است. همچنین پرچم

او گفت: «زنان ایرانی فقط علیه حجاب اجباری نمی‌جنگند. مبارزه آنها فقط درباره یک تکه پارچه نیست، بلکه درباره بازپس‌گیری برابری و کشورشان است.» سخنان او باتشویق حضار همراه شد. پهلوی در طول سخنرانی خود بارها عشق خود را به ایران و فرهنگ ایرانی ابراز کرد و تأکید نمود که رژیم کنونی در تلاش است تا این فرهنگ را نابود کند. او افزود: «ما فقط

علیه جمهوری اسلامی نمی‌جنگیم، ما برای ایران می‌جنگیم.» او همچنین جمهوری اسلامی را به سوء استفاده از سفارت‌ها و مراکز فرهنگی برای هدف قرار دادن مخالفان در خارج از کشور متهم کرد. به نوشته «فاکس نیوز»، این تاکتیک با گزارش‌هایی درباره هدف قرار دادن رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ پیش از استقرار دوباره در کاخ سفید، و تلاش برای ترور مسیح‌علینژاد روزنامه‌نگار منتقد رژیم در نیویورک بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است.

علینژاد در برنامه «The Story» در نوامبر ۲۰۲۴ مدعی شده بود: «هر کاری که انجام می‌دهم، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی را به شدت آزار می‌دهد، و به همین دلیل آنها می‌خواهند مرا بکشند. اما من نمی‌خواهم بمیرم. می‌خواهم علیه استبداد مبارزه کنم، علیه این رژیم بجنم و زنده بمانم تا پایان این رژیم را ببینم.»

پس از روی کار آمدن ترامپ به عنوان چهل و هفتمین رئیس جمهوری ایالات متحده، رضا پهلوی نامه‌ای به او نوشت و از وی خواست که روند رسیدن به توافقی به نام «پیمان کوروش» را با حمایت از مبارزه مردم ایران تسهیل کند. به باور پهلوی، ترامپ می‌تواند از طریق توافقی مشابه پیمان ابراهیم که شامل عادی ساختن رابطه میان اسرائیل و کشورهای عرب منطقه می‌شود، «خاورمیانه و جهان را متحول کند» به این شرط که این عادی‌سازی با گسترش به «پیمان کوروش» شامل یک «ایران آزاد» نیز شود.

هفدهمین «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» که شاهزاده رضا پهلوی در آن سخنرانی کرد، سالانه همزمان با نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل برگزار می‌شود و به مخالفان و فعالان این فرصت را می‌دهد که علیه نقض حقوق بشر و اقدامات غیردموکراتیک در سراسر جهان سخن بگویند

گزارش ویژه؛ تلاش جمهوری اسلامی برای بازسازی گروه «حزب‌الله»



تشییع جنازه رهبران حزب‌الله در لبنان / ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ / رویترز

چند افسر ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در همین رابطه به لبنان اعزام شده‌اند.

انتقال پول و سلاح پس از سقوط رژیم بشار اسد در سوریه به آسانی گذشته نیست، با اینهمه اما این انتقال در حجم بسیار محدودتری یک ماه است که آغاز شده. پس از اینکه با چند پرواز مستقیم از ایران به لبنان حدود چند صد هزار دلار نقد به صورت چمدانی به لبنان منتقل و البته فاش شد، دولت مستقر در بیروت تحت فشار آمریکا و فرانسه با جدیت بیشتری پروازهای شرکت هواپیمایی «ماهان» را مورد بازرسی قرار داد و سپس حریم هوایی لبنان را به روی پروازهای جمهوری اسلامی بست.

بلافاصله پس از این تصمیم چندین هزار نفر از اعضا و هواداران حزب‌الله در خیابان‌های اطراف فرودگاه بین‌المللی «رفیق حریری» تجمع کردند و با ارتش درگیر شدند. هواداران حزب‌الله حتی به کاروانی از ماشین‌های نیروی نگاهبان صلح سازمان ملل متحد (یونیفیل) که در جنوب لبنان مستقر هستند نیز حمله کردند. در جریان این حملات معاون نیپالی فرمانده «یونیفیل» به شدت زخمی شد. در پی این تجمع کلیه پروازها از ایران به لبنان متوقف شدند.

ولی توقف پروازهای شرکت‌های هواپیمایی جمهوری اسلامی به بیروت، به گفته منابع امنیتی لبنان، نتوانست مانع ارسال پول‌های چمدانی از ایران برای حزب‌الله شود و انتقال این پول‌ها از طریق مسافرانی غیرایرانی با پروازهای از عراق و ترکیه و چند کشور دیگر منطقه ادامه یافته است. لبنان نمی‌خواهد و نمی‌تواند همه پروازها را بازرسی کند، به ویژه هواپیماهایی را که از ترکیه راهی بیروت می‌شوند چرا که چنین تصمیمی، به گفته همین مقام امنیتی، می‌تواند بطور جدی خشم رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه را برانگیزد. خطری که رئیس‌جمهور جدید لبنان و دولت تازه‌نفس این کشور نمی‌خواهند و نمی‌توانند بپذیرند. در مجموع حدس زده می‌شود که از نیمه ماه دسامبر ۲۰۲۴ تا اواسط ماه فوریه ۲۰۲۵ حدود ۴۰ میلیون دلار به صورت چمدانی به دست حزب‌الله رسیده است.

حزب‌الله به وجود آورده که بار دیگر قدرت خود را به رخ لبنانی‌ها بکشد. نمایش قدرتی که بار دیگر لبنانی‌ها را در برابر واقعیتی بس ناخوشایند قرار داده است. حزب‌الله با وجود ضربات مهلکی که اسرائیل به این گروه وارد کرده، هنوز از برخی توانایی‌ها برخوردار است و همچنان بخش قابل توجهی از شیعیان لبنان که بالاترین هزینه را در پی حملات مرگبار اسرائیل پرداخت کرده‌اند، این گروه را نمایندگی خود می‌دانند. به گفته‌ی یک مقام دولت جدید لبنان «حزب‌الله چون سگ دژنده‌ای که زخمی شده خطرناک‌تر از گذشته است».

البته نمی‌توان نادیده گرفت که دولت جدید لبنان هنوز از نظر ساختاری و به ویژه اقتصادی در موقعیتی قرار ندارد که بتواند قاطعانه در مقابل حزب‌الله بایستد. اگرچه رئیس‌جمهور جدید لبنان، ژنرال ژوزف عون، و نواف سلام، نخست‌وزیر دولت تازه به قدرت رسیده، وعده خلع سلاح حزب‌الله را می‌دهند و مرتب هم این وعده را تکرار می‌کنند، ولی هنوز نتوانستند حتی یک تفنگ هم از شبه‌نظامیان این گروه تحویل بگیرند.

دولت جدید هم که قرار بود حزب‌الله در آن نقش نداشته باشد، مجبور شد چهار وزیر را به پیشنهاد حزب‌الله و امل، دیگر گروه شیعی به رهبری نبیه بری (رئیس کنونی پارلمان) در دولت بگنجانند و چند وزارت با اهمیت چون وزارت اقتصاد را به آنها بسپارد. حضوری که به گفته مورگان ارتگاس معاون فرستاده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه، خط قرمز آمریکا بوده است.

در این روزها یکی از نگرانی‌ها عمده لبنانی‌ها، از شخصیت‌های سیاسی و احزاب مسیحی، سنی و دروزی، تا شهروندان عادی، تلاش برای بازسازی بدنه سیاسی و البته نظامی حزب‌الله با کمک و حمایت جمهوری اسلامی است. به گفته منابع لبنانی، بلافاصله پس از انعقاد توافق آتش‌بس با اسرائیل که دولت‌های فرانسه و ایالات متحده آمریکا بر آن نظارت دارند، جمهوری اسلامی نیز تلاش‌ها برای بازسازی سیاسی و نظامی حزب‌الله را آغاز کرد. حتی گفته می‌شود که

● احمد رأفت روزنامه‌نگار سرشناس و خبرنگار قدیمی جنگ پس از سفری که به تازگی به لبنان داشت درباره وضعیت این کشور و موقعیت گروه «حزب‌الله» گزارش می‌دهد. گروهی که همچنان سایه‌ی آن بر سر مردم این کشور که خواهان صلح و آرامش و امنیت هستند، سنگینی می‌کند.

● به گفته‌ی یک مقام دولت جدید لبنان «حزب‌الله چون سگ دژنده‌ای که زخمی شده خطرناک‌تر از گذشته است».

● توقف پروازهای شرکت‌های هواپیمایی جمهوری اسلامی به بیروت، به گفته منابع امنیتی لبنان، نتوانست مانع ارسال پول‌های چمدانی از ایران برای حزب‌الله شود و انتقال این پول‌ها از طریق مسافرانی غیرایرانی با پروازهای از عراق و ترکیه و چند کشور دیگر منطقه ادامه یافته است. به گفته یک مقام امنیتی لبنان، در مجموع حدس زده می‌شود که از نیمه ماه دسامبر ۲۰۲۴ تا اواسط ماه فوریه ۲۰۲۵ حدود ۴۰ میلیون دلار به صورت چمدانی به دست حزب‌الله رسیده است.

● این «کمک»‌های مالی جمهوری اسلامی که ظاهراً جنبه «خبرخواهانه» دارند، دلیل عمده نگرانی دولت و شهروندان لبنانی نیستند. نگرانی عمده در رابطه با بازسازی ساختار نظامی حزب‌الله است که در حملات اسرائیل ضربات سختی را متحمل شده است.

● احمد رأفت (در بازگشت از بیروت) - لبنان پنج ماه پس از حمله اسرائیل به جنوب این کشور و محلات شیعه‌نشین بیروت، و همچنین کشته شدن حسن نصرالله و دیگر رهبران سیاسی و فرماندهان ارشد و میانی گروه حزب‌الله، هنوز احساس امنیت نمی‌کند. لبنانی‌ها همچنان امیدوار نیستند که روزی خواهند توانست سایه‌ی سنگین این گروه شبه‌نظامی را که بازوی اصلی جمهوری اسلامی در منطقه است، از سر خود دور کنند.

● مراسم خاکسپاری حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله و هاشم صفی‌الدین نماینده علی خامنه‌ای در لبنان، موقعیتی را برای

بازنشر

مسائل شرعی در سفر فضائی

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۲۵) مهر ۱۳۸۵



شیخ مظفر شکور فضانورد مالزیایی در حال عبادت در فضا

مستقیماً از ساکنان آن نواحی بخواهند. در روزگار گذشته، قسمتی از کارهای بهداشتی و پزشکی در حمام انجام می‌گرفت. دلاک‌ها، هم کیسه می‌کشیدند؛ هم سر می‌تراشیدند؛ هم خردسالان را ختنه و بزرگسالان را حجامت می‌کردند.

روزی دلاکی که شیخ مرتضی انصاری مرجع بزرگ شیعه را کیسه می‌کشید از وی سؤال کرد خون امام پاک است یا نجس؟ شیخ گفت این چه سؤالی است که می‌کنی، العیاذ



انوشه انصاری

بالله. مگر امامی ظاهر شده و می‌خواهی او را بکشی؟ مؤمن جواب داد خیر، ولی فرض کنیم فردا حضرت امام زمان ظهور کند و از من بخواهد که حجامتش کنم. چون در ضمن حجامت دستم به خون امام آلوده می‌شود می‌خواهم بدانم باید تطهیر کنم یا نه. شیخ گفت در طی حجامت این سؤال را از خود امام بفرمائید!

پدرستی نمی‌دانم هموطن عزیز ما، خانم انوشه انصاری در برنامه آموزشی سفر به فضا، توجه به جوانب شرعی قضیه داشته و تعلیمات لازم فرا گرفته است یا نه، ولی دو فضانورد مسلمان مالزیایی که قرار است سال آینده با سفینه فضایی روسی عازم افلاک شوند از این جنبه غافل نمانده‌اند.

مذهب تشیع خوشبختانه باب اجتهاد را باز گذاشته و حالا که یک فقیه هم در رأس حکومت قرار دارد و دفتر استفتائات وی برای دریافت سؤالات شرعی و ابلاغ فتاوی دائر است، شیعیان مرتضی علی در برخورد با چنین مسائلی، مشکل پیدا نمی‌کنند ولی برای اهل تسنن یافتن راه حل آنقدرها آسان نیست.

نشریه «نیو ساینتیست» نوشته است از چهار کاندیدای مالزیایی سفر به فضا، سه نفرشان مسلمانند و از هم اکنون این بحث پیش آمده است که تکلیف نماز آنها در فضا چه می‌شود.

سفینه روسی در هر ۹۰ دقیقه، یک بار به دور زمین می‌چرخد و بدین سان، شب و روز فضا با شب و روز زمین فرق می‌کند و این مشکل پیش می‌آید که فضانوردان فریضه پنجگانه را چه زمان و چگونه باید انجام دهند و به سوی کدام قبله.

آلن گادلاس، استاد الهیات دانشگاه جورجیا (آمریکا) در این باره می‌گوید «علمای اسلام به این فضانوردان توصیه خواهند کرد نماز خود را بر اساس زمان معمول روی کره زمین بخواهند» و درباره قبله نیز نظر داده است «همین قدر که به طرف زمین نماز بگذارند کافی است».

در صورتی که نظر این استاد به تأیید مفتیان اهل تسنن برسد، مشکل نماز و قبله تا حدودی حل می‌شود و باقی می‌ماند مشکل وضو.

با توجه به این که در فضا قانون جاذبه حاکم نیست، امکان استفاده از آب وجود ندارد و حالا باید دید حکم شرعی در این باره چیست. آیا تیمم بدل از وضو در مفتیان تجویز می‌کنند یا استفاده از یک حوله خیس؟

راه حل دیگری هم وجود دارد که فضانوردان مسلمان وقتی به ملکوت اعلا نزدیک می‌شوند جواب مسائل شرعی را

این مقام امنیتی در ادامه می‌افزاید بر پایه تحقیقات و همچنین گمانه‌زنی‌ها، بخش قابل توجهی از این دلارهای چمدانی از سوی یک کشور عربی که رقیب پادشاهی سعودی است در اختیار نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفته و سپس راهی عراق و ترکیه برای انتقال به لبنان می‌شوند. اگرچه این مقام امنیتی نامی از این کشور نمی‌برد، ولی تنها یک امیرنشین در خلیج فارس از چنین امکانات مالی برخوردار است و با پادشاهی سعودی رقابت دارد. این کشور امیرنشین قطر است که نه تنها با جمهوری اسلامی بلکه با ترکیه رجب طیب اردوغان نیز دارای روابط بسیار نزدیکی است.

اینهمه در حال است که حزب‌الله توانسته است در دو دهه گذشته در اقتصاد لبنان نیز نفوذ کرده و امروز با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف، البته با استفاده از کمک‌های مالی جمهوری اسلامی، امپراتوری کوچکی را به وجود آورده که با درآمد آنها قادر است زندگی اعضای بخش سیاسی و نظامی‌اش را تأمین کند. هدف از کمک‌های چمدانی پرداخت کمک‌های ماهیانه (بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار) به خانواده‌هایی است که پس از حملات اخیر اسرائیل مجبور به ترک شهرها و روستاهای خود در جنوب لبنان شده‌اند و امروز به صورت آواره در محلات جنوبی بیروت و یا دیگر شهرهای این کشور زندگی می‌کنند. البته حزب‌الله، یا بهتر است بگوئیم جمهوری اسلامی، وعده داده است که پس از بازگشت این خانواده‌ها به شهرها و روستاهایشان، پس از عقب‌نشینی کامل اسرائیل، بخش عمده بازسازی خانه‌های ویران شده در جنگ اخیر را نیز بر عهده بگیرد.

این «کمک»‌های مالی جمهوری اسلامی که ظاهراً جنبه «خیرخواهانه» دارند، دلیل عمده نگرانی دولت و شهروندان لبنانی نیستند. نگرانی عمده در رابطه با بازسازی ساختار نظامی حزب‌الله است که در حملات اسرائیل ضریب سختی را متحمل شده است. منابع لبنانی ادعا می‌کنند در حملات اخیر اسرائیل، حزب‌الله بین ۵۰ تا ۶۰ درصد از تسلیحاتی را که در سال‌های اخیر از جمهوری اسلامی از طریق مرز با سوریه دریافت کرده بود از دست داده است.

زامانداری که پس از سقوط رژیم بشار اسد در سوریه قدرت را به دست گرفته‌اند، البته مانع ارسال تسلیحات جدید از سوی جمهوری اسلامی برای این گروه شبه‌نظامی شده‌اند؛ ولی با سرعت کمتر و ریسک بالاتر دو ماه است که حزب‌الله مجدداً سلاح دریافت می‌کند. این سلاح‌ها نیز از طریق سوریه به لبنان می‌رسند ولی بدون آنکه از گذرگاه‌های رسمی عبور کنند. انتقال این سلاح‌ها توسط قاچاقچیان و عشایری که در نواحی مرزی دو کشور زندگی می‌کنند از سوریه به لبنان صورت می‌گیرد. در دو هفته اخیر این فعالیت‌ها چنان افزایش یافته بود که هم نیروی هوایی اسرائیل این مناطق را در چند نوبت بمباران کرد و هم ارتش سوریه با این قاچاقچیان در چندین مورد درگیر شد.

در سال‌های حضور حزب‌الله در سوریه در حمایت از رژیم بشار اسد، نفوذ این گروه در منطقه القصیر (در غرب استان حمص) در این کشور نیز گسترش چشمگیری داشته است. نفوذی که پس از سقوط رژیم بشار اسد همچنان در روستاهائی چون حاویک، حوش السید و یا زیتا الغریبه، که عمده ساکنان آن را عشایر شیعه و سنی و دروزی تشکیل می‌دهند، ادامه دارد. مقامات امنیتی لبنان معتقدند که این روستاها با تونلهائی که گاهی طول آنها حتی بیش از سه کیلومتر است منطقه القصیر در سوریه را به القصر در لبنان متصل می‌کنند. بخش عمده قاچاق سلاح نیز از طریق همین راه‌های زیرزمینی و مخفی انجام می‌گیرد. تونلهائی که گویا توسط تروریست‌های حماس طراحی شده‌اند.

اصلاحات ارضی: خدمت یا خیانت (۴)

باز نشر

مهاجرت روستائیان به شهرها ناشی از اصلاحات ارضی نبود
به عکس تقسیم ارضی موجب شد زارعین تعلق بیشتری
به روستا پیدا کنند

منوچهر خلخالی

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از اردیبهشت تا خرداد ماه ۱۳۸۳ - شماره ۱۰۰۴ - ۱۰۰۸)

مجری نخستین مرحله اصلاحات ارضی در آذربایجان طی مقاله‌ای مفصل به دفاع از این برنامه برخاسته و جنبه‌های مثبت آن را برشمرده است.

گزیده‌ای از این مقاله را که در آخرین شماره مجله ره آورد (چاپ لس آنجلس) انتشار یافته است برای مطالعه شما برگزیده‌ایم که در چهارشماره به نظرتان خواهد رسید.

مهدی بازرگان از جمله کسانیست که اصلاحات ارضی را مایه فساد و تیره بختی می‌دانند و براین باورند که شاه، با اجرای این برنامه آمریکایی پایه‌های نظم اقتصادی و روابط اجتماعی را در ایران متزلزل ساخت.

در پاسخ به مقاله‌های متعدد دکتر ایزدی در این زمینه، مهندس منوچهر خلخالی معاون پیشین وزارت کشاورزی و

چهل سال پس از اجرای برنامه اصلاحات ارضی، هنوز این سؤال اختلاف برانگیز موضوع مباحثات روشنفکری و حتی مجادلات محفلی است که اصلاحات ارضی آیا خدمت بود یا خیانت. و آن را آمریکائیکها دیکته کردند یا از نیازها و ضرورت‌های ملی ریشه می‌گرفت.

دکتر علیمحمد ایزدی وزیر کشاورزی در کابینه مهندس

خود آقای دکتر است. در مورد اقامت غیرمجاز افغانها در نخست وزیری کمیسیون بود، بنده هم در آن کمیسیون شرکت داشتم. سازمان مربوطه اظهار می‌کرد کارگران افغانی که در تهران اقامت دارند و کار می‌کنند قاچاق هستند و باید از ایران بروند. بعد از مذاکره و بحث زیاد نتیجه این شد اگر این کارگران از ایران بروند چون کارگر دیگر نیست صنعت ساختمان سازی راکد خواهد شد، بهتر است رویه گذشته (یعنی اغماض و چشم پوشی) ادامه داده شود. نمی‌دانم پنج میلیون کارگر یا زارع که آقای دکتر ایزدی ادعا می‌نماید به شهرها مهاجرت کرده‌اند، آن موقع کجا بودند؟ شاید به نظر آقای دکتر جمعیت تهران که از چند هزار نفر به ۱۲ میلیون نفر رسیده است تمام این مهاجرین از ده نشینان هستند؟

همان طور که اشاره شد مهاجرت دهقانان به شهرها همیشه متداول بوده و این مهاجرت ادامه خواهد داشت. علت این مهاجرت این است که در دهات همیشه بیکاری آشکار و پنهان وجود دارد زیرا يك دهقان که مثلا ۶ هکتار زمین دارد در این زمین محدود يك خانواده ۶ یا ۷ نفری امرار معاش کرده و کار می‌کنند، طبعاً افراد این خانواده سال به سال زیادت می‌شوند. ولی منبع درآمد و امرار معاش در همان میزان محدود می‌ماند. لذا افراد مازاد خانواده برای تأمین معاش ناچارند برای جستجوی کار مهاجرت کنند. بعد از مکانیزه شدن زراعت و نقصان نیاز به نیروی کارگران ده‌نشین که زمین ندارند و جمعیت آن هم مثل دهقانان سال به سال زیادت می‌شود افراد زایدشان ناچار می‌شوند به شهرها یا هرکجا که کار پیدا کردند مهاجرت کنند. این مهاجرین همان مهاجرینی هستند که آقای دکتر ایزدی مرقوم فرموده‌اند «بر اثر اجرای برنامه اصلاحات ارضی میلیونها زارع به شهرها مهاجرت کرده‌اند. در صورتی که این مهاجرت به عللی که ذکر شد قبل از اجرای اصلاحات ارضی به طور طبیعی انجام می‌شد». اتفاقاً آقای دکتر ایزدی در تأیید عرایض بنده مبنی بر این که مهاجرت زارعین به شهرها ارتباط به اجرای برنامه اصلاحات ارضی ندارد در ره‌آورد شماره ۴۷ صفحه ۲۳۸ چنین بیان می‌کنند: «چند ماه پیش یکی از روستائیان اطراف شیراز که با هم آشنایی داشتیم به دیدنم آمد. بعد از احوالپرسی گفت: «ده فرزند دارم و ۶۰ نوه البته با توجه به این که فرزندان هم جوان بودند می‌شد پیش بینی کرد که تعداد نوه‌هایش در حال

پدیده‌ایست طبیعی، از اول خلقت به علل مختلف در اوایل به طور دسته جمعی بعدها انفرادی و یا خانواده به مناطقی که امکان زیست بهتر می‌باشد مهاجرت می‌نمایند. چرا شهرنشین‌ها از مهاجرت هزاران افغانی، پاکستانی و



غیره که غیرمجاز به طور قاچاق در تهران و سایر شهرهای کشور مشغول کار هستند، دلتنگ و ناراضی نیستند؟ ولی با مهاجرت چند نفر هموطن که برای امرار معاش به شهرها مهاجرت کرده‌اند ناراضی و دلتنگ هستند؟ به نظر می‌رسد ناراضی بودن شهرنشینان ساخته و پرداخته

۶ - آقای دکتر ایزدی در شماره ۵۹ ره‌آورد صفحه ۱۹۹ مرقوم می‌دارند: «با اصلاحات ارضی سهم مالکین مخصوصاً مالکین بزرگ از محصول به دست آمده که معمولاً بیش از نیاز زندگی‌شان بود و بالتجیه ذخیره می‌شد در سطح کلان همان ذخیره‌ها بودند که پتانسیل سرمایه‌گذاری مجدد رشد اقتصاد را در سطح مملکت داشته به زارعین تعلق گرفت و آنها هم در روستاهایی که به علل خاص از نسق نیافتاد درآمدزا بودند و آن را کلاً به مصرف رساندند الی آخر».

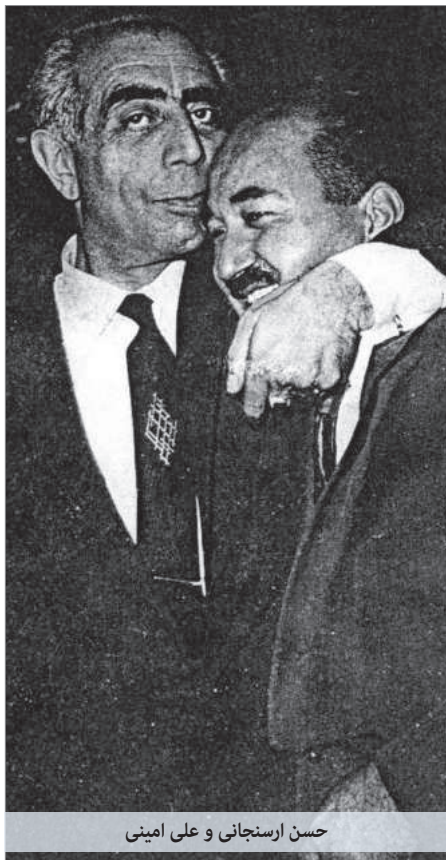
با این بررسی آقای دکتر معلوم می‌شود چرخهای اقتصاد کشور به وسیله سرمایه کلان مالکین می‌چرخید و اگر اکنون اقتصاد کشور بیمار است دلیل آن از بین رفتن ذخیره کلان مالکین می‌باشد. اگر آقای دکتر ایزدی در نگرش وسیع در سطح مملکت امکانات مالی در آن زمان را بررسی می‌کردند آمار و ارقام واقعی نه براساس تجربه شخصی مربوط به خود و چند نفر نظیر خود نتیجه‌گیری می‌کردند، توجه می‌کردند که فقط تعداد معدودی از مالکین درآمد قابل ملاحظه داشتند که از این دسته تعدادی در شهرها و در خارج از کشور به سیاحت و تفریح و وقت گذرانی در کازینوها مشغول بودند ولی گروه زیادی از مالکین با سلف فروشی زندگی می‌کردند. تمام کسانی که در آن زمان با روستاها سرو کار داشتند می‌دانند که این قبیل مالکین عمومیت داشت، این قبیل داد و ستدها موجب رونق و توسعه و بهره‌برداری وسیع میدان‌دارها و سلف‌خرها بود. من شخصاً در شهرستانی که مدتی زندگی می‌کردم شاهد بودم که مالکین غالباً مبالغی با بهره‌های سنگین از نزول‌خوارها قرض می‌کردند. این مطلب مورد تأیید آقای دکتر ایزدی هم می‌باشد. ایشان در مقاله خود در شماره ۴۷ ره‌آورد مرقوم می‌دارند که «مالکینی که می‌خواستند کارشان را وسعت دهند، از صرافان قرض می‌کردند» نمی‌دانم اگر مالکین به نظر آقای دکتر سرمایه کلان داشتند چرا از صرافان قرض می‌کردند. به نظر می‌رسد این دو مطلب با یکدیگر منافات دارد.

۷ - مهاجرت ده نشین‌ها - آقای دکتر ایزدی مرقوم می‌دارند: «کارگران بیکار و مازاد منطقه روستانشین راهی شهرها شدند و به خیل مصرف کنندگان... کلیه مایحتاج عمومی آنها هم با الگوی به مراتب بالاتر از امکانات... به هر تقدیر عرصه به شهرنشینان تنگ شد ناراضی‌های جامعه شهری به حد اعلا رسید». بدیهی است مهاجرت

طاقت فرسا و کار و هزینه و وقت زیاد لازم است که تمام این عملیات و ایجاد شبکه آبیاری و هزینه برای آماده کردن زمین برای زراعت بر عهده رعیت می‌باشد (به قول آقای دکتر کارگر آزاد) در حقیقت آماده کردن این حسن آباد برای

بهترین نظام برای کشور بود. آقای دکتر تصدیق می‌فرمایند که مهاجرت کارگران شهرنشین تمام شده است منظور از این که می‌فرمایند «همین مهاجرت قابل توجه بینشان دیده نمی‌شود». برای بنده مفهوم نشد.

→ ازدیادند، بعد از این ملاقات دورهای ۱۰ - ۱۵ سال آینده کشور را با وضع موجود کشاورزی و جامعه روستایی آن پیش نظر مجسم کردم. این همه پسر و دختر روستایی که بزرگ شوند خانه و کار و وسایل معیشت



حسن ارسنجانی و علی امینی



زراعت خیلی بیشتر از هزینه احداث قنات می‌باشد. در صورتی که رعیت هیچ گونه حقوقی در این نهاد حسن آباد ندارد و مالک هر موقیع خواهد می‌تواند با يك بهانه رعیت را از آنجا بیرون کند یا حسن آباد را با رعایای آن به دیگری بفروشد.

آقای دکتر ایزدی مرقوم می‌دارد: «در دوران انقلاب حرف ملیون در غریو جوانان چپگرای از روستا آمده گم می‌شد». همچنین می‌نویسد: «کاملاً صحیح است، ستون فقرات انقلابیون را همین مهاجرین جوان روستایی که حاشیه‌نشین شهرها شده و به صورت گروهی زندگی می‌کردند تشکیل می‌دادند». برای من روشن نیست که بالاخره از نظر آقای دکتر مهاجرت جوانان روستایی و نقش مهم آنها در به ثمر رساندن انقلاب خوب بود یا بد؟ اگر ایشان در جهت انقلاب فعالیت می‌کردند به جای تنقید و شوم و ویرانگر نامیدن برنامه اصلاحات ارضی بایستی به تجلیل و تحسین آن می‌پرداختند زیرا به‌زعم ایشان همین اصلاحات ارضی بود که انقلاب را پایه‌گذاری نمود.

به‌علاوه اگر برنامه اصلاحات ارضی انجام نمی‌شد و ده‌نشینان که به قول آقای دکتر ستون فقرات انقلابیون را تشکیل می‌دادند در ده باقی می‌ماندند مسلماً بعد از انقلاب این گروه عظیم (و به‌زعم آقای دکتر) با خفت ارباب را از ده بیرون می‌کردند و هرگز او را به ده راه نمی‌دادند، املاکشان را مانند املاک و کارخانجات صنایع در شهرها مصادره می‌کردند. در این صورت حالا برنده مالکین هستند و حتماً باید شاکر باشند که برنامه اصلاحات ارضی قبل از انقلاب انجام شده بود.

ای کاش درآمد و گذران و آزادی رعیت نیز هماهنگ کارگران شهرنشین بود. در این صورت اصولاً احتیاج به اجرای برنامه اصلاحات ارضی نبود. کدام کارگر شهری برای کارفرما بدون دستمزد (بیگاری) کار می‌کند؟ آیا رعیت از سوبسید (کمک های بلاعوض) دولت استفاده می‌کرد؟ آیا درآمد رعیت با کارگر هماهنگ بود؟ آیا رعیت از درآمد سهم ارباب مانند کارگر علاوه بر دستمزد صدی بیست دریافت می‌کرد؟ آیا کارگر مثل بعضی رعایا در يك اطاق با گوسفند و مرغ و غیره می‌خوابد؟ آیا ازدواج کارگر با اجازه کارفرما انجام می‌شود؟ یا کارگر شهری مانند رعیت هر سال به ارباب و ابدی وی (از قبیل مباشر و کدخدا و غیره) به عنوان رسومات به کارفرما رشوه می‌دهد؟ یا رعیت مانند کارگر شهری از تمام مزایا و رفاه شهر (مانند بیمه، وسایل تحصیل و ورزش و تفریح و غیره) استفاده می‌کرد و...؟

**افسوس که این مزرعه را آب گرفته
دهقان مصیبت زده را خواب گرفته**

آقای دکتر ایزدی در مورد تولید نهاد به وسیله مالک مرقوم داشته‌اند که خلاصه آن به این شرح است: «مالک پس از احداث قنات در مظهر قنات قلعه مناسب ساخته از کارگران مازاد جمع کرده به آنها سرمایه و زمین و وسایل کار می‌دهد و اسم یکی از فرزندان را بر این محل می‌گذارد و بدین ترتیب حسن آباد متولد می‌شود، نهاد تولید کشاورزی برای کشور ایجاد می‌شود».

آقای دکتر خودشان مهندس کشاورزی هستند و به خوبی می‌دانند برای آماده کردن زمین بایر برای زراعت زحمت

می‌خواهند ولی هیچ گونه تخصصی در کاری ندارند و اگر هم داشتند جایی نبود که آنها را جذب کند». با این وضع که خود آقای دکتر تعریف می‌کنند چگونه می‌توان انتظار داشت که این نیروی عظیم محکوم باشند که در ده باقی بمانند. یکی از اهداف اصلاحات ارضی استفاده از این نیروی عظیم دهات برای ایجاد کار و توسعه صنایع روستایی بوده است. از برنامه‌های اصلاحات ارضی فقط الغای نظام بهره‌برداری ارباب و رعیت و تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی در سطح مملکت انجام شد و متأسفانه فرصت انجام برنامه‌های تکمیلی اصلاحات ارضی از قبیل توسعه صنایع و خدمات روستایی و برنامه‌های کارگر طلب و عملیات زیربنایی و غیره پیدا نشد. ضرورت دارد یادآوری شود در سابق (نه چندان دور) تعداد زارعین آمریکا ۶۵ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌داد اکنون تعداد زارعین به ۲/۵ تا ۳ درصد جمعیت آمریکا تقلیل پیدا نموده است ولی تولیدات کشاورزی نه فقط کم نشده بلکه به طور چشمگیری زیادتر شده است. قبلاً هر سال چند میلیون تن فقط گندم به خارج کشور حمل می‌شد. قطعاً آقای دکتر ایزدی خواهند فرمود آمریکا را نباید با ایران مقایسه کرد. ایشان صحیح می‌فرمایند چون ایران ۲۵۰۰ سال سابقه فرهنگ دارد، آمریکا ۲۵۰ سال. ایران فقط يك صفر زیاد دارد، صفر هم ارزش ندارد.

آقای دکتر مرقوم می‌دارند، «درآمد و گذران کارگران شهرنشین با زارعین ده نشین هم آهنگ و متعادل بود». در این بخش آقای دکتر می‌خواهند ثابت نمایند که نظام بهره‌برداری ارباب و رعیت (یعنی نظام قرون وسطی)

پیامدهای سفر امیر قطر به تهران؛ آیا کشورهای خلیج فارس در مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی میانجیگری می‌کنند؟



علی خامنه‌ای، شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر و مسعود بنزشکیان / تهران یکم اسفند ۱۴۰۳

است میانجی‌هایی غیر از عمان، مانند سوئیس، را ترجیح دهد.

اما اکنون سفر امیر قطر این احتمال را مطرح می‌کند که این سفر برای میانجیگری در مذاکرات مستقیم میان ایران و ترامپ انجام شده باشد. به ویژه که تهران در انتظار لحظه‌ای برای مذاکره با رئیس جمهور آمریکا است. هر دو طرف، یعنی بازرگانان بازار رژیم تهران و تاجر معامله‌گر کاخ سفید، در مذاکرات مهارت دارند. بنابراین حکومت ایران در تلاش است تا مسیر مذاکرات را با ترامپ شکل دهد و به همین دلیل به امیر قطر برای میانجیگری روی آورده است، در شرایطی که ترامپ سیاست فشار حداکثری را به اجرا گذاشته و تحریم‌هایی را علیه بخش‌های مرتبط با صنعت نفت ایران اعمال کرده است. تهران نگران است که صادرات نفت‌اش به سطح ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد، مشابه آنچه در دوره اول ترامپ رخ داد، در حالی که این رقم در دوران بایدن به حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه رسیده بود. در حالی که گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا از تلاش بنیامین نتانیاهو برای ترغیب ترامپ به حمایت از حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران خبر داده‌اند، تهران مسیرهای ممکن را برای پاسخ به این حملات مشخص کرده است. از جمله این مسیرها، شلیک موشک‌های قوی‌تر به سمت اسرائیل، خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، و تغییر دکترین هسته‌ای خود از آنچه که «صلح‌آمیز» می‌نامد، به برنامه هسته‌ای نظامی.

بنابراین به نظر می‌رسد که سفر شیخ تمیم امیر قطر احتمالاً تلاشی برای استفاده از روابط حکومت ایران با کشورهای خلیج فارس برای میانجیگری با دولت ترامپ است.

*منبع: ایندیندنت عربی

*نویسنده: هدی رؤوف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

می‌شود. روابط جمهوری اسلامی با دوحه به دلیل منافع قطر و تمایل رهبری آن برای ایفای نقش میانجی در منطقه و سر دادن شعارهای مقاومت علیه اسرائیل مستحکم شده است.

قطر نسبت به سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس روابط نزدیکی با ایران داشته و همچنین همکاری‌های اقتصادی خود را در زمینه میدان مشترک گازی گسترش داده است. میدان گازی شمالی که یکی از بزرگترین ذخایر گازی استفاده نشده در جهان محسوب می‌شود، به لحاظ زمین‌شناسی با میدان پارس جنوبی ایران همجوار است و فرصت‌های اقتصادی بزرگی را برای هر دو کشور فراهم می‌کند.

علاوه بر این، دو کشور «توافق‌نامه امنیتی» را امضا کرده‌اند که شامل همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم، مواد مخدر، قاچاق انسان، پولشویی و سایر فعالیت‌های مجرمانه می‌شود. در سال ۲۰۱۱ نیز «مجمع کشورهای صادرکننده گاز» را همراه با روسیه تأسیس کردند و در سال ۲۰۱۴ بر گسترش تجارت دوجانبه توافق کرده و از ایجاد سه منطقه آزاد تجاری در بندر بوشهر ایران و بنادر دوحه و روئیس قطر خبر دادند.

این تحولات نشان می‌دهد که رژیم ایران توانسته است روابط مستحکمی با برخی کشورهای خلیج فارس برقرار کند، در حالی که روابط با برخی دیگر چندان توسعه نیافته است. این امر مانع از شکل‌گیری هرگونه ائتلاف علیه تهران شده است. اکنون حکومت ایران سعی دارد از این روابط برای تداوم نقش میانجیگری کشورهای خلیج فارس بین خود و واشنگتن استفاده کند.

در ایران یکی از مقامات اخیراً اظهار داشت که باید گفتگوی مستقیمی بین ایران و واشنگتن برقرار شود، زیرا در دوران ترامپ نیز شاهد میانجیگری‌های غیرمستقیم مانند تلاش‌های عمان بودیم. در آن زمان اشاره شد که ایران ممکن

● سفر امیر قطر ممکن است در چارچوب تلاش تهران برای بهره‌برداری از روابط بهبودیافته خود با کشورهای حاشیه خلیج فارس جهت میانجیگری با دولت ترامپ صورت گرفته باشد. همچنین حکومت ایران ممکن است اقدام مشابهی را با ریاض انجام داده یا انجام بدهد، زیرا در پی استفاده از توافق صلح خود با عربستان برای انتقال پیام‌هایی از طریق آن به واشنگتن است.

● روابط جمهوری اسلامی با دوحه به دلیل منافع قطر و تمایل رهبری آن برای ایفای نقش میانجی در منطقه و سر دادن شعارهای مقاومت علیه اسرائیل مستحکم شده است ● در حالی که گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا از تلاش بنیامین نتانیاهو برای ترغیب ترامپ به حمایت از حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران خبر داده‌اند، تهران مسیرهای ممکن را برای پاسخ به این حملات مشخص کرده است. از جمله این مسیرها، شلیک موشک‌های قوی‌تر به سمت اسرائیل، خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، و تغییر دکترین هسته‌ای خود از آنچه که «صلح‌آمیز» می‌نامد، به برنامه هسته‌ای نظامی.

هدی رؤوف (ایندیندنت عربی) - در حالی که جمهوری اسلامی ایران در اظهارات با مهارت زبانی آمریکا و اسرائیل را تهدید می‌کند، اما همزمان و در موازات این تهدیدها مسیر گفتگوی دیپلماتیک را نیز دنبال می‌کند. از این رو سفر امیر قطر ممکن است در چارچوب تلاش تهران برای بهره‌برداری از روابط بهبودیافته خود با کشورهای حاشیه خلیج فارس جهت میانجیگری با دولت ترامپ صورت گرفته باشد. همچنین حکومت ایران ممکن است اقدام مشابهی را با ریاض انجام داده یا انجام بدهد، زیرا در پی استفاده از توافق صلح خود با عربستان برای انتقال پیام‌هایی از طریق آن به واشنگتن است.

امیر قطر به تهران سفر کرد و با علی خامنه‌ای رهبر و مسعود بنزشکیان رئیس‌جمهور ایران دیدار داشت. در حالی که رسانه‌های رسمی ایران گزارش دادند که این دیدارها درباره گفتگوهای مربوط به روابط دوستانه میان دو کشور و همچنین مجموعه‌ای از مسائل مشترک و با اهمیت منطقه‌ای و بین‌المللی است.

حال این پرسش مطرح است که هدف از این سفر در این زمان چه بوده است؟

پرسش این سؤال درباره این سفر از آن جهت اهمیت دارد که در شرایطی انجام شده که منطقه با چالش‌هایی روبروست که نیازمند هماهنگی در برخی پرونده‌ها و میانجیگری در برخی دیگر برای جلوگیری از هرگونه تنش است. بنابراین با وجود روابط دوستانه و مستحکم بین تهران و دوحه که بخشی از آن دارای اهمیت اقتصادی است، این سفر در مقطع کنونی ممکن است با واشنگتن و دولت دونالد ترامپ مرتبط باشد.

در جریان این سفر، علی خامنه‌ای فرصت را از دست نداد و قطر را به دلیل نگرانی داشتن دارایی‌های مسدودشده ایران که به دستور آمریکا از سال ۲۰۲۳ و پس از توافق تبادل زندانیان بین تهران و واشنگتن بلوکه شده است، سرزنش کرد رژیم ایران روابط متنوعی با کشورهای خلیج فارس دارد که از رقابت و دوستی گرفته تا مواضع بی‌طرفانه را شامل

جمهوری اسلامی در حال سنجش ترامپ در واکنش به تهدید فرمانده سپاه پاسداران است که گفته: اسرائیل را از روی نقشه محو خواهیم کرد!



نمایش اقتدار در تهران پس از حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل / ۱۵ آوریل ۲۰۲۴ / رویترز

باشد، چرا که متحدان خود از جمله حزب الله و اسد و شاید حتی روسیه را نیز از دست داده است. این رژیم ممکن است با تهدید اسرائیل در صدد باشد تا واشنگتن و اورشلیم را از اقدام علیه برنامه تسلیحات هسته‌ای خود بترساند.»

بنفشه زند تحلیلگر سیاسی ایرانی- آمریکایی در همین ارتباط به «فاکس نیوز» گفت: «رژیم خمینیست هیچگاه نیت‌های خود را پنهان نکرده؛ اما غرب همچنان بطور مداوم این تهدیدات را نادیده گرفته است. حتی زمانی که رژیم شیعه، ایران و مردم آن را نابود کرد و حملات تروریستی در سراسر جهان راه انداخت، رهبران غربی آن را نادیده گرفتند. آنها می‌توانستند در کنار مردم ایران، منطقه و جهان اسلام بایستند، اما عمداً انتخاب کردند که این کار را نکنند.»

وزارت امور خارجه ایالات متحده علی‌خامنه‌ای ولی فقیه جمهوری اسلامی در ایران را به عنوان بدترین حامی تروریسم دولتی در جهان معرفی کرده است.

بنفشه زند با انتقاد از سیاست دولت‌های غربی می‌گوید: «رهبران غربی ثابت کرده‌اند که کوتاه‌نظر، کاملاً بی‌اطلاع، طماع و درگیر منافع ناچیز هستند، در حالی که هزینه‌های بزرگتری را به بار می‌آورند. اکنون، پس از ۴۶ سال، این چرخه تصمیمات نادرست همچنان ادامه دارد و خطرات جدی برای شهروندان غربی نیز به همراه می‌آورد.»

*منبع: فاکس نیوز

*نویسنده: بنیامین وینتال

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

اقتدار پیامبر اعظم» که توسط نیروهای شبه‌نظامی انجام شد، ابراز داشت. مشاور فرمانده کل سپاه در اشاره‌ای آشکار به تلاش‌های دولت ترامپ برای نابودی شبه‌نظامیان حوثی تحت حمایت رژیم ایران در یمن گفت: «ایالات متحده هیچ اقدامی نمی‌تواند علیه یمن انجام دهد.»

جمهوری اسلامی از زمانی که رئیس جمهور ترامپ دستور حمله نظامی به سپاه پاسداران را صادر کرد که منجر به کشته شدن سردار قاسم سلیمانی در ژانویه سال ۲۰۲۰ شد، او را هدف برنامه‌های تروریستی خود قرار داده است.

گروس گفت: «اگر آنها قصد دارند پیامی به ترامپ ارسال کنند، باید مراقب باشند. رئیس جمهور ایالات متحده هیچ مشکلی در دستور حمله به فرمانده پیشین سپاه پاسداران در نخستین دوره ریاست جمهوری خود نداشت. از همان موقع جمهوری اسلامی تلاش کرده ترامپ را ترور کند؛ کسی که اکنون کارهای ناتمامی با این رژیم در تهران دارد.»

«فاکس نیوز» گزارش داد که وزارت خارجه ایالات متحده اعلام کرده که سلیمانی مسئول ۱۷ درصد از کشته‌شدگان نظامیان آمریکایی یعنی بیش از ۶۰۰ تن از آنها در جنگ عراق بوده است.

ترامپ در واکنش به طرح رژیم ایران برای ترور خود گفته بود: «این کار مصیبتی بزرگ برای آنها به دنبال خواهد داشت و اگر چنین کاری انجام دهند، نابود خواهند شد. آن زمان پایان کار خواهد بود... هیچ چیزی برایشان باقی نخواهد ماند.»

تام گروس گفته: «رژیم اسلامی ایران ممکن است نگران

● بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی ایران، ابراهیم جبازی یکی از سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: «عملیات وعده صادق ۳ بجا و به‌موقع، به اندازه و به وسعت نابودی اسرائیل و شخم زدن تل‌آویو و حیفا انجام خواهد شد.»

● وزیر امور خارجه اسرائیل در واکنش به تهدیدات اعلام کرد: ما آماده‌ایم!

بنیامین وینتال (فاکس نیوز) - در شرایطی که تنش‌های سیاسی و نظامی میان تهران و واشنگتن به اوج خود رسیده است، یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار اظهاراتی تند و تهدیدآمیز اعلام کرد که جمهوری اسلامی قادر است اسرائیل را از نقشه جغرافیا محو کند. این تهدید پس از آزمایش‌های نظامی اخیر رژیم ایران و در پی تحرکات تنش‌زا از سوی واشنگتن، نگرانی‌های جهانی را به شدت افزایش داده است.

در واکنش به این تهدیدات، گیدئون ساعر وزیر خارجه اسرائیل اعلام کرد: «ما آماده‌ایم!»

پس از آنکه رئیس جمهور دونالد ترامپ اعلام کرد که کارزار فشار حداکثری تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را دوباره اعمال خواهد کرد، مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران روز پنجشنبه ۲۰ فوریه اظهار داشت که حکومت ایران قصد دارد حمله‌ای را به منظور نابودی اسرائیل طراحی و اجرا کند.

رژیم باغی تهران در سال ۲۰۲۴ دو حمله هوایی گسترده علیه اسرائیل، یکی از متحدان کلیدی و اصلی ایالات متحده در خاورمیانه، انجام داد.

بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی ایران، ابراهیم جبازی یکی از سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: «عملیات وعده صادق ۳ بجا و به‌موقع، به اندازه و به وسعت نابودی اسرائیل و شخم زدن تل‌آویو و حیفا انجام خواهد شد.»

گیدئون سائر، وزیر امور خارجه اسرائیل، در واکنش به تهدید جبازی در شبکه ایکس (توییتر) نوشت: «اگر مردم یهود از تاریخ چیزی آموخته باشند، اینست: هنگامی که دشمن تان بگوید هدف‌اش نابود کردن شماست، باید حرف‌اش را باور کنید. ما آماده‌ایم.»

در همین ارتباط، تام گروس کارشناس خاورمیانه به «فاکس نیوز» گفت: «وزیر امور خارجه اسرائیل کاملاً حق دارد. تهدیدات مبتنی بر نسل‌کشی رژیم ایران باید با جدیت تمام مورد توجه قرار بگیرد. اگر تهدیدات قبلی جمهوری اسلامی و متحدان تروریستی آن در حماس بطور جدی‌تر پیگیری می‌شد، احتمال داشت از تهاجم ۷ اکتبر پیشگیری شود.»

از اظهارات ابراهیم جبازی فرمانده سپاه پاسداران چنین به نظر می‌رسد که او برای ایجاد رویارویی میان ترامپ و رژیم ایران بطور هدفمند این موضوع را مطرح کرده است. وی تهدید خود برای نابودی اسرائیل را هنگام «رزمایش

دیدار ترامپ و ماکرون در کاخ سفید؛ «به جمهوری اسلامی اجازه دستیابی به سلاح اتمی را نمی‌دهیم»



کنفرانس خبری دونالد ترامپ و امانوئل ماکرون در کاخ سفید / فوریه ۲۰۲۵

● رؤسای جمهوری آمریکا و فرانسه دوشنبه ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ (ششم اسفندماه) در کاخ سفید دیدار کردند. محور صحبت‌های دونالد ترامپ و امانوئل ماکرون درباره ضرورت پایان دادن به جنگ در اوکراین بود.

رؤسای جمهوری آمریکا و فرانسه دوشنبه ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ (ششم اسفندماه) در کاخ سفید دیدار کردند. آنها پس از این دیدار در یک کنفرانس مشترک خبری شرکت کردند.

محور صحبت‌های دونالد ترامپ و امانوئل ماکرون در باره ضرورت پایان دادن به جنگ در اوکراین بود.

هر دو نفر تأکید کردند که در مورد طرح «اعزام نیروهای حافظ صلح به اوکراین» پیشرفت‌هایی به دست آمده است، ماکرون همچنین خواسته است که آمریکا برای اجرای این طرح به اروپا بپیوندد. او تأکید کرد که بسیار مهم است که آمریکا «پشتیبان» نیروهای حافظ صلح اروپایی باشد.

در این میان، ترامپ مدعی شد که که ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه نیز موافق استقرار نیروهای اروپایی حافظ صلح در اوکراین است.

به گفته ماکرون، مأموریت نیروهای اروپایی تنها برای «حفظ صلح» در اوکراین است و در خط مقدم یا بخشی از درگیری مستقر نخواهند شد. او افزود: «پس از صحبت با پریزدنت ترامپ کاملاً معتقدم که مسیر رو به پیشرفت است.»

ترامپ نیز ابراز امیدواری کرد تا دو هفته آینده ولادیمیر زلینسکی رئیس جمهور اوکراین قرارداد استخراج از معادن اوکراین را امضاء کند.

ماکرون در این نشست خبری گفت صلح «نباید به معنای تسلیم اوکراین یا آتش‌بس بدون تضمین» باشد. او همچنین تأکید کرد که فرانسه، آمریکا و سایر متحدان اجازه دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای را نخواهند داد. او همچنین عنوان کرد، علاوه بر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، فرانسه همچنین خواهان محدود کردن برنامه موشک‌های بالستیک و اقدامات تنش‌آفرین آن است که منطقه را بی‌ثبات می‌کند.

پیشتر ترامپ در اظهاراتی تحقیق‌آمیز زلینسکی را یک

تحریم شش شرکت چینی و هنگ‌کنگ به دلیل فروش قطعات پهپاد و موشک به جمهوری اسلامی

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) شش شرکت مستقر در هنگ‌کنگ و جمهوری خلق چین را که در تأمین قطعات پهپاد و موشک‌های بالستیک با جمهوری اسلامی همکاری داشتند تحریم کرد.

● این شرکت‌ها به خاطر فروش قطعات مورد نیاز برای ساخت پهپاد به شرکت «پیشتازان کاوش‌گستر بُشرا» در ایران و زیرمجموعه آن به نام «نارین سپهر مبین ایساتیس» به فهرست تحریم‌ها اضافه شدند.

● شرکت‌های پوششی مستقر در هنگ‌کنگ و چین میلیون‌ها دلار قطعات شامل مخزن، دریچه، تجهیزات رادیویی و موتورهای پهپاد با متشاء آمریکایی، انواع توربین‌های پره‌ای، کمپرسورهای پره‌ای و توربین‌های تیغه‌ای را به ایران ارسال کرده‌اند.

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا، درباره تحریم‌های جدید توضیح داد که حکومت ایران به تلاش برای یافتن راه‌های جدید جهت خرید قطعات کلیدی مورد نیاز برای توسعه برنامه نظامی پهپادی خود در خارج کشور و از طریق شرکت‌های پیشرو ادامه می‌دهد و آمریکا موظف به مختل کردن فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی است.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) شش شرکت مستقر در هنگ‌کنگ و جمهوری خلق چین را که در تأمین قطعات پهپاد و موشک‌های بالستیک با جمهوری اسلامی همکاری داشتند تحریم کرد.

این شرکت‌ها به خاطر فروش قطعات مورد نیاز برای ساخت پهپاد به شرکت «پیشتازان کاوش‌گستر بُشرا» در ایران و زیرمجموعه آن به نام «نارین سپهر مبین ایساتیس» به فهرست تحریم‌ها اضافه شدند.

بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا اشاره شده است که OFAC در مرداد سال ۱۳۹۸ شرکت «پیشتازان کاوش‌گستر بُشرا» را به خاطر مدیریت آن توسط حامد دهقان در فهرست تحریم‌ها قرار داده بود. این فرد به دلیل نقش محوری در تسهیل خرید تجهیزات الکترونیک نظامی برای شرکت مهندسی «راستا فن» تحریم شده بوده بود. تحریم علیه شرکت «راستا فن» نیز پیشتر به دلیل

«دلقک» و «دیکتاتور بدون انتخابات» خوانده بود. در واکنش به این سخنان اما زلینسکی اعلام کرد اگر تحقق صلح در اوکراین مستلزم کناره‌گیری او باشد، آماده است چنین اقدامی را انجام دهد.

ولادیمیر زلینسکی رئیس جمهور اوکراین که کشورش روز دوشنبه ۲۴ فوریه وارد چهارمین سال تجاوز نظامی روسیه به خاک خود شد، یکشنبه پنجم اسفند در جریان یک نشست مطبوعاتی در کی‌یف، در پاسخ به این پرسش که آیا آمادگی ترک مقام خود را دارد، گفت: «اگر برای صلح در اوکراین واقعا نیاز دارید مقامم را ترک کنم، من آماده هستم.» وی البته این را هم گفت که «در ازای پیوستن اوکراین به ناتو، حاضر است قدرت را واگذار کند.»

در همین حال ولادیمیر پوتین نیز موافقت ضمنی خود را با مشارکت کشورهای اروپایی در جنگ اوکراین اعلام کرده است او در یک مصاحبه تلویزیونی گفت، شرکت‌های آمریکایی و روسی در حال تماس‌هایی درباره پروژه‌های اقتصادی مشترک، از جمله مواد معدنی راهبردی در مناطق اشغالی اوکراین، هستند.

ترامپ نیز قبل از این گفته بود نمایندگان آمریکا بطور مستمر با روس‌ها در تماس هستند و از جمله در مورد معاملات تجاری احتمالی آمریکا و روسیه صحبت می‌کنند. گفتگوهای رسمی میان آمریکا و روسیه در ریاض آغاز شد؛ جایی که مارکو روبریو و سرگئی لاوروف وزرای خارجه دو کشور دیدار و گفتگو کردند. مقدمه این دیدار تبادل شهروندان آمریکایی و روسی بود که در دو کشور زندانی بودند. دولت ترامپ قصد دارد روابط با مسکو را تقویت کند تا جایی که حتی در جریان رأی‌گیری برای تصویب یک قطعنامه علیه روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد در سومین سالگرد حمله به اوکراین، نماینده آمریکا به این قطعنامه رأی منفی داد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، دوشنبه ۲۵ فوریه ۲۰۲۵ (ششم اسفند) با وجود مخالفت شفاهی بریتانیا و متحدان اروپایی آمریکا، قطعنامه پیشنهادی ایالات متحده موسوم به «مسیر صلح» را تصویب کرد.

یدیعت اخرونوت: اسرائیل با پشتیبانی آمریکا برای حمله به تأسیسات اتمی در ایران آماده می‌شود



پدافند اطراف تأسیسات اتمی اصفهان / ۳۱ فروردین ۱۴۰۳

خطر بیندازد. دو منبع آگاه دولتی در ایران نیز تأیید کردند که برای تقویت سیستم دفاعی مراکز اتمی در برابر حملات احتمالی، سیستم‌های پدافند هوایی جدیدی را در اطراف سایت‌های کلیدی هسته‌ای و موشکی مستقر شده است. یک منبع به «تلگراف» گفت، «سایت‌هایی که وجود آنها برای اکثر مردم ناشناخته است... مقامات ایرانی در انتظار حمله هستند و هر شب منتظر یک اتفاق هستند، کل کشور در بالاترین وضعیت هشدار قرار دارد.»

بر اساس جدیدترین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی اورانیوم ممنوعه کافی در حد ساخت چند مپ اتم را ذخیره کرده است. برخی منابع اسرائیلی گزارش دادند که جمهوری اسلامی در حال کار بر روی چاشنی‌های انفجاری و کلاهک‌های اتمی است.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به اعضای شورای حکام هشدار داد از «برجام» یک پوسته توخالی باقی مانده و با توجه به افزایش تعداد سانتریفیوژها در ایران و همچنین افزایش ذخایر اورانیوم با درجه نزدیک به تسلیحاتی وضعیت بسیار نگران کننده است.

یک ماه پیش از این (اواسط دی‌ماه ۱۴۰۳) نیز نیروهای مسلح جمهوری اسلامی اقدام به برگزاری رزمایش برای مقابله با بمباران تأسیسات اتمی نطنز کرده بودند. این رزمایش‌ها در حالی برگزار می‌شود که حکومت برای جلوگیری از آسیب به مراکز اتمی خود، با مخارج هنگفت که رقم آنها مشخص نیست این تأسیسات را در عمیق زمین به شیار کوهستان‌ها منتقل کرد.

امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوا و فضای سپاه، ۳۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ تلویحاً به آسیب‌های ناشی از ضعف سیستم‌های پدافند هوایی نیروهای مسلح اشاره کرد. حاجی‌زاده بدون ذکر جزئیات گفت، بر اثر ضعف سامانه دفاع هوایی موشک‌های بالستیک «در حوادث اخیر» خسارتی به بار آمد. منظور این فرمانده سپاه از حوادث اخیر طبیعتاً حمله هوایی اسرائیل به سامانه پدافند و تأسیسات موشکی جمهوری اسلامی در آبان‌ماه ۱۴۰۳ بود.

● **وبسایت «وای نت»** (روزنامه یدیعت اخرونوت) گزارش می‌دهد اسرائیل در حال آماده شدن برای حملات گسترده به تأسیسات اتمی در ایران با حمایت اطلاعاتی و سوختگیری هوایی آمریکا است.

● **با افزایش احتمال حمله به مراکز اتمی در ایران بر اساس گزارش منابع غیررسمی، سیستم‌های پدافندی «S-300» و «باور ۳۷۳» در رینگ دفاعی تأسیسات اتمی نطنز و فردو مستقر شده‌اند تا با پشتیبانی از توپ‌های ضدهوایی قدیمی محافظت از مراکز هسته‌ای کلیدی جمهوری اسلامی تقویت شود.**

● **به گفته محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی، روزهای ۸ و ۹ اسفندماه رزمایش پدافند هسته‌ای برگزار شده است. او همچنین مدعی شد، «ایران مقاوم‌تر از تصور دشمن است و زیرساخت‌های ما آسیب‌پذیری ندارد.»**

وبسایت «وای نت» (روزنامه یدیعت اخرونوت) گزارش می‌دهد اسرائیل در حال آماده شدن برای حملات گسترده به تأسیسات اتمی در ایران با حمایت اطلاعاتی و سوختگیری هوایی آمریکا است.

با افزایش احتمال حمله به مراکز اتمی در ایران بر اساس گزارش منابع غیررسمی، سیستم‌های پدافندی «S-300» و «باور ۳۷۳» در رینگ دفاعی تأسیسات اتمی نطنز و فردو مستقر شده‌اند تا با پشتیبانی از توپ‌های ضدهوایی قدیمی محافظت از مراکز هسته‌ای کلیدی جمهوری اسلامی تقویت شود به گفته محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی، روزهای ۸ و ۹ اسفندماه رزمایش پدافند هسته‌ای برگزار شده است. او همچنین مدعی شد، «ایران مقاوم‌تر از تصور دشمن است و زیرساخت‌های ما آسیب‌پذیری ندارد.»

پیشتر روزنامه بریتانیایی «تلگراف» گزارش داد، جمهوری اسلامی به دلیل نگرانی از حمله احتمالی اسرائیل و آمریکا، پدافند تأسیسات هسته‌ای خود را در بالاترین سطح به حالت آماده‌باش کامل درآورده است. به گفته منابع «تلگراف»، مقامات حکومت ایران معتقدند یک حمله بزرگ از سوی آمریکا، می‌تواند موجودیت جمهوری اسلامی را به

حمایت از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه صنایع موشکی پدافند دریایی به اجرا درآمده بود. شرکت «پیشتازان کاوش گستر بُشرا» به همراه حامد دهقان مدیر اجرایی آن سال ۲۰۱۹ در دور اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ، تحریم شده بود.

شرکت‌های پوششی مستقر در هنگ کنگ و چین میلیون‌ها



بیش از چهاردهه است شرکت‌های چینی و هنگ‌کنگی از اصلی‌ترین تأمین‌کننده‌های قطعات نظامی برای جمهوری اسلامی هستند

دلار قطعات شامل مخزن، دریچه، تجهیزات رادیویی و موتورهای پهناد با منشاء آمریکایی، انواع توربین‌های پره‌ای، کمپرسورهای پره‌ای و توربین‌های تیغه‌ای را به ایران ارسال کرده‌اند.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره تحریم‌های جدید توضیح داد که حکومت ایران به تلاش برای یافتن راه‌های جدید جهت خرید قطعات کلیدی مورد نیاز برای توسعه برنامه نظامی پهنادی خود در خارج کشور و از طریق شرکت‌های پیشرو ادامه می‌دهد. او همچنین گفت: «خزانه‌داری آمریکا متعهد به مختل کردن طرح‌های توطئه‌آمیز برای قادر کردن ایران به ارسال تسلیحات مرگبار به گروه‌های تروریستی نیابتی و دیگر عاملان بی‌ثباتی است.»

در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین آمده، اقدام جدید این نهاد که در راستای سیاست فشار حداکثری دولت دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی است، تلاش‌های شرکت «پیشتازان کاوش گستر بشر» برای بازسازی شبکه تدارکاتی خود و ادامه خرید قطعات حیاتی از تأمین‌کنندگان خارجی را هدف قرار می‌دهد.

دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC)، دوشنبه ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ (ششم اسفندماه) نیز با انتشار بیانیه‌ای، ۲۲ شخص، سه نهاد و ۱۳ کشتی فعال در صنعت نفت و پتروشیمی جمهوری اسلامی را در چارچوب کارزار «فشار حداکثری» تحریم کرد.

در میان کسانی که تحریم شده‌اند، دلان نفت در امارات متحده عربی و هنگ کنگ، اپراتورها و مدیران نفتکش در هند و جمهوری خلق چین دیده می‌شوند.

حمید بورد مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، عباس اسدروز مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی ایران، سید علی میری و غلامحسین گرامی مدیران پایانه نفتی جزیره خارگ و پایانه میعانات گازی پارس جنوبی و علی معلمی مدیر پایانه‌های دریای کاسپین (خزر/ مازندران) در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند.

تشییع جنازه‌ی نصرالله چیزی جز تشییع حزب‌الله نبود



پوستر حسن نصرالله در ویرانه‌های بیروت

کرده است. در حالی که حقیقت این است که حزب‌الله، شیعیان را در چارچوب و در مسیر سرنوشت «ولایت فقیه» در تهران قرار داد و آنها را به سربازان پروژه‌ی سیاسی خود تبدیل کرد، تا جایی که به گروگان جنگ‌هایش تبدیل شدند. این موضوعی است که ارزش بحث در آینده را دارد.

جنگنده‌های اسرائیلی در مراسم تشییع نصرالله و جان‌نشین او، هاشم صفی‌الدین، حضور داشتند تا به حزب‌الله یادآوری کنند که اجازه نخواهند داد فعالیت‌هایش از سر گرفته شود. اصرار اسرائیل بر نظارت بر لبنان و مداخله‌ی نظامی برای جلوگیری از فعالیت‌های حزب‌الله، رژیم ایران را مجبور خواهد کرد که واقعیت جدید را بپذیرد. به احتمال زیاد، خروج لبنان از دایره‌ی نفوذ ایران در چارچوب مذاکرات احتمالی میان تهران و واشنگتن مطرح خواهد شد، همراه با سایر مسائل منطقه‌ای و برنامه‌ی هسته‌ای ایران.

اسرائیل می‌گوید تصمیمی گرفته که غیرقابل بازگشت است و آن اینکه اجازه نخواهد داد که هیچ نیروی نظامی در مرزهایش وجود داشته باشد که امنیت آن را تهدید کند. نتانیاهو بارها بر این موضوع تأکید کرده است.

اگر شعارهای تبلیغاتی را کنار بگذاریم، می‌بینیم که حزب‌الله در حال پذیرش واقعیت جدید است. نعیم قاسم دبیرکل آن اعلام کرد که حزب‌الله از این پس اسرائیل را از طریق دیپلماسی دولت لبنان به چالش خواهد کشید. وی همچنین درباره‌ی عقب‌نشینی از سیاست‌های گذشته صحبت کرد. او این را نیز اعلام کرد که حزب‌الله در چارچوب توافق «طائف» فعالیت خواهد کرد.

توافق طائف (Taif Agreement) یک توافق صلح است که برای پایان دادن به جنگ داخلی لبنان بین سوریه، اسرائیل و لبنان امضاء شد. این پیمان صلح در سال ۱۹۸۹ میلادی در شهر طائف عربستان سعودی امضاء شد.

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

حکومت ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ حکومتی که اکنون برای حمایت از حزب‌الله با دشواری روبروست، زیرا نیروهای نتانیاهو بر فضای لبنان مسلط شده‌اند و هم‌پیمان آن، بشار اسد نیز در دمشق سقوط کرده است.

در یکی از نشست‌هایی که اخیراً در آن حضور داشتیم، یکی از تحلیلگران ایرانی گفت، تهران در اصل از سقوط نظام اسد خرسند است. البته این سخن قانع‌کننده نیست چرا که اسد یکی از مهم‌ترین دارایی‌های استراتژیک رژیم ایران در خارج کشور و منطقه بود. اما منظور گوینده این بود که بار سنگین حمایت از اسد برای تهران بسیار سنگین شده بود. تأمین مالی رژیم اسد، شبه‌نظامیان حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها برای حکومت ایران بسیار هزینه دارد.

در این میان، کل پروژه‌ی امپراتوری آیت‌الله‌ها در منطقه به دو دلیل در معرض فروپاشی است: نخست، عزم اسرائیل برای مقابله با آن؛ و دوم، هزینه‌های سرسام‌آور این پروژه که با امکانات محدود رژیم ایران سازگار نیست. جمهوری اسلامی در کشور با مشکلات اقتصادی گسترده‌ای روبروست و ادامه‌ی این روند ممکن است به فروپاشی آن منجر شود. «حزب‌الله لبنان»، گرانباترین دارایی خارجی رژیم ایران، از کمک‌های مالی آن بهره‌مند است و حدود یک میلیون لبنانی به این کمک‌ها وابسته‌اند.

نتیجه‌ی نهایی این است که حتی اگر نتانیاهو ساختار «حزب‌الله» را نابود نکند، اما این حزب به دلیل ضعف رژیم ایران رو به افول خواهد رفت. ممکن است سرنوشت آن مانند کشورهای بلوک شرق پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی باشد؛ از جمله مثل آلمان شرقی، آلبانی، رومانی، یمن جنوبی و سومالی. مجموعه‌ای از رژیم‌های وابسته به مسکو که پس از فروپاشی شوروی به سرعت مانند نمکی که در آب حل می‌شود، از بین رفتند.

در داخل لبنان، حزب‌الله طی چهار دهه، جامعه‌ی شیعیان را به گروگان گرفته و روایتی را تبلیغ کرده که ادعا می‌کند به آنها عزت داده و از به حاشیه رانده شدن آنها جلوگیری

● پنج ماه از کشته شدن نصرالله گذشت تا اینکه حزب توانست جنازه‌ی رهبر خود را تشییع کند، آنهم به دلیل تخریبی که اسرائیل بر توانایی‌ها و پایگاه‌هایش وارد کرده و به خاطر احاطه‌ی مداوم اسرائیل بر لبنان از جنوب تا شمال

● کل پروژه‌ی امپراتوری آیت‌الله‌ها در منطقه به دو دلیل در معرض فروپاشی است: نخست، عزم اسرائیل برای مقابله با آن؛ و دوم، هزینه‌های سرسام‌آور این پروژه که با امکانات محدود رژیم ایران سازگار نیست. جمهوری اسلامی در کشور با مشکلات اقتصادی گسترده‌ای روبروست و ادامه‌ی این روند ممکن است به فروپاشی آن منجر شود

● حتی اگر نتانیاهو ساختار «حزب‌الله» را نابود نکند، اما این حزب به دلیل ضعف رژیم ایران رو به افول خواهد رفت... اسرائیل می‌گوید تصمیمی گرفته که غیرقابل بازگشت است و آن اینکه اجازه نخواهد داد که هیچ نیروی نظامی در مرزهایش وجود داشته باشد که امنیت آن را تهدید کند.

عبدالرحمن الراشد (شرق الاوسط) - «گفتیم که کار شما اکنون انحلال حزب‌الله است، و اگر این کار را انجام ندهید، ما انجام خواهیم داد» این سخن بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل خطاب به لبنانی‌ها بود.

تشییع جنازه و دفن حسن نصرالله که به تازگی انجام شد، چیزی جز تشییع خود «حزب‌الله» نبود؛ حزبی که اسرائیلی‌ها سرنوشت آن را از زمان حمله‌ی «حماس» در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رقم زده بودند.

پنج ماه از کشته شدن نصرالله گذشت تا اینکه حزب توانست جنازه‌ی رهبر خود را تشییع کند، آنهم به دلیل تخریبی که اسرائیل بر توانایی‌ها و پایگاه‌هایش وارد کرده و به خاطر احاطه‌ی مداوم اسرائیل بر لبنان از جنوب تا شمال پرسش‌های متعددی درباره آینده‌ی حزب‌الله، سرنوشت سلاح‌ها و مقاومت، وضعیت لبنان بدون حزب‌الله، و چگونگی سازگاری بقایای آن با شرایط داخلی و خارجی مطرح است. حزب‌الله لبنان درک کرده آسیبی که بر آن وارد شده،

هند با فشار دونالد ترامپ از «پروژه بندر چابهار» خارج می‌شود



دیدار ترامپ با مودی نخست وزیر هند / فوریه ۲۰۲۴

درباره این موضوع گفت: «ما یک توافق ۱۰ ساله در چابهار با کشور هند داریم و آنها در این منطقه سرمایه‌گذاری کرده‌اند، اما یکی از مسائلی که رئیس جمهوری آمریکا در چارچوب سیاست فشار حداکثری اعلام کرده هم همین موضوع است. در خصوص لغو معافیت بندر چابهار می‌دانیم که هندی‌ها با آمریکایی‌ها مشورت می‌کنند و بنابراین آنها را آزاد می‌گذاریم تا تصمیم‌گیری کنند.»

در بخشی از این گزارش آمده «توسعه بندر چابهار از نظر استراتژیک برای هند، ایران، آسیای مرکزی و افغانستان بسیار مهم است. یکی از اهداف اصلی این پروژه برای هند، دور زدن پاکستان، به منزله مسیر ترانزیتی اصلی، برای دسترسی به این مناطق است. از سوی دیگر این پروژه به ایران اجازه می‌دهد روابط تجاری‌اش با کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان را، که کشورهای محصور در خشکی و به دنبال دسترسی به آب‌های آزادند، تقویت کند.»

توسعه بندر چابهار می‌توانست وابستگی جمهوری اسلامی را به بنادر خلیج فارس کاهش دهد. معافیت هندی‌ها در این بندر فرصت طلایی برای جمهوری اسلامی بود تا تحریم‌ها را دور بزند.

در شرایطی که حکومت ایران می‌کوشد موقعیت خود را به منزله یک مسیر ترانزیت کلیدی در کریدور شمال-جنوب، که روسیه و قفقاز را به آب‌های گرم متصل می‌کند، تقویت کند به نظر می‌رسد با شرایط وخیم‌تری روبرو خواهد شد.

دولت دونالد ترامپ از ششم فوریه ۲۰۲۵ (۱۸ بهمن‌ماه) فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی را دوباره برقرار کرده و اعلام شده است که اولویت این فشارها «به صفر رساندن» فروش نفت ایران است. او دو گزینه پیش روی علی‌خامنه‌ای قرار داده است: معامله و امضاء یک کاغذ (توافق) یا پیمان تأسیسات نظامی! هرچند که خامنه‌ای در پاسخ به او نه تنها گفت، «با آمریکا نباید مذاکره کرد» بلکه دستور افزایش بُرد موشک‌ها را نیز صادر کرد.

بود که بر اساس این قرارداد اداره بخشی از بندر چابهار در اختیار هند قرار خواهد گرفت.

همچنین اعلام شده بود که شرکت دولتی هند با نام «گلوبال پورت لیمیتد» (IGPL) قصد دارد ۱۲۰ میلیون دلار برای تجهیز بیشتر ترمینال این بندر سرمایه‌گذاری کند و دولت هند نیز یک پنجره اعتباری ۲۵۰ میلیون دلاری برای بهبود زیرساخت‌های اطراف چابهار ارائه کرده است.

هارش پنت استاد روابط بین‌الملل در «کینگز کالج» لندن به روزنامه «ساوت چینا مورنینگ پست» می‌گوید: «ترامپ بار دیگر به اجرای سیاست فشار حداکثری بر [رژیم] ایران بازگشت و هدف او هم منزوی کردن ایران است. ترامپ احتمالاً برخلاف دولت اول خود تمایلی به اعطای معافیت تحریمی به هند در خصوص بندر چابهار ندارد.»

در همین حال شبکه «الجزیره» در گزارشی با موضوع «آینده قرارداد هند و ایران» عنوان کرد که پیش از این در دولت اول دونالد ترامپ نیز با آنکه ایران جزو تأمین‌کنندگان اصلی نفت هند محسوب می‌شد، اما پس از خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های گسترده اقتصادی و تجاری علیه تهران، هندی‌ها مجبور شدند خرید نفت از ایران را متوقف کنند.

هندوستان در سال ۲۰۱۸ آمریکا را راضی کرده بود تا در پروژه بندر چابهار معافیت بگیرد زیرا وعده داده بود که این مسیر ترانزیت می‌تواند به اقتصاد افغانستان که در آن زمان متحد امنیتی کلیدی برای ایالات متحده بود کمک کند. اما حالا افغانستان هم پس از خروج ایالات متحده از این کشور در سال ۲۰۲۱ و بازگشت طالبان به قدرت، دیگر جزو حوزه‌های کلیدی برای امنیت آمریکا نیست و آینده اقتصادی این کشور اهمیت چندانی برای ترامپ ندارد.

عباس عراقچی پس از بازگشت از سفر عمان در نشست خبری ۲۹ بهمن در تهران، در پاسخ به پرسش خبرنگاران

● پس از دیدار دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و نازندرا مودی نخست‌وزیر هند، گزارش شد که هند قصد دارد از پروژه توسعه بندر چابهار خارج شود.

● خبرگزاری دولتی «ایرنا» در گزارشی که جمعه سوم اسفندماه ۱۴۰۳ با عنوان «دهلی نو؛ گرفتار میان تله تحریم ترامپ برای تهران» منتشر شد به نقل از روزنامه «ساوت چینا مورنینگ پست» چاپ هنگ‌کنگ، نوشت: «تصمیم دونالد ترامپ برای اعمال مجدد تحریم‌های شدید علیه ایران سایه بلندی بر سرمایه‌گذاری جاه‌طلبانه هند در بندر چابهار، دروازه تجاری کلیدی در جنوب ایران، انداخته است.»

● عدم توقف پروژه هند در چابهار صنعت ۶۰۰ میلیارد دلاری این کشور را در صورت مجازات آمریکا، با ضرر هنگفت روبرو می‌کند.

● توسعه بندر چابهار می‌توانست وابستگی جمهوری اسلامی را به بنادر خلیج فارس کاهش دهد. معافیت هندی‌ها در این بندر فرصت طلایی برای جمهوری اسلامی بود تا تحریم‌ها را دور بزند.

یک هفته پس از دیدار دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و نازندرا مودی نخست‌وزیر هند، گزارش شد که هند قصد دارد از پروژه توسعه بندر چابهار خارج شود. در این دیدار که ۱۳ فوریه ۲۰۲۵ (۲۵ بهمن) در کاخ سفید صورت گرفت ترامپ به نخست‌وزیر هند وعده افزایش روابط تجاری بین دو کشور را داد.

خبرگزاری دولتی «ایرنا» در گزارشی که جمعه سوم اسفندماه ۱۴۰۳ با عنوان «دهلی نو؛ گرفتار میان تله تحریم ترامپ برای تهران» منتشر شد به نقل از روزنامه «ساوت چینا مورنینگ پست» چاپ هنگ‌کنگ، نوشت: «تصمیم دونالد ترامپ برای اعمال مجدد تحریم‌های شدید علیه ایران سایه بلندی بر سرمایه‌گذاری جاه‌طلبانه هند در بندر چابهار، دروازه تجاری کلیدی در جنوب ایران، انداخته است. پس از اعلام این بخشنامه ترامپ، نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند، در سفری از پیش تعیین‌شده به کاخ سفید رفت و در چنین شرایطی می‌توان گفت سرنوشت پروژه ۳۷۰ میلیون دلاری هند در جنوب ایران عجالتاً در حال‌های از ابهام قرار دارد.»

بر اساس این گزارش هدف مقامات دولت هندوستان از امضای قرارداد با جمهوری اسلامی این بود که با سرمایه‌گذاری در بندر چابهار از رویارویی با پاکستان رقیب دیرینه‌اش اجتناب کنند و بتوانند کالاهایش را از طریق ایران و سپس شبکه‌های ریلی یا جاده‌ای به افغانستان، ازبکستان، قزاقستان و مناطقی در خاک روسیه منتقل کنند، اما اکنون دستورهای تحریمی ترامپ، کلیدی‌ترین پروژه اقتصادی جمهوری اسلامی را در آستانه توقف کامل قرار داده است.

عدم توقف پروژه هند در چابهار صنعت ۶۰۰ میلیارد دلاری این کشور را در صورت مجازات آمریکا، با ضرر هنگفت روبرو می‌کند.

مهرداد بذریاش وزیر راه و شهرسازی دولت ابراهیم رئیسی اردیبهشت ۱۴۰۳، با سارباناندا سونوال وزیر بنادر و کشتیرانی هند، قرارداد تجهیز و بهره‌برداری از پایانه‌های کانتینری و کالاهای عمومی بندر بهشتی چابهار را امضاء کرد. روزنامه «اکنومیک تایمز» نیز طی گزارشی خبر داده

رهبری در گذار به دموکراسی؛ تحلیلی بر مسیر پیچیده



سخنرانی در هفدهمین اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی / سه‌شنبه ۱۸ فوریه ۲۰۲۵ / ۳۰ بهمن ۱۴۰۳

عملی و قابل اجرا شکل می‌گیرد.
۳. تقویت هماهنگی در جبهه متحدان
 مدیریت صحیح ارتباطات داخلی و رفع سوء برداشت‌ها، از چنددستگی جریان‌های همسو جلوگیری می‌کند. نمونه‌ی بارز این آسیب را می‌توان در اختلافات اخیر میان طیف پادشاهی‌خواه مشاهده کرد.
 در این مسیر، مدیریت خواست‌های فعالین سیاسی اعم از رقابت‌های شخصی تا وحدت جمعی ضروریست. سهم‌خواهی شخصی اگرچه در سیاست امری طبیعی است اما در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌تواند به رقابت‌های مخرب و فروپاشی اتحادها منجر شود.

چهار راهکار کلیدی برای مهار این مشکلات عبارت‌اند از:
۱. عدالت به عنوان سنگ‌بنای تصمیم‌گیری
 توزیع مسئولیت‌ها باید بر اساس معیارهای شفاف و عینی صورت گیرد. هرگونه ابهام یا احساس تبعیض، بذر نارضایتی و شکاف را در میان نیروهای سیاسی می‌پراکند.

۲. شفافیت گفتاری و مدیریت توقعات مختلف
 بسیاری از تعارضات ناشی از شکاف میان انتظارات فردی و واقعیت‌های موجود است. گفتگوی صریح درباره‌ی محدودیت‌ها، نقش‌ها و اولویت‌ها، از انباشت نارضایتی‌های ناگفته جلوگیری می‌کند. رفع ابهامات باید به شکلی شفاف و قابل‌فهم برای عموم صورت گیرد.

۳. چارچوب قانونمند برای تقسیم اختیارات
 تعریف ساز و کارهای قانونی— از توزیع مسئولیت‌ها تا تخصیص منابع— دسترسی عادلانه را تضمین کرده و امکان پارته‌بازی و رابطه‌ی بجای ضابطه و لایبگیری‌های پشت پرده را کاهش می‌دهد.

۴. مدیریت هیجانات و تأکید بر اهداف مشترک
 بسیاری از درگیری‌های سیاسی ناشی از واکنش‌های احساسی است. تقویت گفت‌وگو مبتنی بر «ما» بجای «من» و ایجاد فضای گفتگوی آزاد، مانع از تبدیل اختلافات جزئی به دشمنی‌های عمیق می‌شود.

حاکمیت به مردم ایران است. نظام آینده باید با انتخابات آزاد و رفاندوم ملی شکل گیرد.»

مسیر پیش رو: وحدت یا پراکندگی؟

شاهزاده رضا پهلوی بارها بر ضرورت پایان دادن به اختلافات داخلی مخالفان تأکید کرده است: «دشمن مشترک ما استبداد دینی است. اگر امروز متحد نشویم، فردا بسیار دیر خواهد بود.»

با این حال، اختلاف نظر میان جریان‌های مختلف مخالف جمهوری اسلامی همچنان یک چالش اساسی است.

شاهزاده رضا پهلوی به عنوان یک نماد تاریخی و سیاسی، در شرایط کنونی ایران نقشی دوگانه ایفا می‌کند: از یکسو، بخشی از جامعه به رهبری متمرکز او امید بسته است؛ و از سوی دیگر، منتقدانش کارنامه‌ی عملی او را زیر سؤال می‌برند. آنچه تعیین‌کننده خواهد بود، نه نام «پهلوی»، بلکه توانایی جمعی در تبدیل نمادها به عمل است. آینده‌ی ایران، بیش از آنکه به دنباله‌روی از یک فرد وابسته باشد، نیازمند خیزش آگاهانه‌ی مردم و همگرایی نیروهای دموکراسی‌خواه است.

برقراری ارتباط مستقیم و مستمر با افراد تأثیرگذار می‌تواند به فرا مسلکی بودن رهبری ایشان کمک کند.

ایجاد ارتباط پایدار با افراد تأثیرگذار در میان سیاستمداران و طرفداران، نقشی کلیدی در کاهش تنش‌ها و تقویت اتحاد دارد. این رویکرد از سه طریق به ثبات جنبش کمک می‌کند

۱. ایجاد حس تعلق و کاهش شکاف‌ها

ارتباط بی‌واسطه‌ی رهبری با مردم و نخبگان، احساس مشارکت و پذیرش را در گروه‌های مختلف تقویت می‌کند. چنین تعاملی مانع از حاشیه‌نشینی نیروهای میانی و ایجاد گسل‌های جدید در جنبش می‌شود.

۲. مهار دوقطبی‌سازی و رادیکالیسم

فضای سیاسی مبتنی بر گفتگوی شفاف و مستقیم، رشد جریان‌های تندرو— چه در میان موافقان و چه در میان مخالفان— را محدود می‌کند. در چنین شرایطی، بجای تقابل‌های ایدئولوژیک، رقابت‌های سازنده بر سر برنامه‌های

● شاهزاده رضا پهلوی به عنوان یک نماد تاریخی و سیاسی، در شرایط کنونی ایران نقشی دوگانه ایفا می‌کند: از یکسو، بخشی از جامعه به رهبری متمرکز او امید بسته است؛ و از سوی دیگر، منتقدانش کارنامه‌ی عملی او را زیر سؤال می‌برند. آنچه تعیین‌کننده خواهد بود، نه نام «پهلوی»، بلکه توانایی جمعی در تبدیل نمادها به عمل است. آینده‌ی ایران، بیش از آنکه به دنباله‌روی از یک فرد وابسته باشد، نیازمند خیزش آگاهانه‌ی مردم و همگرایی نیروهای دموکراسی‌خواه است.

● فضای سیاسی مبتنی بر گفتگوی شفاف و مستقیم، رشد جریان‌های تندرو— چه در میان موافقان و چه در میان مخالفان— را محدود می‌کند. در چنین شرایطی، بجای تقابل‌های ایدئولوژیک، رقابت‌های سازنده بر سر برنامه‌های عملی و قابل اجرا شکل می‌گیرد.

● مدیریت خواست‌های فعالین سیاسی اعم از رقابت‌های شخصی تا وحدت جمعی ضروریست. سهم‌خواهی شخصی اگرچه در سیاست امری طبیعی است اما در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌تواند به رقابت‌های مخرب و فروپاشی اتحادها منجر شود.

● بسیاری از تعارضات ناشی از شکاف میان انتظارات فردی و واقعیت‌های موجود است. گفتگوی صریح درباره‌ی محدودیت‌ها، نقش‌ها و اولویت‌ها، از انباشت نارضایتی‌های ناگفته جلوگیری می‌کند. رفع ابهامات باید به شکلی شفاف و قابل‌فهم برای عموم صورت گیرد.

مهران خسروانی— تحولات اخیر در خاورمیانه، از بازگشت دونالد ترامپ به قدرت در ایالات متحده تا کاهش نفوذ جمهوری اسلامی در سوریه، عراق و لبنان و تشدید تنش‌ها با اسرائیل، فضای منطقه را به شدت متلاطم کرده است. در داخل ایران نیز، افزایش فشار تحریم‌های بین‌المللی و ناآرامی‌های گسترده، حکومت را در ضعیف‌ترین موقعیت اقتصادی و سیاسی خود طی دهه‌های اخیر قرار داده است. در این شرایط، نقش مخالفان جمهوری اسلامی در خارج کشور در جلب حمایت جهانی و امید بخشیدن به مردم داخل کشور بیش از پیش برجسته شده است.

در چنین فضایی، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق، ائتلاف‌های گسترده و رهبری پاسخگو که به تنوع قومی، مذهبی و جنسیتی ایران توجه داشته باشد، به اصلی‌ترین دغدغه‌ی جنبش دموکراسی‌خواهی تبدیل شده است. در این میان، شاهزاده رضا پهلوی به عنوان نمادی تاریخی و موثرترین و شاخص‌ترین چهره در اپوزیسیون، بخشی از جامعه‌ی ایرانی— چه در داخل و چه در خارج کشور— را به دلیل میراث پهلوی، مواضع میهن‌دوستانه و تجربه‌ی نسل‌های سیاسی پیشین، به خود جلب کرده است. اما آیا نمادگرایی به تنهایی برای هدایت فرآیند گذار کافی است؟

شاهزاده رضا پهلوی: از نمادگرایی تا عمل‌گرایی

جناب رضا پهلوی طی چهار دهه‌ی اخیر به چهره‌ای نمادین در گفتمان مخالفان جمهوری اسلامی بدل شده است. او با تأکید بر حقوق بشر، جدایی دین از حکومت و حاکمیت قانون، کوشیده است جایگاهی فراتر از گفتمان سنتی در میان جامعه‌ی ایران و دیاسپورا بیابد.

مواضع او— از حمایت از جنبش‌های اعتراضی اخیر ایران گرفته تا تأکید بر «مردم‌سالاری» و گذار مسالمت‌آمیز— بارها این پیام را تکرار کرده است: «هدف من بازگرداندن

۹۷۵ اعدام در سال ۲۰۲۴ میلادی در جمهوری اسلامی



گزارش سالانه اعدام در جمهوری اسلامی

ویدئو

داشتند. در پایان این نشست، وزارت خارجه فرانسه در بیانیه‌ای اعدام‌ها و سرکوب مخالفان در جمهوری اسلامی را به شدت محکوم کرد. در حاشیه این نشست احمد رأفت با محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران گفتگویی انجام داده است.

جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۴ میلادی می‌شود. منابع رسمی در ایران تنها در مورد ده درصد از این اعدام‌ها خبررسانی کرده‌اند. در پایان این نشست هیأتی به نمایندگی از «سازمان حقوق بشر ایران» و «با هم علیه اعدام» با ایزابل رم مسئول حقوق بشر وزارت خارجه فرانسه دیدار

«سازمان حقوق بشر ایران» در جریان نشست رسانه‌ای در پاریس از هفدهمین گزارش سالانه خود در رابطه با اعدام در جمهوری اسلامی رونمایی کرد. در این گزارش که با حمایت سازمان غیردولتی فرانسوی «با هم علیه اعدام» تهیه شده، صحبت از اعدام دست‌کم ۹۷۵ نفر توسط

«ذوالفقار»؛ خط و نشان برای اسرائیل با رمز «یا بقیه‌الله»!



ویدئو

نه فقط تحلیلگران بلکه مردم می‌پرسند با این ادوات فرسوده تکلیف نظام در یک درگیری سنگین احتمالی با اسرائیل چه خواهد بود؟

این رزمایش مدعی است که یگان‌ها از تجهیزات و ادوات جدید استفاده کرده‌اند اما بررسی‌ها نشان می‌دهد واقعیت چنین نیست.

ارتش جمهوری اسلامی عملیات «ذوالفقار» را با رمز «یا بقیه‌الله» در سواحل عمان و اقیانوس هند از روز شنبه چهارم اسفندماه ۱۴۰۳ آغاز کرد. حبیب‌الله سیاری فرمانده

آمریکا می‌بایست با شاهزاده رضا پهلوی وارد گفتگو شود



شاهزاده رضا پهلوی در در هفدهمین اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی / سه‌شنبه ۱۸ فوریه ۲۰۲۵ / ۲۰ بهمن ۱۴۰۳
عکس از @sina_rzi sina.rzee@

داده است: فقدان یک اقتدار یکپارچه و متحد در عراق و آشوب‌ها و خشونت‌های فرقه‌ای این کشور را به آستانه جنگ داخلی کشاند.

در مورد افغانستان نیز همینطور بود. در سال ۱۹۷۳ محمد داود خان پسرعموی ظاهرشاه، حکومت پادشاهی را به نفع یک جمهوری تحت حمایت شوروی در حالی سرنگون کرد که ظاهرشاه در سفر به ایتالیا بسر می‌برد. همانطور که افغان‌ها با مهاجمان خارجی می‌جنگیدند، در جنگ داخلی نیز به تفرقه بین فرماندهان مجاهدین دچار شدند و به دست حکومت طالبان گرفتار آمدند. پادشاه قانونی نیز در رم باقی ماند و شهرت او به عنوان یک حاکم ملی در مقایسه با کسانی که روی کار آمدند بیشتر شد. پس از ۱۱ سپتامبر و حمله ایالات متحده به افغانستان، باز هم افغان‌ها به بازگشت پادشاه امیدوار بودند. او در سن ۸۷ سالگی هیچ تهدید بلندمدتی به شمار نمی‌رفت اما حامل یک وزن و سنگینی نمادین بسیار قوی بود و می‌توانست چهره‌ای متحدکننده باشد. افسوس که باز هم خلیل‌زاد وارد عمل شد تا جلوی ایفای هر نقشی را برای ظاهرشاه بگیرد. افغان‌ها گمان می‌کردند بالاترین مقام افغانستانی-آمریکایی از محبوبیت شاه ناراضی است و شاید خودش امیدوار است که به رهبری این کشور برسد. در نهایت، پادشاه شش سال بعد درگذشت، ادامه تبعید او فرصتی از دست رفته برای متحد کردن کشور افغانستان شد.

از آنجا که اکنون جمهوری اسلامی هم بیش از پیش مشروعیت خود را از دست می‌دهد و هم رهبر دیکتاتور آن، علی خامنه‌ای ۸۵ ساله خواه ناخواه با مرگ روبروست، واشنگتن باید در مورد پهلوی تجدید نظر کند. او فقط یک چهره سیاسی تبعیدی نیست. در داخل ایران، معترضان با وجود خطراتی که هرگونه نافرمانی در مقابل رژیم ←

جامعه مدنی ایرانی از اقبال برابر برخوردار نیستند. ایرانی‌ها مجاهدین خلق را به عنوان فرقه‌ای که به مقامات سابق و حریص کشورهای غربی برای حمایت و تأیید آنها پول می‌پردازد، منفور می‌دانند و در ایران طرفدار ندارد. همچنین رهبرانی که حول قوم‌گرایی سازماندهی و فعالیت می‌کنند، طرفداران سراسری در کشور ندارند.

رضا پهلوی فرزند شاه فقید یک شخصیت استثناء است. او در سراسر کشور به رسمیت شناخته شده و محبوبیت او گسترش می‌یابد. ناکامی‌های جمهوری اسلامی باعث می‌شود که شهروندان ایران به دوران پادشاهی به عنوان عصر طلایی ایران نگاه کنند. برخی از ایرانیان بر اساس انتقاداتی که به پدر وی می‌شود سعی می‌کنند پهلوی را ناکار و حذف کنند. اما این عادلانه نیست. پهلوی با گذشته تفاوت دارد و نه تنها آگاهانه از رویدادها درس گرفته بلکه بیشتر به عنوان یک نیروی ائتلاف‌ساز عمل می‌کند تا یک مدعی.

نادیده گرفتن پتانسیل پهلوی نشان می‌دهد که واشنگتن آماده است تا اشتباهی را که پیشتر در عراق و افغانستان مرتکب شده، برای سومین بار تکرار کند:

ملک حسن برادر ملک حسین فقید در اردن بیشتر دوران کودکی خود را در عراق گذراند. عراقی‌ها به دلیل شکاف‌های قومی و فرقه‌ای پس از سقوط صدام حسین الزاما به دنبال نظام پادشاهی نبودند اما معتقد بودند که ملک حسن می‌تواند در یک شورای انتقالی یا استقرار حاکمیت ملی نقشی ایفا کند. با این حال، به نظر می‌رسد ملک عبدالله دوم از تبدیل عمومیش به یک رقیب نگرانی بود و علیه وی تحریک می‌شد. زلی خلیل‌زاد دستیار شورای امنیت ملی در دوره جرج دبلیو بوش رئیس جمهور وقت آمریکا نیز خواهان نقش مهم‌تری برای خود بود و خوشحال بود که مانع ملک حسن شود. بقیه ماجرا را تاریخ نشان

● نادیده گرفتن پتانسیل پهلوی نشان می‌دهد که واشنگتن آماده است تا اشتباهی را که پیشتر در عراق و افغانستان مرتکب شده، برای سومین بار تکرار کند.

● از آنجا که اکنون جمهوری اسلامی هم بیش از پیش مشروعیت خود را از دست می‌دهد و هم رهبر دیکتاتور آن، علی خامنه‌ای ۸۵ ساله خواه ناخواه با مرگ روبروست، واشنگتن باید در مورد پهلوی تجدید نظر کند. او فقط یک چهره سیاسی تبعیدی نیست. در داخل ایران، معترضان با وجود خطراتی که هرگونه نافرمانی در مقابل رژیم می‌کند، در حتی منتقدان خود را به شدت مجازات می‌کند، در تظاهرات نام او را در خیابان‌ها سر می‌دهند. آنها در تهران، اصفهان، شیراز و مشهد نام او را در کنار شعارهایی علیه کل نظام جمهوری اسلامی از جمله اصلاح‌طلبانش صدا می‌زنند. در میان شعارهایی که در ستایش پهلوی‌ها در کشور سر داده می‌شود، ایرانیان فریاد می‌زنند: «ولیعهد کجایی؟ به داد ما بیایی؟!»

● دیدار و گفتگو با پهلوی در سطح مقامات ارشد کشورهای غربی، مشروعیت او را به رسمیت می‌شناسد و با وادار کردن تهران به درک این موضوع که واشنگتن دیگر آماده پذیرفتن تبلیغات ضد پهلوی نیست، ترس را در صفوف رژیم نیز ایجاد می‌کند. مرادده با پهلوی نشان‌دهنده این است که ایالات متحده از آرمان‌های مردم ایران برای تعیین سرنوشت و استقرار یک حکومت دموکراتیک در کشورشان حمایت می‌کند.

● رئیس جمهور دونالد ترامپ و مارکو روبریو وزیر امور خارجه باید با رضا پهلوی دیدار و گفتگو کنند. ناتوانی در به رسمیت شناختن نقش وحدت‌بخش او به یک فرصت از دست رفته خواهد انجامید که آمریکا هرگز نخواهد توانست آن را جبران کند.

آیدین پناهی (میدل ایست فوروم) - پسر شاه فقید می‌تواند ائتلاف‌ساز باشد زیرا بسیاری از ایرانیان دوران پادشاهی کشور را به عنوان عصر طلایی ایران ارزیابی می‌کنند. در طول چندین دهه، ایالات متحده برای اجرای یک سیاست موثر در قبال حکومت ایران تلاش کرده است. مذاکرات با جمهوری اسلامی در پایان دادن به حمایت از تروریسم یا برنامه هسته‌ای تهران شکست خورده است. اگرچه مقامات رده پایین وزارت امور خارجه و با فعالان جامعه مدنی ممکن است با مخالفان حکومت ملاقات کنند اما هر دو دولت دموکرات و جمهوریخواه از اینکه آغوش خود را به روی اپوزیسیون بیشتر بکشایند، خودداری می‌کنند. این سیاست باید تغییر کند.

دولت‌های قبلی آمریکا به دو دلیل مخالفت می‌کردند. یکی اینکه آنها اصولا ارتباط با رهبران اپوزیسیون در خارج کشور را به پرسش می‌کشیدند. و دیگر اینکه دیپلمات‌ها استدلال می‌کردند که گفتگوهایی در سطح بالا با یک رهبر اپوزیسیون، سبب توقع دیگر مدعیان رهبری می‌شود و ایالات متحده نمی‌تواند یکی را بر دیگری ترجیح دهد.

هر دو دلیل اما اشتباه است. ایرانیان پس از چهار دهه حکومت آخوندی سرخورده شده‌اند. اصلاحات تدریجی غیرممکن است زیرا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مانند گارد نگهبان رهبری جمهوری اسلامی عمل می‌کند. همچنین به دلیل سرکوب در داخل کشور، مباحثات پر تحرک در خارج از کشور جریان دارد. در عین حال، نیروهای مختلف اپوزیسیون یا فعالان

حفظ جایگاه، اقتدار کلام و استراتژی شاهزاده رضا پهلوی یک امر حیاتی است



شاهزاده رضا پهلوی

می‌کنند (ناخودی). وقتی همه اعضای جنبش بطور یکپارچه از استراتژی‌ها و توصیه‌های رهبری پیروی کنند، هویت واقعی نیروهای پشتیبان مشخص و قابل اعتماد می‌شود. این امر از چند جهت اهمیت دارد:

تقویت وحدت و همبستگی

پیروی از توصیه‌های رهبری، موجب ایجاد جبهه‌ای متحد می‌شود که دشمنان نمی‌توانند از اختلافات داخلی بهره ببرند. **شفافیت در تشخیص هم‌پیمانان** وقتی هر فرد بر اساس الگوهای تعیین شده عمل کند، نیروهای واقعی و مطمئن به راحتی از کسانی که صرفاً به منافع شخصی فکر می‌کنند، قابل تفکیک خواهند بود.

تضمین موفقیت استراتژیک

تنها با حضور نیروهایی که به کلام و استراتژی شاهزاده وفادارند، می‌توان در نبرد علیه رژیم تبهکار به پیروزی دست یافت؛ چرا که هرگونه انحراف از این ایده‌ها و توصیه‌ها، به ضعف در اجرای برنامه‌های کلان و استفاده دشمن از اختلافات داخلی منجر می‌شود.

حفظ جایگاه و اقتدار کلام شاهزاده رضا پهلوی، ستون اصلی استراتژی مبارزه علیه رژیم تبهکار جمهوری اسلامی است. تنها با اتحاد و همبستگی و پیروی بی‌چون و چرا از کلام و استراتژی شاهزاده رضا پهلوی می‌توانیم جلوی هرگونه تفرقه و اختلاف را بگیریم و دشمن را به زانو درآوریم. کلام شاهزاده نه تنها نمایانگر اهداف والای مقاومت و نجات ایران است، بلکه چراغ راهی برای تحقق انقلاب ملی به شمار می‌رود؛ چراغی که در مسیر پیروزی و آزادی، هیچگاه نباید تاریک شود. همچنین این راهکار هدفمند معیاری برای شناسایی و تمایز نیروهای واقعی از ناخودی جبهه پادشاهی عمل می‌کند.

*دکتر بابک سینا فعال و تحلیلگر سیاسی

بابک سینا - در نبرد سرنوشت‌ساز علیه رژیم تبهکار جمهوری اسلامی، حفظ جایگاه و اقتدار کلام شاهزاده رضا پهلوی نه تنها از نظر نمادین بلکه از منظر استراتژیک، امری حیاتی به شمار می‌رود. سخنان شاهزاده، به عنوان راهنمایی روشن برای مقاومت و اتحاد ملی، توانایی شکل دادن به افکار و دل‌های مردم را دارد. از این رو، انتقال صحیح و بی‌چون و چرای این کلام، اساس موفقیت در مقابله با دشمن مشترک ماست.

سخنان شاهزاده رضا پهلوی حامل پیام‌های وحدت، استقلال و مبارزه با ظلم و استبداد است. ایشان با بیان دقیق و آگاهانه اهداف و استراتژی‌های جنبش پادشاهی، راه را برای اتحاد نیروها هموار می‌سازند. حفظ اقتدار این کلام به معنای حفظ یک چهره روشن در برابر تلاش‌های رژیم برای ایجاد هرج و مرج و تضعیف روحیه مقاومت است. پیام‌های ایشان به عنوان ستون فقرات تحولات انقلابی، تضمین می‌کنند که همگان در یک مسیر مشخص و با هدف مشترک حرکت کنند. نافرمانی و تردید در پیروی از ایده‌ها و توصیه‌های شاهزاده، نه تنها پیامدهای داخلی ناخواسته دارد بلکه زمینه را برای بهره‌برداری دشمن از هرگونه اختلاف میان هواداران فراهم می‌آورد. در مواجهه با تلاش‌های رژیم برای تفرقه‌اندازی، اهمیت حفظ نظم و انضباط در بیان کلام رهبری بیش از پیش نمایان می‌شود. هرگونه تحریف یا سوء استفاده از آزادی بیان به نحوی که پیام اصلی را مخدوش کند، می‌تواند به تضعیف اتحاد ملی و کاهش قدرت تأثیرگذاری جنبش منجر شود.

استراتژی‌های حفظ اقتدار کلام

ایجاد یک جبهه متحد

ضروری است که تمامی هواداران و نیروهای پادشاهی، با درک صحیح از اهداف و استراتژی‌های شاهزاده، به شکل یکپارچه از کلام ایشان پیروی کنند. این اتحاد نه تنها باعث افزایش مشروعیت رهبری می‌شود بلکه دشمن را از تحقق هرگونه اختلاف و تفرقه بازمی‌دارد.

مدیریت دقیق گفتمان

حفظ اقتدار کلام مستلزم مدیریت هوشمندانه گفتمان است؛ به گونه‌ای که پیام‌های شاهزاده، بدون هرگونه تغییر و تحریف، در فضای عمومی و بین‌المللی منتقل شوند. استفاده از راهکارهای نوین ارتباطی و رسانه‌ای، در این راستا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

رد مبانی نامربوط به آزادی بیان

باید تأکید کرد که توصیه‌های شاهزاده در جهت ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج است، نه محدودیت آزادی بیان به فقط مانند کسانی که مثل ما فکر می‌کنند. در یک ارتش آزادیبخش که سلسله‌مراتب و انضباط اساسی است، «آزادی بیان» به معنای بی‌مسئولیتی و مصونیت از پیامدهای ناهنجار این آزادی نیست. در نتیجه، پیروی از کلام رهبری که به وی ابراز اعتماد می‌شود، به منزله تضمین امنیت و انسجام در مقابل تهدیدهای مختلف است.

تشخیص نیروهای خودی دموکرات از ناخودی‌های ضددموکراسی

حفظ اقتدار کلام شاهزاده، ابزاری حیاتی در تمایز بین نیروهای واقعی مدافع دموکراسی (خودی) و نیروهای ضد دموکراسی است که به نفع منافع فردی یا رژیم عمل

→ که حتی منتقدان خود را به شدت مجازات می‌کند، در تظاهرات نام او را در خیابان‌ها سر می‌دهند. آنها در تهران، اصفهان، شیراز و مشهد نام او را در کنار شعارهایی علیه کل نظام جمهوری اسلامی از جمله اصلاح‌طلبانش صدا می‌زنند. در میان شعارهایی که در ستایش پهلوی‌ها در کشور سر داده می‌شود، ایرانیان فریاد می‌زنند: «ولیعهد کجایی؟ به داد ما بیایی؟!»

نظرسنجی اخیر «موسسه تحقیقات و پیش‌بینی تجربی» نشان داد که ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان رضا پهلوی را بر دیگر چهره‌های سیاسی ایران ترجیح می‌دهند که خود چالشی مستقیم برای مشروعیت رژیم به شمار می‌رود. با وجود این، واشنگتن همچنان مردد است و از «بازگشت به سلطنت» می‌ترسد و تعهد اعلام شده خود به ایران سکولار و دموکراتیک را نادیده می‌گیرد.

درواقع پهلوی بر نیاز به یک برنامه گذار سازمانیافته از جمله برگزاری همه‌پرسی برای تعیین شکل نظام آینده توسط خود مردم ایران از طریق یک فرآیند قانونی و مشروع و فراگیر تأکید می‌کند. رویکرد او بر پنج حوزه کلیدی متمرکز است: حمایت حداکثری از مبارزات مردم در داخل ایران، اعمال فشار حداکثری بین‌المللی بر رژیم، بسیج و سازماندهی جامعه مهاجران ایرانی، تسهیل ریزش در صفوف رژیم، و ترسیم نقشه راه سیاسی و اقتصادی برای شکوفایی ایران پس از رژیم. او مخالف تغییر رژیم با مداخلات غرب است اما به دنبال مشارکت کشورهای غربی برای حمایت از مردم ایران است.

دیدار و گفتگو با پهلوی در سطح مقامات ارشد کشورهای غربی، مشروعیت او را به رسمیت می‌شناسد و با وادار کردن تهران به درک این موضوع که واشنگتن دیگر آمادگی پذیرفتن تبلیغات ضد پهلوی نیست، ترس را در صفوف رژیم نیز ایجاد می‌کند. مراد به پهلوی نشان‌دهنده این است که ایالات متحده از آرمان‌های مردم ایران برای تعیین سرنوشت و استقرار یک حکومت دموکراتیک در کشورشان حمایت می‌کند.

اغلب مقامات آمریکایی فاقد تصور از آینده ایران هستند. آنها جمهوری اسلامی را اوج طبیعی تکامل سیاسی ایران و سرنوشت آن می‌دانند و از درک ناهنجاری‌های این جمهوری ناتوان هستند. آن‌هم در حالی که فروپاشی این نظام در ایران اجتناب‌ناپذیر است. ایران دموکراتیک و همسو با غرب، توازن استراتژیک خاورمیانه را نیز تغییر می‌دهد و شبکه تروریستی جمهوری اسلامی را از بین می‌برد و کشورهایمانند لبنان، عراق و یمن را قادر می‌سازد تا به حالت عادی بازگردند.

با این حال، بهم زدن قطعات پازلی که حکومت فاسد آخوندی بیش از چهار دهه در ایران و منطقه چیده است آسان نخواهد بود. درست مانند آنچه طی سال‌های گذشته در عراق و افغانستان روی داد، در ایران نیز وقتی شهروندان درباره آینده خود گفتگو می‌کنند، می‌دانند که متحد کردن چهره‌ها بسیار مهم است. رئیس‌جمهور دونالد ترامپ و مارکو رویو وزیر امور خارجه باید با رضا پهلوی دیدار و گفتگو کنند. ناتوانی در به رسمیت شناختن نقش وحدت‌بخش او به یک فرصت از دست رفته خواهد انجامید که آمریکا هرگز نخواهد توانست آن را جبران کند.

*منبع: میدل ایست فوروم

*نویسنده: دکتر آیدین پناهی استاد پژوهشگر ایرانی-آمریکایی و متخصص انرژی است. او همچنین به عنوان فعال سیاسی و حقوق بشر فعالیت می‌کند.
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

برگزاری کنفرانس «ایرانسانس» درباره بازسازی اقتصادی ایران آینده در «سیلیکون ولی»



کنفرانس «بازسازی اقتصادی ایران» / سیلیکون ولی، کالیفرنیا / فوریه ۲۰۲۵

آمده‌ایم تا تجربیات خود اعم از موفقیت‌ها و شکست‌ها را در اختیار مردم ایران بگذاریم، ما طالب قدرت و حکمرانی نیستیم و خواهان خدمت هستیم.»
او تأکید کرد: «توسعه پایدار، مستلزم حکمرانی سکولار است و حکمرانی سکولار ممکن نیست، مگر با تمکین به عقل سلیم بشری و به رسمیت شناختن حقوق طبیعی و در مقیاس ملی حقوق شهروندی.»

آهی با اشاره به تجربیاتش در بازسازی کشورهای بالتیک پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گفت، آنجا «اراده برای تغییر وجود داشت» که «برای پیشبرد روند بازسازی پنج اصل را به آنها پیشنهاد دادیم و گفتیم اگر به صورت قانون باشند و واقعاً به آن متعهد باشید می‌توانیم درهای سرمایه جهانی را به سوی کشورهای بالتیک بازکنیم.»

او در تشریح این پنج اصل گفت: «شفافیت مالی که تزریق سرم ضد فساد به اقتصاد است، پیوستن به FATF، گارانتی (تضمین) سرمایه، پذیرش استانداردهای MIGA، شفافیت بودجه با پذیرش استانداردهای IFRS، در واقع مشخص باشد سرمایه‌های ایران صرف حزب‌الله می‌شود یا مردم ایران، دآوری بی‌طرفانه و منصفانه برای حل و فصل اختلافات و مقررات ILO از جمله حرمت کارگر. اینها مجموعه است که حرمت سرمایه‌گذاری و وجدان چپ که حرمت کارگر در آن است منظور شده، شفافیت اقتصادی هم در آن هست، پاسخگویی حکومت و عدالت در دآوری منصفانه هم در آن هست.»

تثبیت فوری و توانمندسازی اقتصادی

نادره شاملو مشاور پیشین بانک جهانی، سومین سخنران کنفرانس بازسازی ایران بود که درباره «تثبیت فوری و توانمندسازی اقتصادی» صحبت کرد.

او در بخشی از سخنرانی خود به بررسی روند کاهش قدرت اقتصادی ایران از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۰ پرداخت و آن را به افزایش قدرت اقتصادی دو کشور ترکیه و کره جنوبی مقایسه کرد. هر دو کشور در سال ۱۹۸۰ از نظر

خود را به بحث گذاشتند و برخی الگوهای موفق را برای پیشبرد پروژه بازسازی ایران ارائه دادند.

در نخستین روز این کنفرانس سعید (سید) محاسب کارآفرین و سرمایه‌گذار، شه‌ریار آهی فعال سیاسی و مشاور اقتصادی، نادره شاملو مشاور پیشین بانک جهانی، سارا بازوبندی پژوهشگر در مؤسسه آلمانی «مطالعات جهانی و منطقه‌ای»، مهرداد آرین‌نژاد مدیر «سازمان فرهنگی تیرگان» و شایان نیک‌نژاد متخصص مدیریت انرژی سخنرانی کردند.

گذر از خودآگاهی به بازسازی

سعید (سید) محاسب کارآفرین و سرمایه‌گذار، سخنران نخست این کنفرانس درباره «سفر از آگاهی ذهن تا بازسازی» صحبت کرد. او که سال‌هاست به عنوان مشاور استارت‌آپ‌ها و شرکت‌ها و هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری فعال است، عنوان کرد: «فرصت بازسازی با خودآگاهی ابتدا از ذهن صورت می‌گیرد... [امروز] وقت سازندگی است.»

او با اشاره به اینکه «برای بازسازی ایران با چالش‌های فراوان روبرو هستیم»، تأکید کرد «ما آینده مشترک داریم و با فرصت‌ها، انتخاب‌ها و ریسک‌ها و مشکلات زیاد از جمله وضعیت زیرساخت‌های مالی و شهری، فقر، اختلاس، وضعیت آموزش و پرورش، اعدام و بی‌عدالتی و مشکلات محیط زیست روبرو هستیم که «درد مشترک» است.»

محاسب توضیح داد، «برای بازسازی و بهینه‌سازی بین هر طلوع و غروب فرصت هست» و «تفاوت‌های ما پایه‌های بازسازی و سازندگی ما را محکم‌تر می‌کند... بازسازی بدون کار ممکن نیست و کار بدون همکار کم‌نتیجه‌تر است، پس باید در آخر گفت که همراه شو رفیق که این درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود.»

پنج شرط سرمایه‌گذاری

شه‌ریار آهی فعال سیاسی و مشاور اقتصادی درباره «بهترین رویه از سایر کشورها برای بازسازی»، «نقش مناطق آزاد اقتصادی» و «ضرورت ایجاد «صندوق بازسازی ایران» صحبت کرد. او در مقدمه سخنرانی خود گفت، «اینجا

● کنفرانس دو روزه «ایرانسانس» با حضور بیش از ۴۰ متخصص و کارآفرین به همراه شماری از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی ۲۲ فوریه ۲۰۲۵ (چهارم اسفندماه ۱۴۰۳) در سیلیکون ولی آغاز شد.

● سعید (سید) محاسب کارآفرین و سرمایه‌گذار: «تفاوت‌های ما پایه‌های بازسازی و سازندگی ما را محکم‌تر می‌کند»، «درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود.»

● شه‌ریار آهی فعال سیاسی و مشاور اقتصادی: «آمده‌ایم تا تجربیات خودمان را اعم از موفقیت‌ها و شکست‌ها در اختیار مردم قرار دهیم.»

● نادره شاملو مشاور پیشین بانک جهانی: «طی ۴۵ سال گذشته فساد بسیار همه‌گیر شده و ابعاد آن بالا رفته و درواقع با سرطان فساد روبرو هستیم که درمان آن مستلزم وضع قوانین و رعایت استانداردهای بین‌المللی است.»

● سارا بازوبندی پژوهشگر مؤسسه «سیاست‌های امنیتی»: یکی از کلیدی‌ترین موضوعات ضرورت جذب سرمایه است. پاسخگویی دموکراتیک و کیفیت بوروکراتیک نیز بسیار مهم است.

● مهرداد آرین‌نژاد مدیر «سازمان فرهنگی تیرگان»: «برگزاری فستیوال‌های فرهنگی و هنری مثل تیرگان، کمک می‌کند که ایرانیان به سرزمین خودشان احساس تعلق کنند، فرهنگ و هویت عواملی است که ایرانیان را در سراسر جهان به هم متصل می‌کند.»

● شایان نیک‌نژاد متخصص مدیریت انرژی: «احیای بخش انرژی و بهینه‌سازی منابع برای افزایش بهره‌وری اصلی‌ترین گزینه برای درآمدزایی در میان‌مدت است.»

کنفرانس دو روزه «ایرانسانس» با حضور بیش از ۴۰ متخصص و کارآفرین به همراه شماری از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی ۲۲ فوریه ۲۰۲۵ (چهارم اسفندماه ۱۴۰۳) در سیلیکون ولی آغاز شد.

در این گردهمایی متخصصان اقتصادی ایده‌ها و تجربیات

اقتصادی از ایران پایین تر بودند اما با گذشت چهار دهه قدرت اقتصادی آنها از ایران بیشتر شده است.

شاملو «تأمین امنیت عمومی و امنیت ملی»، «ایجاد اعتماد عمومی و نهادهای مؤثر»، «ارتقاء ثبات سیاسی و حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافات» و «نقش جامعه مدنی» را از مقدمات اصلی بازسازی ایران دانست. بر اساس اطلاعاتی که شاملو ارائه داد، «طبق آمار صندوق بین‌المللی پول اگر زنان در اقتصاد ایران مشارکت داشتند درآمد سرانه کل کشور از ۴۰ درصد بیشتر می‌شد.» او بر این باور است «قوانین فعلی ایران برای مشارکت زنان در کسب و کار دست و پاگیر است.»

به گفته مشاور ارشد سابق بانک جهانی در چشم‌انداز ایران فردا، یکی از اولویت‌ها جذب نیروی کار مازاد و اشتغالزایی به ویژه برای جوانان است. او همچنین می‌گوید «طی ۴۵ سال گذشته فساد بسیار همه‌گیر شده و ابعاد آن بالا رفته است و در واقع با «سرطان فساد» روبرو هستیم که درمان آن مستلزم وضع قوانین و رعایت استانداردهای بین‌المللی است.» او همچنین تأکید کرد که طی چهار دهه گذشته درآمد طبقه متوسط در ایران کاهش شدید پیدا کرده، نابرابری درآمد بیشتر شده و رشد اقتصادی به شدت کاهش پیدا کرده است.

کاهش ریسک‌های اقتصادی و سیاسی در بازسازی ایران
سارا بازوبندی پژوهشگر مؤسسه «سیاست‌های امنیتی» از دانشگاه کیل و همکار پژوهشی در مؤسسه آلمانی «مطالعات جهانی و منطقه‌ای» سخنان دیگر روز نخست کنفرانس بازسازی ایران بود. موضوع سخنرانی او «کاهش ریسک‌های اقتصادی و سیاسی در بازسازی ایران» است. بازوبندی تأکید کرد که یکی از کلیدی‌ترین موضوعات

ضرورت جذب سرمایه است اما پاسخگویی دموکراتیک و کیفیت بوروکراتیک بسیار مهم است. او وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران را بر اساس چند شاخص از جمله «شاخص رفاه لگاتوم» به چالش کشید و از پیامدهای منفی فساد در اقتصاد ایران، عدم شفافیت اقتصادی، فقدان آزادی‌های فردی و اجتماعی و به هدر دادن سرمایه‌های اجتماعی صحبت کرد. او گفت در زمینه شاخص رفاه وضعیت کشوری مثل مصر، کامبوج و تاجیکستان از ایران بهتر است.

ایران در جدیدترین گزارش بنیاد هریتیج درباره شاخص آزادی اقتصادی، در میان سرکوب شده‌ترین اقتصادهای جهان قرار گرفت. بر اساس این گزارش، ایران با کسب ۴۱/۲ امتیاز از یک صد امتیاز ممکن، در بین ۱۸۴ کشور جهان در رتبه ۱۶۹ قرار گرفت.

او همچنین با استناد به امتیاز ایران در گزارش سال ۲۰۲۴ «بنیاد هریتیج» اشاره کرد که «شاخص آزادی اقتصادی» در ایران به شدت سقوط کرده و پایین‌تر از مصر و عربستان سعودی قرار دارد. (بنیاد آمریکایی هریتیج از مفهوم آزادی اقتصادی به عنوان حق بنیادین هر انسان برای کنترل کار و دارایی‌های خود، یاد و هر ساله کشورهای جهان را از نظر آزادی اقتصادی رتبه‌بندی می‌کند.)

کاهش ریسک به معنای ایجاد پوشش برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی نیست، بلکه مستلزم ایجاد شرایطی است که در آن شهروندان متوسط ایرانی چشم‌انداز باثبات‌تر، آینده امیدوارتر و چشم‌انداز مثبت‌تری را نسبت به ثبات اجتماعی و اقتصادی در ایران پیدا کنند.

نقش فستیوال‌های فرهنگی در بازسازی ایران

سخنران دیگر این کنفرانس مهرداد آرین‌نژاد مدیر «سازمان فرهنگی تیرگان» بود که گفت: «بازسازی ایران مستلزم کار و اراده جمعی است. باید بین ایرانی‌ها پیوند برقرار کرد و از همه مهمتر نیاز به امید داریم. برگزاری فستیوال‌های فرهنگی و هنری مثل تیرگان، کمک می‌کند که به سرزمین

خودشان احساس تعلق کنند، فرهنگ و هویت عواملی است که ایرانیان را در سراسر جهان به هم متصل می‌کند.»

او تشریح کرد، «برای غیرایرانی‌ها تصویر مثبتی از ایران و ایرانی ایجاد خواهد کرد، برگزاری تورهای جهانی فرهنگی می‌تواند به بازسازی ایران کمک کند و نگاه دنیا به ایران را تغییر دهد. برجسته‌سازی تمدن کهن ایران می‌تواند به جذب سرمایه کمک کند، ایران را در موقعیتی قرار دهد که مرکز فرهنگ باشد. همچنین تیرگان می‌تواند به جذب توریسم در ایران کمک کند و فرصتی برای معرفی غذاهای ایرانی ایجاد کند که از بهترین غذاهای دنیاست و همه اینها کنار هم پیوند میان ایرانیان در سراسر جهان را تقویت می‌کند و درها را به روی سرمایه‌گذاران خارجی باز می‌کند.»

آرین‌نژاد در ادامه افزود، «در بین نسل دوم و سوم ایرانیان خارج از کشور تجار، اساتید دانشگاهی و سیاستمدارانی فعال هستند که پیوند آنها باید با سرزمین مادری برقرار باشد و جشنواره‌های فرهنگی می‌تواند این پل ارتباطی باشد، آنها می‌توانند روابط سیاسی و اقتصادی بین دنیای خارج و ایران را بهبود بخشند.»

احیای اقتصاد ایران در میان مدت با تکیه بر بهینه‌سازی انرژی
شایان نیک‌نژاد متخصص مدیریت انرژی از دیگر سخنرانان کنفرانس بازسازی ایران بود که درباره چشم‌انداز انرژی، فرصت‌ها و قابلیت‌ها، برنامه‌های میان‌مدت برای دستیابی به تاب‌آوری و ثبات صحبت کرد.

او در مقدمه توضیح داد که «ایران نیاز دارد طی ۱۰ سال آینده یک تریلیون دلار جذب سرمایه‌کند تا فرصت شغلی ایجاد کند، زیرساخت‌ها احیا شوند و صنایع توسعه پیدا کنند

و امنیت اقتصادی برای مردم برقرار شود.» نیک‌نژاد بیان کرد که چطور به پشتوانه منابع نفت و گاز و بهینه‌سازی صنایع مرتبط با آن می‌توان به بازسازی ایران کمک کرد. او همچنین با اشاره به فرسودگی‌های صنایع نفت و گاز و ضرورت احیای آن، تشریح کرد که چطور می‌شود شرایط قانونی را فراهم کرد که ایران به مقصد جذاب برای سرمایه‌گذاران تبدیل شود.

به گفته این متخصص و پژوهشگر حوزه انرژی، ضروری است طرح‌های نوسازی به اجرا گذاشته شود تا در میان مدت با تثبیت اقتصادی و سپس ثبات نرخ ارز، اشتغالزایی امکان‌پذیر شود. در چشم‌اندازی که او به عنوان استراتژی ارائه داد، «احیای بخش انرژی و بهینه‌سازی منابع برای افزایش بهره‌وری» اصلی‌ترین گزینه برای درآمدزایی بود.

بردیا حریری سخنگوی «ایران‌سانس» در حاشیه این کنفرانس به کیهان لندن گفت: «تلاش ما در این کنفرانس این است که کمک کنیم با همکاری متخصصان باتجربه و سرمایه‌گذاران موفق و با همکاری متخصصان و مدیران داخل کشور، اقتصاد ایران را احیاء کنیم، آرزوی ما ایرانی است که طبقه متوسط آن تقویت شده، جوان‌ها بتوانند خانه بخرند، کادر درمان و کارگران مشاغل سخت مثل معدنکاران حقوقی شایسته زحمات‌شان دریافت کنند و کسب و کار رونق داشته باشد و از قطع برق و گاز خبری نباشد.» دومین روز کنفرانس «ایران‌سانس» که یکشنبه ۲۳ فوریه (پنجم اسفندماه) برگزار می‌شود به برگزاری پنل‌های تخصصی و جلسات بحث و همفکری برای تقویت همکاری‌ها و تشکیل کارگروه‌های فعال در زمینه‌های مختلف اقتصادی و حقوقی اختصاص دارد.

وقتی در جنگ دیگران خود شیرینی می‌کنی!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

دومین روز کنفرانس «ایرانسانس»؛ تکیه بر تجربه متخصصان و پایبندی به استانداردهای بین‌المللی



دومین روز کنفرانس ایرانسانس برای بازسازی ایران / پنجم اسفندماه ۱۴۰۳، سیلیکون ولی کالیفرنیا

تجربیات و طرح‌هایی را برای جبران کمبود برق و سپس تولید و صادرات برق از ایران ارائه داد و گفت: «ما در کشور نیروی متخصص، منابع انسانی، علم و انگیزه و همچنین ذخایر انرژی کافی برای تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه را در اختیار داریم.»

احیای صنعت کشاورزی و رفع بحران آب

دکتر محسن مسگران استاد دانشگاه «دیویس» کالیفرنیا و متخصص در زمینه آب و کشاورزی با حضور دکتر اسماعیل فلاحی استاد دانشگاه آیداهو و نایب رئیس انجمن علوم باغبانی آمریکا کارگروهی درباره اصلاح شیوه‌های کشاورزی و راه‌های افزایش تولید محصول برگزار کردند.

او توضیح داد، «در این کارگروه درباره بحران آب در ایران و خلاءهای قانونی مرتبط با وزارت نیرو صحبت شد و در فردای آزادی ایران یکی از مشکلاتی که باید حل شود همین خلاءهای قانونی است.» راهکارهای مدرن‌سازی کشاورزی ایران و راه‌های کاهش مصرف آب در زراعت از دیگر مباحث مطرح شده در این کارگروه بود.

تسریع بازسازی با هوش مصنوعی

نیما بختیاری نیز درباره نقش فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی در تسریع بخشیدن به بازسازی ایران پرداخت. او اشاره کرد که از طریق ارتباط با متخصصان سیلیکون ولی، شفافیت اقتصادی و بانکداری نوین می‌تواند این روند را تسریع کرد. دکتر بردیا حریری سخنگوی «ایرانسانس» به کیهان لندن می‌گوید: «بحث‌های مطرح شده در کنفرانس بازسازی ایران فقط محدود به بیان مشکلات یا ضرورت پرداخت به آن نبود بلکه متخصصان دانش و تجربیات موفق خود در سایر کشورها را اشتراک گذاشتند و تأکید همه آنها این بود که بازسازی ایران با توجه به ظرفیت و منابعی که وجود دارد امکان‌پذیر و در دسترس است.»

او افزود: «قرار شد برای ارتباط با متخصصانی در اتاق بازرگانی ایران ارتباط گرفته شود، در ایران متخصصان، مدیران و مهندسان تراز اول فعال‌اند، استارت‌آپ‌های مختلف راه‌اندازی شده و در واقع آنها هستند که باید از این ایده‌ها استفاده شود. ما حدود ۴۰ ساعت از جلسات و کارگروه‌ها ویدیو ضبط کردیم و جلسات بحث و گفتگو ضبط شد تا به تدریج در اختیار فعالان اقتصادی و متخصصان در ایران قرار بگیرد.»

در کنفرانس دو روزه «ایرانسانس» بیش از ۴۰ متخصص و کارآفرین به همراه شماری از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی حضور داشتند.

در این گردهمایی متخصصان اقتصادی، ایده‌ها و تجربیات خود را به بحث گذاشتند و برخی الگوهای موفق را برای پیشبرد پروژه بازسازی ایران ارائه دادند.

مرتبط با فناوری‌های جدید پاسخ داده شد. پنل مربوط به «نقش تکنولوژی در سرعت بخشی به روند بازسازی»

در بخش پایانی این گردهمایی دکتر شهریار آهی، علی رهنما، پویا شوقی، آزاده افصحی، دکتر تقی آل‌رضا، دکتر محسن مسگران و نیما بختیاری درباره پنل‌های جانبی که با حضور متخصصان و کارآفرینان در چند حوزه برگزار شد صحبت کردند و به بیان تجربیات خود در زمینه توسعه اقتصادی و بازسازی در سایر نقاط پرداختند.

کارشناسان و صاحب‌نظران در این پنل‌ها درباره چگونگی پیشبرد طرح‌های پیشنهادی، جذب کارشناسان بیشتر از ایران و سایر کشورها و حفظ پویایی لازم برای محقق کردن چشم‌انداز بازسازی ایران صحبت کردند.

شروط پنجگانه

دکتر شهریار آهی فعال سیاسی و مشاور اقتصادی به تشریح شروط پنجگانه به عنوان ضرورت بازسازی اقتصاد ایران پرداخت که شامل، «ضرورت پیوستن به FATF، پذیرش استانداردهای MIGA، شفافیت بودجه با پذیرش استانداردهای IFRS، دآوری بی‌طرفانه و منصفانه برای حل و فصل اختلافات و پذیرش مقررات ILO» بود.

پذیرش چارچوب‌های قانونی برای جذب سرمایه

علی رهنما حقوقدان به تشریح مباحث مطرح شده در پنلی پرداخت که درباره «چارچوب‌های قانونی برای بازسازی» بود. او توضیح داد، «توسعه سیاسی بدون توسعه اقتصادی ممکن نیست و همه اینها وابسته به توسعه حقوقی است.» رهنما افزود: «هدف ما برای آینده، داشتن یک ایران سکولار، آزاد و دموکراتیک و یک ایران شکوفاست و این خواست مردم ایران است.»

پویا شوقی گزارشی از بحث‌های مطرح شده در یک پنل دیگر با حضور دکتر سعید دهقان و دکتر آمنه عسگری درباره «تجربیات مقابله با فساد در سایر کشورها» و «مراحل ادغام ایران با اقتصاد جهانی» توضیحاتی ارائه داد. در این پنل همچنین درباره «نقش مناطق آزاد در بازسازی اقتصاد ایران»، «راه‌های مقابله نقض حقوق کارگران» و «ضرورت پذیرش قوانین ILO» بحث شد.

ضرورت احیای صنعت برق

دکتر تقی آل‌رضا متخصص انرژی و کارآفرین به همراه چند متخصص در حوزه انرژی از جمله دکتر فرخ زندی از «پروژه ققنوس ایران» به ضرورت بازسازی زیرساخت‌های انرژی ایران پرداختند. آنها راهکارهایی برای احیای زیرساخت‌های انرژی در ایران از جمله صنعت برق ایران ارائه دادند. آل‌رضا با اشاره به وجود منابع سرشار گازی در ایران،

● دومین روز کنفرانس «ایرانسانس» با محور بازسازی اقتصاد ایران، روز یکشنبه ۲۳ فوریه ۲۰۲۴ (پنجم اسفند ۱۴۰۳) با برگزاری چند سخنرانی و پنل تخصصی در سیلیکون ولی برگزار شد.

● در این کنفرانس دکتر سرلال ام. پریرا معاون و مشاور پیشین MIGA (سازمان ضمانت سرمایه‌گذاری چندجانبه)، الیکا افتخاری وکیل تجارب بین‌المللی و تحریم‌ها و آرتا پراو مدیر بخش سیاست‌گذاری سازمان کار (ILO) سخنرانی کردند ● کارگروه‌های مختلف در چند حوزه کارگروه‌های تخصصی برگزار کردند. موضع یکی از این پنل‌ها نقش فناوری در بازسازی بود که گردانندگان آن نیکلاس گیلانی بانکدار بین‌المللی، دکتر املیا اخلاقی استاد دانشگاه «نورث ریج» در کالیفرنیا و نیما بختیاری متخصص و کارآفرین بودند.

دومین روز کنفرانس «ایرانسانس» با محور بازسازی اقتصاد ایران، روز یکشنبه ۲۳ فوریه ۲۰۲۴ (پنجم اسفند ۱۴۰۳) با برگزاری چند سخنرانی و پنل تخصصی در سیلیکون ولی برگزار شد.

در بخش اول این کنفرانس دکتر سرلال ام. پریرا معاون و مشاور پیشین MIGA (سازمان ضمانت سرمایه‌گذاری چندجانبه)، الیکا افتخاری وکیل تجارب بین‌المللی و تحریم‌ها و آرتا پراو مدیر بخش سیاست‌گذاری سازمان کار (ILO) سخنرانی کردند.

پس از این سخنرانی‌ها، یک پنل تخصصی با موضوع «استفاده از نوآوری و فناوری در بازسازی منابع سازمانی (ERP) و رعایت استانداردهای بین‌المللی مربوط به گزارش‌های مالی و قانون ساکس (IFRS)» برگزار شد. گردانندگان این پنل، نیکلاس گیلانی بانکدار بین‌المللی، دکتر املیا اخلاقی استاد دانشگاه «نورث ریج» در کالیفرنیا و نیما بختیاری متخصص و کارآفرین بودند.

سخنران دیگر این کنفرانس دکتر الن بستاکیان مدیر انجمن جهانی متخصصین مدیریت تغییر و عضو «انديشكده ققنوس» بود. او درباره «نقش مدیریت تغییر در پیاده‌سازی سیستم‌ها برای انطباق با قوانین و مقررات» صحبت کرد.

پنل دوم این کنفرانس را نیما بختیاری با همکاری سوزان اکبرپور کارآفرین و سرمایه‌گذار، علی کارزونیان مدیر توسعه مهندسی و هوش مصنوعی در یوتیوب و گوگل (معاون قاضی‌نوری معاون مدیر برنامه گوگل پیش بردند. محور این پنل «نقش تکنولوژی در سرعت بخشی به روند بازسازی» بود. در این بخش به پرسش‌های متعددی در حوزه کسب و کارها، مدیریت فناوری، راه‌اندازی استارت‌آپ‌ها و مشاغل

اهداف کنفرانس «ایرانسانس»؛ بازسازی اقتصاد ایران با همکاری متخصصان داخلی



اهداف کنفرانس ایرانسانس
(سیلیکون ولی، کالیفرنیا)

ویدئو

کنفرانس دو روزه «ایرانسانس» با حضور بیش از ۴۰ متخصص و کارآفرین به همراه شماری از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی ۲۲ و ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ (چهارم اسفندماه ۱۴۰۳) در سیلیکون ولی برگزار شد.

در این گردهمایی متخصصان اقتصادی ایده‌ها و تجربیات خود را به بحث گذاشتند و برخی الگوهای موفق را برای پیشبرد پروژه بازسازی ایران ارائه دادند.

المیرا (الی) اسماعیلی کارشناس مدیریت بحران و کنترل ریسک در آغاز به محورهای اصلی کنفرانس اشاره کرد و به تشریح اهداف و چشم‌انداز برنامه‌های «ایرانسانس» پرداخت.

برگزارکنندگان «کنفرانس بازسازی ایران» می‌گویند، تلاش ما در این کنفرانس این است که کمک کنیم با همکاری متخصصان باتجربه و سرمایه‌گذاران موفق و با همکاری متخصصان و مدیران داخل کشور، اقتصاد ایران را احیاء کنیم. آرزوی ما ایرانی است که طبقه متوسط تقویت شده، جوان‌ها بتوانند خانه بخرند، کادر درمان و کارگران مشاغل سخت مثل معدنکاران حقوقی شایسته زحمات‌شان دریافت کنند و کسب و کار رونق داشته باشد و از قطع برق و گاز خبری نباشد.»

کنفرانس «ایرانسانس»؛ گذر از خودآگاهی به بازسازی



گذر از خودآگاهی به بازسازی
(کنفرانس ایرانسانس)

ویدئو

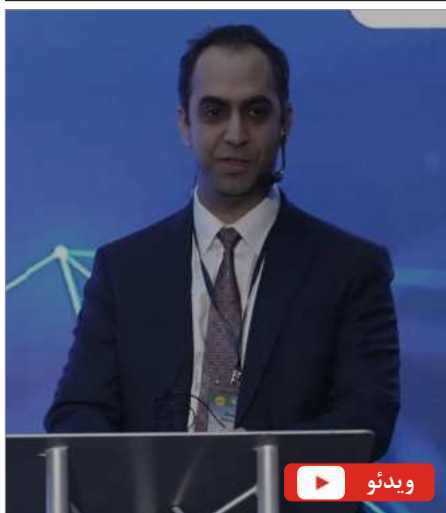
محاسب با اشاره به اینکه «برای بازسازی ایران با چالش‌های فراوان روبرو هستیم»، تأکید کرد «ما آینده مشترک داریم و با فرصت‌ها، انتخاب‌ها و ریسک‌ها و مشکلات زیاد از جمله وضعیت زیرساخت‌های مالی و شهری، فقر، اختلاس، وضعیت آموزش و پرورش، اعدام و بی‌عدالتی و مشکلات محیط زیست روبرو هستیم که «درد مشترک» است.» او در بخشی از سخنرانی خود توضیح داد، «برای بازسازی و بهینه‌سازی بین هر طلوع و غروب فرصت هست» و «تفاوت‌های ما پایه‌های بازسازی و سازندگی ما را محکم‌تر می‌کند... بازسازی بدون کار ممکن نیست و کار بدون همکار کم‌نتیجه‌تر است، پس باید در آخر گفت که همراه شو رفیق که این درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود.»

کنفرانس دو روزه «ایرانسانس» با حضور بیش از ۴۰ متخصص و کارآفرین به همراه شماری از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی ۲۲ و ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ (چهارم اسفندماه ۱۴۰۳) در سیلیکون ولی برگزار شد.

در این گردهمایی متخصصان اقتصادی ایده‌ها و تجربیات خود را به بحث گذاشتند و برخی الگوهای موفق را برای پیشبرد پروژه بازسازی ایران ارائه دادند.

سعید (سید) محاسب کارآفرین و سرمایه‌گذار یکی از سخنرانان این کنفرانس درباره «سفر از آگاهی ذهن تا بازسازی» صحبت کرد. او که سال‌هاست به عنوان مشاور استارت‌آپ‌ها و شرکت‌ها و هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری فعال است، عنوان کرد: «فرصت بازسازی با خودآگاهی ابتدا از ذهن صورت می‌گیرد... [امروز] وقت سازندگی است.»

کنفرانس «ایرانسانس»؛ احیای اقتصاد ایران در میان مدت با تکیه بر بهینه‌سازی منابع انرژی



ویدئو

افزایش بهره‌وری «اصلی‌ترین گزینه برای ایجاد اشتغال و درآمدزایی است.»

شغلی به وجود بیاورد، زیرساخت‌ها احیا شوند و صنایع توسعه پیدا کنند و امنیت اقتصادی برای مردم برقرار شود.» نیک‌نژاد بیان کرد که چطور به پشتوانه منابع نفت و گاز و بهینه‌سازی صنایع مرتبط با آن می‌توان به بازسازی ایران کمک کرد. او همچنین با اشاره به فرسودگی تأسیسات صنایع نفت و گاز و ضرورت نوسازی و ترمیم آنها، تشریح کرد که چطور می‌شود شرایط قانونی را فراهم آورد که ایران به مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاران تبدیل شود.

به گفته این متخصص و پژوهشگر حوزه انرژی، ضروریست طرح‌های نوسازی به اجرا گذاشته شود تا در میان مدت با تثبیت اقتصادی و سپس ثبات نرخ ارز، اشتغالزایی امکان‌پذیر شود. در چشم‌اندازی که او به عنوان استراتژی ارائه داد، «احیای بخش انرژی و بهینه‌سازی منابع برای

کنفرانس دو روزه «ایرانسانس» با حضور بیش از ۴۰ متخصص و کارآفرین به همراه شماری از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی ۲۲ و ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ (چهارم اسفندماه ۱۴۰۳) در سیلیکون ولی برگزار شد.

در این گردهمایی متخصصان اقتصادی ایده‌ها و تجربیات خود را به بحث گذاشتند و برخی الگوهای موفق را برای پیشبرد پروژه بازسازی ایران ارائه دادند.

شایان نیک‌نژاد متخصص مدیریت انرژی یکی از سخنرانان کنفرانس بازسازی ایران بود که درباره چشم‌انداز انرژی، فرصت‌ها و قابلیت‌ها، برنامه‌های میان‌مدت برای دستیابی به تاب‌آوری و ثبات صحبت کرد.

او در مقدمه توضیح داد که «ایران نیاز دارد طی ۱۰ سال آینده یک تریلیون دلار سرمایه جذب کند تا فرصت‌های

وزیر خارجه لهستان:

حکومت ایران باید همین حالا به اقدامات بی‌ثبات کننده خود پایان دهد

● رادوسلاف سیکورسکی در مصاحبه با «ایران اینترنشنال» که ششم اسفندماه ۱۴۰۳ منتشر شد، گفت: «حکومت ایران همچنان سعی می‌کند ایدئولوژی خود را صادر کند و وقتی که جامعه جهانی می‌خواهد جلو این اقداماتش را بگیرد انتظار همدردی دارد».

● او در یک مراسم مشترک که از سوی «سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) و کشورهای عضو ناتو در نیویورک برگزار شده بود تا لاشه یک پهپاد شاهد در معرض دید عموم قرار داده شود، عنوان کرد: «این پهپاد نشان‌دهنده رابطه نظامی نزدیک جمهوری اسلامی و روسیه است. جمهوری اسلامی با همین پهپاد به اسرائیل حمله کرد. روسیه با این پهپاد صدها نفر از شهروندان اوکراین را کشته است».

● وزیر خارجه لهستان پیشتر نیز به وال‌استریت ژورنال گفته بود، «یک محور تجاوز بین [رژیم] ایران و روسیه وجود دارد و جمهوری اسلامی در همه جهت‌ها مرگ و ویرانی می‌فرستد».

● در اعتراض به این مواضع، مارچین ویلچک رئیس نمایندگی لهستان در تهران به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شد. تهران اظهارات سیکورسکی را «مغرضانه و بی‌اساس» خوانده است.

وزیر خارجه لهستان که به آمریکا سفر کرده است، با اشاره به نمایش پهپاد انتحاری «شاهد» همزمان با همایش بزرگ جمهوریخواهان آمریکا «CPAC» تأکید کرد که جمهوری اسلامی باید همین حالا به اقدامات بی‌ثبات کننده خود پایان دهد.

رادوسلاف سیکورسکی در مصاحبه با «ایران اینترنشنال» که ششم اسفندماه ۱۴۰۳ منتشر شد، گفت: «حکومت ایران همچنان سعی می‌کند ایدئولوژی خود را صادر کند و وقتی که جامعه جهانی می‌خواهد جلو این اقداماتش را بگیرد انتظار همدردی دارد».

او در یک مراسم مشترک که از سوی «سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) و کشورهای عضو ناتو در نیویورک برگزار شده بود تا لاشه یک پهپاد «شاهد» در معرض دید عموم قرار داده شود، عنوان کرد: «این پهپاد

کنفرانس «ایرانسانس»؛ پنج اصل اساسی برای بازسازی اقتصاد ایران



پنج اصل اساسی برای بازسازی اقتصاد ایران
(کنفرانس ایرانسانس)

تزیق سرم ضد فساد به اقتصاد است، پیوستن به FATF، گارانتی (تضمین) سرمایه، پذیرش استانداردهای MIGA، شفافیت بودجه با پذیرش استانداردهای IFRS، در واقع مشخص باشد سرمایه‌های ایران صرف حزب‌الله می‌شود یا مردم ایران، داوری بی‌طرفانه و منصفانه برای حل و فصل اختلافات و مقررات ILO از جمله حرمت کارگر. اینها مجموعه است که حرمت سرمایه‌گذاری و وجدان چپ که حرمت کارگر در آن است منظور شده، شفافیت اقتصادی هم در آن هست، پاسخگویی حکومت و عدالت در داوری منصفانه هم در آن هست».

کنفرانس «ایرانسانس»؛ نقش فرهنگ در بازسازی ایران



نقش فرهنگ در بازسازی ایران
(کنفرانس ایرانسانس)

او همچنین تأکید کرد، «در بین نسل دوم و سوم ایرانیان خارج کشور بسیاری تجار و اساتید دانشگاهی و سیاستمداران فعال وجود دارند که پیوند آنها باید با سرزمین مادری برقرار باشد و جشنواره‌های فرهنگی می‌تواند این پل ارتباطی باشد. آنها می‌توانند روابط سیاسی و اقتصادی بین دنیای خارج و ایران را بهبود بخشند».

کنفرانس دو روزه «ایرانسانس» با حضور بیش از ۴۰ متخصص و کارآفرین به همراه شماری از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی ۲۲ و ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ (چهارم اسفندماه ۱۴۰۳) در سیلیکون ولی برگزار شد.

در این گردهمایی متخصصان اقتصادی ایده‌ها و تجربیات خود را به بحث گذاشتند و برخی الگوهای موفق را برای پیشبرد پروژه بازسازی ایران ارائه دادند.

شهریار آهی فعال سیاسی و مشاور اقتصادی از سخنرانان این کنفرانس درباره «بهترین رویه در سایر کشورها برای بازسازی»، «نقش مناطق آزاد اقتصادی» و ضرورت ایجاد «صندوق بازسازی ایران» صحبت کرد. او گفت، «اینجا آمده‌ایم تا تجربیات خود اعم از موفقیت‌ها و شکست‌ها را در اختیار مردم ایران بگذاریم، ما طالب قدرت و حکمرانی نیستیم و خواهان خدمت هستیم».

آهی تأکید کرد: «توسعه پایدار، مستلزم حکمرانی سکولار است و حکمرانی سکولار ممکن نیست، مگر با تمکین به عقل سلیم بشری و به رسمیت شناختن حقوق طبیعی و در مقیاس ملی حقوق شهروندی».

در ادامه شهریار آهی با اشاره به تجربیاتش در بازسازی کشورهای بالتیک پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گفت، آنجا «اراده برای تغییر وجود داشت» که «برای پیشبرد روند بازسازی پنج اصل را به آنها پیشنهاد دادیم و گفتیم اگر به صورت قانون باشند و واقعاً به آن متعهد باشید می‌توانیم درهای سرمایه جهانی را به سوی کشورهای بالتیک بازکنیم».

او در تشریح این پنج اصل گفت: «شفافیت مالی که

کنفرانس دو روزه «ایرانسانس» با حضور بیش از ۴۰ متخصص و کارآفرین به همراه شماری از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی ۲۲ و ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ (چهارم اسفندماه ۱۴۰۳) در سیلیکون ولی برگزار شد. یکی از سخنرانان این

گردهمایی مهرداد آرتین‌نژاد مدیر «سازمان فرهنگی تیرگان» بود که طی سخنرانی خود گفت: «بازسازی ایران مستلزم کار و اراده جمعی است. باید بین ایرانی‌ها پیوند برقرار کرد و از همه مهمتر نیاز به امید داریم. برگزاری فستیوال‌های فرهنگی و هنری مثل تیرگان کمک می‌کند که به سرزمین خودشان احساس تعلق کنند، فرهنگ و هویت عواملی است که ایرانیان را در سراسر جهان بهم متصل می‌کند».

او تشریح کرد که چنین برنامه‌هایی «برای غیرایرانی‌ها تصویر مثبتی از ایران و ایرانی ایجاد خواهد کرد، برگزاری تورهای جهانی فرهنگی می‌تواند به بازسازی ایران کمک کند و نگاه دنیا به ایران را تغییر دهد. برجسته ساختن تمدن کهن ایران می‌تواند به جذب سرمایه کمک کند و ایران را در موقعیتی قرار دهد که مرکز فرهنگ باشد».

آرتین‌نژاد افزود: «فستیوال تیرگان می‌تواند به جذب توریسم در ایران کمک کند و فرصتی برای معرفی غذاهای ایرانی ایجاد کند که از بهترین غذاهای دنیاست و همه اینها کنار هم پیوند میان ایرانیان در سراسر جهان را تقویت می‌کند و درها را به روی سرمایه‌گذاران خارجی باز می‌کند».

معاون ترامپ: برای برقراری صلح در اوکراین باید با روسیه مذاکره کرد



جی‌دی ونس معاون ترامپ / عکس: رویترز

حیات جنین هم سخن گفت. او اعلام کرد که مهاجران غیرقانونی حق حضور در آمریکا را ندارند و باید از این کشور بیرون بروند. بخشی از صحبت‌های جی‌دی ونس درباره حفظ حق حیات جنین بود که گفت: «دونالد ترامپ این تصمیم را به دست مردم داد. ما باید مردم را قانع کنیم که به حق حیات جنین احترام بگذارند. والدین باید برای داشتن فرزند حق انتخاب داشته باشند. ما باید شهروندان را متقاعد کنیم که به فرزندان خود به چشم برکت نگاه کنند.»

ونس همچنین از مواضع خود در کنفرانس امنیتی مونیخ، مبنی بر اینکه کشورهای اروپایی شهروندان خود را سانسور می‌کنند و دموکراسی‌های خود را تضعیف کرده‌اند، دفاع کرد. معاون ترامپ گفت: «بدیهی است که ما به اتحاد‌های مهم با اروپا ادامه خواهیم داد، اما من واقعاً فکر می‌کنم قدرت این اتحادها به این بستگی دارد که آیا ما جوامع خود را در مسیر درست قرار می‌دهیم یا نه؟»

وی گفت: «آنها [اروپایی‌ها] می‌گویند، چرا با روسیه گفتگو می‌کنید؟ چگونه می‌خواهید جنگ را پایان دهید؟ آیا نباید با روسیه گفتگو کنیم؟ اگر واقعاً می‌خواهید درگیری را به پایان برسانید، باید با همه افراد درگیر در جنگ گفتگو کنید.»

معاون رئیس جمهور آمریکا با اشاره به اینکه اروپا باید تابع سیاست‌های ترامپ باشد، گفت که صلح در اوکراین به نفع روسیه و اوکراین و تمام اروپا است.

او در بخشی از صحبت‌های خود به انتقاد از تبلیغ هویت‌های خوددراوردی جنسیتی پرداخت و گفت: «پیام من به مردان جوان اینست که اجازه ندهید این فرهنگ شکست‌خورده به شما القاء کند که شما آدم بدی هستید چون یک مرد هستید و دوست دارید شوخی کنید، با دوستانتان آبدو بنوشید یا با دیگران رقابت کنید. آنها می‌خواهند همه شما را چه مرد و چه زن به دوجنسی‌های ساده‌لوح تبدیل کنند که مثل هم فکر می‌کنید، حرف می‌زنید و عمل می‌کنید. درواقع ما فکر می‌کنیم که خداوند مرد و زن را به دلیل مشخصی آفریده و ما می‌خواهیم شما به عنوان یک مرد و یک زن به زندگی‌تان ادامه دهید و ما با سیاست‌های اجتماعی خودمان کمک خواهیم کرد که این اتفاق بیفتد.»

● جی‌دی ونس معاون دونالد ترامپ ۲۰ فوریه ۲۰۲۵ (دوم اسفندماه)، در کنفرانس «سالانه اقدام سیاسی محافظه‌کار» (CPAC) با دفاع از مذاکره دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین رؤسای جمهوری آمریکا و روسیه، از احتمال دستیابی به صلح و پایان دادن به جنگ سه ساله روسیه و اوکراین خبر داد.

● ونس در بخشی از سخنانش درباره آتش‌بس غزه و آزاد شدن گروگان‌ها گفت که دونالد ترامپ به روند آزادی گروگان‌ها سرعت بخشید.

● معاون رئیس جمهور آمریکا با اشاره به اینکه اروپا باید تابع سیاست‌های ترامپ باشد، گفت که صلح در اوکراین به نفع روسیه و اوکراین و تمام اروپا است.

جی‌دی ونس معاون دونالد ترامپ ۲۰ فوریه ۲۰۲۵ (دوم اسفندماه)، در کنفرانس «سالانه اقدام سیاسی محافظه‌کار» (CPAC) با دفاع از مذاکره دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین رؤسای جمهوری آمریکا و روسیه، از احتمال دستیابی به صلح و پایان دادن به جنگ سه ساله روسیه و اوکراین خبر داد.

ونس در سخنرانی خود به موضوعاتی مانند مذاکرات صلح با روسیه، پایان دادن به جنگ سه‌ساله روسیه و اوکراین، امنیت مرزها، اخراج مهاجران غیرقانونی، قیمت حامل‌های انرژی، و حق حیات جنین پرداخت. او اظهار داشت که برای نخستین بار طی سه سال اخیر برقراری صلح در اروپا نزدیک است.

معاون رئیس جمهور آمریکا با اشاره به ضرورت تلاش پایان دادن به جنگ اوکراین در این مورد گفت: «چگونه می‌توان بدون گفتگو با روسیه، به جنگ پایان داد؟»

او با اشاره به حمایت دونالد ترامپ از برقراری صلح در جهان تاکید کرد: «من واقعاً معتقدم که برای نخستین بار طی سه سال گذشته در حال دستیابی به صلح در اروپا هستیم.»

ونس در بخشی از سخنانش درباره آتش‌بس غزه و آزاد شدن گروگان‌ها گفت که دونالد ترامپ به روند آزادی گروگان‌ها سرعت بخشید. معاون رئیس جمهور آمریکا درباره موضوعات داخلی از جمله اخراج مهاجران غیرقانونی، تأمین امنیت مرزهای ایالات متحده، قیمت‌های حامل انرژی، چگونگی هزینه‌کرد پول مالیات‌دهندگان آمریکا و حفظ حق

→ نشان‌دهنده رابطه نظامی نزدیک جمهوری اسلامی و روسیه است. جمهوری اسلامی با همین پهپاد به اسرائیل حمله کرد. روسیه با این پهپاد صدها نفر از شهروندان اوکراین را کشته است.»

این اظهارات پس از دیدار وزیر خارجه لهستان با مارکو رابوئو همتای آمریکایی‌اش مطرح شد.



رادوسلاف سیکورسکی وزیر خارجه لهستان / رویترز

مارک والاس رئیس «سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای» گفته بود، انتقال این پهپاد نتیجه درخواست او و توماس کاپلان تاجر آمریکایی از رادک سیکورسکی است.

وزیر خارجه لهستان پیشتر نیز به وال استریت ژورنال گفته بود، «یک محور تجاوز بین [رژیم] ایران و روسیه وجود دارد. جمهوری اسلامی در همه جهت‌ها مرگ و ویرانی می‌فرستد و ما باید به صورت مشترک و مستقیم با این تهدید روبرو شده و آن را برطرف کنیم.»

در اعتراض به این مواضع، مارچین ویلچک رئیس نمایندگی لهستان در تهران به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شد. تهران اظهارات سیکورسکی را «مغرضانه و بی‌اساس» خوانده است.

پهپادی که در واشنگتن و نیویورک به نمایش درآمد ۳۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ با یک فروند هواپیمای سی‌۱۳۰ نیروی هوایی لهستان، به پایگاه نظامی اندروز در مرلیند منتقل شد. این پهپاد سند دخالت جمهوری اسلامی در جنگ روسیه علیه اوکراین است.

رادوسلاو سیکورسکی وزیر خارجه لهستان مواضع سرسختانه‌ای علیه جمهوری اسلامی دارد. او اواسط شهریور ۱۴۰۳ در کنفرانس خبری مشترک با آنتونی بلینکن وزیر خارجه دولت جو بایدن درباره مسعود پزشکیان گفته بود اگرچه گفته می‌شود پزشکیان برخلاف سلف خود ابراهیم رئیسی، معروف به «قصاب تهران»، متجاوز نیست، «اما به نظر می‌رسد که سیاست فرستادن موشک و پهپاد برای استفاده علیه اوکراین و همچنین به‌کارگیری تجهیزات مشابه علیه اسرائیل همچنان ادامه داشته باشد.»

دولت لهستان یکی از اصلی‌ترین متحدان ترامپ در اروپاست و همواره در اعمال فشار علیه جمهوری اسلامی با آمریکا همکاری داشته است.

دونالد ترامپ در دور اول ریاست جمهوری خود پس از خروج از برجام و آغاز کارزار فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی، سال ۲۰۱۹ مایک پمپئو وزیر سابق پیشین آمریکا در کنفرانس ورشو با متحدان آمریکا بر سر تشکیل یک ائتلاف چندجانبه علیه حکومت ایران به توافق رسید.

پیروزی محافظه کاران در انتخابات پارلمانی آلمان؛ مسئولیت سنگین فریدریش مرتز برای تشکیل دولت ائتلافی



فریدریش مرتز رهبر حزب محافظه کار مسیحی آلمان

درصد آراء را کسب کرد و کرسی‌های زیادی در پارلمان را از دست داد. پس از آن نیز حزب سبزها با ۱۱/۶ و حزب چپها با ۸/۷ درصد آراء به پارلمان راه یافتند.

احزاب موکرات‌های آزاد (FDP) و اتحاد زارا واکن کنشت (BSW) نیز به دلیل آنکه کمتر از پنج درصد رأی داشتند از ورود به پارلمان بازماندند.

با برگزاری این انتخابات زودرس اما شرایط سیاسی در آلمان بهتر از پیش نشد بلکه همچنان پیچیده مانده است. با توجه به اینکه هیچ حزبی اکثریت لازم را کسب نکرده، رهبران اتحاد دو حزب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی (CDU/CSU) مجبورند برای تشکیل دولت ائتلافی با سبزها و سوسیال دموکرات‌ها و چپ‌ها مذاکره کنند. فریدریش مرتز ۶۹ ساله که مسئولیت گفتگوهای حزبی و تشکیل دولت آینده آلمان را بر عهده دارد، سیاستمداری قدیمی و کارکشته است و مدافع یکپارچگی اتحادیه اروپاست و همچنین از افزایش هزینه‌های دفاعی برای تقویت ناتو و ارتش آلمان حمایت می‌کند.

انتخابات پارلمانی آلمان این نکته را نیز به نمایش گذاشت که تبلیغات نیروهایی از آمریکا مانند برخی جمهوریخواهان و همچنین ایلان ماسک کارآفرین و مشهورترین میلیاردر جهان به سود حزب راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان» اگرچه ممکن است در افزایش آرای این حزب تأثیر گذاشته باشد اما این تأثیر آنقدر نبوده که این حزب بتواند بر احزاب قدیمی که نیروهای گسترده‌ی متوسط و میانه را نمایندگی می‌کنند، پیروز شود.

دارم که شما به عنوان دوست اسرائیل، روابط بین آلمان و اسرائیل را تقویت و تعمیق خواهید کرد.» او تأکید کرد، «ما مشتاقانه منتظر اولین دیدار شما به عنوان صدراعظم در اورشلیم هستیم.»

شگفتی این انتخابات، میزان چشمگیر آرای حزب راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان» است که آلیس وایدل رهبر و نامزد آن برای صدارت اعظم، بارها در طول گفتگوهای خود طی ساعات گذشته اعلام کرد که دست خود را برای تشکیل دولت ائتلافی به سوی فریدریش مرتز دراز می‌کند و آماده همکاری با آن است چرا که این حزب بسیاری از وعده‌های انتخاباتی خود را از برنامه این حزب رج زده است!

به این نکته مهم نیز باید توجه داشت که اتحاد محافظه کاران که در این انتخابات با ۲۸/۵۲ درصد در مقابل حزب راست‌گرا با ۲۰/۸ درصد به پیروزی رسید، متشکل از دو حزب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی است که این دومی در ایالت بایرن مستقر است. درواقع مجموع آرای آنهاست که از حزب «آلترناتیو برای آلمان» که در ۲۰۱۳ تشکیل شده، بیشتر شده است. این زنگ خطر برای دولت آینده آلمان و همه احزاب میانه‌رو در این کشور است که اگر طی سال‌های آینده تغییراتی در جهت خواست‌های رأی‌دهندگان به ویژه در زمینه مسائل اقتصادی و مهاجرتی صورت نگیرد، رشد بیش از پیش این حزب راست‌گرا که به عنوان افراطی طبقه‌بندی می‌شود، نه یک احتمال بلکه یک واقعیت خواهد بود.

در این میان، حزب سوسیال‌دموکرات (SPD) تنها ۱۶/۴

● بر اساس نتایج انتخابات پارلمانی آلمان که یکشنبه ۲۳ فوریه (پنجم اسفندماه) برگزار شد، اتحاد حزب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی (CDU/CSU) با کسب ۲۸/۵ درصد آراء پیروز رقابت انتخاباتی شد.

● میزان مشارکت در انتخابات ۲۰۲۵ آلمان بیش از ۸۴ درصد بود که در ۳۵ سال گذشته و پس از اتحاد دو آلمان یک رکورد به شمار می‌رود.

● فریدریش مرتز رهبر حزب محافظه کار دموکرات مسیحی CDU و صدراعظم آینده آلمان اعلام کرده است که بدون ائتلاف وقت مشغول گفتگو با احزابی خواهد شد که برای تشکیل یک دولت ائتلافی مناسب هستند. وی هرگونه ائتلاف با حزب راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان» AFD را با اینکه این حزب دومین جایگاه را با اختلاف نسبتاً کم (۲۰/۸۰ درصد) در این انتخابات به دست آورده، رد کرده است.

● کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه در پیام‌هایی به فریدریش مرتز تبریک گفتند. گیدئون ساعر وزیر خارجه اسرائیل نیز در پیامی خطاب به مرتز گفت: «اطمینان دارم که شما به عنوان دوست اسرائیل، روابط بین آلمان و اسرائیل را تقویت و تعمیق خواهید کرد.»

● شگفتی این انتخابات، میزان چشمگیر آرای حزب راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان» است که آلیس وایدل رهبر و نامزد آن برای صدارت اعظم، بارها در طول گفتگوهای خود طی ساعات گذشته اعلام کرد که دست خود را برای تشکیل دولت ائتلافی به سوی فریدریش مرتز دراز می‌کند و آماده همکاری با آن است چرا که این حزب بسیاری از وعده‌های انتخاباتی خود را از برنامه این حزب رج زده است!

بر اساس نتایج انتخابات پارلمانی آلمان که یکشنبه ۲۳ فوریه (پنجم اسفندماه) برگزار شد، اتحاد احزاب مسیحی (CDU/CSU) با کسب ۲۸/۵ درصد آراء پیروز رقابت انتخاباتی شد.

میزان مشارکت در انتخابات ۲۰۲۵ آلمان بیش از ۸۴ درصد بود که در ۳۵ سال گذشته پس از اتحاد دو آلمان یک رکورد به شمار می‌رود. فریدریش مرتز رهبر حزب محافظه کار دموکرات مسیحی CDU و صدراعظم آینده آلمان اعلام کرده است که بدون ائتلاف وقت مشغول گفتگو با احزابی خواهد شد که برای تشکیل یک دولت ائتلافی مناسب هستند. وی هرگونه ائتلاف با حزب راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان» AFD را با اینکه این حزب دومین جایگاه را با اختلاف نسبتاً کم (۲۰/۸۰ درصد) در این انتخابات به دست آورده، رد کرده است.

همزمان اولاف شولتز صدراعظم فعلی، با قبول شکست در برابر محافظه کاران و راست‌گرایان پذیرفته که حزب او (سوسیال دموکرات) دیگر نقش محوری در آینده دولت آلمان نخواهد داشت.

رهبران اروپایی از جمله کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه در پیام‌هایی به فریدریش مرتز تبریک گفتند. گیدئون ساعر وزیر خارجه اسرائیل نیز در پیامی خطاب به مرتز گفت: «اطمینان

سفر سرگئی لاوروف به تهران؛ فشار ترامپ به جمهوری اسلامی با اهرم روسیه



نشست خبری لاوروف و عراقچی / اسفند ۱۴۰۳

یک از همین مصاحبه‌ها گفته بود «احیای برجام فدای جنگ اوکراین شد و در حال حاضر باید از این ترسید که ایران فدای صلح اوکراین شود.»

پیشتر وبسایت خبرآنلاین در گزارشی نوشته بود، «عالیجناب لاوروف به ایران می‌آید تا بگوید: مذاکره کنید و حرف سلاح هسته‌ای هم نزنید!» برخی از تحلیلگران می‌گویند سفر لاوروف در واقع اتمام حجت با جمهوری اسلامی است و شماری نیز معتقدند تباری و معامله پوتین و ترامپ بر سر «صلح در اوکراین» در حال تکمیل است و جمهوری اسلامی «وجه‌المصالحه» آن.

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این ادعا را که قرار است روسیه و آمریکا، جمهوری اسلامی را بر سر اوکراین «تاخت بزنند» و «معامله کنند» رد کرده و می‌نویسد اگر قرار بود پوتین و ترامپ، ایران را معامله کنند نیاز به سفر لاوروف به تهران نبود. جوان پرسیده است که مگر برای معامله اوکراین، زلینسکی را به مذاکرات خودشان راه دادند؟! در این نوشتار آمده پیام جمهوری اسلامی به لاوروف هم این است که «ایران قابل معامله نیست.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، ۱۹ بهمن ۱۴۰۳ در جمع فرماندهان نیروی هوایی ارتش اعلام کرد مذاکره با آمریکا «عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه نیست» و «هیچ تاثیری» در حل مشکلات کشور نخواهد داشت. در این بن‌بست حتا در داخل نظام هم گزینه‌ای برای خروج از بحران مطرح نمی‌شود مگر فشار به خامنه‌ای برای معامله با ترامپ و یا «مقاومت».

او نیز تأکید کرد در مورد برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی «ظرفیت دیپلماسی هنوز هم وجود دارد و باید از آن به صورت مؤثر استفاده کرد، بدون تهدیدها و توسل به زور و روسیه به این موضوع امیدوار است و کمک خواهد کرد تا راه‌حلهایی پیدا شود. این بحران توسط ایران ایجاد نشده است.»

برخی از حامیان حکومت در جریان اصلاح‌طلب امیدوارند جمهوری اسلامی با فشار روسیه مجبور به مذاکره با آمریکا شود. برخی منابع با اشاره به سفر لاوروف به تهران مطرح کرده‌اند که خود روسیه برای میانجیگری بین جمهوری اسلامی و آمریکا دست به کار شده است. در مقابل برخی دیگر از جمله حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی هشدار داده‌اند. وی لاوروف را «قاتل برجام» و «معمار زمستان سخت ایران» نامید و در «ایکس» نوشت وزیر خارجه روسیه حامل یک پیام به تهران بود: «روسیه و آمریکا در ریاض خطوط قرمز مشترکی برای ایران ترسیم کردند.» اشاره او به دیدار مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا با لاوروف در ریاض است.

بعد از خروج آمریکا از برجام، دی‌ماه ۱۳۹۸ لاوروف به محمدجواد ظریف وزیر خارجه وقت جمهوری اسلامی هشدار داده بود «بدون همکاری آمریکا و اروپا توافق اتمی در خطر نابودی قرار دارد.»

گروهی دیگر اما از جمله حشمت‌الله فلاحت‌پیشه بارها به سران نظام در مورد معامله آمریکا و روسیه بر سر جمهوری اسلامی و اوکراین هشدار دادند. فلاحت‌پیشه در

● سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه روز سه‌شنبه هفتم اسفند ۱۴۰۳ برای دیدار با عباس عراقچی و مسعود پزشکیان به تهران سفر کرد.

● در نشست خبری که پس از این دیدار برگزار شد، عراقچی تأکید کرد درباره مذاکرات هسته‌ای، موضع ایران کاملاً روشن است و «ما تحت فشار، تحت تهدید و تحت تحریم مذاکره نخواهیم کرد.»

● لاوروف ابراز امیدواری کرده بحران برسر برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی بدون تهدیدها و توسل به زور حل شود.

● حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی که لاوروف را «قاتل برجام» و «معمار زمستان سخت ایران» نامیده در «ایکس» نوشت وزیر خارجه روسیه حامل یک پیام به تهران بود: «روسیه و آمریکا در ریاض خطوط قرمز مشترکی برای ایران ترسیم کردند.»

سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه روز سه‌شنبه هفتم اسفند ۱۴۰۳ برای دیدار با عباس عراقچی و مسعود پزشکیان به تهران سفر کرد. این سفر در حالی صورت می‌گیرد که دونالد ترامپ به جمهوری اسلامی دو گزینه پیشنهاد داده است: معامله و امضای یک «تکه کاغذ» (توافق) یا بمباران. در نشست خبری که پس از این دیدار برگزار شد عراقچی تأکید کرد درباره مذاکرات هسته‌ای، موضع ایران کاملاً روشن است و «ما تحت فشار، تحت تهدید و تحت تحریم مذاکره نخواهیم کرد.»

او همچنین توضیح داد، «ما در موضوع هسته‌ای با همکاری و هماهنگی دوستان خودمان در روسیه و چین حرکت و مواضع‌مان را هماهنگ خواهیم کرد.»

عراقچی در بخش دیگر این نشست خبری با تأکید بر پشتیبانی همیشگی جمهوری اسلامی از «محور مقاومت» گفت: «ما معتقدیم گروه‌های مقاومت برای آرمان‌ها و اهداف عادلانه و درستی مبارزه می‌کنند و هر نوع مبارزه‌ای که آنها مدنظر داشته باشند، مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی با اشاره به اینکه در ارتباط با «برنامه هسته‌ای مشورت‌های بسیار نزدیکی با روسیه داشته و داریم» گفت: «تیم‌های حقوقی، سیاسی و کارشناسی ما در تماس مستمر هستند و ما به این تماس‌ها ادامه خواهیم داد و من در خصوص گفتگوهایی که روز گذشته با سه کشور اروپایی صورت گرفت، به جناب آقای لاوروف و همکارانش توضیح دادم.»

زیر فشار، «مذاکره مستقیم» نمی‌کنیم

عراقچی تأکید کرد جمهوری اسلامی تحت فشار و تهدید مذاکره نخواهد کرد و «هیچ امکان مذاکره مستقیم بین ما و آمریکا در موضوع هسته‌ای تا زمانی که فشار حداکثری به این شکل خودش اعمال خواهد شد، وجود نخواهد داشت.» لاوروف مدعی شد پروژه «راه‌آهن رشت- آستارا» در حال انجام است و ساخت این راه‌آهن آغاز شده و وام دولتی روسیه نیز ارائه می‌شود که گامی مهم برای راه‌اندازی کریدور شمال- جنوب است.

نمایش پهپاد انتحاری «شاهد ۱۳۶» در محل «کنفرانس اقدام سیاسی محافظه کار»



پهپاد «شاهد ۱۳۶» ساخت جمهوری اسلامی

جمهوری
اسلامی
بار دیگر
ادعا می‌کند
که رافائل
گروسی
«جاسوس»
موساد است

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در یک کنفرانس خبری که در ژاپن برگزار شد، تکرار کرد: رژیم «ایران باید ثابت کند که به دنبال تولید سلاح هسته‌ای نیست». در واکنش به این اظهارات در تهران بار دیگر او را متهم کردند که جاسوس موساد است!

● رافائل گروسی همچنین تأکید کرد «برجام منسوخ شده»، «یک پوسته توخالی است»، «دیگر کارآیی ندارد» و یک توافق جدید با جمهوری اسلامی ضروری است.

● حسین شریعتمداری مدیرمسئول کیهان تهران در سرمقاله این روزنامه به تاریخ سوم اسفندماه ۱۴۰۳، نوشت، گروسی «با کمال حماقت از ایران می‌خواهد که غیر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود را اثبات کند... اما آژانس هیچ سند و حتی هیچ شاهد و قرینه‌ای از غیر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی در دست ندارد».

● شریعتمداری حتی از این هم فراتر رفته و درگذشت یوکیا آمانو مدیرکل پیشین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را «مشکوک» دانست و جانشینی گروسی پس از او را زیر سؤال برده و در راستای منافع اسرائیل دانسته است.

● طبق گزارش آژانس، غنی‌سازی اورانیوم در ایران به ۶۰ درصد رسیده که هیچ کاربرد غیرنظامی ندارد.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در یک کنفرانس خبری که در ژاپن برگزار شد، گفت رژیم «ایران باید ثابت کند که به دنبال تولید سلاح هسته‌ای نیست». در واکنش به این اظهارات در تهران بار دیگر او را متهم کردند که جاسوس موساد است!

رافائل گروسی همچنین تأکید کرد «برجام منسوخ شده»، «یک پوسته توخالی است»، «دیگر کارآیی ندارد» و یک توافق جدید با جمهوری اسلامی ضروری است.

او توضیح داد که اکنون تعداد سانتریفیوژهایی که جمهوری اسلامی استفاده می‌کند نسبت به سال ۲۰۱۵ (در زمان توافق) به میزان قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. هرچند این اظهارات گروسی جدید نیست و بارها آن را در سخنرانی‌های قبلی خود تکرار کرده اما اینبار ←

تحت نظارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تولید می‌شود بر اساس گزارش این روزنامه، پهپادی که ۱۶ بهمن ۱۴۰۳ به پناهگاه مهار تابش اشعه در نیروگاه اتمی مخروبه چرنوبیل اصابت کرده بود، یک پهپاد «گران-۲» بود که نام روسی پهپاد «شاهد ۱۳۶» است.

نورمن رول عضو پیشین سازمان اطلاعات آمریکا (CIA) که مدتی مسئول پرونده ایران در دفتر مدیر اطلاعات ملی بوده و اکنون مشاور ارشد «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» است به وال‌استریت ژورنال گفت، حکومت ایران از طریق نیروهای نیابتی «قدرت صادر می‌کند».

او توضیح داد: «روسیه نیز در این مورد به عنوان نیابتی جمهوری اسلامی عمل می‌کند، زیرا نفوذ جمهوری اسلامی را گسترش داده و به کشور اجازه داده در صحنه جهانی عمل کند». مارک والاس رئیس «سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) می‌گوید، انتقال این پهپاد نتیجه درخواست او و توماس کاپلان، تاجر آمریکایی از رادک سیکورسکی وزیر خارجه لهستان است.

سیکورسکی در گفتگوی تلفنی به وال‌استریت ژورنال گفت: «یک محور تجاوز بین ایران و روسیه وجود دارد. جمهوری اسلامی در همه جهت‌ها مرگ و ویرانی می‌فرستد و ما باید به صورت مشترک و مستقیم با این تهدید روبرو شده و آن را برطرف کنیم».

او در توضیح شیوه مواجهه نیروهای اوکراینی با پهپادهای شاهد توضیح داد که «نیروهای اوکراین دارای «یک سیستم واقعا درخشان برای تشخیص پهپادها بر اساس صدا هستند، با هزاران گوشی هوشمند که به خطوط ارتباطی سلولی متصل شده‌اند، صدای پهپادهای ورودی را تشخیص می‌دهند. و به همین روش مسیر آنها را در آسمان اوکراین ردیابی کرده و با واحدهای سیار خود آنها را هدف قرار داده و سرنگون می‌کنند».

مقام‌های جمهوری اسلامی همواره پشتیبانی تسلیحاتی از روسیه در جنگ علیه اوکراین را انکار می‌کنند اما بر اساس گزارش منابع اطلاعاتی غربی از طریق هوایی و همچنین با کشتی از طریق دریای «کاسپین» (خزر) برای روسیه تسلیحات ارسال می‌کنند.

● مارک والاس رئیس «سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) می‌گوید، انتقال این پهپاد نتیجه درخواست او و توماس کاپلان تاجر آمریکایی از رادک سیکورسکی وزیر خارجه لهستان است.

● سیکورسکی در گفتگوی تلفنی به وال‌استریت ژورنال گفت: «یک محور تجاوز بین ایران و روسیه وجود دارد. جمهوری اسلامی در همه جهت‌ها مرگ و ویرانی می‌فرستد و ما باید به صورت مشترک و مستقیم با این تهدید روبرو شده و آن را برطرف کنیم».

● او در توضیح شیوه مواجهه نیروهای اوکراینی با پهپادهای شاهد توضیح داد، نیروهای اوکراین دارای «یک سیستم واقعا درخشان برای تشخیص پهپادها بر اساس صدا هستند، با هزاران گوشی هوشمند که به خطوط ارتباطی سلولی متصل شده‌اند، صدای پهپادهای ورودی را تشخیص می‌دهند» ● این پهپاد که نقش مستقیم جمهوری اسلامی در جنگ اوکراین را اثبات می‌کند با یک هواپیمای C-130 نیروی هوایی لهستان، به پایگاه نظامی اندروز در مرلیند منتقل شده بود.

یک پهپاد انتحاری «شاهد ۱۳۶» ساخت جمهوری اسلامی که نیروهای اوکراینی در جریان جنگ روسیه علیه این کشور سرنگون کرده‌اند روز پنجشنبه ۲۰ فوریه (دوم اسفند) در واشنگتن در محل «کنفرانس اقدام سیاسی محافظه‌کار» (CPAC) به نمایش گذاشته شد.

این پهپاد نشانه‌ای از مداخله مستقیم جمهوری اسلامی در جنگ علیه اوکراین و حمایت تسلیحاتی از روسیه است. بنا به گزارش رسانه‌های اوکراینی، روس‌ها با این پهپادها بیش از نیروهای نظامی این کشور، بیمارستان‌ها، مدارس و ساختمان‌های مسکونی و زیرساخت‌های عمومی اوکراین را هدف گرفته‌اند.

روزنامه «وال‌استریت ژورنال» گزارش داد این پهپاد که نقش مستقیم جمهوری اسلامی در جنگ اوکراین را اثبات می‌کند با یک هواپیمای C-130 نیروی هوایی لهستان، به پایگاه نظامی اندروز در مرلیند منتقل شده بود.

پهپاد انتحاری «شاهد ۱۳۶» پرکاربردترین پهپاد نظامی در جهان محسوب می‌شود که در صنایع نظامی جمهوری اسلامی

گزینه‌های سخت ترامپ پیش روی جمهوری اسلامی؛ «وضعیت وخیم‌تر می‌شود»



باز طرفداران حکومت در نفي مذاکره با آمریکا

ما موشک بزند یا بمباران کند و خودش هم از او حمایت همه‌جانبه کند، منطقی و قابل قبول است؟!»

دونالد ترامپ دو گزینه پیش روی جمهوری اسلامی گذاشته است: معامله و امضاء یک کاغذ [توافق] یا بمباران تأسیسات هسته‌ای، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز می‌گوید آنچه ترامپ در مذاکره می‌خواهد «خلع سلاح» جمهوری اسلامی است. با وجود این مواضع و هشدارها اما پیامدهای ناشی از «عدم مذاکره» فشارهای اقتصادی بر ایران را بیشتر کرده است. علاوه بر بحران انرژی و کسری بودجه، افزایش قیمت دلار تا بیش از ۹۴ هزار تومان به شدت کسب و کار و تجارت را مختل کرده است. در داخل ایران نیز حکومت برای مذاکره با آمریکا از سوی جریان‌های مختلف از جمله فعالان اقتصادی، صاحبان صنایع و تجار زیر فشار قرار دارد، اما پزشک‌های می‌گوید «ما از ابتدا هم اعلام کردیم که به دنبال گفتگو و مذاکره هستیم، اما زیر بار زور و فشار نمی‌رویم». این درست در نقطه مقابل ترامپ قرار دارد که از تحریم‌ها به عنوان اهرمی برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی استفاده می‌کند تا وادار به پذیرفتن مذاکره و در نهایت توافق شود.

واقعیت این است که هر دو گزینه ترامپ تهدیدات خاص خود را برای حکومت در پی خواهد داشت: عدم مذاکره به معنای سخت‌تر شدن وضعیت اقتصادی است که احتمال اعتراضات و آشوب‌های اجتماعی را تقویت می‌کند و مذاکره با آمریکا به منزله کنار گذاشتن تسلیحات و ابزارهایی است که از دید مقام‌های جمهوری اسلامی «ارکان قدرت‌آفرین» هستند. اینکه جمهوری اسلامی تا کجا توان مقابله با فشارهای اقتصادی و سیاسی همه‌جانبه را دارد مشخص نیست، اما تحلیلگران می‌گویند کمر مردم زیر بار مشکلات معیشتی خم شده و شرایط از اینهم دشوارتر خواهد شد. به نظر می‌رسد، راهکار موقت برای حکومت پیدا کردن یک مقصر برای این وضعیت است. در گام اول این مقصر احتمالاً عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد باشد که قرار است استیضاح شود اما احمد انارکی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هشدار داده است که «استیضاح وزیر اقتصاد فقط سبب وخیم‌تر شدن شرایط کشور خواهد شد».

● مسعود پزشکیان عنوان کرد، «ما از ابتدا هم اعلام کردیم که به دنبال گفتگو و مذاکره [با آمریکا] هستیم، اما نه به هر قیمتی».

● او شامگاه پنجشنبه دوم اسفند ۱۴۰۳، در یک سخنرانی توضیح داد، «اینکه کسی بیاید دستش را روی گلولی ما فشار دهد و بعد بگوید بیایید مذاکره کنیم غیرمنطقی است».

● واقعیت این است که هر دو گزینه ترامپ تهدیدات خاص خود را برای حکومت در پی خواهد داشت: عدم مذاکره به معنای سخت‌تر شدن وضعیت اقتصادی است که احتمال اعتراضات و آشوب‌های اجتماعی را تقویت می‌کند و مذاکره با آمریکا به منزله کنار گذاشتن تسلیحات و ابزارهایی است که از دید مقام‌های جمهوری اسلامی «ارکان قدرت‌آفرین» هستند.

● به نظر می‌رسد، راهکار موقت برای حکومت پیدا کردن یک مقصر برای این وضعیت است. در گام اول این مقصر احتمالاً عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد باشد که قرار است استیضاح شود اما احمد انارکی محمدی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هشدار داده است که «استیضاح وزیر اقتصاد فقط سبب وخیم‌تر شدن شرایط کشور خواهد شد».

در شرایطی که جمهوری اسلامی برای مذاکره با آمریکا زیر فشار قرار گرفته است، مسعود پزشکیان عنوان کرد، «ما از ابتدا هم اعلام کردیم که به دنبال گفتگو و مذاکره [با آمریکا] هستیم، اما نه به هر قیمتی». او شامگاه پنجشنبه دوم اسفند ۱۴۰۳، در یک سخنرانی توضیح داد، «اینکه کسی بیاید دستش را روی گلولی ما فشار دهد و بعد بگوید بیایید مذاکره کنیم غیرمنطقی است».

پزشکیان که در جریان تبلیغات انتخاباتی با وعده مذاکره با آمریکا رأی جمع کرد، بعد از اولتیماتوم خامنه‌ای عقب‌نشینی کرد و گفت، «کلام رهبری فصل‌الخطاب است». اکنون در توجیه این عقب‌نشینی او می‌گوید: «آیا اینکه ترامپ بیاید برای ما در همه زمینه‌ها تعیین تکلیف کند و بگوید چه بکنید و چه نکنید، اسلحه و موشک نداشته باشید و هرچه ما گفتیم، قبول کنید، بعد هم رژیم صهیونیستی را بالای سر منطقه بگذارد که هر وقت خواست بیاید به

واکنش‌های بیشتری از سوی تهران به دنبال داشت. در همین ارتباط سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی دوم اسفندماه ۱۴۰۳ در بیانیه‌ای اعلام کرد، «در شرایطی که آمریکا و برخی کشورهای غربی به دنبال سوء استفاده از آژانس برای فشارهای غیرعادلانه خود علیه ایران هستند، این اظهارات سیاسی و غیرحرفه‌ای می‌تواند دستاویزی برای



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مقر آژانس در وین در حال تشریح عملکرد دوربین‌ها در تأسیسات اتمی ایران / ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱

مطامع غیرمشرع آنان شود.»

همچنین حسین شریعتمداری مدیرمسئول کیهان تهران در سرمقاله این روزنامه به تاریخ سوم اسفندماه ۱۴۰۳ نوشت، «ادعای اخیر گروسی، ضمن آنکه مضحک و بیرون از دایره عقل و منطق است، از این واقعیت غیرقابل انکار نیز حکایت می‌کند که آژانس هیچ سند و حتی هیچ شاهد و قرینه‌ای از غیر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی در دست ندارد و با کمال حماقت از ایران می‌خواهد که غیر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود را اثبات کند».

در بخشی از این نوشتار آمده باید از رافائل گروسی بخواهیم تا اثبات کند که «جاسوس موساد» نیست! شریعتمداری حتا از این هم فراتر رفته و درگذشت یوکیا آمانو مدیرکل پیشین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را «مشکوک» دانسته و جانشینی گروسی پس از او را زیر سؤال برده و در راستای منافع اسرائیل دانسته است.

این ادعاها نیز از سوی جمهوری اسلامی جدید نیست. رافائل گروسی و بازرسان آژانس بارها از سوی مقامات تهران متهم به جاسوسی برای موساد شده‌اند. محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی بهمن‌ماه ۱۴۰۲ طی یک سخنرانی در مشهد گفته بود، «آژانس بین‌المللی فقط مزاحمت دارد!» برخی مقامات حکومت در داخل ایران معتقدند رافائل گروسی در حال توطئه است!

سختگیری‌های آژانس در مورد فعالیت‌های مشکوک اتمی جمهوری اسلامی، شرایط را برای علی خامنه‌ای دشوار کرده است. گروسی برخلاف آمانو اهل مباحثات نبوده و بارها گفته صرفاً صدور یک «فتوای شرعی» مبنی بر حرام بودن ساخت و استفاده از سلاح اتمی کافی نیست و باید اثبات شود که جمهوری اسلامی به دنبال ساخت بمب اتم نیست. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داده است سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران نزدیک به سطوح تسلیحاتی «به طرز چشمگیری افزایش یافته است».

ضرورت پذیرش توصیه‌های راهبردی شاهزاده رضا پهلوی از سوی بدنه سامانه پادشاهی



مخالفان رژیم، تجمع امکانات و نیز توافق بر اصول اساسی مشترک، تحت رهبری فراملی قرار دارد. از جمله تاکید ایشان بر به کار بردن برخی شعارها و...

۳- پرهیز از رفتارهای هیجانی و واکنش‌های احساسی موضع‌گیری‌های دقیق و اصولی در قبال مسائل داخلی و بین‌المللی و دیدارهای متعدد با تمامی آسیب‌دیدگان و فعالان خیزش‌های اخیر که حتی بعضاً در گفتار و نوشتارهای خود حملات متعددی را متوجه ایشان یا سامانه پادشاهی کرده بودند و...

۴- شفافیت در تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری بهترین مثال در این مورد را می‌توان در پخش زنده نشست مونیخ دید که احزاب و تشکل‌های گوناگون در حضور ایشان و مقابل دیدگان مردم در خصوص مفاد توافقنامه همکاری به بحث و تبادل نظر پرداختند و در نهایت همکاری خود را اعلام نمودند تا علاوه بر نمایش شفافیت، مسئولیت‌پذیری خود را نسبت به روند توسعه‌ی تحریک و دموکراسی به منصفه ظهور رسانند.

مسئولیت‌های مردم و طرفداران

۱- درک صحیح از مواضع رهبر و عدم تحریف پیام‌های او این مسئله که ایشان به تکرار در خصوص لزوم پرهیز از حواشی و رفتارهای ناشایست و غیردموکراتیک و نیز خودداری از انجام اعمال هیجانی و در مورد اخیر امتناع از سر دادن شعارهای خاص تاکید داشته‌اند، اما هنوز برخی یا از سر غفلت، یا عامدانه، همچنان بر رفتار غلط خود اصرار می‌ورزند، جای تعجب دارد که در ادامه در مبحث «اقتدار رهبر» به آسیب‌شناسی آن نیز می‌پردازیم.

۲- حفظ انسجام و عدم افتادن در دام اختلافات داخلی فهم این نکته که در حال حاضر تمام جریان‌های واقعی برانداز تنها یک دشمن مشترک دارند و آن جمهوری اسلامی و نیابتی‌های آن هستند و می‌بایست در تشخیص و تمرکز بر اهداف انقلابی انسجام و همبستگی داشت موضوعی است که به مسئله مبتلابه اپوزیسیون خارج کشور تبدیل شده ←

Reza Pahlavi یا هر نوع اظهار نظر قطعی‌کننده، می‌تواند به سوء تفاهم و ایجاد اختلافات غیرضروری بین حامیان مختلف منجر شود. این رویکرد به نوعی پیشگیری از بروز چالش‌های بیشتر در دوران گذار است، تا بجای تمرکز بر مسائل حاشیه‌ای، انرژی جمعی به سمت هدف اصلی و تعیین تکلیف برای آینده متمرکز شود. درواقع، ایشان توصیه می‌کنند که باید سیاست‌های خود را در زمان حساسیت‌های خاص با دقت بیشتری تنظیم کرد تا بر وفاق و همگرایی تأثیر مثبت داشته باشد.

مطرح شدن این موضوع یکبار دیگر بحث وظایف متقابل رهبری یک انقلاب و مردم و لزوم توجه به حفظ اقتدار رهبری و دموکراتیک بودن توصیه‌های وی را مطرح می‌سازد. به‌خصوص اینکه تدریجی‌های این جریان با استدلال استفاده از آزادی بیان به رد درخواست فوق و اصرار بر ادامه کاربرد این شعارها پرداخته و حتی یا را فراتر گذاشته و به تولید شعارهای تندتر نیز دست یازیدند.

برای پرداختن به این موضوعات ابتدا به بررسی وظایف متقابل رهبر و مردم در یک انقلاب ملی می‌پردازم. رهبری در یک جریان سیاسی یا انقلابی، یک رابطه‌ی دوسویه است. همانطور که رهبر وظیفه دارد با درایت، تدبیر و شفافیت مسیر را مشخص کند، مردم و طرفدارانش هم وظیفه دارند از او حمایت کنند، پیام‌اش را به درستی منتقل کنند و مانع از تحریف یا تضعیف آن شوند.

مسئولیت‌های رهبر

۱- ارائه یک چشم‌انداز روشن و عملی در این خصوص شاهزاده برنامه راهکار پنجگانه عبور از رژیم اسلامی، پروژه شکوفایی ایران و برنامه جامع مدیریت ۱۰۰ روزه دوران گذار را ارائه داده و دیپلماسی خارجی خود را نیز به این برنامه‌ها معطوف نموده است.

۲- حفظ وحدت میان گروه‌های مختلف ایده پروژه همگرایی درواقع ناظر بر این موضوع است که اساس همگرایی بر پرهیز از اقدامات انفرادی در میان

● رهبری در یک جریان سیاسی یا انقلابی، یک رابطه‌ی دوسویه است. همانطور که رهبر وظیفه دارد با درایت، تدبیر و شفافیت مسیر را مشخص کند، مردم و طرفدارانش هم وظیفه دارند از او حمایت کنند، پیام‌اش را به درستی منتقل کنند و مانع از تحریف یا تضعیف آن شوند.

● نیروهای سرکوبگر وقتی ببینند مردم با رهبر خود همدل و همراه هستند، کمتر حاضر به سرکوب و خشونت خواهند شد، چون متوجه می‌شوند که پیروزی اپوزیسیون حتمی است و ادامه‌ی سرکوب ممکن است برای آینده‌ی شخصی خودشان خطرناک باشد.

● شاهزاده رضا پهلوی درخواستی راهبردی مطرح کرده‌اند، نه یک دستور قانونی یا سرکوب آزادی بیان. او به عنوان رهبر یک جریان، حق دارد که جهت‌گیری کلی جنبش را مشخص کند. این درخواست از جنس مدیریت پیام و وحدت‌گفتمانی است، نه محدودیت حقوقی برای مردم. آزادی بیان به معنی مصون بودن از پیامدهای آن نیست!

بیژن نامدار - کنفرانس همگرایی مونیخ به راستی مبدأ تحول و نقطه عطفی در تاریخ مبارزات سیاسی آزادخواهان ایران خواهد بود. اما آنچه پس از آن در فضای مجازی و به‌خصوص در میان بخشی از هواداران سامانه پادشاهی محل بحث شد، موضوع توصیه شاهزاده رضا پهلوی به هواداران ایشان برای تجدید نظر در کاربرد شعارهایی از جمله King Reza Pahlavi یا پرهیز از تاکید بر استقرار نظام پادشاهی بود.

در این جلسه، شاهزاده در سخنانی نکات مهمی را مرور کردند. در ابتدا بر تأثیر و اهمیت اتحاد نیروهای ملی تأکید شده که ناظر بر اقدامات منتهی به گردهمایی‌های اخیر بود. همچنین اشاره می‌شود که گفتگوها و مراوداتی با جریان‌های مختلف وجود داشته و چالش‌های مشترک و مرتبط با همه به بحث گذاشته شده است.

سپس با تأکید بر اینکه «... اساس کار بر اساس برخورد شایسته، دموکراتیک و تولرانس و پلورالیسم است»، تأکید کردند: «من همیشه از هم‌میهن‌انم، به‌خصوص طرفداران سرسخت خودم، خواستم که در این مرحله وظیفه مهم ملی و فرامسلسلی مرا تقلیل به نمایندگی یک طیف یا جریان خاص نکنند. هدف ما، پیش از هر چیزی نجات ایران است...»

و شاه‌بیت سخنان ایشان این بود که «فیل در اتاق است. بی‌پرده بهتون بگم. مسئله این هست که اگر ما درشکه را جلوی اسب ببندیم، آیا کمک می‌کند به هدف یا لطمه می‌زند به آن؟ اصرار زودرس برای اینکه در آینده شخص رضا پهلوی نقشی داشته باشد یا نداشته باشد یا در چه قالبی و چه مقامی واقعاً بحث زودرس است. اکنون اگر از من انتظار دارید که یک همایش ملی را رهبری کنم، از حالا برای من خط و نشان کشیدن و در قالب خاص گذاشتن نه تنها ایجاد پولاریزیسیون می‌کند، بلکه باز می‌آفیم در مسئله حاشیه‌سازی...»

شاهزاده رضا پهلوی در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های اخیر خود همواره اهمیت حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه در میان نیروهای اپوزیسیون را مورد تأکید قرار داده و بر ضرورت احتیاط در بیان نظرات و شعارها تأکید داشته‌اند، به ویژه زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است و هنوز تکلیف هیچ نظامی برای آینده مشخص نیست.

از دیدگاه ایشان، استفاده از شعارهایی مانند King

→ نمود آنرا در تأخیر غیرموجه در فضا سازی رسانه‌ای و بیماری پروژه نامیدن و توهم توطئه‌ی قتل امیرمحمد خالقی دانشجوی دانشگاه تهران می‌توان به عینه دید.

۳- تلاش برای گسترش گفتمان و جذب افراد بیشتر

قطعا جذب افراد بیشتر نیازمند توسعه گفتمان اعتدال‌گرایانه و ایجاد یک جریان راست میانه در طیف طرفداران سامانه پادشاهی است که به دور از تندروی بر تبیین اهداف، برنامه‌ها و تولید محتوای عامه‌فهم و به دور از افراط‌گرایی متمرکز گردد. در این جریان باید شرایط پیوستن به انقلاب ملی، برای همگان، آسان جلوه نماید. کما اینکه شخص شاهزاده در پیام خود به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی بر ضرورت اقدام فرد فرد ایرانیان به قدر توان و امکانات آنها تأکید نموده و خواستار برداشت گام‌هایی هرچند کوچک در راستای تحقق آزادی و رهایی از چنگال استبداد دینی شد. قدر مسلم با تندروی و تعیین ضوابط و استانداردهای تخیلی، پروسه جذب نفرات جدید دچار اختلال خواهد شد.

۴- نشان دادن قدرت مردمی با شیوه‌های مدرن و مؤثر سمبل قدرت، اتحاد است. در سایه اجرای پروژه‌های اعلام‌شده از سوی شورای هماهنگی انقلاب، می‌توان از طریق ایجاد کمپین‌های مجازی (هشتگ‌های خاص، ایجاد ترافیک مصنوعی روی وبسایت‌های دولتی و...) اتحاد و ائتلاف برای رهایی از یوغ رژیم اسلامی، طراحی و اجرای پروژه‌های خرابکاری شرافتمندانه و... این پیام را به آحاد مردم و قشر خاکستری مخابره کرد که ابتکار عمل چه در فضای مجازی و چه در سطح جامعه در اختیار انقلابیون است.

اقتدار (اتوریته) رهبر

رابطه‌ی دوسویه‌ی رهبر و مردم تأثیر مستقیم بر اتوریته‌ی رهبری، مدیریت انقلاب، و ریزش نیروهای رژیم دارد. درواقع هرچه این ارتباط قوی‌تر و مؤثرتر باشد، رهبری قدرت بیشتری برای هدایت انقلاب پیدا می‌کند و احتمال ریزش در بدنه‌ی حکومت فعلی افزایش می‌یابد.

۱. تأثیر بر اتوریته‌ی رهبر در هدایت انقلاب

- مشروعیت مردمی و اقتدار سیاسی: اگر مردم نقش حمایتی خود را به خوبی ایفا کنند و پیام‌های رهبر را درست منتقل کنند، رهبری مشروعیت و اتوریته‌ی بیشتری پیدا می‌کند. این مشروعیت، هم برای نیروهای داخلی و هم برای جامعه‌ی بین‌المللی مهم است.

- قدرت تصمیم‌گیری و تقویت همگرایی: رهبری که از حمایت گسترده برخوردار باشد، راحت‌تر می‌تواند استراتژی‌های کلان انقلاب را تدوین کند و اختلافات داخلی را مدیریت نماید.

- کنترل فضای عمومی و جلوگیری از هرج و مرج: وقتی مردم مسئولیت‌پذیر باشند، از اختلافات بی‌مورد، تفرقه، و افراط‌گرایی جلوگیری می‌شود، و انقلاب در مسیر مشخصی حرکت می‌کند.

۲. تأثیر بر ریزش در نیروهای رژیم

ایجاد حس ناامیدی در بدنه‌ی رژیم: اگر رهبر اپوزیسیون اقتدار و انسجام لازم را داشته باشد، بسیاری از نیروهای رژیم احساس خواهند کرد که این انقلاب قابل پیروزی است و دیگر آمیدی به بقای حکومت ندارند.

افزایش انگیزه‌ی جداسدن نیروهای مردم: اگر اپوزیسیون قوی و منسجم باشد، افرادی که در رژیم هستند ولی دچار تردید شده‌اند، جرأت بیشتری برای ترک حکومت پیدا می‌کنند. آنها احساس می‌کنند که رهبری جایگزین، برنامه‌ی مشخصی دارد و هرج و مرج پیش نخواهد آمد.

کاهش روحیه‌ی سرکوبگران: نیروهای سرکوبگر وقتی ببینند مردم با رهبر خود همدل و همراه هستند، کمتر حاضر

به سرکوب و خشونت خواهند شد، چون متوجه می‌شوند که پیروزی اپوزیسیون حتمی است و ادامه‌ی سرکوب ممکن است برای آینده‌ی شخصی خودشان خطرناک باشد.

در مورد بحث اخیر که با وجود درخواست شاهزاده برای سر ندادن برخی شعارها پیش آمده، برخی اعلام کردند ما چون پادشاهی می‌خواهیم، برخلاف صحبت‌های شاهزاده، از آزادی بیان استفاده می‌کنیم و می‌خواهیم بگوییم: کینگ رضا پهلوی!

آسیب‌های احتمالی عدم توجه به درخواست شاهزاده

۱. تضعیف انسجام و اقتدار رهبری

• در هر حرکت سیاسی، اقتدار رهبری زمانی بیشتر می‌شود که پیروانش به تصمیمات او پایبند باشند. اگر بخشی از طرفداران بطور علنی از توصیه‌ی او سرپیچی کنند، ممکن است این پیام به دیگران مخابره شود که رهبری، کنترل کاملی بر جریان ندارد.

• این موضوع می‌تواند باعث دلسردی نیروهای مردم شود و حتی بهانه‌ای به رقبای بدهد که بگویند: «حتا کسانی که خود را طرفداران سرسخت معرفی می‌کنند به حرف رهبرشان گوش نمی‌دهند!» و «این جنبش دچار هرج و مرج است و وحدت ندارد».

۲. تضعیف اعتماد نیروهای داخل رژیم که احتمال ریزش دارند

• نیروهای مرددی که در حکومت هستند، اگر ببینند که طرفداران شاهزاده از توصیه‌های او پیروی نمی‌کنند، ممکن است احساس کنند که اپوزیسیون متحد و قابل اعتماد نیست و بنابراین از ریزش منصرف شوند.

• این گروه‌ها به دنبال امنیت و نظم هستند، و اگر احساس کنند که جنبش مخالفان دچار اختلافات داخلی است، بجای پیوستن به آن، ترجیح می‌دهند تا آخرین لحظه در حکومت بمانند.

۳. دادن بهانه به مخالفان و رقبای جمهوریخواه یا مخالفان چپ‌گراها و نیابتی‌های رژیم در اپوزیسیون می‌تواند این موضوع را بهانه کند و بگویند که «پادشاهی‌خواهان حتی به رهبر خودشان هم گوش نمی‌دهند، چطور می‌خواهند کشور را اداره کنند؟»

• رژیم نیز می‌تواند از این شکاف سوء استفاده کند و با القای اختلاف میان اپوزیسیون، تلاش کند نیروهای مردم را درون حکومت نگه دارد.

آزادی بیان یا دستاویز هم‌رد!

استدلال اینکه «عدم سر دادن شعار King Reza Pahlavi برابر با نقض آزادی بیان است» یک مغالطه منطقی است و دلایل متعددی برای این موضوع وجود دارد:

۱. تفاوت بین توصیه‌ی راهبردی و اجبار قانونی

شاهزاده رضا پهلوی درخواستی راهبردی مطرح کرده‌اند، نه یک دستور قانونی یا سرکوب آزادی بیان.

او به عنوان رهبر یک جریان، حق دارد که جهت‌گیری کلی جنبش را مشخص کند. این درخواست از جنس مدیریت پیام و وحدت گفتمانی است، نه محدودیت حقوقی برای مردم.

۲. آزادی بیان، نه آزادی از پیامدهای بیان

آزادی بیان به این معناست که هر فردی حق دارد نظر خود را بیان کند، اما این بدان معنا نیست که هر بیانی هیچ تبعاتی نداشته باشد. وقتی یک رهبر سیاسی یا یک استراتژیست می‌گوید که این شعار ممکن است باعث آسیب به جنبش شود، این سانسور نیست، بلکه تحلیل پیامدهاست.

۳. مغالطه‌ی «آزادی بیان مطلق»

آزادی بیان مطلق نیست و در همه‌ی نظام‌های دموکراتیک هم با محدودیت‌های منطقی مواجه است. مثلاً در یک انقلاب، رهبران برای پیشگیری از ایجاد تفرقه یا ارسال پیام‌های نامطلوب به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی باید

در شعارها و گفتمان جنبش انسجام ایجاد کنند.

۴. احتمال سوء استفاده‌ی دشمنان

شعارهای افراطی و غیرحساب‌شده به رژیم این امکان را می‌دهد که جنبش را به عنوان یک حرکت غیردموکراتیک، کیش شخصیت‌محور و مطلقه‌گرا نشان دهد. بنابراین، مخالفت با این نوع شعارها نه به معنای سرکوب آزادی بیان، بلکه برای حفظ مشروعیت جنبش است.

۵. آزادی بیان منتج به گسست درونی جنبش

کسانی که می‌خواهند این شعار را بدهند، آزادند، اما نمی‌توانند انتظار داشته باشند که این رفتار بدون انتقاد بماند. در یک جنبش دموکراتیک، هرکسی می‌تواند نظرات خود را بیان کند، اما در عین حال، رهبری جنبش نیز حق دارد راهبرد مناسب را تعیین کند.

این یک راهبرد سیاسی و رسانه‌ای برای حفظ انسجام و افزایش احتمال پیروزی جنبش است، نه یک محدودیت بر حق آزادی بیان افراد.

نتیجه‌گیری

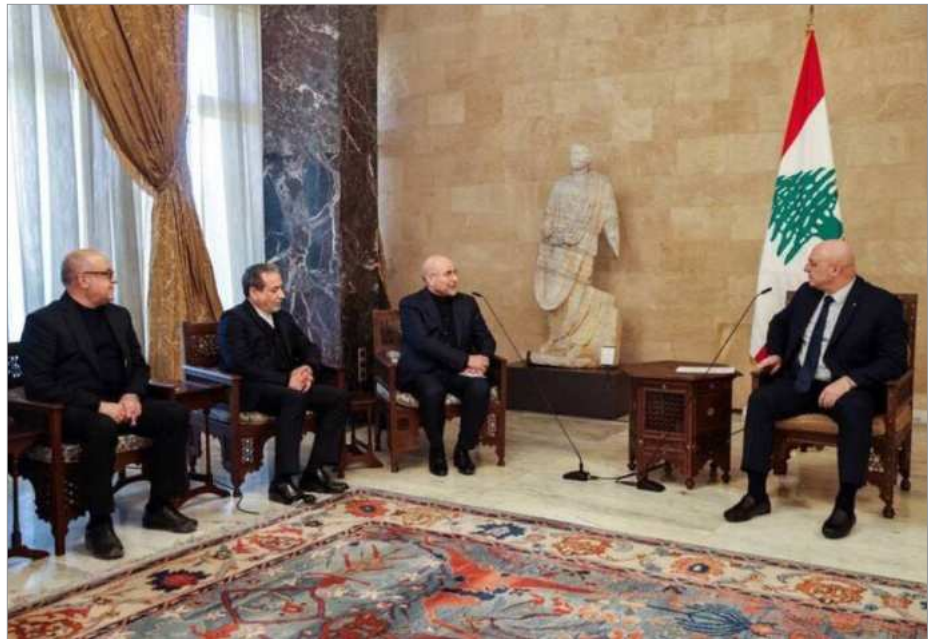
در یک جمع بندی کلی درمی‌یابیم که تأثیر اتوریته (اقتدار) بر رهبری در جریان انقلاب بسیار حیاتی است. وقتی پیام رهبر به درستی منتقل می‌شود و از تحریف آن جلوگیری می‌شود و وقتی حامیان نقش خود را به خوبی ایفا می‌کنند، مشروعیت و اقتدار رهبری تقویت می‌شود. این اقتدار نه تنها در داخل جامعه برای مردم تأثیرگذار است، بلکه در سطح جهانی نیز قدرت رهبری را بطور محسوس نشان می‌دهد. در این شرایط، کسانی که در حال ریزش از رژیم هستند یا کسانی که به تغییرات فکر می‌کنند، به این اقتدار اعتماد کرده و احساس امنیت می‌کنند و متقاعد می‌شوند که حمایت از رهبر یک اقدام آینده‌ساز و برنده است.

نکته کلیدی این است که این اقتدار رهبری می‌تواند بطور مؤثری استراتژی کلان انقلاب را تدوین کرده، اختلافات داخلی را مدیریت کند و از تفرقه و بحران‌های درونی جلوگیری کند. همچنین، کنترل فضای عمومی و جلوگیری از پراکندگی نیروها و اهداف می‌تواند به موفقیت و همگرایی بیشتر در میان مردم و گروه‌های مختلف منجر شود. درواقع این اقتدار رهبری است که باعث می‌شود قدرت سرکوبگر رژیم کاهش یابد و حتی ریزش نیروهای رژیم بیشتر شود.

در صورت برخورداری از رهبری منسجم و مقتدر در اپوزیسیون، رژیم دچار بی‌ثباتی و احساس ناامنی خواهد شد. زمانی که اپوزیسیون نشان دهد که به پیروزی نزدیک است و دارای رهبری با برنامه مشخص است، بسیاری از نیروهای رژیم که ممکن است از نظر ایدئولوژیک یا عملی دچار تردید شده باشند (همان «خاکستری‌ها» و اصلاح‌طلب‌ها) به اپوزیسیون ملحق می‌شوند. همچنین، نیروهای بوروکراتیک و نظامی که ممکن است در ابتدا نسبت به تغییرات تردید داشته باشند، با دیدن قدرت و انسجام اپوزیسیون، انگیزه بیشتری برای ترک رژیم و پیوستن به آن پیدا می‌کنند. درواقع این وضعیت باعث می‌شود که رژیم خود را در یک موقعیت بحرانی و رو به زوال ببیند.

زمانی که نیروهای سرکوبگر احساس کنند که اپوزیسیون متحد و قوی است و مردم پشت رهبرشان ایستاده‌اند، این تصور در آنها ایجاد می‌شود که پیروزی اپوزیسیون قطعی است. در این شرایط نیروهای سرکوبگر ممکن است از ادامه خشونت و سرکوب منصرف شوند، زیرا می‌فهمند که این اقدامات می‌تواند برای آینده شخصی و موقعیت‌شان خطرناک باشد. به همین دلیل، اقتدار رهبری اپوزیسیون می‌تواند باعث کاهش روحیه سرکوبگرها شود و از شدت خشونت و فشار بر مردم بکاهد. در نتیجه، این انسجام می‌تواند بطور غیرمستقیم به کاهش سرکوب و تضعیف رژیم کمک کند.

ژوزف عون در دیدار با محمدباقر قالیباف: «لبنان از جنگ‌های دیگران در خاک خود خسته است»



دیدار ژوزف عون با محمدباقر قالیباف / اسفند ۱۴۰۳

برگزاری مراسم تشییع جنازه نصرالله در بیروت؛ حمله جنگنده‌های اسرائیلی به سایت‌های حزب‌الله!



برگزاری مراسم تشییع جنازه حسن نصرالله در استادیوم
بیروت / فرویه ۲۰۲۵

● عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به همراه تعدادی از فرماندهان و سران گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی در محاصره چندین محافظ در این مراسم شرکت کردند.

● علی خامنه‌ای در پیامی به این مراسم گفت، «روح و راه نصرالله هر روز سرفرازتر از پیش جلوه خواهد کرد و راه را به رهروان نشان خواهد داد». وی همچنین گفت که «مقاومت در برابر غصب و ظلم و استکبار» تا «رسیدن به سرمنزله مقصود» ادامه خواهد یافت. مجتبی حسینی نماینده رهبر جمهوری اسلامی در عراق، این پیام را قرائت کرد.

● عراقچی و قالیباف در محاصره تعداد زیادی محافظ در این مراسم شرکت کردند.

● همزمان با تشییع جنازه نصرالله، جنگنده‌های اسرائیلی سایت‌های حزب‌الله در چند نقطه از لبنان را هدف قرار دادند.

مراسم تشییع جنازه حسن نصرالله رهبر حزب‌الله لبنان و معاونش هاشم صفی‌الدین، یکشنبه پنجم اسفندماه ۱۴۰۳ در استادیوم ورزشی «کامیل شمعون» در حومه بیروت برگزار شد.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به همراه تعدادی از فرماندهان و سران گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی

نبايد در امور داخلی یکدیگر دخالت کنند.» محمدباقر قالیباف نیز خطاب به او گفت، «تجاوزهای اسرائیل» و اظهارات ترامپ «دخالت در امور کشورها است.» او همچنین تأکید کرد: «ما حزب‌الله را بخشی از قدرت و امنیت ملی لبنان می‌دانیم» و «تمامیت ارضی و آرامش فعلی در لبنان از ثمرات مقاومت است.»

مقامات لبنانی و همچنین برخی رهبران و سایستمداران غرب از جمله امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه بارها به جمهوری اسلامی در مورد دخالت در امور لبنان و سایر کشورهای منطقه هشدار دادند.

هیأت سیاسی- نظامی جمهوری اسلامی در حالی به بیروت سفر کرد که از یک ماه قبل فرود هواپیماهای ایرانی در فرودگاه بیروت ممنوع اعلام شد.

یکی از کسانی که همزمان با برگزاری مراسم تشییع جنازه نصرالله به لبنان رفت، عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد اسلامی دولت محمد خاتمی بود که از لندن به بیروت سفر کرد. او در یک مصاحبه گفت، «برخی از جوانان در ایران که منطقه را نمی‌شناسند می‌گویند مقاومت شکست خورده است و این حرف بی‌اعتباری است.» او مدعی شد، اسرائیل شکست خورده است چون به اهدافش در جنگ غزه و لبنان نرسید.

حرف‌های مهاجرانی که سال‌هاست در لندن زندگی می‌کند همسو با بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درباره تشییع جنازه نصرالله است. در این بیانیه که ششم اسفندماه ۱۴۰۳ منتشر شد، آمده «تشییع با شکوه و حماسی شهیدان حسن نصرالله و سید هاشم صفی‌الدین در بیروت نشان داد حزب‌الله زنده است و مقاومت در رگ‌های ملت‌های آزاده جهان در جریان است.»

مراسم تشییع جنازه حسن نصرالله رهبر حزب‌الله لبنان و معاونش هاشم صفی‌الدین، یکشنبه پنجم اسفندماه ۱۴۰۳ در استادیوم ورزشی «کامیل شمعون» در حومه بیروت برگزار شد

● شماری از مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی یکشنبه پنجم اسفندماه ۱۴۰۳ برای حضور در مراسم تشییع جنازه حسن نصرالله به بیروت رفتند. در جمع این افراد عباس عراقچی وزیر خارجه، قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ایرج مسجدی معاون هماهنگ‌کننده نیروی قدس سپاه پاسداران و کاظم غریب آبادی معاون حقوقی وزارت خارجه حضور داشتند.

● بعد از این مراسم، قالیباف به دیدار عون رفت. ژوزف عون خطاب قالیباف گفت: «لبنان از جنگ‌های دیگران در خاک خود خسته شده و با نظر شما موافقم که کشورها نباید در امور داخلی یکدیگر دخالت کنند.»

● قالیباف نیز به عون گفت، «تمامیت ارضی و آرامش فعلی در لبنان از ثمرات مقاومت است.»

ژوزف عون رئیس جمهور لبنان در دیدار با محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، به انتقاد از «جنگ‌های دیگران» در خاک لبنان پرداخت.

شماری از مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی یکشنبه پنجم اسفندماه ۱۴۰۳ برای حضور در مراسم تشییع جنازه حسن نصرالله به بیروت رفتند. در جمع این افراد عباس عراقچی وزیر خارجه، قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ایرج مسجدی معاون هماهنگ‌کننده نیروی قدس سپاه پاسداران و کاظم غریب آبادی معاون حقوقی وزارت خارجه حضور داشتند.

بعد از این مراسم قالیباف به دیدار عون رفت. بعضی رسانه‌های داخلی گزارش دادند در این دیدار «کنایه‌های دیپلماتیک» رد و بدل شد از جمله اینکه ژوزف عون خطاب به محمدباقر قالیباف گفت: «لبنان از جنگ‌های دیگران در خاک خود خسته شده و با نظر شما موافقم که کشورها

دیدار خامنه‌ای با وزیر و مدیران ارشد وزارت اطلاعات؛ هشدار خطیب به ارتشی‌ها در مورد وادادگی!



خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در کنار علی خامنه‌ای

اطلاعات، گزارشی از عملکرد و برنامه‌های این وزارتخانه در «خنثی‌سازی تهدیدهای امنیتی و ضربات به سرویس‌های جاسوسی متخاصم» ارائه داد اما جزئیات این گزارش مشخص نشد.

یک روز قبل دیدار خامنه‌ای با وزیر اطلاعات و کارکنان این وزارتخانه، خطیب در یک همایش سیاسی با فرماندهان و مسئولان ارتش جمهوری اسلامی شرکت کرد.

او با اشاره به تحریم‌ها و فشارهای آمریکا گفت، «اگر صبر و استقامت باشد، ما هم اقتصاد کشور و استقلال خود را حفظ می‌کنیم و هم می‌توانیم با آن روحیه فداکاری و جهادی و شهادت‌طلبی این مرحله را با قدرت بگذرانیم، اما اگر وادادگی و واگرایی باشد و اگر این بوق و کرناهای مذاکره، شیفتگی، هراس و ترس بر ما غلبه کند، بازنده خواهیم بود.»

خطیب همچنین درباره مذاکره با آمریکا عنوان کرد، «بطور روشن آمریکایی‌ها اقدام جدی برای فشار و ایجاد زمینه مذاکره تحمیلی را بر ایران افزایش خواهند داد و هر روز با پیشنهادهای به ظاهر اغواکننده، چه از جنبه تطمیعی و چه تهدیدی اقدام خواهند کرد.»

پس از ترور اسماعیل هنیه در تهران و در پی آن ضربات امنیتی شدیدی که حکومت در داخل کشور و منطقه دریافت کرد، نهادهای امنیتی از جمله وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) با موجی از انتقادات روبرو شدند.

خطیب پیشتر در یک سخنرانی به مناسبت «هفته سربازان گمنان امام زمان» از طرفداران نظام خواسته بود با وزارت اطلاعات بیشتر همکاری کنند. او گفته بود «اطلاعات مردم‌پایه و همکاری مردم با حافظان امنیت‌شان منشأ بسیاری از پیروزی‌های اطلاعاتی و خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان، علیه امنیت و آرامش کشور است.»

● علی خامنه‌ای در دیدار با وزیر و کارکنان وزارت اطلاعات که چهارم اسفندماه ۱۴۰۳ برگزار شد گفت، «وزارت اطلاعات مجموعه‌ای واقعاً انقلابی و پاینده به انقلاب است و همچنانکه عناصر قدیمی این وزارت، انقلابی ماندند، نیروهای جدید آن نیز در مسیر انقلاب حرکت می‌کنند که این نعمتی بزرگ است.»

● یک روز قبل از این دیدار، خطیب در یک همایش سیاسی با فرماندهان و مسئولان ارتش جمهوری اسلامی شرکت کرد.

● او با اشاره به تحریم‌ها و فشارهای آمریکا گفت، «اگر صبر و استقامت باشد، ما هم اقتصاد کشور و استقلال خود را حفظ می‌کنیم و هم می‌توانیم با آن روحیه فداکاری و جهادی و شهادت‌طلبی این مرحله را با قدرت بگذرانیم، اما اگر وادادگی و واگرایی باشد و اگر این بوق و کرناهای مذاکره، شیفتگی، هراس و ترس بر ما غلبه کند، بازنده خواهیم بود.»

یک روز پس از سخنرانی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در جمع فرماندهان ارتش، او به همراه شماری از کارکنان و مدیران این وزارتخانه شنبه چهارم اسفندماه ۱۴۰۳ با علی خامنه‌ای دیدار کردند.

علی خامنه‌ای در این دیدار گفت، «وزارت اطلاعات مجموعه‌ای واقعاً انقلابی و پاینده به انقلاب است و همچنانکه عناصر قدیمی این وزارت، انقلابی ماندند، نیروهای جدید آن نیز در مسیر انقلاب حرکت می‌کنند که این نعمتی بزرگ است.»

خامنه‌ای خطاب به وزیر و کارکنان وزارت اطلاعات گفت: «همکاری با دولت به معنای انجام کار خوب اطلاعاتی است.»

رسانه‌های داخلی گزارش دادند در ابتدای این دیدار، وزیر

در محاصره چندین محافظ در این مراسم شرکت کردند. ژوزف عون رئیس‌جمهور لبنان و چند مقام دیگری لبنانی نیز در این مراسم حضور داشتند. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در پیامی به این مراسم گفت، «روح و راه نصرالله هر روز سرفرازتر از پیش جلوه خواهد کرد و راه را به رهروان نشان خواهد داد.» وی همچنین گفت که «مقاومت در برابر غصب و ظلم و استکبار» تا «رسیدن به سرمنزل مقصود» ادامه خواهد یافت. مجتبی حسینی نماینده خامنه‌ای در عراق این پیام را قرائت کرد.

پیش از این خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران نوشته بود که مسعود پزشکیان برای حضور در مراسم اعلام آمادگی کرده بود اما دولت لبنان دعوت‌نامه برای او ارسال نکرد. با اینهمه او در پیامی خطاب به جریان مقاومت با اعلام حمایت از نیابتی‌ها ادعا کرد «هستیم بر آن عهد که بستیم!» همچنین محمدباقر قالیباف نیز پس از پیگیری و با پارتی‌بازی از سوی رئیس مجلس لبنان به این مراسم دعوت شد.

در مراسم یکشنبه ۵ اسفند، جمعیت حاضر در استادیوم بیروت شعار «مرگ بر اسرائیل»، «مرگ بر آمریکا» و «به ندادی نصرالله پاسخ می‌دهیم» سر دادند.

همزمان با مراسم خاکسپاری جنازه نصرالله، پروازهای فرودگاه بیروت متوقف شد. همزمان جنگنده‌های نیروی هوایی اسرائیل چند سایت و انبار مهمات متعلق به گروه تروریستی حزب‌الله را هدف قرار دادند. پرواز جنگنده‌های اسرائیل در حالی صورت گرفت که هواپیماهای نظامی ارتش لبنان نیز بر فراز محل برگزاری این مراسم در پرواز بودند.

با تضعیف شدید حزب‌الله، آینده‌ی این تشکیلات که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷ در اوایل دهه هشتاد توسط جمهوری اسلامی در لبنان تشکیل شد، به عنوان یک گروه نظامی مورد تردید قرار گرفته است. اسرائیل قول داده است تا زمانی که این گروه خلع سلاح شود به حملات خود به مواضع حزب‌الله ادامه دهد.

پیشتر جو ویلسون نماینده جمهوریخواه آمریکا حسن نصرالله را «تروریست جنایتکار» خوانده و از سیاستمداران لبنانی که قصد شرکت در مراسم تشییع جنازه او را دارند، انتقاد کرده بود. ویلسون گفت هر سیاستمدار لبنانی که در این مراسم شرکت کند، «در کنار جمهوری اسلامی ایستاده» است

روزنامه «اسرائیل هیوم» گزارش داد نزدیک به ۵۰ هزار نفر در این مراسم شرکت کردند. در این گزارش آمده برای هر ناظر منطقی، زمان‌بندی این مراسم آشکارا تلاشی برای بازگرداندن اعتبار به این سازمان شیعه پس از ماه‌ها تحقیر است. بنابراین اسرائیل باید تمام اقدامات ممکن را برای جلوگیری یا حداقل مختل کردن مراسم انجام دهد تا نشان دهد که یک «نظم نوین» واقعی در حال شکل‌گرفتن است حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان، جمعه ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ (۵ مهرماه) در حمله‌ی هوایی ارتش اسرائیل به منطقه‌ی ضاحیه در جنوب بیروت کشته شد. این حمله یکی از شدیدترین عملیات‌های هوایی اسرائیل در سال‌های اخیر علیه حزب‌الله محسوب می‌شود که در آن از بمب‌های سنگین استفاده شد.

کمی بعد، هاشم صفی‌الدین رئیس شورای اجرایی حزب‌الله و فردی که بسیاری او را جانشین احتمالی نصرالله می‌دانستند نیز در حمله‌ای جداگانه از سوی اسرائیل هدف قرار گرفت و کشته شد. این دو حمله ضربه‌ای سنگین به ساختار رهبری حزب‌الله وارد کرده و معادلات منطقه را وارد مرحله‌ای جدید کرده است. رسانه‌های حکومتی در ایران و همچنین شبکه CNN و BBC جمعیت حاضر در این مراسم را در گزارش‌های خود برجسته کردند.

تلاش اصلاح طلبان برای جلوگیری از عزل عبدالناصر همتی

آقای همتی هنوز تیم مورد اعتماد خود را نیز بطور کامل در وزارت اقتصاد مستقر نکرده و در حال حاضر بسیاری از مدیران ارشد چه در بدنه وزارت اقتصاد و چه در سطح کلان، در مجموعه دولت، همان مدیرانی هستند که در دولت‌های پیشین نیز فعالیت می‌کردند.

طرح استیضاح وزیر اقتصاد از هفته دوم دی‌ماه امسال از سوی شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تدوین شد. با اینهمه محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و برخی نمایندگان به دنبال عقب افتادن استیضاح وزیر اقتصاد دولت پزشکیان بودند. یک روز پیش از ارجاع طرح استیضاح عبدالناصر همتی به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی نشستی غیرعلنی پشت درهای بسته با حضور رئیس دولت، وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی در مجلس شورای اسلامی برگزار شد. آرا شاوریدان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی پس از برگزاری این نشست با بیان اینکه «می‌توان وزارت اقتصاد را به تهبایی مسئول رفع تمامی مشکلات اقتصادی در نظر گرفت» گفته «تأثیر منفی تحریم‌ها و رفتارهای سیاست خارجی بر وضعیت اقتصادی کشور قابل کتمان نیست. بانک مرکزی، وزارت تعاون، صمت، امور خارجه و دیگر وزارت‌خانه‌ها نیز برای حل مشکلات اقتصادی مسئولیت دارند.» او گفته «استیضاح وزیر در این شرایط و تنها چند ماه پس از آغاز کار دولت به صلاح نیست» و افزوده «باید در فضای همدلی مشکلات را رفع نموده و بهبود شرایط را ممکن کنیم.»

این عضو فراکسیون اصناف مجلس اسلامی خواستار همکاری تمامی وزارتخانه‌ها برای حل مسائل اقتصادی شد و بر لزوم حذف رانت در حوزه ارز تأکید کرد و ابراز امیدواری کرد که تلاش‌های وزارت اقتصاد و امور دارایی برای حذف رانت به بهبود شرایط اقتصادی کمک کند.

در مقابل اما برخی نمایندگان معتقدند که عبدالناصر همتی هیچ برنامه روشنی برای سامان دادن به اقتصاد آشفته کشور ندارد و استیضاح او ضروری است.

حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی درباره نشست غیرعلنی مجلس با حضور وزیر اقتصاد گفته بود «جلسه غیرعلنی که برای تطهیر آقای همتی در مجلس برگزار شد، به دلایل افزایش نرخ ارز پرداخته نشد، جای تعجب است در روز احضار وزیر، چنین جلسه بی‌فایده‌ای برگزار می‌شود؛ سفره و معیشت مردم، خط قرمز ما است و به دلیل خسارات وارده، در تلاشیم تا استیضاح آقای همتی با قدرت انجام شود.» محمدصالح جوکار رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی نیز معتقد است «استیضاح همتی یک گام رو به جلو است و از آقای وزیر اقتصاد شروع کردیم و اگر پاسخ نگره‌تیم سراغ مسئولان اجرایی دیگر می‌رویم. بالاخره یک نفر باید بیاید بگوید آینده اقتصاد کشور چیست؟»

اگرچه رقابت‌های بین جناحی در جمهوری اسلامی بالا گرفته و استیضاح وزیر اقتصاد می‌تواند از سوی برخی رقبا تبلیغ شود اما در نهایت عملکرد عبدالناصر همتی در ماه‌های گذشته قابل دفاع نبوده و به همین دلیل مخالفان استیضاح چیزی از کارنامه او نمی‌گویند!

اینهمه در حالیست که در نهایت علی خامنه‌ای است که تعیین کننده سرنوشت ادامه فعالیت همتی در وزارت اقتصاد خواهد بود و اگر نظر او مخالف عزل همتی باشد، استیضاح وزیر انجام خواهد شد اما عزل او رأی نخواهد آورد!



مسعود پزشکیان، عبدالناصر همتی

قیمت ارز اصرار نموده و از این سیاست دفاع کرده است. روزنامه «ایران» اما همچنین مدعی شده که «نمایندگان مجلس و به‌خصوص آنها که سابقه بیشتری در بهارستان دارند، حتماً آذغان دارند که ماجرای نوسانات ارزی، موضوعی خلق‌الساعه و مختص دولت فعلی نیست. آنها نیک می‌دانند که برکناری همتی حتی درمان مقطعی و مسکن‌گونه هم نیست بلکه در ادامه چه بسا منجر به تشدید نوسانات ارزی و سربایت بی‌ثباتی به دیگر بازارها هم بشود. چنانکه در دوره‌های گذشته این نوع مواجهه با مشکلات راه به جایی نبرده مضاف بر آنکه یک دوره بلاتکلیفی تا انتخاب وزیر بعدی را هم به همراه آورده است.»

روزنامه دولت همچنین نوشته که استیضاح وزیر اقتصاد برخلاف ایده «وفاق» است که از سوی مسعود پزشکیان برای ایجاد همراهی و همسویی میان جناحین و قوای حکومتی ارائه شده است!

وحید شقاقی شهری اقتصاددان نزدیک به دولت پزشکیان و اصلاح طلبان نیز مدعی شده که «آقای همتی، ۵ ماه است مسئولیت یکی از بزرگترین وزارتخانه‌های کشور را بر عهده گرفته است. من شاهد بودم که تا همین اواخر، چپش مدیران، معاونین و هیئت مدیره‌های این وزارتخانه به درازا کشید. درواقع کار سنگین چپش معاونین این وزارتخانه تازه به اتمام رسیده است. اما حالا و به محض اینکه ایشان می‌خواهند کار را شروع کنند، مجلس ماجرای استیضاح را کلید می‌زند. واقعا جای تعجب دارد. ما اکنون در شرایطی هستیم که گویی فرماندهان خود را وسط میدان جنگ فرستاده‌ایم و با دشمنی قدرتمند رو در رو هستیم، اما از پشت صحنه مدام، فرماندهان را تضعیف می‌کنیم.»

احمد بیگدلی نماینده مجلس شورای اسلامی نیز که از جمله مخالفان استیضاح وزیر اقتصاد است و گفته «وزیر اقتصاد هنوز در این مدت زمان کوتاه فرصت این را نداشته که سیاست‌ها و برنامه‌هایش را بطور کامل اجرا کند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی خواستار تحمل بیشتر متقاضیان استیضاح شد و گفته که «واقعیت این است که با توجه به رویکرد مبتنی بر وفاق در دولت آقای پزشکیان،

● کمتر از چهار روز دیگر قرار است عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت پزشکیان در صحن علنی مجلس شورای اسلامی استیضاح شود.

● طی شش ماه گذشته پس از روی کار آمدن دولت چهاردهم به ریاست پزشکیان، قیمت دلار با افزایش دو برابری روبرو شده و تورم ماهانه به بیش از ۴ درصد افزایش یافته است.

● تیم اقتصادی دولت پزشکیان به سرپرستی عبدالناصر همتی نتوانسته حتی در کنترل قیمت کالاهای خوراکی و دارو نیز اقدام موثری انجام دهد و در نتیجه فشارهای معیشتی بیشتر شده و فقر بطور فزاینده‌ای گسترش یافته است.

استیضاح عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت اصلاح طلب چهاردهم در حالی قرار است روز یکشنبه ۱۲ اسفندماه برگزار شود که نزدیکان به دولت تمام تلاش خود را برای جلوگیری از عزل همتی به کار گرفته‌اند.

طی شش ماه گذشته پس از روی کار آمدن دولت چهاردهم به ریاست پزشکیان، قیمت دلار با افزایش دو برابری روبرو شده و تورم ماهانه به بیش از ۴ درصد افزایش یافته است. اقدامات وزیر اقتصاد از جمله در راه‌اندازی «بازار ارز تجاری» نیز سبب تحریک بیشتر تورم و افزایش قیمت ارز شده است. از سوی دیگر دولت نتوانسته حتی در کنترل قیمت کالاهای خوراکی و دارو نیز اقدام موثری انجام دهد و در نتیجه فشارهای معیشتی بیشتر شده و فقر بطور فزاینده‌ای گسترش یافته است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از چند بار هشدار و تذکر به تیم اقتصادی دولت پزشکیان و احضار آنها به مجلس شورای اسلامی، در نهایت هفته گذشته طرح استیضاح عبدالناصر همتی را با ۹۱ امضا به هیئت رئیسه تقدیم کردند. کمتر از چهار روز دیگر قرار است عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت پزشکیان در صحن علنی مجلس شورای اسلامی استیضاح شود. در شرایطی که عملکرد همتی طی شش ماه گذشته قابل دفاع نیست اما نزدیکان به دولت تلاش دارند با توجیهات سیاسی و هراس‌آفرینی از روزهای پس از همتی، از عزل وزیر دولت اصلاحات جلوگیری کنند.

بسیاری از اصلاح طلبان معتقدند استیضاح همتی اقدامی «سیاسی» از سوی نمایندگان است که در جناح رقیب دولت هستند و اثری بر بهبود وضعیت معیشتی مردم و شرایط اقتصادی کشور ندارد. روزنامه «ایران» به عنوان رسانه دولت در مطلبی خطاب به استیضاح‌کنندگان مدعی شده که «استیضاح‌کنندگان، گذشت تنها ۵ ماه از شروع به کار همتی در وزارت اقتصاد، فرصت مکفی برای قضاوت درباره عملکرد او نیست. به‌خصوص که در مورد محور اصلی استیضاح یعنی نوسانات بازار ارز نیز شخص وزیر هم مقصر نیست و اگر قرار است مسئول مستقیمی در اینباره معرفی شود، او رئیس کل بانک مرکزی است که بر اساس قانون وظایف و چهارچوب کاری مستقلی دارد و ارتباط چندانی با وزارت اقتصاد و شخص همتی پیدا نمی‌کند.»

این ادعا در حالی مطرح شده که بر هم زدن بازار ارز نیمایی که قیمت‌ها در آن با کنترل بانک مرکزی تعیین می‌شد و جایگزین شدن «بازار ارز تجاری» با این بازار یکی از محرک‌های افزایش قیمت ارز در ماه‌های گذشته بوده است. همچنین با وجود رکود تورمی شدید در اقتصاد ایران عبدالناصر همتی به برداشته شدن یارانه‌ها و رها کردن

هشدار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:

ذخایر اورانیوم ممنوعه در ایران به حد ساخت چند بمب اتم رسیده است

در صورت غنی‌سازی بیشتر، میزان ۴۲ کیلوگرم اورانیوم که برای ساخت یک بمب اتمی لازم است، به دست خواهد آمد گزارش فصلی جدید آژانس که به اعضای شورای حکام ارائه می‌شود، می‌افزاید: «افزایش قابل توجه تولید و انباشت اورانیوم با غلظت بالا توسط ایران، تنها کشور غیرهسته‌ای که چنین مواد هسته‌ای تولید می‌کند، یک نگرانی جدی است.»

جهش ۵۰ درصدی ذخایر اورانیوم با غلظت بالا طی سه ماه گذشته در حالیکه که در سه‌ماهه پیش از آن، این رشد تنها ۱۱ درصد بود.

جمهوری اسلامی در حالت آماده‌باش است

یک روز پیش از انتشار این گزارش، روزنامه بریتانیایی «تلگراف» در گزارشی نوشت جمهوری اسلامی به دلیل نگرانی از حمله احتمالی اسرائیل و آمریکا، تاسیسات هسته‌ای خود را به حالت آماده‌باش کامل درآورده است. به گفته منابع «تلگراف»، مقامات حکومت ایران معتقدند یک حمله بزرگ از سوی آمریکا، می‌تواند موجودیت جمهوری اسلامی را به خطر بیندازد.

«تلگراف» همچنین به نقل از دو منبع آگاه دولتی در ایران نوشت جمهوری اسلامی برای تقویت سیستم دفاعی خود در برابر حملات احتمالی، سامانه‌های پدافند هوایی جدیدی را در اطراف سایت‌های کلیدی هسته‌ای و موشکی خود مستقر کرده است.



تسلیمات نظامی بیشتری تولید کرد.

به گفته یک دیپلمات ارشد، در شرایطی که حکومت ایران پیش از شتاب دادن به این فرآیند، بین ۶ تا ۹ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی در ماه تولید می‌کرد، اکنون این میزان بین ۳۵ تا ۴۰ کیلوگرم است.

● آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چهارشنبه ۲۶ فوریه ۲۰۲۵ (هشتم اسفند) در گزارشی اعلام کرد که ذخایر اورانیوم جمهوری اسلامی با غلظت نزدیک به سطح تسلیحاتی «به شدت افزایش یافته» است.

● یکی از دو گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید که ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی به شکل «هگزافلوراید اورانیوم» با ۹۲/۵ کیلوگرم افزایش در سه ماهه گذشته به ۲۷۴/۸ کیلوگرم رسیده است.

● آژانس می‌گوید مذاکرات با جمهوری اسلامی پیشرفت نداشته است. محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی مدعی است: «اراده‌ای سیاسی وجود دارد که آژانس جواب‌های ایران را نپذیرد» و «این ناشی از سوگیری صهیونیست‌هاست.»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، چهارشنبه ۲۶ فوریه ۲۰۲۵ (هشتم اسفند) در گزارشی اعلام کرد که ذخایر اورانیوم جمهوری اسلامی با غلظت نزدیک به سطح تسلیحاتی «به شدت افزایش یافته» است.

ذخایر اورانیوم غنی‌شده تا ۶۰ درصد خلوص شکافت‌پذیر، نزدیک به حدود ۹۰ درصدی است که می‌تواند برای ساخت بمب هسته‌ای استفاده شود.

آژانس در گزارش خود می‌گوید که این افزایش در شرایطی صورت می‌گیرد که هیچ پیشرفتی در مذاکرات برای حل مسائل مورد اختلاف با جمهوری اسلامی به دست نیامده است.

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی پیشتر گفته بود: «اراده‌ای سیاسی وجود دارد که آژانس جواب‌های ایران را نپذیرد» و «این ناشی از سوگیری صهیونیست‌هاست.»

دولت‌های غربی بارها با ابراز نگرانی از سرعت گرفتن و گسترش فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی، هشدار داده‌اند که افزایش ذخیره اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد هیچ کاربرد غیرنظامی ندارد.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بخشی که بطور غیرمعمول در هر دو گزارش سه ماهه خود درباره برنامه اتمی حکومت ایران گنجانده شده، اعلام کرده است: «افزایش قابل توجه تولید و انباشت اورانیوم با غلظت بالا توسط ایران، تنها کشور غیرهسته‌ای که چنین مواد هسته‌ای تولید می‌کند، باعث نگرانی جدی است.»

این گزارش‌های محرمانه که روز چهارشنبه به کشورهای عضو آژانس ارسال شد و رویترز وجود آنها را تأیید می‌کند، نشان می‌دهند در شرایطی که ذخایر اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد دو برابر شده، هیچ پیشرفت واقعی در حل مسائلی که از مدت‌ها پیش باقی مانده‌اند، از جمله وجود غیرقابل توضیح آثار اورانیوم در سایت‌های اعلام نشده در ایران، وجود ندارد.

یکی از دو گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید که ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی به شکل «هگزافلوراید اورانیوم» با ۹۲/۵ کیلوگرم افزایش در سه ماهه گذشته به ۲۷۴/۸ کیلوگرم رسیده است.

بر اساس معیارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، این میزان اورانیوم در صورت غنی‌سازی بیشتر برای ساخت شش بمب اتمی کافی است و می‌توان با غلظت پایین‌تر از آنها

فرارسیدن عصر انسان‌ها



واقعی را داشته باشد و بتواند احساسات انسانی را منعکس کند.

مهمترین ویژگی الیزا اما تلفیق هوش مصنوعی پیشرفته با توانایی رباتیک است.

الیزا را برای فروش گذاشته‌اند. اگر کسی می‌خواهد مالک این دختر شود می‌تواند با ۴۲۰ هزار دلار آن را پیش‌خرید کند. این ربات انسان‌نمای ۴۷ کیلوگرمی دارای چهره انیماترونیک سیلیکونی است تا نزدیکترین حالت به پوست

ویدیو

بحران انرژی شاخص تولید صنعت را ۷/۶ درصد کاهش داد



● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش شاخص تولید بخش صنعت و معدن در دی‌ماه امسال را منتشر کرده که نشان می‌دهد شاخص تولید بخش صنعت نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷/۶ درصد کاهش یافته است.

● از سوی دیگر شاخص فروش بخش صنعت مبتنی بر شرکت‌های صنعتی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل با کاهش ۱/۴ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۳/۹ درصدی مواجه شده است.

● از یکسو با قطع برق خطوط تولید می‌خواهد و سطح تولید کاهش می‌یابد و از سوی دیگر تهیه موتور برق و ژنراتور به عنوان منبع جایگزین تأمین برق برای صنایع هزینه‌زا بوده است.

● همچنین قطع برق سبب تأخیر در تولید و تحویل سفارشات می‌شود که هم سبب تحمیل بار مالی برای جبران خسارت به مشتری و هم سبب از دست رفتن مشتری و بازارهای صادراتی می‌شود.

● روشن و خاموش شدن مکرر دستگاه‌ها به دلیل قطع برق، عمر مفید تجهیزات را کاهش داده و هزینه‌های تعمیر و نگهداری را افزایش می‌دهد.

گزارش شاخص تولید بخش صنعت و معدن در دی‌ماه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷/۶ درصد کاهش یافته است. قطع پی در پی انرژی از جمله دلایل اصلی کاهش تولید در بخش صنعت ارزیابی شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش شاخص تولید بخش صنعت و معدن در دی‌ماه امسال را منتشر کرده که نشان می‌دهد شاخص تولید بخش صنعت نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷/۶ درصد کاهش یافته است.

بر اساس این گزارش در دی‌ماه امسال نسبت به ماه مشابه سال قبل، رشته فعالیت‌های «محصولات فلزی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات»، «سایر کانی غیرفلزی» و «کاشی و سرامیک» بیشترین سهم را در کاهش شاخص تولید داشته‌اند.

همچنین طی دی‌ماه نسبت به ماه قبل، رشته فعالیت‌های «خودرو و قطعات»، «کک و پالایش» و «دارو» افزایش در شاخص تولید و رشته فعالیت‌های «سایر کانی غیرفلزی»، «فلزات پایه» و «کاشی و سرامیک» بیشترین سهم در کاهش شاخص تولید را داشته‌اند.

از سوی دیگر شاخص فروش بخش صنعت مبتنی بر شرکت‌های صنعتی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل با کاهش ۱/۴ درصدی و نسبت به ماه قبل با کاهش ۳/۹ درصدی مواجه شده است.

در این ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل، تنها چهار رشته‌فعالیت افزایش در شاخص فروش و ۱۱ رشته‌فعالیت کاهش در شاخص فروش داشته‌اند. رشته‌فعالیت‌های «تجهیزات برقی»، «لاستیک و پلاستیک» و «کاشی و سرامیک» بیشترین سهم را در افزایش شاخص فروش و رشته‌فعالیت‌های «خودرو و قطعات»، «سایر کانی غیر فلزی» و «چوب و کاغذ» بیشترین سهم را در کاهش شاخص فروش داشته‌اند.

همچنین شاخص فروش شرکت‌های معدنی بورسی نسبت به ماه مشابه سال قبل با کاهش ۲۴/۶ درصدی و نسبت به ماه قبل با افزایش ۷/۴ درصدی مواجه شده است. وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی با بررسی آمار ارائه

شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشته روند دوباره قطع برق از اواسط آذرماه سال جاری شروع شد. صنایع متعدد از اواسط آذرماه سال جاری، درگیر قطع دو تا سه روزه برق بوده‌اند. موضوعی که اعتراض بسیاری از صنعت‌گران را برانگیخت و موج دوباره استیصال را به صنعت بازگرداند.

در ادامه این گزارش آمده که صنعتگران بارها از معایب و ضررهای قطع مکرر برق در صنایع سخن به میان آورده‌اند، اما گویا گوش شنوایی وجود ندارد. تا جایی که عده‌ای فریادهای آن‌ها را بزرگ‌نمایی قلمداد می‌کنند و درخواست دارند که هیاهویی توسط صنعت‌گران در رسانه‌ها صورت نگیرد. اما بار دیگر آمار گواهی بر کاهش سود صنایع به دنبال قطع مداوم برق است.

قطع برق به اشکال مختلفی به صنایع کشور زیان وارد می‌کند. از یکسو با قطع برق خطوط تولید می‌خواهد و سطح تولید کاهش می‌یابد و از سوی دیگر تهیه موتور برق و ژنراتور به عنوان منبع جایگزین تأمین برق برای صنایع هزینه‌زا بوده است و البته برخی صنایع نیز به دلیل حجم گسترده فعالیت امکان تهیه برق مورد نیاز با موتور برق یا ژنراتور را ندارند.

از سوی دیگر قطع برق سبب تأخیر در تولید و تحویل سفارشات می‌شود که هم سبب تحمیل بار مالی برای جبران خسارت به مشتری و هم سبب از دست رفتن مشتری و بازارهای صادراتی می‌شود.

روشن و خاموش شدن مکرر دستگاه‌ها به دلیل قطع برق، عمر مفید تجهیزات را کاهش داده و هزینه‌های تعمیر و نگهداری را افزایش می‌دهد. این مسئله به ویژه در صنایع سنگین مانند فولاد و پتروشیمی که به تجهیزات گران‌قیمت وابسته‌اند، نمود بیشتری دارد.

بهرام ذنوبی‌تبار رئیس کانون همبستگی شوراهای اسلامی کار استان فارس در گفتگو خبرگزاری «ایلنا» با هشدار نسبت به خطر اخراج نیرو و تعطیلی صنایع، گفته که «صنایع

کوچک بیشترین آسیب را از قطع برق و گاز می‌بینند. این مشکلات برای کارفرمایان و کارگران چالش‌های جدی ایجاد کرده و امنیت شغلی آن‌ها را به خطر انداخته است.» او افزوده که «کاهش تولید، افت بهره‌وری، افزایش هزینه‌ها، خسارت به ماشین‌آلات، ناراضی مشتریان و مشکلات مالی از جمله چالش‌های اصلی هستند که کارفرمایان با آن مواجه‌اند.»

بهرام ذنوبی‌تبار همچنین تأکید کرده که وقفه‌های مکرر در تولید، منجر به کاهش میزان تولید و تأخیر در تحویل سفارشات شده و در مواردی به خسارت‌های جبران‌ناپذیر به تجهیزات حساس منجر شده است.

جمال رازقی نایب رئیس اتاق بازرگانی فارس نیز به خبرگزاری «ایلنا» گفته که «طبق آمار ارائه شده از سوی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، قطعی برق در تابستان امسال باعث شد کشور یک سوم از رشد اقتصادی خود را از دست بدهد. حال که در فصل زمستان علاوه بر برق، با قطعی گاز نیز مواجهیم، خسارات این دوره حتی بیشتر از شش‌ماهه نخست سال خواهد بود.»

جمال رازقی تصریح کرد که مشکلات اقتصادی کشور ناشی از سیاست‌های کلان در حوزه روابط خارجی و نبود حمایت از بخش خصوصی است. او تأکید کرد که سپردن اقتصاد به بخش خصوصی و اصلاح سیاست‌های اقتصادی می‌تواند مانع تشدید بحران شود.

محمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز به تازگی چند بار درباره آثار زیانبار قطع برق و گاز صنایع هشدار داده است.

او در یکی از اظهارنظرهای اخیرش گفته اگر تولید با وقفه مواجه شود، اشتغال نابود شده و معضلات اجتماعی ناشی از آن گریبانگیر معیشت خانوار خواهد شد.

وزیر صمت افزوده «تاب‌آوری صنایع به انتها رسیده و توانی بیش از این برای ادامه تولید باقی نمانده است.» همچنین «تولیدکننده و صنعتگر توانی برای حفظ

سران قوای جمهوری اسلامی نتوانستند «بحران سیب‌زمینی» را حل کنند!

برای کنترل قیمت سیب‌زمینی بیانگر عمق فاجعه مدیریتی و البته بحران‌های مالی در حکومت است که «سیب‌زمینی» را به موضوع جلسه سران قوای جمهوری اسلامی تبدیل کرده است.

اکنون مشخص شده که حتی سران قوا هم نتوانستند «بحران سیب‌زمینی» را حل کنند و همچنان این محصول با قیمت بالا عرضه می‌شود.

در همین حال خسرو طالبی رحیق رئیس انجمن ملی سیب‌زمینی ایران در گفت‌وگو با «اقتصاد ۲۴» توضیح داده که «از دیربهدشت ماه ۱۴۰۳ درخواست کتبی ذخیره سازی احتیاطی حداقل ۵۰ الی ۸۰ هزار تن سیب زمینی به وزارت جهاد کشاورزی ارائه شده است و اگر ذخیره سازی احتیاطی را با مشارکت تولید کنندگان، بنگاه‌دارها و انباردارها انجام می‌دادند نیازی به واردات و اینکه ارز مملکت برای واردات سیب زمینی انجام شود، نبود.»

خسرو طالبی رحیق افزوده «اگر با اعمال مدیریت در خصوص ذخیره سازی مناسب این محصول و در نهایت صادرات مازاد تولید سیب زمینی به درستی اجرایی می‌شد امروز همین سیب زمینی ۵۰ هزار تن ذخیره سازی احتیاطی برای بهمن و اسفندماه وارد بازار عرضه می‌شد.»

به گفته این فعال صنفی اگر سیب زمینی در مهر و آبان ماه سال جاری قیمت پایین داشت به درخواست انجمن سیب زمینی ایران بود و اگر به دنبال این وضعیت ذخیره سازی احتیاطی را با مشارکت تولید کنندگان، بنگاه‌دارها و انباردارها انجام می‌دادند نیازی به واردات سیب زمینی از کشورهای همسایه و عرضه آن به بازار مورد نیاز کشور نبود رئیس انجمن ملی سیب‌زمینی افزوده «واردات کالا حساسیت‌های خاص خود را دارد حالا موضوع واردات محصولات کشاورزی به دلیل رابطه نزدیک آن با سلامت جامعه قابل تامل و بحث برانگیز است. باید به سیب زمینی وارداتی بیش از حد حساس باشند و انجمن سیب زمینی طی مکاتبات کتبی از معاونت‌های تخصصی وزارت جهاد کشاورزی درخواست پیگیری سلامت سیب زمینی‌های وارداتی را داشت که بر اساس این درخواست اعلام شد که کوچکترین ویروسی که در رابطه با سیب زمینی وارداتی می‌تواند تبعات جدی بر سلامت جامعه به همراه داشته باشد.»

افزایش قیمت سیب‌زمینی در حال است که این محصول از جمله کالاهای پرمصرف برای اقشار کم‌درآمد به شمار می‌رود. قیمت پایین و خاصیت سیرکنندگی سیب‌زمینی آن را به یکی از کالاهای همیشگی سبد مصرفی اقشار فقیر جامعه تبدیل کرده است. اکنون اما با افزایش قیمت این کالا، بسیاری از اقشار کم‌درآمد از خرید آن نیز درمانده‌اند. منتقدان به اقدامات تباهکارانه دولت معتقدند زمانی که سیب زمینی به کیلویی ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان رسیده یک خانواده چهار نفره چطور می‌تواند در هفته مطابق برنامه غذایی خود اقدام به خرید سه-چهار کیلو سیب زمینی کنند! یعنی باید هفته‌ای ۴۰۰ هزار تومان برای یک محصول ساده غذایی هزینه کنند! این رقم در کدام سبد معیشتی کارگران و خانوارهای کم درآمد ثبت شده است!

همین موضوع سبب شده که برخی وبسایت‌های فروش آنلاین اقدام به فروش قسطی سیب‌زمینی در کنار اقلام خوراکی دیگر از جمله گوشت و مرغ و هویج و پیاز کنند.

● **فعالان صنفی تأکید کرده بودند که اقدامات وزارت جهاد کشاورزی از جمله صدور مجوز صادرات با وجود نیاز داخلی و همچنین عدم ذخیره سیب‌زمینی برای فصل سرد سال عامل افزایش قیمت سیب‌زمینی بوده است.**

● **قرار بود میادین میوه و تره‌بار سطح شهر با توزیع کافی و به‌موقع قیمت سیب‌زمینی را کاهش دهند اما این میادین با توزیع محدود و البته کم‌کیفیت سیب‌زمینی هم نتوانستند قیمت‌ها را در بازار کنترل کنند.**

● **دو هفته پیش وزیر جهاد کشاورزی از صدور مجوز سران قوا برای کنترل بازار سیب‌زمینی خبر داده بود اما اکنون مشخص شده که حتی سران قوای جمهوری اسلامی هم نتوانستند «بحران سیب‌زمینی» را حل کنند!**

● **قیمت پایین و خاصیت سیرکنندگی سیب‌زمینی آن را به یکی از کالاهای همیشگی سبد مصرفی اقشار فقیر جامعه تبدیل کرده است. اکنون اما با افزایش قیمت این کالا، بسیاری از اقشار کم‌درآمد از خرید آن نیز درمانده‌اند.**

قیمت سیب‌زمینی با وجود صدور مجوز واردات همچنان کاهش پیدا نکرده و بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد دیگر توان خرید سیب‌زمینی را هم ندارند و برخی فروشگاه‌های آنلاین نیز اقدام به فروش قسطی این محصول کرده‌اند.

قیمت سیب‌زمینی در هفته‌های گذشته با افزایش چشمگیری روبرو شد و به کیلویی ۸۰ هزار تومان افزایش یافت. این در حالیست که در برخی محله‌ها سیب‌زمینی در حال حاضر با قیمت ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار تومان عرضه می‌شود پس از افزایش چشمگیر قیمت سیب‌زمینی در ماه گذشته وزارت جهاد کشاورزی مدعی شد که مجوز واردات این محصول را صادر کرده و قیمت‌ها به سرعت کاهش خواهد یافت قرار بود میادین میوه و تره‌بار سطح شهر با توزیع کافی و به‌موقع قیمت سیب‌زمینی را کاهش دهند اما این میادین با توزیع محدود و البته کم‌کیفیت سیب‌زمینی هم نتوانستند قیمت‌ها را در بازار کنترل کنند. در هفته‌های گذشته مقامات دولت از یکسو مردم را متهم کرده بودند که به علت هراس از کمیاب شدن سیب‌زمینی به مقادیر زیاد اقدام به خرید کرده‌اند و تقاضا را افزایش داده‌اند، و از سوی دیگر «احتکارکنندگان» که دقیقاً مشخص نبود چه کسانی هستند را عامل افزایش قیمت سیب‌زمینی عنوان کرده بودند.

محمد باقری شریانی معاون حوزه نظارت و بازرسی محصولات اساسی هفته گذشته اعلام کرده بود که علت اصلی افزایش قیمت سیب‌زمینی احتکار و سوداگری است و «بخشی از افزایش قیمت‌ها به بحث روانی در بازار، تحریم‌های ظالمانه و خرید مازاد خانوارها نیز برمی‌گردد.»

با اینهمه فعالان صنفی تأکید کرده بودند که اقدامات وزارت جهاد کشاورزی از جمله صدور مجوز صادرات با وجود نیاز داخلی و همچنین عدم ذخیره سیب‌زمینی برای فصل سرد سال عامل افزایش قیمت سیب‌زمینی بوده است. با همه بهانه‌تراشی‌ها و فرافکنی‌ها اما در نهایت غلامرضا نوری قزلقچه وزیر جهاد کشاورزی هفته سوم بهمن‌ماه امسال اعلام کرد سران قوا اجازه‌ای را به ستاد تنظیم بازار دادند که ما در مواقع استثنایی مانند مسئله سیب‌زمینی کنترل‌های لازم را انجام دادیم!

صدور مجوز از سوی شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا

بنگاه و اشتغال کارکنانش ندارد و عواقب سوء ناشی از این سهل‌انگاری متوجه اهالی صنعت و آحاد جامعه خواهد بود.»

جمهوری اسلامی حتی برآورد دقیقی از خسارت ناشی از قطع مکرر برق و گاز صنایع ندارد و آمارهای متناقضی در اینباره ارائه می‌شود که همگی با وجود تفاوت، بیانگر رقمی هنگفت هستند.

علیرضا عباسی نماینده کرج، فردیس و اشتهارد در مجلس شورای اسلامی خسارت قطع برق به صنعت کشور حداقل ۸ میلیارد دلار اعلام کرده اما علی محمودیان مدیر اتحادیه کشوری سوخت‌های جایگزین و خدمات وابسته، خسارات قطع برق به صنایع و واحدهای صنفی را تا کنون ۱۱ میلیارد دلار اعلام کرده است.

آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران خسارت بخش صنعت در اثر خاموشی‌های سال ۱۴۰۳ تاکنون را بیش از ۲۵۰ هزار میلیارد تومان بیان کرده است.

علی صادقی همدانی رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق اصفهان نیز گفته اگر مبنای محاسبه این خسارت را نرخ ارز مؤثر یعنی دلار ۶۵ هزار تومانی در نظر بگیریم، میزان خسارت ناشی از ناترازی برق صنایع کل کشور ۲۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

بر اساس گزارش سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی، عدم‌النتفع صنایع مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی ناشی از قطع برق در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که زیان صنایع از قطع برق نسبت به سال پیش ۵ برابر و در مقایسه با سال ۱۴۰۰، هشت برابر شده است.

طبق این گزارش کاهش ارزش تولیدات صنعتی ناشی از قطعی برق صنعت در ماه‌های گرم سال در سال ۱۴۰۰، ۴۰ هزار میلیارد تومان، در سال ۱۴۰۱، ۷۱ هزار میلیارد تومان و در سال ۱۴۰۲، ۱۸۳ هزار میلیارد تومان برآورد شده است که تقریباً هر سال بیش از دو برابر بوده است.

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی نیز به تازگی گزارشی منتشر کرده که نشان می‌دهد میزان کسری برق شهرک‌ها و نواحی صنعتی تا پایان خردادماه سال ۱۴۰۳ با بررسی مصرف برق در ۶ ماهه ابتدایی سال جاری معادل ۹۶۷۵ مگاوات برآورد شده است. طبق این گزارش بطور میانگین اعمال محدودیت‌های برق در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ افزایش قابل توجهی داشته و در مردادماه ۱۴۰۳ این اعمال محدودیت‌ها به حداکثر مقدار خود رسیده است.

در این گزارش چنین برآورد شده که با توجه به میانگین ۱۳۰۸ ساعت اعمال محدودیت در سال ۱۴۰۳، حدود ۲۲ درصد از کل زمان مصرفی صنایع از بین رفته است؛ درحالی‌که این مقدار در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۴ درصد بوده است و در شش ماه ابتدایی سال جاری میزان خسارت ناشی از عدم‌النتفع تولید واحدهای صنعتی به بیش از ۴۴ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

بر این اساس میزان برق تحویلی به صنایع در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال قبل ۴۰ درصد کاهش یافته است و این در حالی است که علاوه بر محدودیت‌های اعمال شده، اعمال این محدودیت‌ها در بسیاری از موارد مطابق با زمان‌بندی وزارت نیرو نبوده که این موضوع صنایع را با چالش‌هایی همچون کاهش تولید مواجه کرده است.

احمد مهدوی، دبیر کل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی، هفته گذشته اعلام کرد که قطع و محدودیت گاز در سال جاری بیش از ۱/۵ میلیارد دلار خسارت به این صنعت وارد کرده است.

کسری بودجه دولت و راه حل‌های تورم‌زا برای تأمین منابع

● دیوان محاسبات کل کشور در گزارشی کسری لایحه بودجه ۱۴۰۳ را در پایان سال جاری ۱۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است.

● بر اساس آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز منابع بودجه در چهار ماه ابتدایی سال، ۷۷ درصد تحقق یافته و کسری بودجه دولت در این مدت معادل ۱۹ هزار میلیارد تومان بود که نشان می‌دهد ۲۳ درصد از منابع تحقق نیافته است.

● دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی راهکارهایی را برای تأمین منابع مورد نیاز در پیش می‌گیرند که اگرچه رقم کسری بودجه را در پایان سال کاهش می‌دهد اما اثرات تورمی بر اقتصاد داشته و همچنین سبب افزایش بدهی دولت می‌شود.

● بدهی دولت به بانک‌های کشور با افزایش ۴۴/۳ درصدی نسبت به دی‌ماه سال قبل و ۳۱/۴ درصدی در مقایسه با ابتدای سال جاری، در پایان دی‌ماه ۱۴۰۳ به ۱۹۰۴ هزار میلیارد تومان رسید.

گزارش‌های نهادهای حکومتی از دیوان محاسبات کل کشور تا بانک مرکزی، با تأیید کسری بودجه و درآمدهای غیرواقعی در لایحه بودجه، نشان می‌دهد دولت برای جبران کسری بودجه اقداماتی انجام می‌دهد که به افزایش بدهی دولت و همچنین رشد تورم منجر می‌شود. دیوان محاسبات کل کشور در گزارشی کسری لایحه بودجه ۱۴۰۳ را در پایان سال جاری ۱۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است. بر اساس این گزارش، از ابتدای سال جاری تا پایان دی‌ماه مصارف نقدی دولت ۲۱۷۸ هزار میلیارد تومان بوده است و با توجه به آنکه کل منابع نقدی دولت در بازه زمانی مذکور ۲۰۷۸ هزار میلیارد تومان بود. دیوان محاسبات کل کشور با مقایسه این اعداد نتیجه‌گیری کرده که کسری بودجه دولت معادل ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است.

بر اساس گزارش دیوان محاسبات کل کشور، مبلغ ۶ هزار میلیارد تومان از این محل برای جبران کسری بودجه استفاده شده است. راهکار بعدی که پیش روی دولت وجود دارد جبران کسری بودجه با اخذ ۳۵ هزار میلیارد تومان از تنخواه گردان خزانه است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز پیشتر در گزارشی پیش‌بینی کرده بود با توجه به عملکرد چهارماهه ابتدایی سال ۱۴۰۳ و کسری بودجه تا پایان سال افزایش بیابد و رقم کسری بودجه را ۲۷۰ هزار میلیارد تومان ارزیابی کرده بود.

بر اساس آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز منابع بودجه در چهار ماه ابتدایی سال، ۷۷ درصد تحقق یافته و کسری بودجه دولت در این مدت معادل ۱۹ هزار میلیارد تومان بود که نشان می‌دهد ۲۳ درصد از منابع تحقق نیافته است.

اینهمه در حالیست که دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی راهکارهایی را برای تأمین منابع مورد نیاز در پیش می‌گیرند که اگرچه رقم کسری بودجه را در پایان سال کاهش می‌دهد اما اثرات تورمی بر اقتصاد داشته و همچنین سبب افزایش بدهی دولت می‌شود.

آمریکا مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و مدیران چند شرکت تابعه وزارت نفت را تحریم کرد



حمید بورورد مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران

مسئول حمل ده‌ها میلیون بشکه نفت خام به ارزش صدها میلیون دلار هستند.

حمید بورورد مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، عباس اسدروز مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی ایران، سیدعلی میری و غلامحسین گرامی مدیران پایانه نفتی جزیره خارگ و پایانه میعانات گازی پارس جنوبی و علی معلمی مدیر پایانه‌های دریای کاسپین (خزر/ مازندران) در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره این تحریم‌ها گفت: «ایران برای تسهیل فروش نفت و تأمین مالی فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده خود، به شبکه پنهانی از کشتی‌ها و دلالان متکی است... ایالات متحده از تمام ابزارهای موجود خود برای هدف قرار دادن تمام جنبه‌های زنجیره تأمین نفت ایران استفاده خواهد کرد و هرکسی که با جمهوری اسلامی معامله کند، خود را در معرض خطر تحریم‌های شدید قرار می‌دهد.»

وزارت خارجه آمریکا نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد این تحریم‌ها «یک گام ابتدایی» در جهت تحقق کارزار فشار حداکثری دونالد ترامپ علیه حکومت ایران است و هدف از آن، مختل کردن تلاش‌های جمهوری اسلامی برای جمع‌آوری درآمدهای نفتی به منظور تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی است.

وزارت خارجه آمریکا در بخشی از این بیانیه با تأکید بر تداوم اقدامات با هدف مختل کردن این جریان‌های مالی غیرقانونی برای تأمین فعالیت‌های بدخواهانه حکومت ایران می‌افزاید تا زمانی که جمهوری اسلامی از درآمدهای بخش انرژی خود برای تأمین مالی حملات به متحدان آمریکا، حمایت از تروریسم و پیگیری فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده استفاده کند، واشنگتن از تمام ابزارهایش برای پاسخگو کردن تهران بهره خواهد گرفت.

● دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC)، دوشنبه ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ (ششم اسفندماه) با انتشار بیانیه‌ای، ۲۲ شخص، سه نهاد و ۱۳ کشتی فعال در صنعت نفت و پتروشیمی جمهوری اسلامی را در چارچوب کارزار «فشار حداکثری» تحریم کرد.

● در میان کسانی که تحریم شده‌اند، دلالان نفت در امارات متحده عربی و هنگ کنگ، اپراتورها و مدیران نفتکش در هند و جمهوری خلق چین دیده می‌شوند

● حمید بورورد مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، عباس اسدروز مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی ایران، سیدعلی میری و غلامحسین گرامی مدیران پایانه نفتی جزیره خارگ و پایانه میعانات گازی پارس جنوبی و علی معلمی مدیر پایانه‌های دریای کاسپین (خزر/ مازندران) در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند.

دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC)، دوشنبه ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ (ششم اسفندماه) با انتشار بیانیه‌ای، ۲۲ شخص، سه نهاد و ۱۳ کشتی فعال در صنعت نفت و پتروشیمی جمهوری اسلامی را در چارچوب کارزار «فشار حداکثری» تحریم کرد.

در این بیانیه آمده این تحریم‌ها به دلیل نقش آنها در دلای برای فروش و حمل و نقل فرآورده‌های نفتی ایران اعمال می‌شود.

در میان کسانی که تحریم شده‌اند، دلالان نفت در امارات متحده عربی و هنگ کنگ، اپراتورها و مدیران نفتکش در هند و جمهوری خلق چین، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و شرکت پایانه‌های نفتی ایران دیده می‌شوند که فعالیت‌های آنها به تأمین مالی فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی کمک می‌کند. نفتکش‌های تحریم شده

وزیر خارجه اسرائیل: جمهوری اسلامی اورانیوم کافی برای ساخت «چند بمب هسته‌ای» در اختیار دارد



گیدئون ساعر وزیر خارجه اسرائیل / عکس: رویترز

متوقف کردن برنامه هسته‌ای آن با کمک ترامپ همزمان شده است. ترامپ نیز در هفته‌های نخست ریاست جمهوری خود نه تنها حمایتی قوی از اسرائیل نشان داده بلکه احتمال «پاکسازی» نوار غزه را نیز مطرح کرده است. ترامپ پیشتر گفته بود که ترجیح می‌دهد با جمهوری اسلامی به توافق برسد تا اینکه «آن را بمباران کند»؛ اما مشاور امنیت ملی او، مایک والتز، تأکید کرده که «همه گزینه‌ها» روی میز قرار دارد و واشنگتن چیزی کمتر از برچیدن کامل برنامه هسته‌ای تهران را نخواهد پذیرفت.

ارسال تسلیحات از جمهوری اسلامی به کرانه باختری

ساعر همچنین هشدار داد که جمهوری اسلامی در حال قاچاق تسلیحات به کرانه باختری از طریق مرز اردن است و هدف از این اقدام «شعله‌ور کردن» این مناطق است. این هشدار در حالی مطرح شده که اسرائیل در رأی‌گیری نمادین سازمان ملل درباره اوکراین، از رأی دادن علیه روسیه خودداری کرد و در کنار آمریکا، روسیه، بلاروس و کره شمالی رأی ممتنع داد. این در حالیست که اتحادیه اروپا، به رهبری ایرلند، اسپانیا و بلژیک، از عملیات نظامی اسرائیل در غزه به شدت انتقاد کرده‌اند و اختلافات دیپلماتیک بین اسرائیل و دوولین شدت گرفته است. با این حال، ساعر تأکید کرد که روابط اسرائیل و اتحادیه اروپا در حال بهبود است و از گفتگوی «سازنده» با کاپا کلاس دیپلمات ارشد اتحادیه اروپا استقبال کرد.

سفر مقام اتحادیه اروپا به اسرائیل

کلاس قرار است اواخر ماه مارس (اواسط فروردین) به اسرائیل سفر کند. همزمان اتحادیه اروپا به دنبال عادی ساختن روابط خود با سوریه پس از سقوط رژیم بشار اسد است. در همین ارتباط، ساعر هشدار داد که وضعیت امنیتی سوریه می‌تواند به سرعت به «شورش» و خشونت منجر شود. وی همچنین نسبت به سیاست‌های دولت جدید سوریه علیه علویان و اعدام‌های فرافقانونی ابراز نگرانی کرد.

● مقامات اسرائیل هشدار داده‌اند که ممکن است استفاده از «گزینه نظامی» جهت متوقف کردن برنامه جمهوری اسلامی برای ساخت سلاح هسته‌ای ضروری باشد. آنها برای کمک گرفتن از دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و افزایش فشار بر جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند.

● پایگاه خبری «پولیتیکو» ۲۶ فوریه (هشتم اسفندماه) به نقل از گیدئون ساعر وزیر خارجه اسرائیل می‌نویسد، ایران به اندازه کافی اورانیوم غنی شده برای ساخت «چند بمب» در اختیار دارد و در حال بررسی روش‌هایی برای ساخت سلاح اتمی است.

مقامات اسرائیل هشدار داده‌اند که ممکن است استفاده از «گزینه نظامی» جهت متوقف کردن برنامه جمهوری اسلامی برای ساخت سلاح هسته‌ای ضروری باشد. آنها برای کمک گرفتن از دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و افزایش فشار بر جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند.

پایگاه خبری «پولیتیکو» ۲۶ فوریه (هشتم اسفندماه) به نقل از گیدئون ساعر وزیر خارجه اسرائیل می‌نویسد، ایران به اندازه کافی اورانیوم غنی شده برای ساخت «چند بمب» را در اختیار دارد و در حال بررسی روش‌هایی برای ساخت سلاح اتمی است. ساعر تأکید کرد که اسرائیل هنوز به دنبال راه حل دیپلماتیک است، اما احتمال موفقیت این مسیر «زیاد نیست». او هشدار داد که عدم توقف برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی یک «فاجعه برای امنیت اسرائیل» خواهد بود.

وزیر خارجه اسرائیل تأکید کرد که برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای، «یک گزینه نظامی معتبر باید روی میز باشد» و گزینه به گفته وی، یک «رقابت تسلیحاتی هسته‌ای در خاورمیانه» آغاز خواهد شد که شامل مصر، عربستان سعودی و ترکیه نیز خواهد شد. اظهارات ساعر با سخنان بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل مبنی بر «تمام کردن کار» جمهوری اسلامی برای

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی با اشاره به رقم مورد ادعای دیوان محاسبات کل کشور درباره کسری بودجه دولت نوشته یکی از راه‌های دولت برای جبران کسری بودجه استفاده از ظرفیت منابع ماده ۱۲۵ قانون محاسبات عمومی است که این ماده قانونی به دولت اجازه می‌دهد در شرایط خاص از منابعی که از قبل برای موارد دیگری در نظر گرفته شده استفاده کند اما باید به محض اینکه صاحب آن حساب (سازمان مربوطه) درخواست کرد وجوه استفاده شده را پس بدهد. این گزارش با اشاره به ادعای دیوان محاسبات افزوده مبلغ ۶ هزار میلیارد تومان از این محل برای جبران کسری بودجه استفاده شده است. راهکار بعدی که پیش روی دولت وجود دارد جبران کسری بودجه با اخذ ۳۵ هزار میلیارد تومان از تنخواه گردان خزانه است. «هم‌میهن» نوشته «تنخواه گردان خزانه، نوعی وام کوتاه‌مدت است که دولت از بانک مرکزی می‌گیرد، این وام برای این است که دولت اگر در اول سال مالی، به پول نقد فوری نیاز داشت بتواند از آن استفاده کند. با این حال دولت موظف است تا پایان سال مالی این وام را به بانک مرکزی برگرداند.»

این گزارش افزوده «بر اساس آخرین آمار منتشر شده که مربوط به آذرماه سال جاری است، دولت ۷۱۵ هزار میلیارد تومان سپرده نزد بانک مرکزی دارد. به هر حال باید به این نکته توجه داشت که استفاده از این ابزارها باعث افزایش نقدینگی در بازار می‌شود و همچنین افزایش نقدینگی بدون افزایش معادل در عرضه کالا و خدمات نیز می‌تواند به افزایش تقاضای کل و در نهایت افزایش قیمت‌ها منجر شود.»

دولت همچنین با استقراض از بانک مرکزی و همچنین برداشت از صندوق توسعه ملی بخش دیگری از کسری بودجه را جبران کرده است.

بررسی آخرین گزارش کل‌های پولی کشور که از سوی بانک مرکزی منتشر شده حاکی از آن است که مجموع بدهی بخش دولتی (شامل دولت و شرکت‌های دولتی) به بانک مرکزی در پایان دی‌ماه امسال به ۶۲۷ هزار میلیارد تومان رسید که ۴۲۰ هزار میلیارد تومان از این مبلغ مربوط به بدهی مستقیم دولت و ۲۰۷ هزار میلیارد تومان، مربوط به شرکت‌ها و موسسات دولتی است.

بانک مرکزی در گزارش خود از متغیرهای پولی و اعتباری، وضعیت بدهی بخش دولتی به بانک‌های کشور را نیز بررسی کرده است. این رقم با افزایش ۴۴/۳ درصدی نسبت به دی‌ماه سال قبل و ۳۱/۴ درصدی در مقایسه با ابتدای سال جاری، در پایان دی‌ماه به ۱۹۰۴ هزار میلیارد تومان رسید. حال آنکه این ارقام رشد در دوره مشابه سال ۱۴۰۲ به ترتیب ۵۱ درصد و ۱۷/۶ درصد بودند.

گفتنی است از مجموع ۱۹۰۴ هزار میلیارد تومان بدهی بخش دولتی به بانک‌ها، ۱۶۱۸ هزار میلیارد تومان مربوط به بدهی دولت و ۲۸۶ هزار میلیارد تومان سهم شرکت‌های دولتی بوده است.

وبسایت «خبرآنلاین» نیز در گزارشی رقم کسری بودجه دولت، شامل کسری بودجه سال جاری و کسری بودجه بجامانده از سال پیشتر را رقمی معادل ۶۱۲ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است. در این گزارش آمده مجموع کسری بودجه زمینی که اقتصاد کشور به ۶۱۲ هزار میلیارد تومان رسیده که معادل ۳۳/۵ درصد کل عملکرد بودجه‌ای بوده است.

«خبر آنلاین» نوشته دولت سیزدهم در آخرین عملکرد مالی خورد، بودجه‌ای ارائه کرده که با وجود استقراض از بانکها، عدم تخصیص منابع برخی بخش‌ها (مخصوصا بودجه عمرانی) و استقراض از منابعی چون صندوق توسعه ملی یا انتشار گسترده اوراق قرضه، نزدیک یک چهارم منابع را نتوانست تأمین کند.

ترامپ، ایران و یکی دو ردیف صندلی جلو



قاب عکس رئیسی و امیرعبداللهیان در مراسم افتتاحیه مجلس شورای اسلامی / خرداد ۱۴۰۳

باشند. هنری کیسینجر نیز در دوران جنگ سرد هم با چین مذاکره کرد، هم با شوروی، تا منافع آمریکا را تأمین کند. ترامپ یک سیاستمدار عملگرا است. او معمولاً قبل از مذاکره، در کوتاه‌ترین زمان شرایط را بحرانی قلمداد می‌کند تا طرف مقابل احساس کند چاره‌ای جز مذاکره و معامله ندارد. چهل و پنجمین و چهل و هفتمین رئیس جمهور ایالات متحده هرچند با اصرار اعلام می‌کند که طالب جنگ نیست، و واقعا هم نیست، اما نشان داده است که از وقوع آن نیز هراسی ندارد.

بن‌بست مسیره‌های دیپلماتیک
محور اصلی کارزار فشار حداکثری به «صفر» رساندن فروش نفت ایران است. به این ترتیب ترامپ باید در نهایت جلوی تولید نفت در ایران یا انتقال آن توسط نفتکش‌ها را بگیرد که هر دو مستلزم استفاده از قوای نظامی است. گزینه‌های دیگر نیز محدود به خرابکاری در تأسیسات پالایشگاهی و حملات سایبری است و یا حمایت از مردم در مقاومت در برابر رژیم و اعتصابات سراسری.

هرچند جمهوری اسلامی به اندازه آمریکا ابزاری برای قدرت‌آفرینی و پیشبرد سیاست‌های خود ندارد اما تجربه نشان می‌دهد در سطحی محدودتر حتی اگر دستاورد ویژه‌ای نداشته باشد می‌تواند برای تلافی دست به اقداماتی بزند؛ مانند هدف قرار دادن کشتی‌های خارجی، توقیف آنها، مین‌پاشی در مسیر کشتی‌ها، گروگانگیری خدمه و شهروندان خارجی، مپ‌گذاری و پشتیبانی از عملیات تروریستی شهری علیه شهروندان بی‌دفاع. در داخل کشور نیز ماشین سرکوب علیه اعتراضات مردم که به علت فشارهای اقتصادی دست به تجمع و تظاهرات می‌زنند، آخرین راهکار نظام برای حفظ بقای خود است.

ترامپ یک رهبر فردمحور است. شاید اگر زلینسکی درخواست او را برای تحقیق و تفحص درباره فساد جو بایدن و خانواده‌اش در اوکراین می‌پذیرفت، امروز با این حجم فشار مواجه نمی‌شد. ضمن اینکه زلینسکی و کشورش هرگز نمی‌تواند تهدیدی برای منافع آمریکا و

باشد. هنری کیسینجر نیز در دوران جنگ سرد هم با چین مذاکره کرد، هم با شوروی، تا منافع آمریکا را تأمین کند. ترامپ یک سیاستمدار عملگرا است. او معمولاً قبل از مذاکره، در کوتاه‌ترین زمان شرایط را بحرانی قلمداد می‌کند تا طرف مقابل احساس کند چاره‌ای جز مذاکره و معامله ندارد. چهل و پنجمین و چهل و هفتمین رئیس جمهور ایالات متحده هرچند با اصرار اعلام می‌کند که طالب جنگ نیست، و واقعا هم نیست، اما نشان داده است که از وقوع آن نیز هراسی ندارد.

سیاست ترامپ در مورد جمهوری اسلامی و ایران از همین الگو پیروی می‌کند. تجربه دور اول ریاست جمهوری او از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ بیانگر اینست که وی با آغاز «کارزار فشار حداکثری» نه تنها شروط سختی را روی میز گذاشت بلکه هرچا جمهوری اسلامی در تنگنا واکنش گستاخانه نشان داد، او با مجازاتی سخت‌تر و جسورانه‌تر پاسخ داد. یکی از برجسته‌ترین این مجازات‌ها، کشتن قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس از فرماندهان حشدالشعبی در فرودگاه عراق است که در کابینه‌ی خودش نیز مخالفانی داشت. با اینهمه وی دستور کشتن فرمانده سپاه قدس را داد.

جمهوری اسلامی در دولت اول ترامپ از ظرفیت‌های بیشتری برای مذاکره و یک معامله برخوردار بود. آن زمان بحران‌های اقتصادی در ایران کمتر از امروز بود. در منطقه نیز حزب‌الله و حماس بازوهای اصلی «سپاه قدس» برای منافع آمریکا و متحدانش در منطقه تهدید به شمار می‌رفتند اما اکنون به شدت ضربه خورده‌اند. همچنین سوریه تحت حکومت بشار اسد نیز به عنوان اصلی‌ترین متحد علی‌خامنه‌ای خاکریز نظام بغل گوش اسرائیل بود که بخشی از «کمبرند امنیتی» جمهوری اسلامی محسوب می‌شد. اما رژیم او نیز فرو پاشید.

در این میان، اگرچه ترامپ می‌گوید معامله با جمهوری اسلامی را به «همباران» ترجیح می‌دهد اما شروط او آنقدر

● برای جمهوری اسلامی پذیرش شرایط ترامپ و درواقع «خلع سلاح» معنایی بجز نابودی ندارد. در این شرایط تا آخرین حد ممکن در مقابل تحریم‌ها مقاومت خواهد کرد، حتی اگر ماشین سرکوب را دوباره به خیابان‌ها برگرداند. «ماشین سرکوب» در حالی مهم‌ترین نقطه قوت جمهوری اسلامی در برابر مردم است که همزمان می‌تواند اساسی‌ترین نقطه ضعف آن نیز باشد. فرماندهانی که این ماشین را به حرکت درمی‌آورند و مدیران ارشدی که سوخت این ماشین را تأمین می‌کنند همان افرادی هستند که تروریسم را پیش می‌برند و منابع مالی آن را تأمین می‌کنند.

● به بیان روشن‌تر، «نهادهای سرکوب» و «نیروهای مسلح» جمهوری اسلامی به عنوان دشمنان ملت ایران و حامیان تروریسم و تهدیدکنندگان منافع آمریکا و «مدیران و دلالان اقتصادی» که در یکی دو ردیف صندلی جلوی قدرت و ساختار نظام نشسته‌اند، همان صندلی‌های تعیین‌کننده‌ای را اشغال کرده‌اند که اگر به سرعت خالی شوند، هم به ریزش سرکوبگران در ردیف‌های پشتی کمک می‌شود و هم ایستادگی مردم ایران را در مقابل جمهوری اسلامی تقویت می‌کند.

حامد محمدی- دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، در تلاش برای پایان دادن به جنگ در اوکراین، ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهور این کشور را زیر فشار قرار داد تا در ازای حمایت ایالات متحده، حق بهره‌برداری از منابع معدنی اوکراین را به آمریکا بدهد که جبران کمک‌های مالی و نظامی آمریکا به کی‌یف شود.

ترامپ همزمان با مذاکرات مستقیم با روسیه، با دور زدن اوکراین که در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ مورد تهاجم نظامی پوتین قرار گرفت، در فشار آوردن به زلینسکی تا جایی پیش رفت که او را «دیکتاتور بدون انتخابات» نامید. ولودیمیر زلینسکی در واکنش به این فشارها اعلام کرد که در صورت برقراری صلح در اوکراین حاضر است از مقام خود کنار برود. در نهایت نیز مجبور به پذیرش توافق بر سر بهره‌برداری آمریکا از معادن اوکراین شد.

ترامپ می‌داند چطور از اهرم قدرت برای چانه‌زنی و کسب سود برای آمریکا استفاده کند، حتی اگر خودش طرف جنگ نباشد. کاری که فرانکلین روزولت، هری ترومن و رونالد ریگان هم خوب بلد بودند. آنها هیچ‌کدام آغازگر جنگ نبودند اما «از جنگ دیگران» برای منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا استفاده کردند.

ترامپ و اهرم زور

برای ترامپ استفاده از اهرم زور در کنار سیاست خارجی ابزاری برای کسب منافع اقتصادی است. او می‌خواهد آمریکا برای مردم کشورش یک کمپانی سودآور باشد و در جهان رهبران و کسانی را متحد واقعی خود می‌داند که در این مسیر با او همراه باشند. او همچنین معتقد است آمریکا سفره رایگان نیست که برای همه دنیا بلذ و بخشش کند. با این مدل فکری، «چانه‌زنی برای بهترین معامله» در اولویت اوست. بنابراین همزمان هم از اوکراین امتیاز می‌گیرد و هم با روسیه مذاکره می‌کند.

کمتر کشوری در دنیا هست که مقامات آن از چنین موقعیت منحصر به فردی برای چنین معامله‌هایی برخوردار

حکومت؟ تعطیل!



متحدانش باشد؛ بنابراین ترامپ با خیال راحت آنچه را بخواهد به او دیکته می‌کند. در مورد علی خامنه‌ای اما اینطور نیست.

ترامپ تا کنون در چند نوبت به رهبران جمهوری اسلامی به دلیل نقض حقوق بشر، سرکوب آزادی‌های فردی و اجتماعی و حمایت از تروریسم حملات لفظی و حتا تهدید به بمباران کرده اما هرگز رهبر جمهوری اسلامی را مستقیم خطاب قرار نداده است. مخاطب قرار ندادن خامنه‌ای توسط او به عنوان یک رهبر «فردگرا» معنی‌دار است. می‌توان فرض کرد که ترامپ پیش‌بینی می‌کند که خامنه‌ای به عنوان یک «رهبر مذهبی» پیروان و مریدانی دارد که می‌توانند به منافع آمریکا در منطقه ضربه بزنند؛ پس در مواضع خود محتاط است؛ اما در نقض این فرضیه باید این را هم گفت که محبوبیت قاسم سلیمانی به عنوان «فرمانده نظامی و عقیدتی» و جایگاه او در بین شبه‌نظامیان نه تنها کمتر از خامنه‌ای نبود بلکه چه بسا بیشتر از او هم بود! اما ترامپ در صدور فرمان کشتن او تردید نکرد.

به هر حال باید اذعان داشت که تا تحریم‌ها و فشار شدید اقتصادی باعث اعتراضات گسترده اجتماعی نشود، سیاست دولت کنونی آمریکا نمی‌تواند بطور مستقیم جمهوری اسلامی را وادار به مذاکره و معامله کند. چون اساساً تحریم‌ها زندگی مقامات جمهوری اسلامی و خانواده‌های آنها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؛ مگر اینکه موجودیت نظام به دلیل اعتراضات گسترده مردم تهدید شود. تحریم‌ها نیز اگرچه حکومت را تضعیف می‌کند اما باعث سرنگونی آن نخواهد شد مگر اینکه با مداخله خارجی یا اعتراضات داخلی تکمیل شود.

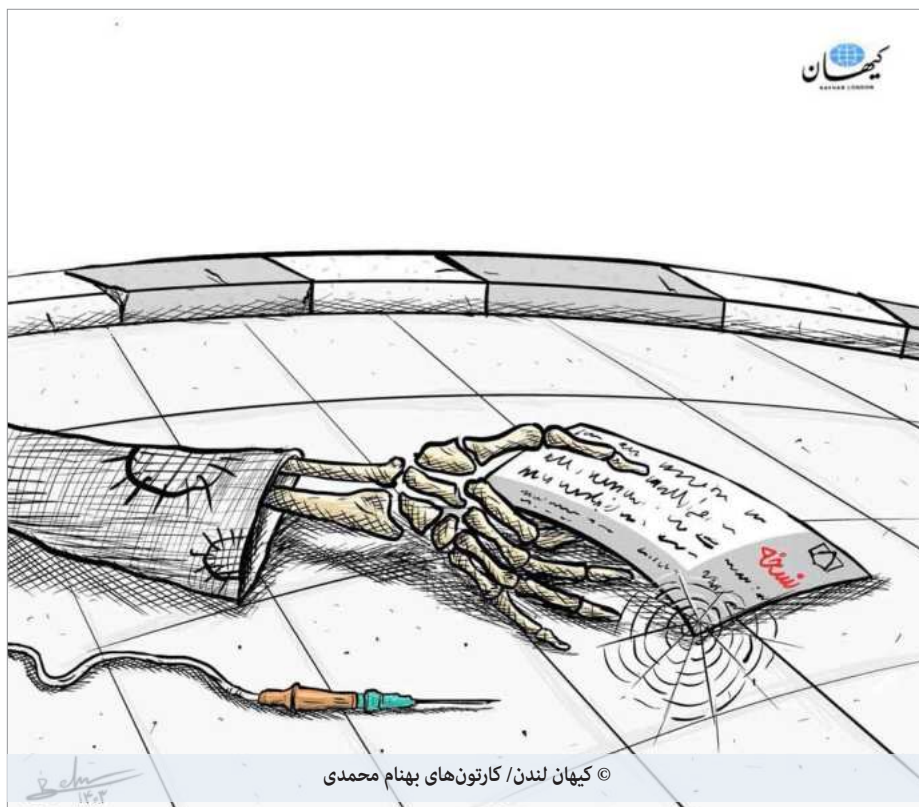
برخی این موضوع را مطرح می‌کنند که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که ناشی از بحران‌های اقتصادی بود، می‌تواند یکی از سناریوهایی باشد که در مورد جمهوری اسلامی نیز روی خواهد داد. اما به نظر می‌رسد این سناریو اتفاقاً مطلوب جریان اصلاح‌طلب جمهوری اسلامی است که عین اتحاد شوروی، قدرت در آن بین خودی‌ها همراه با برخی گشایش‌های اجتماعی و اقتصادی دست به دست می‌شود بدون آنکه به دموکراسی بیانجامد.

صندلی‌های ردیف جلو

برای جمهوری اسلامی پذیرش شرایط ترامپ و درواقع «خلع سلاح» معنایی بجز نابودی ندارد. در این شرایط تا آخرین حد ممکن در مقابل تحریم‌ها مقاومت خواهد کرد، حتا اگر ماشین سرکوب را دوباره به خیابان‌ها برگرداند. «ماشین سرکوب» در حالی مهم‌ترین نقطه قوت جمهوری اسلامی در برابر مردم است که همزمان می‌تواند اساسی‌ترین نقطه ضعف آن نیز باشد. فرماندهانی که این ماشین را به حرکت درمی‌آورند و مدیران ارشدی که سوخت این ماشین را تأمین می‌کنند همان افرادی هستند که تروریسم را پیش می‌برند و منابع مالی آن را تأمین می‌کنند.

به بیان روشن‌تر، «نهادهای سرکوب» و «نیروهای مسلح» جمهوری اسلامی به عنوان دشمنان ملت ایران و حامیان تروریسم و تهدیدکنندگان منافع آمریکا و «مدیران و دلالان اقتصادی» که در یکی دو ردیف صندلی جلوی قدرت و ساختار نظام نشسته‌اند، همان صندلی‌های تعیین‌کننده‌ای را اشغال کرده‌اند که اگر به سرعت خالی شوند، هم به ریزش سرکوبگران در ردیف‌های پشتی کمک می‌شود و هم ایستادگی مردم ایران را در مقابل جمهوری اسلامی تقویت می‌کند.

درمان و دارو با قیمت‌های مرگبار!



پشتیبانی رسانه جهانی «بی‌بی‌سی» از طالبان



رهبران گروه تروریستی طالبان در فرودگاه کابل

متحدۀ تأمین مالی می‌شود، یکی از مهم‌ترین منابع مالی BBC Media Action بود و هزینه برنامه‌های آموزشی آن را برای آموزش روزنامه‌نگاران افغان تأمین می‌کرد. اما پس از دستور مستقیم دونالد ترامپ و دخالت ایلان ماسک، این کمک‌ها در حال حاضر متوقف شده است.

«بی‌بی‌سی» تنها رسانه رادیویی خارجی است که همچنان در افغانستان فعالیت می‌کند.

افزون بر افراط‌گرایی روشن و آشکار، سراج‌الدین حقانی رهبر پیشین شبکه‌ای موسوم به «شبکه‌ی حقانی» نیز بوده است. گروهی که مسئول آدم‌ربایی شهروندان بریتانیایی و اجرای مپ‌گذاری‌های انتحاری مرگبار است.

از آنجا که حقانی همچنان در فهرست تحریم‌های بریتانیا قرار دارد، بر اساس قوانین این کشور، هرگونه معامله مالی با او جرم محسوب می‌شود. در کنار او، قاری محمد یوسف احمدی، رئیس رادیو و تلویزیون دولتی افغانستان (RTA) نیز به دلیل نگارش مقالات و ستودن حملات علیه نیروهای غربی در این فهرست قرار دارد.

پاسخ «بی‌بی‌سی» به این اتهامات

در پاسخ به پرسش درباره این ارتباطات، «بی‌بی‌سی» تأکید کرده: «این سازمان اطمینان دارد تعاملات مالی آن با احمدی و حقانی ناقض قوانین بریتانیا نیست.» این رسانه به «رهنمودهای وزارت امور خارجه و توسعه‌ی بریتانیا» (FCDO) استناد کرده و اعلام داشته که «یک نهاد عمومی که فردی تحت تحریم در رأس آن قرار دارد، بطور خودکار مشمول تحریم‌ها نمی‌شود.»

از سوی دیگر، BBC Media Action نیز هرگونه «نقض قوانین تحریم» را رد کرده و تأکید نموده که: «هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد ما به افراد یا نهادهای تحت تحریم، سود یا منفعتی رسانده‌ایم. و وزارت امور خارجه بریتانیا بطور کامل در جریان تمامی فعالیت‌های ما قرار دارد.»

با این حال، این پاسخ‌ها نیز پرسش‌های جدی تازه‌ای درباره روابط مالی «بی‌بی‌سی» در افغانستان ←

و می‌تواند روی «همکاری» طالبان حساب کند. در این بیانیه همچنین آمده است، در حالی که دیگر رسانه‌ها بطور خصمانه درباره مسائل «داخلی» افغانستان گزارش داده‌اند، اما «بی‌بی‌سی» در این زمینه «بی‌طرف» باقی مانده است!

چگونه می‌توان این رابطه آشکار میان «بی‌بی‌سی» و طالبان را توضیح داد؟ ارتباط مالی «بی‌بی‌سی» و طالبان؛ همکاری یا تأمین مالی غیرمستقیم؟

یک پاسخ محتمل است و آن، «انگیزه مالی» است. با اینکه «بی‌بی‌سی» از افشای رقم دقیق پرداختی‌های خود به طالبان خودداری می‌کند، اما گزارش‌ها نشان می‌دهد که این رسانه مبالغ هنگفتی را به رادیو تلویزیون دولتی افغانستان (RTA) که اکنون به عنوان ابزار تبلیغاتی طالبان عمل می‌کند، پرداخت کرده است.

سخنگوی «بی‌بی‌سی» تأیید کرده که این مبالغ شامل «هزینه استفاده از فرستنده‌ها، تأمین برق و نگهداری تجهیزات» است. اما نکته‌ی مهم‌تر، «پرداخت هزینه» برای «امنیت» است؛ خدماتی که بنا به گفته‌ی منابع آگاه در «بی‌بی‌سی افغانستان»، توسط «نیروهای طالبان تحت هدایت سراج‌الدین حقانی از دفترش در کابل، ارائه می‌شود.»

«بی‌بی‌سی» نه تنها از طریق رسانه‌ی رسمی خود، بلکه از طریق بازوی خیریه‌اش BBC Media Action نیز به صورت مستقیم با طالبان در ارتباط مالی است. یک «تفاهم‌نامه همکاری» میان BBC Media Action و RTA که در اختیار نویسندگان این گزارش قرار گرفته، نشان می‌دهد که این سازمان برای «اجرای پروژه‌های آموزش سلامت، مبلغ ۱/۹ میلیون دلار» در اختیار نهاد رسانه‌ای تحت کنترل طالبان قرار داده است.

نکته نگران‌کننده‌تر اینکه BBC Media Action تأیید کرده است که هم «هزینه‌های مطالبه‌شده از سوی طالبان را پرداخته و هم مالیات بر حقوق کارکنان خود را به این گروه پرداخت کرده است.» پولی که مستقیماً وارد خزانه طالبان می‌شود تا اوایل فوریه ۲۰۲۴، USAID که از سوی دولت ایالات

● طالبان و «بی‌بی‌سی» دارای رابطه‌ای غیرمعمول در سایه سرکوب رسانه‌ها هستند.

● پول مالیات دهندگان آمریکا و بریتانیا به جیب طالبان سرازیر می‌شود.

● در اول دسامبر ۲۰۲۲، طالبان با صدور حکمی، فعالیت دو رادیوی رقیب «بی‌بی‌سی»، یعنی صدای آمریکا و رادیو اروپای آزاد (رادیو آزادی) را متوقف کرد. به گفته سخنگوی طالبان، این رسانه‌ها به دلیل «عدم رعایت اصول خبرنگاری و انتشار گزارش‌های یکجانبه» مسدود شدند. اما در کمال شگفتی، این گروه بریتانیایی را که از افغانستان به زبان‌های دری و پشتو برنامه پخش می‌کند و نسخه‌های محلی و بسایت خبری خود را نیز اداره می‌کند، مورد لطف قرار داده است.

یک رسانه مستقر در بریتانیا گزارش می‌دهد که «پول مالیات‌دهندگان بریتانیایی و آمریکایی از طریق هزینه‌های مجوز رسانه‌ای، کمک‌های وزارت امور خارجه و توسعه بریتانیا (FCDO) و بودجه‌های اختصاص‌یافته از سوی آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) به احتمال زیاد به مقامات طالبان، از جمله افرادی که در فهرست بین‌المللی تروریسم قرار دارند، رسیده است.»

و چه کسی این مبالغ را پرداخت کرده است؟ «بی‌بی‌سی!» «طالبان» واژه‌ای مترادف با بنیادگرایی دینی است و این امر از زمانی که این گروه در اوت ۲۰۲۱ بار دیگر وارد کابل شد، به روشنی آشکار و نمایان گردیده است. در میان اجرای مجازات‌های علنی و سیاست‌های سختگیرانه علیه دختران و بانوان، جنگی فزاینده علیه آزادی بیان نیز در جریان است. از زمان بازگشت طالبان به قدرت، رسانه‌ها سانسور شده و به ویژه ایستگاه‌های رادیویی، به تعطیلی کشانده شده‌اند. با این حال، در میان این سرکوب، یک رسانه خارجی همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد: بی‌بی‌سی.

در اول دسامبر ۲۰۲۲، طالبان با صدور حکمی، فعالیت دو رادیوی رقیب «بی‌بی‌سی»، یعنی صدای آمریکا و رادیو اروپای آزاد (رادیو آزادی) را متوقف کرد. به گفته سخنگوی طالبان، این رسانه‌ها به دلیل «عدم رعایت اصول خبرنگاری و انتشار گزارش‌های یکجانبه» مسدود شدند. اما در کمال شگفتی، این گروه بریتانیایی را که از افغانستان به زبان‌های دری و پشتو برنامه پخش می‌کند و نسخه‌های محلی و بسایت خبری خود را نیز اداره می‌کند، مورد لطف قرار داده است. با اینکه «بی‌بی‌سی» از جایگاه ویژه خود در افغانستان بهره می‌برد، اما آیا استقلال گردانندگان آن همچنان حفظ شده است؟ تحقیقات UnHerd نشان می‌دهد که بودجه‌های این رسانه بین‌المللی از طریق سازمان‌هایی که توسط افراط‌گرایان مستقر در هسته مرکزی حکومت اداره می‌شوند، بارها به خزانه طالبان راه یافته است. مسئله نگران‌کننده‌تر آن است که این روابط، ظاهراً بر نحوه پوشش خبری این رسانه در افغانستان تأثیر گذاشته‌اند.

شاید تصادفی نباشد که تنها دو هفته پیش از ممنوعیت فعالیت رقیب «بی‌بی‌سی»، جکی مارتینز رئیس دفتر آسیای جنوبی این رسانه، با سراج‌الدین حقانی معاون رهبر طالبان و وزیر کشور افغانستان دیدار کرده است. این جهادی که در دو سوی اقیانوس اطلس به جرم تروریسم تحت تعقیب قرار دارد، ظاهراً از این دیدار خوشنود بوده است.

طبق بیانیه‌ای که از سوی وزارت کشور طالبان منتشر شد، «بی‌بی‌سی» یک «رسانه مهم در سطح بین‌المللی» است

در یکی از صفحات اینستاگرام «بی‌بی‌سی» بازنشر شده بود. موضوعی که همدانی هیچ مسئولیتی در قبال آن نداشت. با همه اینها، «بی‌بی‌سی» همچنان از فعالیت‌های خود در افغانستان دفاع کرده است. این نهاد رسانه‌ای مدعی است که «تنها سازمان خبری بین‌المللی است که هنوز در این کشور به پخش برنامه ادامه می‌دهد» و به این امر افتخار می‌کند.

«مدیا اکشن» نیز از اقدامات خود دفاع کرده و تأکید دارد که «نقشی حیاتی در حمایت از خبرنگاران محلی برای ارائه اطلاعات نجات‌بخش در موضوعاتی از جمله بهداشت، تغذیه و امنیت غذایی» ایفا می‌کند.

این نهاد همچنین تأکید کرده: «به همکاری خود با ایستگاه‌های رادیویی محلی برای حمایت از معدود بانوان روزنامه‌نگاری که هنوز در رادیوی این کشور فعالیت دارند، افتخار می‌کند.»

شاید روشن‌ترین گواه بر روابط میان «بی‌بی‌سی» و طالبان را بتوان در اظهارات رسمی خود این گروه یافت. سخنگوی دولت طالبان می‌گوید: «بی‌بی‌سی منبع خبری معتبر برای افغانستان است. این رسانه همکاری سازنده‌ای با امارت اسلامی دارد.»

چنین ستایش و تمجیدی از سوی حکومتی که آزادی مطبوعات را سرکوب کرده و مخالفان خود را به شدت مجازات می‌کند، پرسشی اساسی را مطرح می‌سازد: آیا این سازمان برای حفظ جایگاه خود در افغانستان، بهای سنگینی پرداخته؟ در این مسیر، چطور می‌تواند پرچم اصول خبرنگاری بی‌طرفانه را افراشته نگاه دارد؟ یا آنکه این اصول را قربانی کرده است؟

*منبع: UnHerd

نویسندگان: دیوید رُز و علی همدانی

ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

علی همدانی گزارشگر باتجربه «بی‌بی‌سی» که خود همجنس‌گراست از جمله روزنامه‌نگاران است که در مورد نقض حقوق همجنس‌گرایان در افغانستان گزارش‌های مفصلی تهیه کرده است.

در اکتبر ۲۰۲۲، یک ماه پیش از ملاقات مارتینز با حقانی وزیر کشور طالبان، او خبر قتل یک دانشجوی افغان همجنس‌گرا را پوشش داد.

دستگاه‌های وابسته به طالبان حامد صبور را در یک پایگاه بازرسی در کابل بازداشت و بعد از شکنجه‌های شدید او را به قتل رساندند. قاتلان ویدیویی از لحظه اعدام وی ضبط و آن را به خانواده‌اش ارسال کردند پیش از انتشار گزارش، همدانی با خانواده و دوستان صوری مصاحبه کرد، اما با اینکه همه مستندات به دقت جمع‌آوری شده بود پس از طرح شکایت طالبان، وی مورد تحقیقات داخلی قرار گرفت که حدود یک سال به طول انجامید. از او خواسته شد صحت گزارش خود را اثبات کند و تصویری از پیکر قربانی ارائه دهد. در نهایت، وی پس از ۱۱ ماه تهرئه گردید.

با این حال، به نظر می‌رسد که همه در «بی‌بی‌سی» از جزئیات آگاه نبودند، زیرا هنگامی که نویسندگان این گزارش هفته گذشته دلیل تحقیق درباره همدانی را جویا شدند، سخنگوی این رسانه اظهار داشت که گزارش وی «حاوی تصویر فردی زنده بوده که حامد صوری نبوده است. بنابراین، این گزارش با دستورالعمل‌های ویرایشی بی‌بی‌سی مطابقت نداشت.»

اما «این ادعا به کلی نادرست است» زیرا گزارش همدانی که برای تلویزیون و رادیو تهیه شده بود، به وضوح هیچ تصویری از قربانی را نشان نمی‌دهد. در این ارتباط عکس نادرستی در روزنامه «گاردین» منتشر شده بود، که این روزنامه بعدها اشتباه خود را پذیرفت. این عکس همچنین

پایمدهای آن در حمایت غیرمستقیم از طالبان و رهبران تحریم‌شده‌ی این گروه ایجاد کرده است.

یک کارشناس تحریم‌ها مستقر در لندن که با نویسندگان این گزارش گفتگو کرده است، چندان به ادعاهای «بی‌بی‌سی» اطمینان ندارد. به گفته‌ی او، «در صورتی که مشخص شود سراج‌الدین حقانی یا قاری محمد یوسف احمدی کنترل گسترده‌ای بر نهادهایی که با این رسانه یا بازوی خبری آن همکاری دارند، اعمال می‌کنند و از منابع مالی آن بهره‌ی مستقیم می‌برند، خطر نقض تحریم‌ها بسیار جدی خواهد بود.» با توجه به برنامه‌های «بی‌بی‌سی»، ممکن است چنین به نظر برسد که این رسانه برای حفظ جایگاه خود در افغانستان بهایی سنگین پرداخته است. برای مثال، دیگر خبری از پخش موسیقی غربی در برنامه‌های آن نیست. همچنین، آهنگ‌های محبوب ستاره‌های موسیقی این کشور که زمانی بخش اصلی برنامه‌های این رادیو را در افغانستان تشکیل می‌دادند، اکنون از جدول پخش حذف شده چرا که طالبان این نوع موسیقی را «غیراسلامی» اعلام و آن را ممنوع کرده است.

در پاسخ به این تغییرات، «بی‌بی‌سی» گفته است که به تازگی بخشی از یک آهنگ متعلق به یک خواننده زن افغان را در یک گزارش خبری به کار برده و گهگاه موسیقی «سنتی» افغانستان را نیز پخش می‌کند.

با این حال، این تغییرات گواهی است بر میزان نفوذ و فشار طالبان بر رسانه «بی‌بی‌سی» که به عنوان تنها رادیوی خارجی فعال در افغانستان باقی مانده است.

گزارش‌های ضد طالبان که در بخش‌های دیگر «بی‌بی‌سی» منتشر می‌شوند، اغلب در سرویس افغانستان این رسانه دیده نمی‌شوند و گاهی اصلاً پخش نمی‌شوند. یکی از نمونه‌های بارز این روند، گزارشی تلویزیونی درباره‌ی «فروپاشی آموزش زنان در حکومت اسلام‌گرایان» است. این گزارش، آخرین مدارس دخترانه فعال در افغانستان را به تصویر می‌کشد؛ دانش‌آموزانی با برقع‌هایی بلند که قرآن را از حفظ می‌خوانند. این تصاویر در تضادی آشکار با مدارس پررونق پیش از سال ۲۰۲۱ قرار دارند، مدرسی که در آن دختران بر اساس یک برنامه آموزشی سکولار تحصیل می‌کردند.

با این حال «بی‌بی‌سی» در نهایت تصمیم گرفت این گزارش را پخش نکند. اعضای تیمی که روی آن کار کرده بودند، از سوی سردبیران خود مطلع شدند که این گزارش «بیش از حد حساس» است و اجازه‌ی انتشار ندارد.

خشم و ناامیدی در میان کارکنان زن «بی‌بی‌سی»

چنین مباحث‌هایی با طالبان به ویژه برای کارکنان زن این رسانه ناامیدکننده است. یکی از روزنامه‌نگاران «بی‌بی‌سی» افغانستان که به دلیل مسائل امنیتی نخواست نامش فاش شود، گفته: «متقاعد کردن سردبیران برای پوشش موضوعات مربوط به حقوق زنان و آزادی بیان بسیار دشوار است.» او ادامه داد: «مردم با ما تماس می‌گیرند و خواهش می‌کنند که موسیقی بیشتری پخش کنیم، اما ما این کار را نمی‌کنیم. چون اگر چنین کنیم، ممکن است فعالیت ما در داخل افغانستان تعطیل شود.»

حذف تدریجی زنان کاملاً مشهود است. تا پیش از این، چندین بانوی گوینده در ایستگاه رادیویی «بی‌بی‌سی» به زبان فارسی (دوری) برنامه اجرا می‌کردند؛ اما اکنون تنها یک زن باقی مانده است. در فرستاده‌ی به زبان «پشتو» نیز اصلاً هیچ گوینده زن حضور ندارد.

این روزنامه‌نگار افزوده: «شکایت‌های طالبان گاه منجر به تحقیقات داخلی درباره کارکنان «بی‌بی‌سی» شده است. اتفاقی که علی همدانی یکی از نویسندگان این گزارش، شخصاً آن را تجربه کرده است.

دشمنان پهلوی چقدر مردم را فقیر کردند؟



میزان منابع طبیعی ایران مقداری کمتر از رقم ۲/۳۳ تریلیون دلاری ارزش خالص منابع طبیعی کانادا است. اما هرچقدر آمار منابع ثروت ایران بالا هستند، آمار کیفیت زندگی و درآمد خانوارهای ایرانی در رتبه جهانی نسبت به منابع ارزشمندی که دارند هولناک است و حکایت از فقر و تنگدستی ملتی دارد که مالک پنجمین کشور ثروتمند جهان هستند

آمارها نشان می‌دهند ایران کشوری با منابع طبیعی فراوان، پنجمین کشور ثروتمند جهان در لیست کشورهای دارنده بیشترین منابع طبیعی است. ارزش خالص منابع طبیعی ایران ۲/۳۷ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود که بالاتر از ارزش خالص منابع طبیعی چین با ۲۳ تریلیون دلار، برزیل با ۸/۲۱ تریلیون دلار و استرالیا با ۹/۱۹ تریلیون دلار است.

خبرهای ناامیدکننده درباره رقم حداقل دستمزد در سال آینده

● گزارش‌ها از آخرین نشست کمیته دستمزد شورای عالی کار حاکی از آنست که حداقل دستمزد کارگران با افزایش ۳۰ درصدی به ۱۱ میلیون و ۴۴۳ هزار تومان خواهد رسید.

● یکی از گزینه‌های مطرح شده در کمیته دستمزد افزایش دستمزد کارگران بر اساس فرمول حقوق کارمندان دولت بود که در نهایت به تصویب رسید. در حالی که نمایندگان کارگران بر لزوم توجه به نرخ تورم و سبب معیشت تأکید دارند.

جلسات کمیته دستمزد در شورای عالی کار برای تعیین رقم حداقل دستمزد سال آینده همچنان در جریان است. برخی رسانه‌ها به گمانه‌زنی درباره رقم نهایی حداقل دستمزد پرداخته و گزارش‌ها از آخرین نشست کمیته دستمزد نیز حاکی از نظر دولت بر افزایش حدود ۳۰ درصدی رقم حداقل دستمزد نسبت به امسال است.

گزارش‌ها از آخرین نشست کمیته دستمزد شورای عالی کار حاکی از آنست که حداقل دستمزد کارگران با افزایش ۳۰ درصدی به ۱۱ میلیون و ۴۴۳ هزار تومان خواهد رسید. وبسایت «شرق» گزارش داده یکی از گزینه‌های مطرح شده در این جلسه، افزایش دستمزد کارگران بر اساس فرمول حقوق کارمندان دولت بود که در نهایت به تصویب رسید. در حالی که نمایندگان کارگران بر لزوم توجه به نرخ تورم و سبب معیشت تأکید دارند.

بر اساس این طرح، اگر دستمزد کارگران مطابق با حقوق کارمندان دولت افزایش یابد، حداقل دستمزد در سال جدید به رقم ۱۱ میلیون و ۴۴۳ هزار تومان خواهد رسید؛ بطوری که برای کسانی که در سال ۱۴۰۳ از مبلغ حداقلی ۸ میلیون و ۸۰۳ هزار تومان بهره‌مند بودند، افزایش حدود ۳۰ درصدی در نظر گرفته شده است. در سایر سطوح نیز افزایش دستمزد حدود ۲۰ درصدی مدنظر قرار گرفت.

از سوی دیگر، نمایندگان کارگری معتقدند که تعیین دستمزد باید بر اساس سبب معیشت باشد؛ به این معنا که هزینه‌های واقعی زندگی و سبب کالاهای اساسی مورد نیاز خانواده‌های کارگری، از جمله برنج، گوشت، مسکن، حمل و نقل و پوشاک، باید ملاک اصلی تعیین حقوق باشد. طبق اعلام نمایندگان کارگری، رقم سبب معیشت ماهانه به ۲۳ میلیون و ۴۴۱ هزار تومان رسیده است؛ اما لازم به ذکر است که این عدد بدون احتساب تورم بهمن اعلام شده و ممکن است با افزایش ۳.۵ درصدی نرخ تورم در ماه جاری تحت تأثیر قرار گیرد. روزنامه «فرهیختگان» هم با بررسی داده‌های بیست سال گذشته پیش‌بینی کرده که حداقل دستمزد سال آتی برای یک خانواده ۴ نفره بین ۱۶ تا ۱۷ میلیون تومان تعیین شود. بر اساس گزارش فرهیختگان از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ نسبت حداقل دستمزد یک کارگر با ۲ فرزند به هزینه سبب معیشت تعیین شده از سوی کمیته دستمزد، بطور میانگین ۵۲ درصد بوده است. به عبارتی، هر ساله رقمی که به عنوان دستمزد ماهانه یک کارگر با دو فرزند تعیین شده، حدود ۵۲ درصد از هزینه سبب معیشت کارگران را پوشش می‌دهد.

از سال ۱۳۹۹ به بعد با تورم‌های بالایی که در کشور رخ داده بود و با ورود کرونا به کشور، نسبت رقم دستمزد به هزینه سبب معیشت تغییر قابل توجهی کرد، بطوری که در سال ۱۳۹۹ این مقدار به ۵۹ درصد، در سال ۱۴۰۰ به ۶۱ درصد و در سال‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ این میزان به ترتیب به ۶۲، ۷۵ و ۷۳ درصد رسید.



مشخص نیست کارگران با درآمدهایی زیر این رقم چطور قرار است هزینه‌های زندگی خود را پوشش دهند؟

در همین رابطه سمیه گلپور رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران نیز به تازگی اعلام کرده که اگر دستمزد کارگری ۲۰۰ درصد نیز افزایش پیدا کند باز هم کارگر با پایه حدود ۷ میلیون زیر خط فقر است. این فعال کارگری افزوده «در سفره معیشتی باید برنج، گوشت، لبنیات، حبوبات و... به صورتی تأمین شود که خانوارهای کارگری متضرر افزایش تورم نشوند. وزیر کار می‌گوید در حال تلاش برای تأمین مالی و پرداخت کالابری الکترونیکی هستیم در حالی که در بودجه ۱۴۰۳ این منابع دیده شده و کالابری الکترونیکی مصوبه ای بود که نباید قطع می‌شد.»

سمیه گلپور نیز مانند بسیاری از فعالان کارگری به ترکیب شورای عالی کار اعتراض و آن را «ناعدالانه» خوانده است. او گفته «برخی نمایندگان جامعه کارگری فقط اجازه حضور دارند و در تصمیم‌گیری به لحاظ قانونی، حق رأی ندارند. بنابراین، درخواست داده‌ایم که ماده ۱۶۷ قانون کار اصلاح شود و ترکیب این شورا مورد بازنگری قرار گیرد.»

فعالان حقوق بازنشستگان نیز به درآمدهای ناچیز این قشر اعتراض و خواستار تعیین رقم عادلانه‌ای برای حداقل دستمزد هستند.

در همین رابطه علی دهقان کیا رئیس کانون کارگران بازنشسته تهران گفته «۷۰ درصد از بازنشستگان حداقل بگیر هستند و حقوق ۸ و ۹ میلیون تومانی نمی‌تواند سبب معیشت ۳۰ میلیونی را تأمین کند.»

این فعال حقوق بازنشستگان با تأکید بر این که کف افزایش دستمزد باید بر اساس نرخ تورم باشد، خواستار جبران قسمتی از عقب‌افتادگی مزدی در سال‌های گذشته نیز شده است. اینهمه در حالیست که چشم‌انداز اقتصاد ایران نشان از تداوم روند افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی دارد. رزیا برخی تحلیلگران اقتصادی معتقدند با ادامه شرایط کنونی، قیمت دلار به بیش از ۱۲۰ هزار تومان و تورم به مرز ۵۰ درصد خواهد رسید. تنها راه خروج از این شرایط برای جمهوری اسلامی نیز توافق با دولت دونالد ترامپ و لغو تحریم‌ها ارزیابی می‌شود.

«فرهیختگان» تأکید کرده که در سناریوی اول با مبنای قراردادن نرخ میانگین ۷۳ درصدی سال ۱۴۰۳ و در نظر گرفتن رقم ۲۳/۴ میلیون تومانی هزینه سبب معیشت، حقوق یک کارگر با دو فرزند در سال آینده حول و حوش ۱۷ میلیون و ۱۱۲ هزار تومان به دست خواهد آمد. اما در سناریوی دوم اگر بخواهیم نسبت دستمزد به هزینه سبب معیشت را میانگین ۴ یا ۵ سال اخیر که ۶۸ درصد بوده، در نظر بگیریم، دستمزد یک کارگر با دو فرزند یا ۴ عائله در سال آینده نزدیک به ۱۶ میلیون تومان می‌شود.

این روزنامه در ادامه با اشاره به اینکه «بررسی‌ها نشان می‌دهد تعیین دستمزد عادلانه برای کارگران با سه چالش روبه‌روست که بدون پذیرش آنها، نمی‌توان برای افزایش قدرت خرید کارگران با حفظ اشتغال فعلی اقدامی کرد» نوشته «از طرف دیگر حجم بالای شاغلان بخش غیررسمی در کشور (حدود ۱۳ میلیون شاغل غیررسمی بدون بیمه و بازنشستگی) نشان می‌دهد برخی از کارفرمایان به ویژه در بنگاه‌های کوچک و متوسط و مشاغل خرد و کارگاهی نمی‌توانند بیش از این دستمزد بپردازند.»

در شرایطی که رقم حداقل دستمزد در سال‌های گذشته با رقم سبب معیشت فاصله گرفته است اما امسال و با توجه به تورم فزاینده در مواد غذایی و اجاره‌بها، و همچنین سقوط بی‌سابقه ارزش پول ملی در پی افزایش دو برابری قیمت دلار طی شش ماه، افزایش دستمزدها با حساسیت بیشتری از سوی جامعه کارگری دنبال می‌شود.

رقم حداقل دستمزد مبنای پرداخت حقوق کارگران، بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی، و همچنین مبنای پرداخت دستمزد بسیاری از شاغلان در بخش خصوصی است.

رقم حداقل دستمزد سال جاری در صورتی که کارگران همه مزایای شغلی را دریافت کنند حدود ۱۱ میلیون تومان می‌شود. این در حالیست که رقم سبب معیشت به معنای هزینه‌های ضروری یک خانوار سه تا چهار نفره در حال حاضر ماهانه حدود ۵۰ میلیون تومان است.

با توجه به تورم فزاینده در اقتصاد ایران رقم سبب معیشت در سال آینده حتماً بیش از ۵۰ میلیون تومان خواهد شد و

کمبود ۴۰۰ قلم دارو تأیید شد؛ اختلال در چرخه تولید دارو

این در حالیست که خبرهای زیادی از کمبود دارو برای درمان بیماری‌های خاص از جمله سرطان در ایران منتشر شده است. گزارش‌ها همچنین از افزایش آمار مرگ و میر بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج به علت کمبود و گرانی دارو حکایت دارد.

روزنامه «همشهری» به تازگی گزارش داده بود که دارویی که در گذشته به راحتی در دسترس بود اکنون چندین برابر قیمت فروخته می‌شود. آمپول کیتولاس به ۷۰ میلیون تومان رسیده است. وضعیت به گونه‌ای شده که دو بیمار از یک آمپول استفاده می‌کنند هم غلط است و هم غیربهداشتی. در این گزارش به نقل از دکتر عظیم مهرور، فوق تخصص خون و سرطان اطفال آمده بود که «دارویی که در گذشته به راحتی در دسترس بود اکنون چندین برابر قیمت فروخته می‌شود. آمپول کیتولاس به ۷۰ میلیون تومان رسیده است. وضعیت به گونه‌ای شده که دو بیمار از یک آمپول استفاده می‌کنند. یعنی داروخانه یک داروی تزریقی به بیمار می‌دهد که یک سی‌سی در بیمارستان تزریق کند و دوباره آن را به داروخانه برمی‌گرداند تا در بیمارستانی دیگر برای بیماری دیگر تزریق می‌شود. این مساله از نظر بهداشتی و انسانی غلط است و چطور می‌توان یک آمپول را در دو زمان و با دو کادر درمانی مختلف تزریق کرد؟»

انجمن داروسازی ایران اواخر بهمن‌ماه امسال در نامه‌ای خطاب به علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نسبت به بروز بحران تمام‌عیار دارویی در کشور هشدار داد و نوشت سازمان تأمین اجتماعی و سازمان هدفمندی یارانه‌ها ماه‌هاست بدهی خود را به داروخانه‌ها پرداخت نکرده‌اند و به همین دلیل فشار مالی بر داروخانه‌ها و زنجیره تأمین دارو بیشتر شده است.

انجمن داروسازان ایران تأکید کرد که مطابق ماده ۳۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، سازمان‌های بیمه‌گر موظف‌اند ظرف ۱۵ روز، ۸۰ درصد و حداکثر طی سه ماه، ۲۰ درصد باقی‌مانده مطالبات مراکز طرف قرارداد را پرداخت کنند. با این حال «عدم اجرای این قانون باعث مشکلات شدید اقتصادی برای داروخانه‌ها» شده است.

بر اساس اطلاعات منتشر شده در این نامه داروخانه‌های خصوصی فقط از سازمان تأمین اجتماعی ۷۱۸ هزار میلیارد ریال و از سازمان هدفمندی یارانه‌ها ۸۵ هزار میلیارد ریال طلب دارند و هنوز پاسخی درباره زمان پرداخت این مطالبات ارائه نشده است.

انجمن داروسازان ایران همچنین تأکید کرد که ۳۵ هزار میلیارد ریال مصوبه سران قوا که در اختیار وزارت بهداشت قرار گرفته، هنوز به داروخانه‌های خصوصی پرداخت نشده است.

این نامه افزود که این تأخیرها باعث کمبود شدید نقدینگی در داروخانه‌ها، افزایش چک‌های برگشتی و اختلال در روابط مالی شرکت‌های دارویی شده است. در نتیجه بسیاری از شرکت‌های دارویی از تأمین دارو برای داروخانه‌های بدهکار خودداری کرده‌اند که این مسئله زنجیره تأمین دارو در کشور را با بحران جدی مواجه کرده است.

انجمن داروسازان ایران تأکید کرد که در صورت ادامه این وضعیت، بسیاری از داروخانه‌ها به سمت تعطیلی کشانده خواهند شد و بیماران دسترسی خود را به داروهای اساسی از دست خواهند داد.



داروسازان اشاره کرده و گفته «بزرگترین بدهکار در حوزه دارو، تأمین اجتماعی است که می‌گوید نقدینگی نداریم. کمسیون بهداشت و درمان نگران بود که شاید تأمین اجتماعی با توجه به اهمیت تهیه داروی بیماران، این را گرو می‌گیرد تا بتواند مطالباتش را زنده کند. اما مدیریت درمان تأمین اجتماعی وقتی دو روز قبل در کمسیون بودند، اعلام کردند حساب تأمین اجتماعی خالی است. از سوی دیگر مشاهده می‌کنیم که تأمین اجتماعی برای نمونه بابت قراردادهای دیگر پول را به راحتی می‌دهد اما برای دارو می‌گویند ما پول نداریم. این یک تناقض است که ایجاد نگرانی می‌کند. تأمین اجتماعی پرداخت حقوق بازنشستگان را در دست دارد که از اهمیت بالایی برخوردار است و همچنین بحث همسان‌سازی را نیز در دست دارد و اینکه بتوانند همه این‌ها را مدیریت کنند بسیار سخت است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «آن چیزی که مردم به نمایندگان و انجمن داروسازان و کمسیون مجلس گزارش می‌دهند، نشان می‌دهد مردم برای تهیه داروی خود باید بسیار دنبال آن بگردند. این چیزی است که مردم شکایت می‌کنند و تماس می‌گیرند و می‌گویند برای تهیه داروی خود باید بسیار بگردیم، تازه اگر پیدا کنیم. اینکه رئیس سازمان غذا و دارو گفته است کمبود خاصی نداریم و ذخیره داریم. باید گفت داروها بسیار وسیع‌اند. ممکن است یک دارویی مانند سیکلوسپورین اکنون موجود باشد اما داروهای دیگری که برای بیماران سرطانی است، نباشد. اما شکایت مردم نشان می‌دهد که حداقل مردم به راحتی داروی خود را تهیه نمی‌کنند.»

اشاره محمد جمالیان به ادعای اخیر مهدی پیرصالحی معاون وزیر بهداشت و رئیس سازمان غذا و دارو است که مدعی شده بود کمبود دارو برای بیماران خاص و سرطانی وجود ندارد!

مهدی پیرصالحی گفته بود «امسال برای بیماران خاص و سرطانی کمبود چندانی را نخواهیم داشت، اما همواره کمبودهایی به صورت موردی در کشور وجود دارد که تلاش می‌کنیم آن کمبودها نیز به حداقل برسد.»

● محمد جمالیان عضو کمسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی کمبود دارو را تأیید کرده و گفته بین ۳۵۰ تا ۴۰۰ قلم در حال حاضر کمبود دارویی وجود دارد.

● خبرهای زیادی از کمبود دارو برای درمان بیماری‌های خاص از جمله سرطان در ایران منتشر شده است.

● گزارش‌ها همچنین از افزایش آمار مرگ و میر بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج به علت کمبود و گرانی دارو حکایت دارد.

● انجمن داروسازی ایران اواخر بهمن‌ماه امسال در نامه‌ای خطاب به علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نسبت به بروز بحران تمام‌عیار دارویی در کشور هشدار داد.

در شرایطی که مقامات وزارت بهداشت تلاش دارند کمبود دارو را انکار کنند یک عضو کمسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی از کمیاب بودن ۳۵۰ تا ۴۰۰ قلم دارو و اختلال در چرخه تولید دارو خبر داده است.

محمد جمالیان عضو کمسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی امروز جمعه سوم اسفندماه در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» کمبود دارو را تأیید کرده و گفته بین ۳۵۰ تا ۴۰۰ قلم در حال حاضر کمبود دارویی وجود دارد.

او همچنین کاهش تولید دارو در کشور را تأیید کرده و گفته «در حال حاضر، تقریباً چرخه تولید دارو دچار اختلال شده و حتی اگر امروز وضعیت اصلاح شود، چهار ماه طول می‌کشد تا این نقص جبران شود. به همین دلیل، متأسفانه در ماه‌های آینده کمبودهای دارویی را با شدت بیشتری خواهیم دید.»

عضو کمسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی افزوده «در زنجیره تولید دارو، بحث این است که باید واردات انجام شود. برای اینکه واردات انجام شود، واردکننده باید بتواند ارز را تهیه کند و پول داشته باشد. متأسفانه، به دلیل اینکه بیمه تأمین اجتماعی با توجه به عدم دریافت مطالباتش از دولت، نتوانسته مطالبات داروخانه‌ها و مراکز خصوصی را پرداخت کند، داروخانه‌ها پول شرکت‌ها را ندادند و شرکت‌ها هم پول واردکننده را پرداخت نکرده‌اند. در حال حاضر، تقریباً چرخه تولید دارو دچار اختلال شده و حتی اگر امروز اصلاح شود، چهار ماه طول می‌کشد تا این نقص جبران شود. به همین دلیل، متأسفانه در ماه‌های آینده کمبودهای دارویی را با شدت بیشتری خواهیم دید.»

محمد جمالیان گفته برخی داروهای بیماری‌های صعب‌العلاج با کمبود روبروست و برای برخی اقلام دیگر دارویی نیز داروهای جایگزین موجود است: «آنچه که اهمیت دارد، در بحث داروهای بیماران صعب‌العلاج و بیماران سرطانی است. در حال حاضر کمبود داریم و همچنین در برخی از داروهای بیماران مزمن مانند داروهای قلبی اگر بیمار واقعاً با تهدید جان مواجه نباشد، هنوز داروهای مشابه موجود است. زمانی داروی واردترین موجود نبود و مشابه هم نداشت و اگر بیمار قطع می‌کرد عواقب شدیدی در پی داشت. اما نگرانی ما این است که در ماه‌های آینده، اگر بیشتر از این تعلل کنیم، دوباره به آن مرحله‌ای می‌رسیم که داروهای اساسی و داروهای که مصرف آن‌ها با جان بیمار بازی خواهد کرد، کم پیدا شود.»

او همچنین به عدم تسویه حساب سازمان‌های بیمه‌گر با

احتمال بروز «اعتراضات سراسری» در پی افزایش گرانیها



● اثر افزایش قیمت ارز بر بازارهای مختلف نمایان شده و در کنار مشکلات ساختاری اقتصاد و بحران انرژی، به عاملی برای افزایش قیمت کالاها و خدمات تبدیل شده است.

● تورم ماهانه دهک اول درآمدی که محرومترین قشر جامعه محسوب می‌شود در بهمن‌ماه به بالاتر از ۴/۸ درصد رسیده و در میان سایر دهک‌ها بالاترین تورم را به خود اختصاص داده است.

● درآمدهای بی‌ارزش و موجی از افزایش قیمت‌ها سبب افزایش اعتراضات اقشار حقوق‌بگیر در روزهای گذشته شده است.

افزایش قیمت ارز در ماه‌های گذشته بر قیمت کالاها و خدمات در ایران اثر گذاشته و موجی از گرانی را به همراه داشته است. تنگ‌تر شدن فضای معیشتی احتمال بروز اعتراضاتی سراسری از سوی عموم اقشار را افزایش داده است. قیمت دلار طی شش ماه گذشته با افزایش دو برابری به بیش از ۹۰ هزار تومان رسیده و دیگر ارزهای رایج در ایران نیز در پی سقوط ارزش پول ملی با افزایش روبرو شده است. اثر افزایش قیمت ارز بر بازارهای مختلف نمایان شده و در کنار مشکلات ساختاری اقتصاد و بحران انرژی، به عاملی برای افزایش قیمت کالاها و خدمات تبدیل شده است.

به گزارش مرکز آمار ایران بیشترین میزان تورم مربوط به مواد غذایی بوده است. بررسی داده‌های مربوط به تورم مواد غذایی در بهمن ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که سبزیجات و حبوبات با تورم ماهانه ۱۶/۹، تورم نقطه به نقطه ۱۰۶ درصد و تورم سالانه ۴۳/۵ درصد بیشترین میزان افزایش قیمت را به خود اختصاص داده‌اند که در چند سال گذشته این تورم بی‌سابقه بوده است. این محصول کشاورزی که نقش مهمی در سفره خانوار ایرانی دارد مسیر صعودی را پیش گرفته و در وضعیت قرمزی قرار دارد.

میوه و خشکبار با تورم ماهانه ۸/۷ درصد، نان و غلات با تورم ماهانه ۷/۴ درصد و نوشابه‌های غیرالکلی با تورم ۷/۳ درصد به ترتیب در ردیف دوم، سوم و چهارم کالاهای با تورم بالا قرار گرفته‌اند.

سبزیجات با تورم نقطه‌ای ۱۰۶ درصدی بالاترین و بیشترین میزان تورم را در سال ۱۴۰۳ به خود اختصاص داده‌اند. به این معنا که مصرف‌کنندگان سبزیجات بطور میانگین ۱۰۶ درصد بیش از بهمن ماه ۱۴۰۲ برای خرید سبزیجات هزینه کرده‌اند.

پس از آن میوه و خشکبار با تورم ۴۰ درصدی قرار دارند و بعد از آن هم بیشترین میزان افزایش قیمت به نوشیدنی‌ها تعلق دارد. تورم نقطه به نقطه این گروه به ۳۹/۶ درصد رسیده است.

همچنین گروه قند، شکر و شیرینی‌ها با ۳۳/۴ درصد افزایش قیمت، رتبه دوم بیشترین میزان تورم را به خود اختصاص داده‌اند.

جزئیات گزارش مرکز آمار ایران از تورم ماهانه در بهمن‌ماه نشان می‌دهد تورم ماهانه دهک اول درآمدی که محرومترین قشر جامعه محسوب می‌شود به بالاتر از ۴/۸ درصد رسیده و در میان سایر دهک‌ها بالاترین تورم را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که تورم ماهانه این گروه در دی‌ماه معادل ۳ درصد برآورد شده است.

همچنین در بهمن سال جاری بالاترین تورم ماهانه اقلام

بازنشستگان معترض شعاریهایی از جمله «دشمن ما همینجاست، دروغ می‌گن آمریکاست» و «از خوزستان تا گیلان، ننگ بر این مدیران» و «بازنشسته داد بزن، حقت رو فریاد بزن» سر دادند.

جمعی از کارکنان رسمی شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب نیز روز یکشنبه پنجم اسفندماه در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات صنفی خود مقابل ساختمان اداری این شرکت در شهر اهواز تجمع کردند.

منابع صنفی با اعلام اینکه «این اعتراض با هدف پیگیری مطالبات حقوقی و شغلی برگزار شد» گزارش دادند «در جریان این تجمع، بازنشستگان شرکت نیز برای پیوستن به معترضان به محوطه شرکت مراجعه کردند، اما نیروهای امنیتی از ورود آن‌ها جلوگیری کرده و درهای شرکت را بستند. در واکنش به این اقدام، همکاران رسمی با تجمع در مقابل درب اصلی شرکت، از بازنشستگان حمایت کرده و این برخورد را محکوم کردند.»

بازنشستگان مخابرات نیز امروز دوشنبه ششم اسفندماه در شهرهای مختلف ایران تجمعاتی هماهنگ و سراسری را برگزار کردند. در شهر اهواز بازنشستگان مخابرات ضمن تجمع، راهپیمایی نیز کردند.

در روزهای گذشته همچنین اعتراضاتی از سوی پرستاران و آموزگاران بازنشسته در چند شهر ایران برگزار شده است. ویدئوهایی نیز از سوی بازاریان در اصناف مختلف منتشر شده که با اشاره به افزایش قیمت ارز و تورم در اقتصاد کشور، از رکود و کاهش شدید فروش خود شکایت دارند و از مقامات دولتی انتقاد می‌کنند.

این در حالیست که پیش‌بینی می‌شود با «فشار حداکثری» آمریکا علیه جمهوری اسلامی نیز جمهوری اسلامی نتواند در حد رفع نیازهای ضروری منابع در اختیار داشته باشد و مشکلات اقتصادی برجسته‌تر از پیش شود.

تحلیلگران معتقدند با تنگ شدن فضای معیشتی احتمال بروز اعتراضاتی سراسری از سوی مردم وجود دارد. این موضوع حتی در برخی از اظهارنظرهای مقامات حکومتی نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

خوراکی در میان دهک‌ها به ترتیب مربوط به دهک اول و دوم بوده است. به بیان دقیق‌تر تورم ماهانه خوراکی‌ها در دهک اول ۷/۲ درصد و در دهک دوم ۷ درصد برآورد شده است. این در حالیست که تورم اقلام خوراکی مربوط به این دو دهک در ماه گذشته نزدیک به ۳ درصد بوده است. این ارقام همگی نشان می‌دهد که افزایش تورم بیش از پیش بر افزایش هزینه‌های خانوارهای کم‌درآمد موثر بوده است.

افزایش قیمت‌ها ناشی از افزایش تورم البته فقط مختص مواد خوراکی نبوده است. بر اساس گزارش‌های مختلف قیمت انواع کالا و خدمات از دارو تا بلیت اتوبوس و قطار با افزایش روبرو شده است. کارشناسان نیز از در راه بودن موج تورم در قیمت اجاره‌بهای مسکن در سال پیش روی خورشیدی و در آغاز فصل جایجایی مستأجران خبر می‌دهند. در آنسو اما ارزش واقعی درآمد اقشار حقوق‌بگیر به ویژه کارگران و بازنشستگان با کاهشی قابل توجه روبرو شده و قدرت خرید آنها را به شکل قابل توجهی کاهش داده است. برای نمونه بر اساس آمار بانک مرکزی، یکی از بدترین سالها درباره نسبت حداقل مزد به قیمت هر مترمربع مسکن در شهر تهران مربوط به سال ۱۳۷۱ است که طبق آن، پس‌انداز هر ماه حداقل دستمزد کارگران برابر با قیمت ۰/۱ مترمربع مسکن در تهران بوده و به عبارتی ۹ ماه پس‌انداز حداقل دستمزد آن سال، کفاف خرید تنها یک مترمربع مسکن در پایتخت را می‌داد.

در حالیکه در سال‌های پایانی دهه ۱۳۷۰، هر کارگر با پس‌انداز حدود چهار ماه از حداقل دستمزد ماهیانه مصوب می‌توانست یک مترمربع مسکن در شهر تهران خریداری کند، این نسبت در پایان سال گذشته به بالای ۱۵ ماه رسید که بیانگر از افزایش چهار برابری مدت زمان لازم برای خرید خانه از سوی کارگران دارد.

درآمدهای بی‌ارزش و موجی از افزایش قیمت‌ها سبب افزایش اعتراضات اقشار حقوق‌بگیر در روزهای گذشته شده است.

بازنشستگان روز یکشنبه پنجم اسفندماه در چند شهر ایران از جمله تهران، اصفهان، اهواز، و شوش جریان داشت

ساختار درمان ایران در آستانه فروپاشی؛ تزریق یک آمپول به دو بیمار!

داروخانه‌های بدهکار خودداری کرده‌اند که این مسئله زنجیره تأمین دارو در کشور را با بحران جدی مواجه کرده است.

هفته گذشته نیز انجمن داروسازان ایران خبر داد که به علت تأخیر طولانی سازمان تأمین اجتماعی در پرداخت مطالبات داروسازان، داروخانه‌ها خرید دارو از شرکت‌های دارویی سهامدار بیمه تأمین اجتماعی را متوقف و سازمان تأمین اجتماعی را تحریم کردند.

بر اساس این تصمیم، انجمن داروسازان ایران به عنوان نماینده صنف داروخانه‌های سرپایی در بخش خصوصی، تصمیم به تحریم این سازمان توسط داروخانه‌ها گرفته است. از سوی دیگر قیمت دارو و تجهیزات پزشکی طی ماه‌های گذشته با افزایش ۲۰۰ تا ۶۰۰ درصدی روبرو شده است و بسیاری از داروهای بیماری‌های خاص با کمبود روبرو هستند.

دکتر عظیم مهرور، فوق تخصص خون و سرطان اطفال، امروز پنجشنبه دوم اسفندماه با اشاره به شرایط «بحرانی» دارو در ایران گفته «دارویی که در گذشته به راحتی در دسترس بود اکنون چندین برابر قیمت فروخته می‌شود. با افزایش هزینه‌ها، روند درمانی کودکان مبتلا به سرطان متوقف می‌شود.»

این پزشک افزوده «وضعیت به گونه‌ای شده که دو بیمار از یک آمپول استفاده می‌کنند. یعنی داروخانه یک داروی تزریقی به بیمار می‌دهد که یک سی‌سی در بیمارستان تزریق کند و دوباره آن را به داروخانه برمی‌گردانند تا در بیمارستانی دیگر برای بیماری دیگر تزریق می‌شود.»

در ساختار درمانی ایران همچنین عدم پرداخت حقوق و مزایای کادر درمان به چالشی جدی تبدیل شده است. در همین رابطه شهرام یزدانی رئیس مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش علوم پزشکی گفته «واقعیت این است که اوضاع و حال پزشکی کشور ما خوب نیست. ما مطالعه‌ای روی ۳۵۰ نفر دستیار پزشکی در شهر تهران انجام دادیم. طبق این مطالعه، حدود ۶۵ درصد دستیاران پزشکی، افسردگی دارند.»

رئیس مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش علوم پزشکی افزوده «مطالعات ما روی ۵۵ شغل مختلف نشان داده که بیشترین افکار خودکشی در بین مشاغل، در پزشکان و کمترین این افکار در معماران بوده است.»

شهرام یزدانی تأکید کرده نسبت پزشک عمومی در ایران به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت ۱۱ نفر است و این عدد از تمام کشورهای خاورمیانه، کشورهای آسیایی و اغلب کشورهای دنیا به استثنای ۵ کشور شامل کانادا، استرالیا و ... بالاتر است.

او همچنین گفته «نسبت پزشک متخصص نیز ۵ نفر به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت است که از اغلب کشورهای جهان کمتر است و بطور کلی سرانه پزشک ۱۶ نفر به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت است.»

شرایط دشوار شغلی در کنار دستمزدهای ناعادلانه و عدم امنیت شغلی سبب دوری کادر درمان از ساختار درمانی کشور شده است. بخش زیادی از کادر درمان طی سال‌های گذشته در صف مهاجرت از کشور قرار گرفته و بخش دیگری نیز به مشاغل دیگری از جمله رانندگی تاکسی اینترنتی مشغول شده‌اند.



صورت آزاد هستند.»

وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی با اشاره به آغاز موج جدیدی از اعتراضات پرستاران در شهرها و استان‌های مختلف و اعتراض بیماران به افزایش قیمت دارو، نوشته «مراکز دیالیز نیز اعلام کرده‌اند که اگر مطالباتشان پرداخت نشود از نیمه اسفندماه قادر به ارائه خدمات درمانی با دفترچه‌های بیمه به بیماران نیستند و برای اینکه بتوانند هزینه‌های مرکز را تأمین کنند مجبورند خدمات را به صورت آزاد و دریافت تمام‌وکمال هزینه از بیمار عرضه کنند. این اتفاق یعنی بسیاری از بیمارانی که توانایی تأمین هزینه‌های درمانی را دارند از درمان باز می‌مانند و یک بیمار دیالیزی وقتی از درمان باز می‌ماند یعنی هر روز یک قدم به مرگ نزدیک‌تر می‌شود.»

عدم تسویه حساب سازمان‌های بیمه با داروخانه‌ها نیز سبب بحران در این صنف شده و بسیاری از داروخانه‌ها در آستانه ورشکستگی قرار دارند.

در هفته‌ای که گذشت انجمن داروسازان ایران با ارسال نامه‌ای به دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به «بحران نقدینگی داروخانه‌ها» و «عدم پرداخت مطالبات بیمه‌ای» نسبت به احتمال «فروپاشی زنجیره تأمین دارو» هشدار داد.

بر اساس اطلاعات منتشر شده در این نامه داروخانه‌های خصوصی فقط از سازمان تأمین اجتماعی ۷۱۸ هزار میلیارد ریال و از سازمان هدفمندی یارانه‌ها ۸۵ هزار میلیارد ریال طلب دارند و هنوز پاسخی درباره زمان پرداخت این مطالبات ارائه نشده است.

انجمن داروسازان ایران همچنین تأکید کرده که ۳۵ هزار میلیارد ریال مصوبه سران قوا که در اختیار وزارت بهداشت قرار گرفته، هنوز به داروخانه‌های خصوصی پرداخت نشده است.

این نامه افزوده که این تأخیرها باعث کمبود شدید نقدینگی در داروخانه‌ها، افزایش چک‌های برگشتی و اختلال در روابط مالی شرکت‌های دارویی شده است. در نتیجه بسیاری از شرکت‌های دارویی از تأمین دارو برای

● برخی مراکز دیالیز در نامه‌ای به وزیر بهداشت با اشاره به عدم تسویه حساب شرکت‌های بیمه با این مراکز نوشته‌اند از نیمه اسفندماه جاری ناگزیر به پذیرش بیماران دیالیزی به صورت آزاد هستند.

● عدم تسویه حساب سازمان‌های بیمه با داروخانه‌ها نیز سبب بحران در این صنف شده و بسیاری از داروخانه‌ها در آستانه ورشکستگی قرار دارند.

● قیمت دارو و تجهیزات پزشکی طی ماه‌های گذشته با افزایش ۲۰۰ تا ۶۰۰ درصدی روبرو شده و بسیاری از داروهای بیماری‌های خاص با کمبود روبرو هستند.

● یک پزشک متخصص سرطان کودکان گفته «داروخانه یک داروی تزریقی به بیمار می‌دهد که یک سی‌سی در بیمارستان تزریق کند و دوباره آن را به داروخانه برمی‌گردانند تا در بیمارستانی دیگر برای بیماری دیگر تزریق می‌شود.»

● رئیس مرکز ملی تحقیقات راهبردی آموزش علوم پزشکی: ما مطالعه‌ای روی ۳۵۰ نفر دستیار پزشکی در شهر تهران انجام دادیم. طبق این مطالعه، حدود ۶۵ درصد دستیاران پزشکی، افسردگی دارند.

بحران مالی و اعتباری در ساختار بهداشت و درمان و دارویی ایران به اوج رسیده است. پرداخت نشدن مطالبات مراکز درمانی از سوی سازمان تأمین اجتماعی تأمین هزینه‌های جاری از جمله پرداخت دستمزدها را با بحران روبرو کرده است. کمبود و گرانی دارو نیز به جایی رسیده که یک آمپول به دو بیمار تزریق می‌شود!

بر اساس گزارش‌ها بحران مالی و اعتباری در حوزه بهداشت و درمان بسیار جدی است؛ از یک طرف مشکلاتی که کادر درمان در دریافت مطالبات خود دارند و از سوی دیگر هزینه‌های مراکز درمانی که بیمه‌ها در پرداخت آن تعلل می‌کنند باعث ایجاد مشکلات بسیاری برای این مراکز و بیماران شده‌اند.

در حال حاضر آزمایشگاه‌ها و مراکز درمانی مختلف از یک طرف و داروخانه‌ها و بیمارستان‌ها از سوی دیگر به دلیل عدم دریافت به‌موقع مطالبات خود از دولت و بیمه‌ها با کمبود اعتبار و نقدینگی مواجه شده‌اند و این اتفاق ارائه خدمت به بیماران را دچار اختلال کرده است.

امیر نجاتی، متخصص اورولوژی، در اینباره گفته «مسئله فقط بیماران دیالیزی نیستند، بسیاری از بیماران خاص و ... به دلیل همین هزینه‌های سنگین درمانی از چرخه درمان خارج می‌شوند. سال‌هاست که پزشکان و متخصصان در مورد اولویت‌بندی دولت برای تأمین بودجه هشدار داده‌اند. سلامت باید جزو برنامه‌های اول تا سوم دولت باشد. اما متأسفانه هیچ‌گاه چنین اتفاقی رخ نداده و بروز این مشکلات در واقع نتیجه سال‌ها بی‌توجهی است.»

از فروردین سال جاری تا کنون مطالبات مراکز دیالیز از سوی بیمه‌ها پرداخت نشده و برخی مراکز دیالیز نیز در نامه‌ای به وزیر بهداشت و درمان خواستار حل این مشکلات شده‌اند.

در این نامه تأکید شده مراکز دیالیز «در حال حاضر قادر به خرید مواد و ملزومات مصرفی نمی‌باشند و علی‌رغم میل باطنی (که در این ۹ ماه اخیر نیز بدون دریافت مطالبات به ارائه خدمت به مددجویان عزیز دیالیزی ادامه داده‌اند)، از پانزدهم اسفندماه، ناگزیر به پذیرش بیماران دیالیزی به

افزایش تورم بهمن‌ماه با شیب تند؛ شکست دولت در مهار قیمت‌ها در بازار ارز و طلا



● تورم نقطه به نقطه بهمن‌ماه ۳۵/۳ درصد اعلام شده است. این رقم به این معناست که خانوارهای کشور برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» بطور میانگین، ۳۵/۳ درصد بیشتر از بهمن ماه ۱۴۰۲ هزینه کرده‌اند.

● تورم ماهانه نیز با افزایش چشمگیری روبرو شده و به ۴/۱ واحد درصد افزایش یافته است. تورم ماهانه ۴/۱ درصدی از اسفند ۱۴۰۱ تا کنون بی‌سابقه بوده و رکورد ۲ ساله این شاخص شکسته است.

تیم اقتصادی دولت پزشک‌یان موفق نشد روند افزایش قیمت‌ها در بازار ارز و طلا را کنترل کند و قیمت دلار بار دیگر به کانال ۹۴ هزار تومان بازگشته است. گزارش مرکز آمار ایران از تورم نیز نشان می‌دهد تورم اقتصاد ایران در بهمن‌ماه امسال افزایش یافته است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور در بهمن ۱۴۰۳ به ۳۰۵/۵ رسیده است که نسبت به ماه قبل ۴/۱ درصد افزایش داشته است. این رقم نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۵/۳ درصد افزایش و در ۱۲ ماهه منتهی به ماه جاری ۳۲ درصد افزایش داشته است.

تورم نقطه به نقطه بهمن‌ماه ۳۵/۳ درصد اعلام شده است. این رقم به این معناست که خانوارهای کشور برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» بطور میانگین، ۳۵/۳ درصد بیشتر از بهمن ماه ۱۴۰۲ هزینه کرده‌اند. نرخ تورم نقطه به نقطه در دی‌ماه ۳۱/۸ درصد بوده است که افزایش آن در بهمن‌ماه به نرخ ۳۵/۳ نشان از تندتر شدن شیب تورم در اقتصاد ایران است!

همچنین تورم ماهانه نیز با افزایش چشمگیری روبرو شده بطوری که تورم در بهمن‌ماه امسال در مقایسه با دی‌ماه ۴/۱ واحد درصد افزایش یافته است. تورم ماهانه ۴/۱ درصدی از اسفند ۱۴۰۱ تا کنون بی‌سابقه بوده و رکورد ۲ ساله این شاخص شکسته است. این سطح در حالی برآورد شده که تورم ماهانه در ۲۱ ماه گذشته کمتر از ۳ درصد بوده است. از سوی دیگر تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» به رقم کم‌سابقه ۶/۷ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات»، ۲/۹ درصد بوده است. افزایش تورم گروه خوراکی‌ها بیانگر وضعیت بحرانی معیشتی برای خانوارهای کم درآمد است که سهم عمده درآمدشان برای پرداخت هزینه مواد غذایی و اجاره‌بهای مسکن هزینه می‌شود.

همچنین نرخ تورم سالانه کشور در بهمن ماه ۱۴۰۳، برابر ۳۲ درصد است که دامنه تغییرات آن برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۳۰/۳ درصد برای دهک‌های اول و دوم، تا ۳۲/۴ درصد برای دهک نهم است. افزایش تورم بهمن‌ماه در حالی نسبت به ماه‌های پیشتر سرعت گرفته که کارشناسان اقتصادی معتقدند این روند تداوم خواهد یافت همچنین تیم اقتصادی دولت پزشک‌یان موفق نشد روند افزایش قیمت‌ها در بازار ارز و طلا را کنترل کند و قیمت‌ها بار دیگر روندی افزایشی را طی کرده است. صبح امروز پنجشنبه دوم اسفندماه قیمت دلار وارد کانال ۹۴ هزار تومان شد. هر گرم طلا ۱۸ عیار به مرز ۷ میلیون تومان و هر سکه طلا وارد کانال ۷۹ میلیون تومان شد.

و پایین جامعه می‌شود.»

این کارشناس اقتصادی بیان کرد: «از سوی دیگر، نرخ تورم بالا، باعث می‌شود که ارزش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت کاهش پیدا کند. سرمایه‌گذاران به جای ورود به تولید، به سمت بازارهای موازی مانند طلا و ارز حرکت می‌کنند که این خود به ناپایداری اقتصادی دامن می‌زند.»

او همچنین با بیان اینکه «تورم‌های ۵۰ درصدی بعد از سال ۹۰ با تورم‌های ۲۰-۱۵ درصدی قبل از آن خیلی تفاوت دارد، گفت: «یکی از مهم‌ترین پیامدهای تورم، کاهش تولید و قدرت خرید مردم است. در حالی که قیمت کالاها و خدمات افزایش می‌یابد، حقوق و دستمزدها معمولاً با تأخیر و کمتر از نرخ تورم رشد می‌کنند. این وضعیت باعث کاهش سطح رفاه عمومی و فشار بیشتر بر طبقات متوسط و پایین جامعه می‌شود.»

این کارشناس اقتصادی همچنین گفته «از سوی دیگر، نرخ تورم بالا، باعث می‌شود که ارزش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت کاهش پیدا کند. سرمایه‌گذاران به جای ورود به تولید، به سمت بازارهای موازی مانند طلا و ارز حرکت می‌کنند که این خود به ناپایداری اقتصادی دامن می‌زند.»

پیشتر نیز مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه تأکید کرده بود که «فروش سکه‌های طلا که برای جمع‌آوری نقدینگی انجام می‌شود، فقط می‌تواند سرعت افزایش قیمت‌ها را کاهش دهد. اما تا زمانی که مسئله تحریم‌ها، به ویژه پس از روی کار آمدن ترامپ و تهدیدهایی که بر فروش نفت وارد کرده، ادامه داشته باشد و حتی فروش نفت از طریق دور زدن تحریم‌ها نیز محدود شود، طبیعتاً شرایط بدتر خواهد شد. در واقع، متغیر اصلی و تأثیرگذار در اقتصاد کشور، سیاست خارجی و تحریم‌ها است.»

شرایطی که میثم رادپور و دیگر کارشناسان و تحلیلگران درباره وضعیت اقتصاد ایران توصیف می‌کنند نه تنها بیانگر تداوم مشکلات کنونی است بلکه نشان می‌دهد مشکلات اقتصادی عمیق‌تر هم خواهد شد.

دولت در روزهای گذشته با ارزیابی به بازار و همچنین حراج سکه از سوی بانک مرکزی تلاش کرده بود قیمت‌ها در دو بازار ارز و طلا را کاهش دهد.

میثم رادپور، کارشناس اقتصادی در گفتگو با وبسایت «تجارت‌نیوز»، تأکید کرده، تا زمانی که تورم بزرگی نظیر آنچه اقتصاد ایران اکنون تجربه می‌کند، ادامه داشته باشد، قیمت‌ها مسیر صعودی خود را پیدا می‌کنند و در نتیجه، ارزیابی و حراج سکه اثر بلندمدتی ندارد.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به اینکه طی سال‌های اخیر، افزایش نرخ تورم به یکی از چالش‌های جدی اقتصاد کشور تبدیل شده است، به «تجارت‌نیوز» گفته «با فرض تورم ۵۰ درصد سالانه، ارزش پول ملی به مرور کاهش می‌یابد و این امر تأثیر مستقیمی بر نرخ ارز دارد.»

او توضیح داده که «سیاست‌های بانک مرکزی در عرضه سکه و ارز یکی از مهم‌ترین نشانه‌های بحران ارزی است. بانک مرکزی معمولاً در مواقع بحران، اقدام به حراج سکه و دلار می‌کند تا نقدینگی را کنترل کرده و نرخ ارز را تثبیت کند.» این کارشناس اقتصادی افزوده «برای مثال، در سال‌های گذشته، بانک مرکزی سه بار اقدام به حراج سکه کرده است. بانک مرکزی سال ۹۲ حوالی ۱۰ میلیون سکه، سال ۹۷ حدود پنج میلیون سکه و امسال یک میلیون سکه حراج کرده که همین کاهش تعداد هم نشان می‌دهد، ذخایر ته کشیده‌اند! در این بین، این اقدامات کمکی هم نمی‌کند! اما تجربه نشان داده است که این اقدامات معمولاً سیگنالی درباره وخامت اوضاع اقتصادی هستند.»

میثم رادپور با بیان اینکه تورم‌های ۵۰ درصدی بعد از سال ۹۰ با تورم‌های ۲۰-۱۵ درصدی قبل از آن خیلی تفاوت دارد، گفت: «یکی از مهم‌ترین پیامدهای تورم، کاهش تولید و قدرت خرید مردم است. در حالی که قیمت کالاها و خدمات افزایش می‌یابد، حقوق و دستمزدها معمولاً با تأخیر و کمتر از نرخ تورم رشد می‌کنند. این وضعیت باعث کاهش سطح رفاه عمومی و فشار بیشتر بر طبقات متوسط

قیمت دلار از مرز ۹۵ هزار تومان گذشت؛ پزشکيان لاف «دغدغهی معیشت مردم» را می‌زند!



● قیمت دلار امروز شنبه چهارم اسفندماه ۱۴۰۳ از مرز ۹۵ هزار تومان عبور کرد. قیمت هر یورو به ۹۸ هزار و ۹۵۰ تومان و قیمت هر پوند بریتانیا نیز به ۱۱۹ هزار و ۱۷۰ تومان افزایش یافته است.

● قیمت‌ها در بازار طلا نیز افزایشی است بطوری که هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسیده و هر سکه کامل طلا نیز به مرز ۸۰ میلیون تومان نزدیک شده است.

● شاخص کل بورس و اوراق بهادار امروز چهارم اسفند ۱۴۰۳ با ریزش ۱۸ هزار و ۱۰۵ واحدی به پله ۲ میلیون و ۷۱۴ هزار و ۱۲۲ واحدی سقوط کرد.

● مسعود پزشکيان همچنان مواضع پوپولیستی و شعاری خود را ادامه می‌دهد و در شرایطی که بخش زیادی از مردم حتی توان خرید سیب‌زمینی و تخم‌مرغ را ندارند می‌گوید «دغدغهی اصلی ما، معیشت مردم است»!

قیمت ارز و طلا همچنان در مسیر افزایشی قرار دارد و بازار بورس نیز در نخستین روز هفته با ریزش روبرو شده است. مسعود پزشکيان با وجود کارنامه منفی تیم اقتصادی دولت، می‌گوید «دغدغهی اصلی ما، معیشت مردم است»! قیمت دلار امروز شنبه چهارم اسفندماه ۱۴۰۳ از مرز ۹۵ هزار تومان عبور کرد. قیمت هر یورو به ۹۸ هزار و ۹۵۰ تومان و قیمت هر پوند بریتانیا نیز به ۱۱۹ هزار و ۱۷۰ تومان افزایش یافته است.

قیمت‌ها در بازار طلا نیز افزایشی است بطوری که هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسیده و هر سکه کامل طلا نیز به مرز ۸۰ میلیون تومان نزدیک شده است.

بازار بورس ایران نیز امروز با ریزش ۱۸ هزار واحدی شاخص کل روبرو شد. بر اساس گزارش‌ها شاخص کل بورس و اوراق بهادار امروز چهارم اسفند ۱۴۰۳ با ریزش ۱۸ هزار و ۱۰۵ واحدی به پله ۲ میلیون و ۷۱۴ هزار و ۱۲۲ واحدی سقوط کرد شاخص کل هم‌وزن هم با روند منفی همراه بود و با ۶ هزار و ۸۷۸ واحد ریزش در سطح ۸۲۶ هزار و ۷۸۱ واحدی قرار گرفته است. شاخص کل فرابورس نیز امروز با روند منفی همراه بود و با ریزش ۲۴۱ واحدی به رقم ۲۵ هزار و ۸۴۸ واحدی رسید.

سه بازار ارز و طلا و بورس بیانگر وضعیت منفی و متلاطم اقتصاد ایران هستند. وضعیتی که یکی از مهمترین خروجی‌های آن افزایش قیمت کالاهای خوراکی و اجاره‌بهای مسکن و تنگ‌تر شدن فضای معیشتی اقشار حقوق‌بگیر است افزایش تورم دیگر از سوی نهادهای دولتی نیز قابل انکار نیست و مرکز آمار ایران با ارائه گزارشی از تورم بهمن‌ماه اعلام کرده که شاخص عمومی قیمت‌ها در بهمن‌ماه ۱۴۰۳، نسبت به زمان مشابه سال گذشته ۳۵/۳ درصد افزایش داشته است.

همچنین تورم ماهانه به ۴/۱ درصد رسیده است. تورم ماهانه ۴/۱ درصدی از اسفند ۱۴۰۱ تا کنون بی‌سابقه بوده و رکورد ۲ ساله این شاخص شکسته است. این سطح در حالی برآورد شده که تورم ماهانه در ۲۱ ماه گذشته کمتر از ۳ درصد بوده است.

گزارش‌ها نیز از افزایش پر سرعت اقلام خوراکی حکایت دارد بطوریکه افزایش قیمت‌ها سبب شده اقلامی مانند

در شرایطی که بانک مرکزی جمهوری اسلامی در مدیریت قیمت ارز و طلا شکست خورده است اما هراس از شکلگیری اعتراضاتی سراسری از سوی مردم سبب تدوین برنامه توزیع کوپن از سوی دولت شده است.

بر اساس طرح دولت قرار است به هفت دهک پایین درآمدی از ده دهک موجود، طی دو نوبت، بسته‌های کالابرج الکترونیک یا همان کوپن برای تهیه اقلام خوراکی مانند برنج و ماکارونی و روغن داده شود.

پیشتر نیز مقامات حکومتی اعتراف کرده بودند که حدود ۶۰ میلیون نفر در ایران، معادل ۷۰ درصد جمعیت کشور، در فقر به سر برده و حتی برای تأمین حداقل کالری مورد نیاز خود نیازمند دریافت کمک هزینه دولتی هستند.

هفته گذشته نیز اعلام شده که علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی مجوز برداشت یک میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای اجرای طرح توزیع کوپن را داده است. اینهمه نشان می‌دهد دولت با خزانه خالی روبروست و برای تأمین هزینه‌های جاری به صندوق توسعه ملی دست‌برد می‌زند. پیش از این نیز رهبر جمهوری اسلامی مجوز برداشت دیگری از صندوق توسعه ملی را برای پرداخت معوقات کشاورزان و پرستاران و آموزگاران به دولت پزشکيان داده بود.

در چنین شرایطی خبری درباره کمک جمهوری اسلامی به حزب‌الله لبنان منتشر شده است. گزارش‌ها حاکی از افتتاح شعب جدید صندوق‌های قرض‌الحسنه در لبنان توسط حزب‌الله و برای توزیع کمک‌های مالی جمهوری اسلامی است!

گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهند جمهوری اسلامی به هر خانواده آسیب‌دیده حزب‌الله از جنگ در لبنان مبالغی بین یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان (۱۲ هزار دلار) تا یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان (۱۴ هزار دلار) اختصاص داده است. نعیم قاسم دبیرکل جدید گروه تروریستی حزب‌الله با تأیید این گزارش‌ها کمک مالی جمهوری اسلامی را «هدیه» خوانده است.

سیب‌زمینی و پیاز و هویج نیز به صورت قسطی عرضه شود بسیاری از تحلیلگران اقتصادی عملکرد تیم اقتصادی دولت پزشکيان را نامطلوب خوانده و سیاست‌های اقتصادی دولت اصلاح‌طلب را عامل افزایش شدید تورم ارزیابی می‌کنند. اقدامات زیانبار اقتصادی دولت پزشکيان سبب تدوین طرح استیضاح عبدالناصر همتی شود و وزیر اقتصاد قرار است هفته آینده، یکشنبه ۱۲ اسفندماه، در مجلس شورای اسلامی استیضاح شود.

اینهمه در حالیست که مسعود پزشکيان همچنان مواضع پوپولیستی و شعاری خود را ادامه می‌دهد و در شرایطی که بخش زیادی از مردم حتی توان خرید سیب‌زمینی و تخم‌مرغ را ندارند می‌گوید «دغدغهی اصلی ما، معیشت مردم است»! مسعود پزشکيان امروز شنبه چهارم اسفندماه در حالیکه قیمت دلار در بازار ارز ایران از مرز ۹۵ هزار تومان عبور کرد، در همایش ملی سامانه مودیان و صورتحساب‌های الکترونیکی گفت: «دغدغهی اصلی ما در دولت معیشت مردم است. باید مشکلات معیشتی مردم را حل کنیم. مردم در حوزه مسکن مشکل دارند. یک فرد ۵،۴ یا ۱۰ مسکن دارد ولی فردی یکی هم ندارد. یک عمر دنبال خانه‌های خالی می‌گردیم.»

رئیس دولت پزشکيان همزمان به موضوع مدیریت یارانه‌ها اشاره کرد و گفت: «برای مدیریت درست به داده، اطلاعات و شفافیت نیاز داریم. به یک فرد با سوبسیت برق رایگان و آب رایگان می‌دهیم، بعد یک آدم برای اجاره خانه پول کم می‌آورد. یارانه باید به این فرد برسد.»

رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی افزود که «چیزهایی که یک مدیر باید به آن فکر کند برطرف کردن فقر و بیماری و حقوق برابر است. من خود به خود قرآن را مرور می‌کردم کمک به یتیم و فقیر به ذهنم می‌آمد. مسلمان کسی است که فقرا را ببیند. امروز در دنیا روسای کشورهای مختلف فکر می‌کنند می‌رسند به اینکه باید فقر را از بین ببرند و به محرومان کمک کنند.»

رواج خرید قسطی اقلام خوراکی؛ کم‌درآمدها توان خرید سیب‌زمینی و پیاز را هم ندارند!



او می‌گوید: «میوه‌فروشی نزدیک ساختمانی که چند روزی‌ست کار می‌کنم، هر کیلو سیب‌زمینی را بیشتر از ۵۰ هزار تومان می‌فروشد؛ برای چند تا سیب‌زمینی و دو سه عدد تخم مرغ و یکی دو نان، باید ۲۰۰ هزار تومان بدهم؛ مرگ ما روزی چقدر دستمزد داریم؟!»

این کارگر ساختمانی می‌گوید اگر بخواهد سر کار ناهار بخورد، چیزی از مزد روزانه‌اش برای خانواده نمی‌ماند؛ پس خیلی روزها را با نان خالی سر می‌کند.

اینهمه در حالیست که قیمت‌ها نیز با سرعت در حال افزایش است. علی‌اصغر ملکی رئیس اتحادیه گوشت گوسفندی چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۳ خبر داد که قیمت گوشت در هفته گذشته ۲۰ درصد گران‌تر شده است.

قیمت برنج از مرز ۲۰۰ هزار تومان برای هر کیلو عبور کرده است. شکر نه تنها گران شده بلکه کمیاب هم شده است.

فاطمه محمدبیگی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز خبر داده که قیمت داروهای مختلف به علت حذف ارز ترجیحی ممکن است بین هفت تا ۱۰ برابر شود.

به گفته فاطمه محمدبیگی نه تنها تعداد خاصی از داروها بلکه تقریباً همه داروها در حال گران‌تر شدن هستند. او می‌گوید که شرکت‌های بیمه نیز نقش خود را به درستی ایفا نمی‌کنند و بدهی آنها به مردم به قدری بالاست که «باید به شکل حقوقی و قضایی پیگیری شود».

در آنسو اما ارزش درآمدها نیز به علت کاهش ارزش پول ملی کاهش یافته است و اقشار کم‌درآمد نمی‌توانند همه کالاهایی را که یک سال پیش با درآمد خود می‌توانستند بخرند، اکنون خریداری کنند.

کاهش ارزش درآمدها و افزایش قیمت‌ها سبب کوچک شدن سفره‌ها و تشدید فقر در جامعه شده است. در همین رابطه فرشاد مومنی اقتصاددان حکومتی

پول بدهیم و آن را بدون دریافت حق سرویس و در کمترین زمان ممکن به دستمان می‌رسانند!

در این گزارش آمده که زمانی که سیب‌زمینی به کیلویی ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان رسیده یک خانواده چهار نفره چطور می‌تواند در هفته مطابق برنامه غذایی خود اقدام به خرید سه - چهار کیلو سیب‌زمینی کند! یعنی باید هفته‌ای ۴۰۰ هزار تومان برای یک محصول ساده غذایی هزینه کنند! این رقم در کدام سبد معیشتی کارگران و خانوارهای کم‌درآمد ثبت شده است!

خرگرزاری «ایلنا» نیز به قسطی شدن خرید کالاهای روزمره پرداخته و نوشته «در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و حتی اوایل دهه ۷۰ شمسی، حقوق‌بگیران، کارمندان، معلمان و کارگران، نیازمندی‌های پایه‌ای یک زندگی ساده را قسطی تأمین می‌کردند، خانه، خودرو و در موارد بسیار محدودی لوازم خانگی و اثاث خانه (به شیوه‌ی خرید از تعاونی‌های مصرف‌مزدبگیران) به صورت قسطی خریداری می‌شد. توان خرید اقساطی مزد و حقوق به اندازه‌ای بود که با آن بشود خانه و ماشین خرید.»

این گزارش افزوده در جریان جستجو در اینترنت به سایت «هایپر اسنپ مارکت»، یک سوپرمارکت آنلاین برای تهران، کرج و اصفهان برخوردیم؛ این سایت، در بخش سبزیجات و صیفی‌جات، همه اقلام را قسطی به فروش می‌رساند؛ برای مثال، براساس قیمت‌های سی بهمن، ۶ عدد سیب‌زمینی به وزن تقریبی ۱/۵ کیلوگرم به قیمت ۹۱۶۴۷ هزار تومان به صورت اقساط به فروش گذاشته شده؛ یا قیمت خرید قسطی ۱/۵ کیلو پیاز، ۶۴۱۰۷ تومان است. یک کیلو پیاز به قیمت ۶۹ هزار تومان به فروش می‌رسد.

خرگرزاری «ایلنا» با اشاره به کاهش وعده‌های غذایی در میان اقشار کم‌درآمد نوشته اکبر، یک کارگر ساختمانی ساده است که از شمال کشور به تهران آمده و گاهی روزها دور میدانی در غرب تهران به انتظار آمدن کارفرما می‌نشیند.

● بسیاری از اپلیکیشن‌های خرید و فروش آنلاین و همچنین فروشگاه‌های خرده‌فروشی اقدام به فروش قسطی اقلام خوراکی مانند سیب‌زمینی، پیاز و هویج می‌کنند.

● فراگیر شدن فروش قسطی اقلام به ظاهر ارزان‌قیمت روزمره نشان دهنده فاجعه معیشتی است که در میان شهروندان ایرانی در جریان است.

● در کنار افزایش قیمت‌ها ارزش درآمدها نیز به علت کاهش ارزش پول ملی کاهش یافته است و اقشار کم‌درآمد نمی‌توانند همه کالاهایی را که یک سال پیش با درآمد خود می‌توانستند بخرند، اکنون خریداری کنند.

افزایش تورم و درآمدهای ناچیز سبب شده بخش زیادی از شهروندان مواد غذایی رومره مانند سیب‌زمینی، پیاز و هویج را نیز به صورت قسطی خریداری کنند.

خرید قسطی کالاها در ایران که چند دهه پیش شامل کالاهایی مانند خانه، اتومبیل و طلا می‌شد حالا به دم‌دست‌ترین و پرمصرف‌ترین کالاها روزمره مانند سبزیجات و صیفی‌جات رسیده است. فراگیر شدن فروش قسطی اقلام به ظاهر ارزان‌قیمت روزمره نشان دهنده فاجعه معیشتی است که در میان شهروندان ایرانی در جریان است.

کاهش قدرت خرید در میان خانوارهای ایرانی حتی توان خرید کالاهایی چون سیب‌زمینی و پیاز و هویج و نان را نیز از بسیاری از آنها گرفته و در نتیجه بسیاری از اپلیکیشن‌های خرید و فروش آنلاین، و همچنین فروشگاه‌های خرده‌فروشی اقدام به فروش قسطی این اقلام می‌کنند.

در همین رابطه وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی نوشته با گشت و گذاری در فضای مجازی و به دنبال رد تبلیغات خانگی و بسیار خرد برای فروش یک کیلو سیب‌زمینی متوجه می‌شویم که در چه بحرانی قرار گرفته‌ایم. زمانی که برای خرید یک کیلو سیب‌زمینی قرار است ۹۰ هزار تومان

هشدار درباره افزایش جمعیت حاشیه‌نشین؛ وضعیت پنج استان «بحرانی» است

هرمزگان و خوزستان و استان تهران از جمله این استان‌ها هستند که وضعیت بحرانی‌تر در زمینه حاشیه‌نشینی دارند. وی با اشاره به وضعیت حاشیه‌نشینی در تهران گفته «در برخی از شهرهای استان تهران عدد، رقم و آمار اسکان‌های غیر رسمی بسیار بالا است و در درون شهر تهران هم شاهد حاشیه‌نشینی هستیم و حاشیه‌نشینی وارد محدوده شهر تهران شده است. همچنین در دره اسلام آباد و دره فرحزاد، محله اوقاف، خاک سفید و جنوب شرق تهران و بخشی در منطقه ۱۹ تهران شاهد رشد محدوده حاشیه‌نشینی هستیم.» به گفته معاون وزیر راه و شهرسازی «در استان تهران مساله حاشیه‌نشینی بحرانی‌تر است، در شهری مانند اسلامشهر جمعیت بسیار بالایی اسکان غیررسمی دارند و در تعریف اسکان غیررسمی یکی از معیارها این است که این واحدها سند مالکیت و سکونت رسمی و قانونی ندارند. ساخت و ساز در حاشیه‌نشینی به هنجار و مطابق ضوابط و مقررات شهری نبوده و ساخت و ساز عمدتاً

● معاون وزیر راه و شهرسازی درباره جمعیت حاشیه‌نشین در ایران گفته استان‌های خراسان «رضوی»، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان و تهران وضعیتی بحرانی در رابطه با حاشیه‌نشینی دارند.

● وی گفته در استان‌های شرقی کشور وجه مشترک علت گسترش حاشیه‌نشینی، خشکسالی‌های طولانی بوده که در ۳۰ الی ۴۰ سال گذشته رخ داده است.

● فرشاد مومنی اقتصاددان ماه گذشته اعلام کرد که ۲۵ درصد کل جمعیت کشور، حاشیه‌نشین هستند. بر اساس این آمار جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون نفر در ایران در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند.

● بجز روستاییانی که به علت از بین رفتن کشاورزی به حاشیه شهرها مهاجرت می‌کنند، بخشی از حاشیه‌نشین‌ها نیز جمعیت شهرنشین هستند که به علت افزایش اجاره‌بهای مسکن و درآمدهای ناچیز به ناچار راهی مناطق حاشیه‌ای شده‌اند.



ناپایدار است بنابراین این سازه‌ها با کمترین زلزله آسیب جدی می‌بینند.»

او همچنین توضیح داده که «در استان‌های شرقی کشور وجه مشترک علت گسترش حاشیه‌نشینی، خشکسالی‌های طولانی بوده که در ۳۰ الی ۴۰ سال گذشته رخ داده است. استان‌های خراسان، سیستان و بلوچستان و کرمان تحت تاثیر این خشکسالی قرار گرفتند. علاوه بر این، موضوع جنگ طولانی مدتی که همسایگی ایران در شرق کشورمان و در افغانستان برقرار بود، از عوامل تشدید حاشیه‌نشینی بوده است.»

عبدالرضا گلپایگانی افزوده «عامل دیگر ایجاد و

→ نزدیک به حزب کارگزاران سازندگی گفته «از سال ۱۳۸۴ تا امروز، هر کس گفته که می‌خواهد عدالت اجرا کند، آن را از طریق سیاستهای تورم زا دنبال کرده است. از نظر اندیشه‌ای، کمتر چیزی را به این درجه پوچ و توهمی و پرت و پلا می‌توان یافت. اقتصاد سیاسی تورم می‌گوید تورم ظالمانه‌ترین مالیاتی است که بشر ابداع کرده که شیره جان فقرا را بکشد و به اغنیا تقدیم کند. نابرابرترین و ضدتوسعه‌ای‌ترین و غیرعادلانه‌ترین سیاست، سیاست تورم زا است اما در کشور ما افرادی پیدا می‌شوند که می‌گویند می‌خواهیم از طریق سیاست تورم زا به عدالت برسیم.»

روزنامه «اعتماد» ماه گذشته در گزارشی به بی‌ارزش شدن درآمدهای ایرانیان و اثر آن بر تغذیه و سلامت شهروندان پرداخته بود.

در این گزارش آمده بود که شاخص جهانی گرسنگی (GHI) ابزاری است که از سمت سازمان‌های بین‌المللی برای اندازه‌گیری و بررسی همه‌جانبه گرسنگی در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی طراحی شده است. این شاخص ابعاد متعدد گرسنگی را در طول زمان بررسی می‌کند. هدف GHI افزایش آگاهی و درک مبارزه با گرسنگی، ارائه راهی برای مقایسه سطح گرسنگی بین کشورها، مناطق و جلب توجه به کشورهایی با سطح گرسنگی بالاتر است. نام ایران هم با وجود اینکه دارنده یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز دنیاست در این فهرست دیده می‌شود.

این گزارش افزوده بود «وضعیت ایران طبق نمودار زیر در این شاخص سبز رنگ است. با اینکه این رنگ به معنی وضعیت هشدار یا حالت خیلی خطرناک نیست اما باید توجه داشت که این عدد میانگین جمعیتی است و یعنی جمعیتی از ایرانی‌ها در وضعیت پایین‌تر از این میزان قرار دارند.»

«اعتماد» افزوده بود که مطالعات دیگری نشان می‌دهد که نشانه‌های سوء تغذیه مانند کمبود وزن متوسط، شامل ۶ درصد ایرانی‌ها می‌شود. کمبود وزن خفیف ۲۵ درصد، کوتاهی قد شدید ۳ درصد، کوتاهی قد متوسط ۸ درصد، کوتاهی قد خفیف ۲۱ درصد، لاغری شدید یک درصد، لاغری متوسط ۵ درصد و لاغری خفیف ۲۰ درصد در میان ایرانی‌ها گزارش شده است.

یکی از تازه‌ترین بررسی‌ها در سال ۲۰۲۴ که تأثیر سوء تغذیه بر جمعیت در سنین متفاوت را سنجیده نشان می‌دهد ۱/۲ درصد کودکان زیر ۵ سال به علت سوء تغذیه یا مؤلفه‌های مرتبط به آن می‌میرند. ۴/۱ درصد کودکان بالاتر از ۵ سال، وزن کمی نسبت به قد خود دارند که نشان‌دهنده سوء تغذیه حاد است.

۵/۳ درصد از کودکان ایرانی به علت سوء تغذیه مزمن، کوتاه‌قد هستند و ۶/۵ درصد از ایرانی‌ها کالری مناسبی دریافت نمی‌کنند!

یک پزشک درباره بستری شدن کودکان به علت سابقه سوء تغذیه به شکل مادرزادی یا به شکل عمومی به «اعتماد» گفته «متأسفانه با شروع فصل سرد و مقاومت نداشتن بدن این کودکان به علت بیماری‌های ناشی از سوء تغذیه، تعداد بستری‌ها هم بیشتر می‌شود. البته بارها دیده‌ام که به علت هزینه‌های درمانی، والدین به بیمارستان مراجعه نمی‌کنند و در مراجعه‌های بعدی، کودک با ضعف بیشتری بستری می‌شود.»

در بخش دیگری از گزارش روزنامه «اعتماد» نیز آمده بود که در یکی از جدیدترین گزارش‌های مرکز آمار مربوط به ۱۴۰۳ دی ۱۴۰۳ مشخص شد که ۲۷ درصد ایرانی‌ها با درآمد روزانه دو دلاری زندگی می‌کنند.

معاون وزیر راه و شهرسازی درباره جمعیت حاشیه‌نشین در ایران گفته استان‌های خراسان «رضوی»، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان و تهران وضعیتی بحرانی در رابطه با حاشیه‌نشینی دارند. او خشکسالی و از بین رفتن کشاورزی را از مهمترین عوامل مهاجرت روستاییان به حاشیه‌شهرها عنوان کرده است.

عبدالرضا گلپایگانی مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری و معاون وزارت راه و شهرسازی گفته مسئله محله‌های ناکارآمد ناشی از موضوع اسکان‌های غیررسمی در چند استان وضعیت بحرانی‌تری نسبت به سایر استان‌ها دارد که استان‌های خراسان «رضوی»، سیستان و بلوچستان،

گسترش حاشیه نشینی در شرق کشور، موضوع مود مخدر در این منطقه است و این موضوع سالیان طولانی شرق ایران را ناامن کرده است. عامل دیگر مساله قطع آب هیرمند است که دریاچه هامون را خشک کرده و کشاورزی سیستان و بلوچستان را که در دوره‌ای به انبار غله ایران مشهور بود، تحت تاثیر قرار داده است.»

بر اساس توضیحات معاون وزیر راه و شهرسازی «معیشت مردم در استان‌های شرقی در سه استان خراسان بزرگ، کرمان و سیستان و بلوچستان به ویژه در روستاهای کوچک که مبتنی بر کشاورزی بود با مشکل مواجه شد و تمام این عوامل بر معیشت مردم این استان‌ها اثرگذار بود. در نتیجه بیکاری به مردم این منطقه تحمیل شده و مردم به ناچار برای جستجو زندگی بهتر به شهرهای بزرگ مهاجرت کردند و از آنجایی که شهرهای بزرگ آمادگی برای این حجم از مهاجرت را نداشتند، به ناچار به سمت حاشیه نشینی رفتند.»

وی در پاسخ به این سوال که آیا در حاشیه‌نشینی شرق کشور اتباع افغان هم سکونت دارند، افزوده که «حتما اتباع افغان هم این مناطق حاشیه‌نشین هستند اما آمار دقیقی آن وجود ندارد.»

معاون وزیر راه و شهرسازی تاکید کرده که «باید توجه داشت با تمام این مشکلات، متوسط حاشیه نشینی در ایران نصف متوسط حاشیه نشینی در دنیا است. در دنیا نسبت به کل جمعیت ۱۵ درصد جمعیت حاشیه‌نشین هستند اما این عدد در ایران ۶/۵ تا ۷ درصد است.»

آمار ارائه شده از سوی عبدالرضا گلپایگانی درباره تعداد جمعیت حاشیه‌نشین ایران اما کمتر از آمار است که پیشتر اعلام شده است.

فرشاد مومنی اقتصاددان ماه گذشته اعلام کرد که ۲۵ درصد کل جمعیت کشور، حاشیه‌نشین هستند. بر اساس این آمار جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون نفر در ایران در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند.

این اقتصاددان حکومتی نزدیک به حزب «کارگزاران سازندگی» گفته «می‌توانید از یک سو بگویید که دل مشغولی ارزشها دارید و از سوی دیگر فقر و حاشیه نشینی را گسترش دهید. روندهای وابستگی ذلت آور، به دنیای خارج برای هر یک واحد خلق ارزش افزوده را ببینید! آیا سازمان برنامه ما این شرافت حرفه‌ای را دارد که این موضوع را در قالب یک گزارش منتشر می‌کند تا ببینیم کارنامه عملی ما که این میزان شعار استقلال و نه شرقی و نه غربی می‌دهیم، چه می‌گوید!»

به غیر از جمعیتی که از روستاها و به دلیل از بین رفتن اقتصاد کشاورزی در ایران راهی شهرها می‌شوند تا کار پیدا کرده و هزینه‌های زندگی خود را پوشش دهند، بخشی از حاشیه‌نشین‌ها نیز جمعیت شهرنشین هستند که طی سالهای گذشته به علت افزایش اجاره‌بهای مسکن و درآمدهای ناچیز به ناچار راهی مناطق حاشیه‌ای شده‌اند.

در همین رابطه علی مقدسی‌زاده رئیس هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار خراسان جنوبی درباره روند تعیین رقم حداقل دستمزد سال آینده که مذاکرات آن این روزها در جریان است گفته «با ارقام مطرح شده، امروز کارگران باید به فکر حاشیه‌نشینی و چادرنشینی باشند.»

به گزارش خبرگزاری «ایلنا» علی مقدسی‌زاده تأکید کرده که «حداقل ۴۵ درصد سبد معیشت را مسکن در بر می‌گیرد که متأسفانه با مبلغ حق مسکنی که کارگران دریافت می‌کنند، حتی اگر صد درصد افزایش حق مسکن داشته

باشیم، حتی یک میلیونر بیشتر از سال گذشته نمی‌تواند خانه‌ای اجاره کرد.»

این فعال کارگری افزوده «اگر سبد معیشت ۲۳ میلیونی ملاک باشد، حداقل حقوق کارگران به ۱۴ میلیون خواهد رسید؛ و این یعنی فاجعه.»

محمدصادق معتمدیان استاندار تهران نیز دو روز پیش اعلام کرد که «مهاجرت از سایر استان‌ها، حضور اتباع خارجی غیرقانونی و مهاجرت معکوس از تهران به غرب این استان، چالش‌های جدی را ایجاد کرده است و این موضوع باعث شده که سرانه‌های آموزشی و درمانی در این مناطق پایین‌تر از میانگین استانی و کشوری باشد.»

استاندار تهران توضیح داده که «این مهاجرت‌ها باعث شده تا سرانه‌های آموزشی و درمانی در این مناطق پایین‌تر از میانگین استانی و کشوری باشد؛ به‌ویژه در شهرهای قدس، شهریار و ملارد، سرانه فضای آموزشی و درمانی بسیار پایین است و نیاز به توجه ویژه‌ای برای اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام و ارتقای این سرانه‌ها داریم.»

مرکز آمار ایران نیز اعلام کرده حاشیه نشینی به دلیل بالارفتن هزینه زندگی در تهران رو به افزایش است، رصد میدانی نشان می‌دهد هم اکنون حاشیه نشینی از ۴ درصد به ۵ درصد رسیده است.

بر این اساس قیمت مسکن در اطراف تهران نیز روند فزاینده به خود گرفته است. هر چند که در همین یک سال هم به دلیل ادامه‌ی شدت قیمت مسکن این حاشیه نشینی و ترک شهرنشینی بیشتر هم شد.

روزنامه «شرق» نیز در گزارشی به وضعیت حاشیه‌نشینی که از محلات درون شهرها به این مناطق مهاجرت کرده پرداخته و نوشته یکی از همین خانواده‌ها که تا چند سال قبل جزو قشر متوسط جامعه به حساب می‌آمده، حالا دو سالی است که مهاجرت معکوس کرده و در یکی از فازهای پردیس زندگی می‌کند.

این پدر جوان اینطور توضیح می‌دهد که «ما حدود دو سال و نیم است که اینجا آمدیم، چون ماشین نداریم زندگی خیلی سخت است. مثلا برای خرید از سوپر مارکت باید نیم ساعت پیاده روی کنیم. صبح‌ها وقتی با همسر می‌خواهیم سر کار برویم که خیلی بدتر است چون باید ۴۵ دقیقه پیاده روی کنیم و خودمان را به لب جاده برسانیم تا کسی سوارمان کند.»

او افزوده «البته همه ساکنین که ماشین ندارند مشابه ما هستند. روزهای زمستان و پاییز که بدتر است. داخل خود فاز تا کسی وجود ندارد و باید پیاده رفت و آمد کنیم. اینجا سگ‌های وحشی دارد و برای همین اصلا و تحت هیچ شرایط نمی‌گذاریم پسرمان تنها بیرون برود. از مدرسه هم تعطیل می‌شود مستقیم با سرویس جلوی خانه پیاده می‌شود. از یک طرف هم اینجا هیچ امکاناتی برای بچه ندارد. نه پارکی نه کلاس آموزشی خوبی، هیچ چیز ندارد.»

این پدر جوان همچنین گفته «پسرم افسردگی گرفته. مدام غر می‌زند، حق هم دارد او را آوردیم در منطقه‌ای که تا چشم کار می‌کند بر روی کوه‌ها ساختمان‌های یک شکل ۱۳ طبقه ردیف شده که نه درختی هست نه پارکی. خیلی دوست دارم به تهران برگردم ولی فعلا نمی‌توانم. مدرسه‌ای هم که می‌رود چندان تعریفی ندارد، کیفیت پایین، از طرفی هیچ تفریح خاصی ندارد و این عذاب آور است. حتی نوع معماری ساختمان به شکلی است که همسایه‌ها هم با هم کاری ندارند که مثلا پسرم اینجا چهار تا دوست پیدا کند. فقط کار می‌کنیم تا بتوانیم پول پیش بیشتری جور کنیم و به تهران برگردیم.»

دوباره ۲۵ استان ایران تعطیل شد؛ بحران کمبود انرژی جدی است

● استان‌های تهران، زنجان، خراسان شمالی، همدان، کردستان، کرمان، خراسان «رضوی»، قزوین، اردبیل، آذربایجان شرقی، البرز، فارس، خراسان جنوبی و کرمانشاه، قم، گلستان، اصفهان، آذربایجان غربی، سمنان، گیلان، ایلام، مرکزی نیز با تعطیلی سراسری روبرو شدند.

● امروز دوشنبه ششم اسفندماه از میان ۳۱ استان ایران تنها مدارس و ادارات استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، یزد، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان فعال هستند.

● گزارش شهروندان از تداوم قطع برق در شهرهای مختلف حکایت دارد. گاز نیز در برخی شهرها با آفت فشار روبرو شده و در برخی شهرها نیز قطع می‌شود.

● قطع برق، گاز و گازوئیل واحدهای تولیدی و صنعتی که در سال جاری بطور مستمر صورت گرفته نیز خسارتی سنگین در پی داشته است.

بحران کمبود انرژی بار دیگر ۲۵ استان ایران را از مدارس تا ادارات و بانک‌ها تعطیل کرد. برخی مناطق کشور نیز با قطع گاز و برق روبرو شده‌اند. رئیس دولت معتقد است «چوب جادو» ندارد تا برای حل یا مدیریت ناترازی‌ها اقدامی انجام دهد.

امروز دوشنبه ششم اسفندماه از میان ۳۱ استان ایران تنها مدارس و ادارات استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، یزد، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان فعال هستند در بسیاری از استان‌ها نیز در کنار مدارس و دانشگاه‌ها، همه ادارات نیز تعطیل شده‌اند. از جمله در پایتخت همه ادارات دولتی و حتی غیردولتی تعطیل اعلام شدند.

استاندار تهران با انتشار اطلاعیه‌ای درباره تعطیلی امروز اعلام کرده با توجه به «شرایط نامساعد جوی و بردت هوا» روز دوشنبه ششم اسفند همه ادارات دولتی و غیردولتی و مراکز آموزشی تعطیل خواهد بود.

تعطیلی گسترده در تهران حتی شامل مراکز قضایی نیز شده و بر اساس اعلام معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی قوه قضاییه به علت «تداوم بردت و سردی هوا»، واحدهای قضایی و اداری قوه قضاییه استان تهران در روز دوشنبه تعطیل هستند.

استان‌های زنجان، خراسان شمالی، همدان، کردستان، کرمان، خراسان «رضوی»، قزوین، اردبیل، آذربایجان شرقی، البرز، فارس، خراسان جنوبی، کرمانشاه، قم، گلستان، اصفهان، آذربایجان غربی، سمنان، گیلان، ایلام، مرکزی نیز با تعطیلی سراسری روبرو شدند.

در همه این استان‌ها کلیه مراکز آموزشی از مدارس تا دانشگاه‌ها، ادارات دولتی و غیردولتی، بیمه‌ها و... در تعطیلی اجباری بسر می‌برند و تنها مراکز درمانی و بانک‌های کشیک باز خواهند بود.

همچنین وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده با ←

۹۴۷۵ مگاوات برآورد شده است. طبق این گزارش بطور میانگین اعمال محدودیت‌های برق در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ افزایش قابل توجهی داشته و در مردادماه ۱۴۰۳ این اعمال محدودیت‌ها به حداکثر مقدار خود رسیده است در این گزارش چنین برآورد شده که با توجه به میانگین ۱۳۰۸ ساعت اعمال محدودیت در سال ۱۴۰۳، حدود

جمهوری اسلامی چهار دهه توسعه صنایع نفت و گاز و برق ایران را از اولویت خارج کرده و در نتیجه با وجود اینکه ایران دارنده دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان است، طی سال‌های گذشته تأمین گاز در فصل سرد سال با مشکل روبرو شده است. امسال اما به گفته کارشناسان عدم هماهنگی میان

توجه به تعطیلی مدارس در برخی استان‌های کشور، روز دوشنبه ۶ اسفند مدارس در سراسر کشور غیرحضور و آموزش به شکل مجازی دایر خواهد بود. با اینهمه ناهماهنگی میان ادارات آموزش و پرورش سبب شده که در چندین استان اعلام شود امروز مدارس تعطیل است و آموزش به شکل مجازی هم انجام نخواهد شد!



۲۲ درصد از کل زمان مصرفی صنایع از بین رفته است؛ درحالی‌که این مقدار در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۴ درصد بوده است و در شش ماه ابتدایی سال جاری میزان خسارت ناشی از عدم‌النفج تولید واحدهای صنعتی به بیش از ۴۴ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

بر این اساس میزان برق تحویلی به صنایع در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال قبل ۴۰ درصد کاهش یافته است و این در حالی است که علاوه بر محدودیت‌های اعمال شده، اعمال این محدودیت‌ها در بسیاری از موارد مطابق با زمان‌بندی وزارت نیرو نبوده که این موضوع صنایع را با چالش‌هایی همچون کاهش تولید مواجه کرده است.

قطع گاز و گازوئیل واحدهای تولیدی و صنعتی که از ابتدای پاییز تا کنون بطور مستمر صورت گرفته نیز خسارتی سنگین در پی داشته است.

احمد مهدوی، دبیرکل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی، هفته گذشته اعلام کرد که قطع و محدودیت گاز در سال جاری بیش از ۱/۵ میلیارد دلار خسارت به این صنعت وارد کرده است.

روزنامه «تجارت» نیز در مطلبی نوشته قطع گاز و برق خسارات عمده‌ای به واحدهای تولیدی وارد کرده که یکی از نتایج مستقیم آن، کاهش رشد اقتصادی بود؛ بطوری که رشد اقتصادی کشور پس از تجربه چهار سال رشد‌های بالای ۴ درصد، در بهار سال جاری، ۲/۵ واحد درصد نسبت به فصل مشابه سال قبل کاهش یافته است.

برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز نشان می‌دهد رشد اقتصادی تابستان امسال به دلیل قطعی برق صنایع، روند نزولی رشد صادرات نفتی و تداوم بودجه‌های انقباضی دولت، ۲/۵ درصد بوده است.

وزارتخانه‌ها بحران کمبود سوخت را تشدید کرده است. در همین رابطه آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران گفته هم وزارت نفت و هم وزارت نیرو مقصر وضعیت فعلی کمبود گاز و برق در کشور هستند؛ وزارت نیرو مقصر است، چون کمبود گازوئیل خود را پیگیری نکرد و وزارت نفت هم مقصر است، زیرا مخازن نیروگاه‌ها را سوخت‌گیری نکرد.

در چنین شرایطی اگرچه تعطیلات سراسری کشور سبب کاهش مصرف انرژی می‌شود اما اقدامی صرفاً مسکن‌وار است که در حل بحران کمبود انرژی هیچ تأثیری نخواهد داشت.

جدا از مشکلاتی که تعطیلات سراسری در روند زندگی و آموزش شهروندان ایجاد می‌کند، بحران انرژی خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر را نیز به بخش صنعت و تولید و کشاورزی وارد کرده است.

بر اساس گزارش سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی، عدم‌النفج صنایع مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی ناشی از قطع برق در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که زیان صنایع از قطع برق نسبت به سال پیش ۵ برابر و در مقایسه با سال ۱۴۰۰، هشت برابر شده است.

طبق این گزارش کاهش ارزش تولیدات صنعتی ناشی از قطعی برق صنعت در ماه‌های گرم سال در سال ۱۴۰۰، ۴۰ هزار میلیارد تومان، در سال ۱۴۰۱، ۷۱ هزار میلیارد تومان و در سال ۱۴۰۲، ۱۸۳ هزار میلیارد تومان برآورد شده است که تقریباً هر سال بیش از دو برابر بوده است.

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی نیز به‌تازگی گزارشی منتشر کرده که نشان می‌دهد میزان کسری برق شهرک‌ها و نواحی صنعتی تا پایان خردادماه سال ۱۴۰۳ با بررسی مصرف برق در ۶ ماهه ابتدایی سال جاری معادل

از سوی دیگر گزارش شهروندان از تداوم قطع برق در شهرهای مختلف حکایت دارد. گاز نیز در برخی شهرها با اُفت فشار روبرو شده و در برخی شهرها نیز قطع می‌شود. برای نمونه، بر اساس اطلاعیه شرکت گاز خوزستان امروز دوشنبه ۶ اسفندماه از ساعت ۸ صبح تا ۲۰ گاز در مناطق گسترده‌ای از شهر اهواز قطع خواهد بود.

علت قطع گاز «توسعه شبکه گازرسانی جدید و تعمیرات اضطراری» عنوان شده اما با توجه به افزایش مصرف گاز به علت سرمای هوا به نظر می‌رسد دولت تصمیم گرفته با قطع گاز در شهرهای گرم‌تر از اُفت فشار گاز در مناطق سردسیر جلوگیری کند.

لشکرآباد خیابان‌های انوشه، گلستان، سیاحی، آبیاری، قیصری، سعدونی، تقوی و بلوار گلستان حذفاصل خیابان انوشه تا کیهان و کوچه‌های فرعی این محلات از جمله مناطق شهر اهواز هستند که امروز گاز آنها قطع شده است علت تعطیلی استان‌های مختلف نیز در اطلاعیه‌هایی که از سوی استانداری‌ها و دیگر ارگان‌های حکومتی صادر شده «شرایط نامساعد جوی و برودت هوا» اعلام شده اما سازمان هواشناسی تنها برای سه استان هشدار قرمز اعلام کرده است.

بر اساس اعلام سازمان هواشناسی هشدار سطح قرمز فقط در استان‌های گیلان، جنوب اردبیل، غرب و ارتفاعات مازندران اعلام شده است.

علت اصلی تعطیلات گسترده و سراسری در کشور بحران کمبود انرژی است. در سال‌های گذشته نیز با وجود کاهش دما و بارش برق و باران روند زندگی عادی در کشور در جریان بود و همچنان در دیگر کشورها با هوایی سردتر از حال حاضر ایران نیز تعطیلات سراسری اعلام نمی‌شود!

درباره کتاب «شاهنامه فردوسی؛ خیال یا واقعیت؟»



دو رود (دجله و فرات) و نواحی اطراف آن، مانند فلات ارمنستان، مناطق شمالی سوریه و خطه مرکزی آسیای صغیر- ترکیه امروزی- را مطالعه کنم. علاوه بر آن، تمام متون مذهبی مانند کتب مقدس هندیان و مت‌های عهد عتیق و جدید را با متن‌های پهلوی و متن اوستا و ابیات شاهنامه مقایسه کرده‌ام که به‌واقع پروژه سنگینی بود. به‌خصوص که مهم‌ترین اتفاقی که در این میان افتاده بود دستکاری شدن جغرافیا در طول تاریخ بود چرا که اقوامی که در عصر باستان از سرزمینی به سرزمین دیگر کوچ می‌کردند نام شهر قبلی‌شان را روی شهر جدید بناکرده‌ی خودشان می‌گذاشتند. این عادت اقوام آسیای غربی و اروپای شرقی بود. مثلاً ما چندین بلخ در تاریخ داریم که مشخص نیست کدام بلخ در روایت شاهنامه است. هم در افغانستان و هم در شمال سوریه بلخ را داریم که فاصله پنج هزار کیلومتری با هم دارند. مرو هم همینطور. با توجه به اینکه در تاریخ نزدیک به ما بلخ و مرو مراکز شهری پُرونقی بودند می‌توانیم حدس بزنیم که جغرافیای روایت‌ها از غرب به شرق ایران انتقال یافته است. سرانجام با حذف نظریه‌های دیگر به یک نظریه رسیدیم که با تک ابیات و روایت‌های شاهنامه مطابقت دارد و همه منابع ایرانی هم همان را بیان می‌کنند.

خلاصه اینکه ایران‌شهر و خاستگاه هویت ایرانی در سرزمین بابل بوده است. من بسیار روی این نظریه کار کرده‌ام و به جرأت می‌توانم بگویم که از ارزش علمی برخوردار است. یعنی هیچ متنی را پیدا نمی‌کنیم که با جغرافیای بین‌النهرین هماهنگی نداشته باشد. اتفاقاً مورخان ما مانند طبری و بیرونی و مسعودی و بسیاری دیگر به همین موضوع اشاره کرده بودند و خاستگاه هویت ایرانی را شرق آسیا نمی‌دانستند و آنها هم از بابل یاد می‌کردند ولی هیچکس آنها را جدی نگرفت. دلیل‌اش آن بود که زبان‌شناسان ریشه‌های زبان آریایی را در آسیای مرکزی یعنی تاجیکستان و افغانستان کنونی و ماوراءالنهر و نزدیک دریاچه آرال تعیین می‌کردند.

درست است که از عصر آهن به بعد، یعنی حدود ۶۰۰ سال قبل از شروع حکومت خاندان هخامنشیان آن ←

● دکتر ورشوی، در کتاب شما چه نکته تازه‌ای مطرح شده است؟

-مهم‌ترین نکته کتاب «شاهنامه فردوسی، خیال یا واقعیت؟» درواقع رد نظریه‌ای است که غالباً از سوی حکومت دینی در سالیان اخیر بسیار تبلیغ شده و آن اینکه روایت‌های شاهنامه مشتی افسانه‌های دروغین هستند و تاریخ اساطیری ایران از حقیقت و اعتبار تاریخی بهره‌مند نیست. به همین دلیل است که نظام دینی حاکم چون می‌خواهد اذهان جامعه ایران را در دست بگیرد و داشته‌های خودش را معتبر جلوه دهد و ادعا کند که تنها آنچه در دست آنهاست اعتبار دارد، سعی می‌کند هویت ایرانی را از اعتبار تهی کند و مدعی دروغ و افسانه بودن شاهنامه می‌شود.

برای یافتن اینکه آیا به راستی شاهنامه دروغین و افسانه بوده یا نه، خیلی از محققین پیش از من هم دست به مطالعاتی زده بودند. از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین این شخصیت‌ها می‌توانم از استاد مهرداد بهار یاد کنم. ایشان از اولین افرادی بودند که متوجه شدند بخش مهمی از روایت‌های شاهنامه و اساطیر ایرانی از بین‌النهرین (میان‌رود) آمده و نه از آسیای میانه. اما متأسفانه عمر کوتاهی داشتند و با وجود آثار فوق‌العاده ارزشمندی که از خود بجای گذاشتند زمانه به ایشان فرصت نداد که تحقیقات و پژوهش‌های خودشان را در این زمینه کامل کنند. البته برخی از شاگردان بزرگ ایشان از جمله دکتر ابوالقاسم اسماعیلپور استاد برجسته اسطوره‌شناسی، در اینکه بخش بزرگی از اساطیر و هویت ایرانی برگرفته از میان‌رود است با استاد خود هم‌عقیده هستند.

واقعیت آنست که تمام نشانه‌هایی که این اساتید به آنها دست یافته بودند به صورت علمی و با کمک مطالعات باستان‌شناسی توسط هیچ فردی به اثبات نرسیده بود، زیرا که کار بسیار سنگینی است. برای من که با شور جوانی کار می‌کردم این پروژه ۱۷ سال تمام زندگی مرا تحت تأثیر قرار داد تا بتوانم بسیاری از کتیبه‌ها و الواح باستانی بین‌النهرین و نیز روایت‌های فولکلور یا عامیانه اقوام ساکن در میان

● دکتر ورشوی تحقیقات گسترده‌ای در اثبات این نظریه دارد که هویت ایرانی برخلاف تصور رایج نه ریشه در شرق ایران بلکه در غرب و ماوراءالنهر دارد. او به تازگی کتاب خود را در این زمینه منتشر کرده است. کیهان لندن به همین مناسبت با دکتر ورشوی گفتگو کرده است.

● «ایران‌شهر و خاستگاه هویت ایرانی در سرزمین بابل بوده است. من بسیار روی این نظریه کار کرده‌ام و به جرأت می‌توانم بگویم که از ارزش علمی برخوردار است. یعنی هیچ متنی را پیدا نمی‌کنیم که با جغرافیای بین‌النهرین هماهنگی نداشته باشد. اتفاقاً مورخان ما مانند طبری و بیرونی و مسعودی و بسیاری دیگر به همین موضوع اشاره کرده بودند و خاستگاه هویت ایرانی را شرق آسیا نمی‌دانستند و آنها هم از بابل یاد می‌کردند ولی هیچکس آنها را جدی نگرفت.»

● «اگر توجه کنیم می‌بینیم که در سیاستمداری هم تمرکز مادها و هخامنشیان در بین‌النهرین و خاورمیانه است. تمام پایتخت‌های مهم هخامنشی یعنی بابل، شوش و اکباتان در غرب ایران و بین‌النهرین قرار دارند. به نظر می‌رسد که هخامنشیان آن توجه را به شرق ایران نداشتند هرچند که این مناطق جزو قلمرو آنها بود. اگر خاستگاه هویت ایرانی در آسیای میانه بود حتماً هخامنشیان یک پایتخت مهم در شرق ایران می‌داشتند. اشکانیان هم پایتخت خودشان را در تیسفون قرار دادند و همچنین ساسانیان. بابل در عصر شکوفایی یونانی از رونق افتاد ولی ایرانیان در نزدیک بابل شهر تیسفون را ساختند. ساسانیان هم هیچ پایتختی در شرق ایران نداشتند زیرا آنجا را خاستگاه خود نمی‌دانستند. در منابع زرتشتی هم در مورد سرزمین‌هایی که اهورامزدا آفریده به صراحت از دشت سوریه صحبت می‌شود. در منابع اشکانی هم از سوریه به عنوان بهترین منطقه ایران‌شهر یاد می‌شود.»

دکتر ورشوی تحقیقات گسترده‌ای در اثبات این نظریه دارد که هویت ایرانی برخلاف تصور رایج نه ریشه در شرق ایران بلکه در غرب و ماوراءالنهر دارد. او به تازگی کتاب خود را در این زمینه منتشر کرده است. کیهان لندن به همین مناسبت با دکتر ورشوی گفتگو کرده است.

وقتی تاریخ اساطیری ما مرکز در گهواره تمدن بشری شکل گرفته قاعدتاً شاخ و برگ‌های این تمدن بزرگ در هرجای این جهان از آسیا و اروپا دیده می‌شود. این جمله معروف بین ما که هر چیزی که در فرهنگ‌های دیگر می‌بینیم برگرفته از فرهنگ و تمدن ایرانی است به یک معنا درست است. دلیلش همین است که گفتیم. هویت اصلی ایرانیان که ما هنوز اطلاعات ناقصی در مورد آن داریم و من سعی کرده‌ام اطلاعاتمان را در این زمینه کامل‌تر کنم و چهره حقیقی هویت ایرانی را نشان دهم به همه این شاخ و برگ‌ها مربوط است.

تأثیر دوم این کتاب مقداری جامعه‌شناختی است. این بازخورد زمانی رخ می‌دهد که ایرانیان بدانند وارث تمدن باشکوه بابل، یعنی گهواره تمدن انسانی هستند. وقتی تمدن بابل رو به زوال می‌رفت در کالبد جدید آریایی وارد شد و در قالب زبان و هویت آریایی به حیات خود ادامه داد. یعنی چیزی شبیه تناسخ. خیلی هم نباید نگران اختلاف زبانی بود. از خودم نمونه بیارم که موضوع را روشن کنم. پدر بزرگم فقط ترکی آذری صحبت می‌کرد و فارسی بلد نبود. پدرم هم ترکی آذری و هم فارسی بلد بود ولی من فقط چند کلمه ترکی بلدم و فقط فارسی صحبت می‌کنم. یعنی در طی دو نسل کلاً زبان ما عوض شد درحالی که ما عوض نشده‌ایم و ژنتیک ما نیز تغییر نکرده است. سومری‌ها، اکدی‌ها و بابلی‌ها هم دقیقاً به اینگونه در فرهنگ و زبان آریایی هضم شدند و ما امروز وارث سومریان هستیم. اینها وقتی وارد فرهنگ و زبان آریایی شدند هویت‌شان را در قالب جدید بازسازی کردند.

حالا آگاهی به این موضوع که ایرانی‌ها وارث مهم‌ترین و کهن‌ترین تمدن بشری، بنیانگذار خط و آغازگر دانش هستند به ما اعتماد به نفس می‌دهد. البته من دوست ندارم که این آگاهی ما را به خودکامگی و برتری‌بینی هدایت کند بلکه می‌خواهم این باعث بالا رفتن اعتماد به نفس ملی ما در جهان شود. تحقیقات جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که اگر اعتماد به نفس ملی ما بالاتر برود، مردمانی خواهیم شد زاینده و شریک در پیشبرد تمدن بشری. علم و تکنولوژی تولید می‌کنیم و دست می‌زنیم به آبادانی بجای تخریب در جهان. تخریب را همیشه جوامعی انجام می‌دهند که فکر می‌کنند هیچ چیز در دست‌شان نیست و تنها کاری که می‌توانند انجام دهند تخریب است. از جمله تروریست‌ها که نمی‌توانند چیزی را تولید و معادله‌ای را در علم حل کنند و بجای آن کلاشیکف به دست می‌گیرند و هم‌نوع خودشان را می‌کشند. اگر جامعه‌ای اعتماد به نفس پیدا کند خود را باور می‌کند و می‌گوید «پدران ما توانسته‌اند و ما هم اکنون می‌توانیم». ما باید شرافت و جایگاه شایسته خودمان در پیشرفت بشریت و دنیا پیدا کنیم. ما آدم‌های مفیدی بودیم. اگر در این کارکرد ما در جهان چندین سده وقفه افتاده ولی نباید فراموش کرد که ما در مجموع آدم‌های مفیدی برای جهان بوده‌ایم. پس باید اکنون هم مفید باشیم. برای احترام به همان تاریخ باشکوهی که داشته‌ایم. این نگرش باید در ذهن اقشار تحصیلکرده و پیشروی ما باشد. این تأثیر دوم کتاب است که خودباوری اجتماعی ما را بالا می‌برد. اعتماد به نفس به آدم‌ها می‌دهد. آگاهی از اینکه علاوه بر کوروش بزرگ که نخستین منشور حقوق بشر را صادر کرده است یکی دیگر از نیاکان ما حمورابی است که نخستین کسی بوده که در تاریخ قانون را نوشته به ما اعتماد به نفس بیشتری می‌دهد که احساس کنیم ما هم باید در این جهان سازنده باشیم. ثابت شده است که پیشرفت و سازندگی در جوامعی صورت می‌گیرد که از اعتماد به نفس بالا برخوردارند.

ضمن توصیف این رودها نیز از سرزمین‌هایی مانند سوریه، روم و مصر نام می‌برد. پس این رودها نمی‌توانند در آسیای مرکزی باشند.

مهرداد بهار در زمان ترجمه بندهش متوجه این موضوع شده بود. ایشان در ضمن اولین کسی بود که می‌گفت که ما به صراحت باید بگوییم که جشن نوروز جشن سومریان و بابلی‌هاست. سومریان نخستین قومی بودند که اول بهار را جشن می‌گرفتند و به عنوان سال نو آن را پاس می‌داشتند. احتمالاً هویت ما از سومریان به ما رسیده است. ولی از آنجا که زبان‌شناسان غربی ما را با آسیای میانه مشغول کرده بودند، توجه محققین از اینهمه شواهد موجود و اظهارات منابع ایرانی برگشت.

اسطوره‌شناسان و مورخان ما متأسفانه میثانی‌ها را نادیده گرفته‌اند در حالی که زبان‌شناسان مهم کنونی جهان معتقدند که زبان میثانی‌ها از قدمت بیشتری نسبت به زبان‌های ودایی و سانسکریت، یعنی کهن‌ترین زبان‌های متون هندی، و همچنین نسبت به زبان اوستایی برخوردار است. ظاهراً میثانی‌ها در بین‌النهرین رسم نوشتن را یاد گرفته بودند و این هنر را از طریق فلات ایران به خویشاوندان خودشان در دره پنجاب در شمال غربی هند منتقل کردند.

در این زمان است که دو کانون اصلی آریایی‌ها شکل گرفته است. یعنی میثانی‌ها در بین‌النهرین و آریایی‌های فرهنگ ودایی که در دره پنجاب در شمال غربی شبه‌قاره هند زندگی می‌کردند. ایران کنونی ما مانند پلی بوده است بین این دو کانون و احتمالاً آریایی‌ها از آن زمان بین این دو مرکز پراکنده بوده‌اند.

● تحقیق شما چه چیزی را می‌تواند در واقعیت کنونی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ما تغییر دهد؟

- برای مردم عادی که خیلی مایل نیستند به این مسائل به صورت علمی نگاه کنند، دستاوردهای این کتاب بطور ساده نشان می‌دهند که تاریخ اساطیری آنها واقعیت داشته است. چرا که من در این کتاب نشان داده‌ام که تاریخ بین‌النهرین چگونه با تاریخ اساطیری ایرانیان انطباق پیدا می‌کند. مثلاً اسامی تهمورث یا جمشید در شاهنامه فردوسی در واقع تلفظ‌های آریایی از اسامی بین‌النهرینی هستند. پس مردم عادی می‌توانند به موزه‌های بزرگ جهانی بروند و کتیبه‌ها یا تندیس‌های شخصیت‌های اساطیری و ملی خودشان را به عینه مشاهده کنند. آنها تا کنون امیدوار بودند که به وسیله حفاری‌های باستانشناسی در آسیای مرکزی بالاخره یک نشانه پیدا شود که تعلق به شاهان اساطیری ایران داشته باشد، ولی هیچ چیزی تا حال پیدا نشده. باستانشناسان شوروی و محققان وابسته به مکتب روسی بعد از فروپاشی شوروی هر قدر در آنجا حفاری کردند به هیچ نشانه‌ای برخوردند. این واقعیت برای نسل آینده نوعی ناامیدی به وجود می‌آورد که شاید تاریخ ما یک تاریخ دروغین است و شاهنامه احتمالاً از اعتبار تاریخی ساقط است.

وقتی تاریخ اساطیری ما در عصر مفرغ به طرف غرب می‌رود و در عصر آهن به سوی شرق آسیا نیز انتقال پیدا می‌کند هویت ایرانی بطور مستقیم و غیرمستقیم با اقوام متعددی از شرق آسیا تا اروپا و تمام ساکنین خاورمیانه پیوند می‌خورد. اینجاست که متوجه می‌شویم چرا در برخی آیات و داستان‌های شاهنامه به یکباره پیوندهایی با فرهنگ چین و شرق دور پیدا می‌کنیم و یا بطور ناگهانی در ایرلند باستان-شناسی موردی پیدا می‌کند که به نظر متخصصان تاییدکننده روایت‌های شاهنامه است. این امر روشن می‌کند که چرا مثلاً پیوندهایی بین آیین‌های جشن کریسمس با برخی داستان‌ها و روایت‌های شاهنامه می‌بینیم.

→ نواحی مهم شدند و در مرزهای ایران فرهنگی قرار گرفتند و به هویت ایرانی پیوستند، اما قبل از آن نقشی در تاریخ اساطیری ما ندارند.

● نظریه شما چه نظریه جدیدی را درباره هویت ایرانی مطرح می‌کند که پیش از این مطرح نشده؟

- نظریه من نظریه جدیدی نیست. نظریه من اعتماد کردن به منابع ایرانی است. ایرانیان در مورد نیاکان خودشان متفق‌القول بوده‌اند. واقعیت آنست که زبان آریایی به تنهایی جزء تشکیل‌دهنده هویت ایرانی نیست.

علاوه بر این باید گفت که ما قبل از هخامنشیان و مادها یک امپراتوری آریایی دیگر در بین‌النهرین داشتیم به اسم میثانی و این امپراتوری که باشکوه‌ترین امپراتوری زمان خودش بود حدود ۲۰۰ سال در صدر قدرت بود. بسیار وسیع هم بود؛ از شرق تا غرب خاک ایران کنونی، از غرب تا دریای مدیترانه و تمام سوریه، از جنوب تا مصر، از شمال دربرگیرنده تمام فلات ارمنستان و از شمال غربی تا کوه‌های توروس در شمال شهر ادنا در ترکیه کنونی پیش می‌رفت. میثانی تنها قدرتی بود که توانست آشوری‌ها را تحت استیلای خود درآورد.

در این امپراتوری که هزار سال قبل از حکومت هخامنشی شکل گرفته بود نخستین گام‌ها در پیدایش هویت ایرانی، نه در شرق، بلکه در غرب ایران برداشته شد. میثانی‌ها اولین حکومتی بودند که با زبان آریایی کتیبه نوشتند و به ایزد میترا قسم خوردند که به پیمان‌هایشان وفادار بمانند. ما بسیاری از مولفه‌های هویت ایرانی را در این دوره تاریخی در میثانی‌ها می‌بینیم. مطالعات من نشان می‌دهد که مادها و هخامنشیان خواسته‌اند که از میثانی‌ها پیروی کرده و امپراتوری وسیع آنها را احیاء کنند. اگر توجه کنیم می‌بینیم که در سیاستمداری هم تمرکز مادها و هخامنشیان در بین‌النهرین و خاورمیانه است. تمام پایتخت‌های مهم هخامنشی یعنی بابل، شوش و اکباتان در غرب ایران و بین‌النهرین قرار دارند. به نظر می‌رسد که هخامنشیان آن توجه را به شرق ایران نداشتند هرچند که این مناطق جزو قلمرو آنها بود. اگر خاستگاه هویت ایرانی در آسیای میانه بود حتماً هخامنشیان یک پایتخت مهم در شرق ایران می‌داشتند. اشکانیان هم پایتخت خودشان را در تیسفون قرار دادند و همچنین ساسانیان. بابل در عصر شکوفایی یونانی از رونق افتاد ولی ایرانیان در نزدیک بابل شهر تیسفون را ساختند. ساسانیان هم هیچ پایتختی در شرق ایران نداشتند زیرا آنجا را خاستگاه خود نمی‌دانستند. در منابع زرتشتی هم در مورد سرزمین‌هایی که اهورامزدا آفریده به صراحت از دشت سوریه صحبت می‌شود. در منابع اشکانی هم از سوریه به عنوان بهترین منطقه ایران‌شهر یاد می‌شود.

بسیاری از مورخان ایرانی که آثاری به پهلوی، فارسی، یا عربی از خود برجای گذاشته‌اند بارها اشاره کرده‌اند که خاستگاه هویت ایرانی در غرب ایران قرار دارد.

تأثیر بازکشف این واقعیت‌های تاریخی آنست که اولاً ما به منابع خودمان اعتماد کنیم. مثلاً مسعودی می‌گوید که خاستگاه آریایی‌ها در سوریه است. او واژه آریا را به صراحت می‌آورد. بندهش نیز آشکارا می‌گوید که ایران‌شهر در میان دو رود مقدس، دجله و فرات، قرار داشته که از یک سرچشمه برخوردارند، از شرق و غرب ایران‌شهر را دور می‌زنند، در آخر بهم پیوسته و به دریای آزاد می‌ریزند. ما می‌دانیم که در سراسر آسیای غربی تنها دجله و فرات این خصوصیات را دارند. این کتاب از یکی از این رودها با عنوانی نزدیک به ارونردو نیز نام می‌برد که می‌دانیم نقطه‌ای است که دجله و فرات بهم می‌پیوندند. بندهش

واکنش علی عباسی کارگردان فیلم «کارآموز» به ادعاهای قطع همکاری CAA پس از اتهام تعرض



علی عباسی در کنار بازیگران فیلم «کارآموز»، ماریا باکالوا و سیاستین استن، در بیستمین جشنواره فیلم زوریخ / ۱۲ اکتبر ۲۰۲۴ / رویترز

دارم؛ مرتکب اشتباهی شدم، عذرخواهی کردم و درس ارزشمندی از این تجربه گرفتم. همچنان قدردان تلاش‌های شگفت‌انگیز بازیگران، عوامل و حامیان فیلم خودم «The Apprentice» هستم و امیدوارم تمرکز همچنان بر موفقیت‌های آنان باقی بماند.»

عباسی پیش از این در بیانیه‌ای که به نشریه «Dead-line» ارسال کرده بود، در مورد تغییر شرکت‌های نمایندگی خود گفته بود: «می‌توانم تأیید کنم که تصمیم گرفته‌ام مسیر جدیدی را در حرفه‌ام دنبال کنم. به خاطر تلاش‌های CAA و Entertainment 360، به ویژه تعهدشان به فیلم The Apprentice (کارآموز) که همچنان یکی از پروژه‌هایی است که عمیقاً به آن افتخار می‌کنم، قدردان آنها هستم و بی‌صرانه منتظرم تا در زمان مناسب، گام‌های بعدی خود را اعلام کنم.»

دو تن از بازیگران این فیلم که دوران اولیه فعالیت «دونالد ترامپ» چهارم و پنجمین و چهل و هفتمین رئیس جمهور ایالات متحده را به تصویر می‌کشد، نامزد دریافت جایزه اسکار شده‌اند: بهترین بازیگر نقش اول برای سیاستین استن و بهترین بازیگر نقش مکمل برای جرمی استرانگ.

علی عباسی نیز آخر این هفته نامزد دریافت جایزه «In-dependent Spirit» برای بهترین کارگردان شد.

از دیگر آثار سینمایی عباسی می‌توان به «عنکبوت مقدس» (۲۰۲۲)، «مرز» (۲۰۱۸) و «شلی» (۲۰۱۶) اشاره کرد. او همچنین کارگردانی دو قسمت پایانی فصل اول سریال «The Last of Us» (آخرین ما) را که از شبکه تلویزیونی HBO پخش می‌شود، بر عهده داشته است.

فیلم «کارآموز» با مشکلات حقوقی متعددی از سوی وکلای ترامپ مواجه شده که تلاش کرده‌اند مانع از اکران آن شوند. با وجود این، فیلم که سیاستین استن را در نقش ترامپ و جرمی استرانگ را در نقش روی کوهن ←

احوالپرسی کردم. این حرکت را کاملاً به عنوان شوخی و بدون هیچ قصد و نیت جنسی انجام دادم.» وی ادامه داد: «خیلی زود متوجه شدم که اشتباه کردم. همان لحظه از او عذرخواهی کردم و روز بعد نیز اطمینان پیدا کردم که عذرخواهی من از طریق نمایندگانم به او منتقل شود.»

با این حال نشریه «Deadline» روز جمعه، ۲۱ فوریه، گزارش داد که عباسی پس از این اتفاق، در حالی که ظاهراً تحت تأثیر الکل بوده، از «CAA» و «Entertainment 360» جدا شده است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که عملی ناپسند در پشت صحنه در این میان رخ داده که یادآور اتهاماتی است که اتفاقاً به موضوع فیلم عباسی که مربوط دونالد ترامپ جوان است، وارد شده. این واقعه در جشن پس از مراسم گلدن گلوب آژانس CAA رخ داد؛ جایی که منابع می‌گویند عباسی در حالی که تحت تأثیر مشروب بوده در ارتباط با یک بازیگر برجسته که توسط آژانس CAA نمایندگی می‌شود، رفتار نامناسبی از خود نشان داده است.

منابع به «Deadline» گفته‌اند که پس از این حادثه، آژانس از این کارگردان خواسته تا از بازیگر مربوطه عذرخواهی کند و مسئولیت رفتار خود را بپذیرد.

در عین حال برخی دیگر که به فیلمساز نزدیک هستند گفته‌اند که CAA به صراحت به او توصیه کرده که برای پوزش مستقیماً با آن بازیگر تماس بگیرد.

علی عباسی در بیانیه‌ای گفت: «ادعای اینکه به دلیل این اتفاق نمایندگی خود را از دست داده‌ام، نادرست است. تصمیم من برای قطع همکاری با این آژانس‌ها یک تصمیم حرفه‌ای بلندمدت بود که تحت تأثیر مسائل کوتاه‌مدت قرار نداشت.»

وی اضافه کرد: «من به پذیرش مسئولیت رفتار خود باور

● علی عباسی کارگردان فیلم «کارآموز» که درباره دوران جوانی زندگی ترامپ است، پس از متهم شدن به تعرض به یک بازیگر سرشناس، که گفته می‌شود به جدایی او از آژانس‌های قدرتمند استعدادیابی «CAA» (آژانس هنرمندان خلاق) و «Entertainment 360» منجر شده است، واکنش نشان داد.

● این فیلمساز ایرانی-دائلمارکی ۴۴ ساله در بیانیه‌ای که روز شنبه ۲۲ فوریه منتشر شد، تأکید کرد که این اتفاق و جدایی حرفه‌ای او از این شرکت‌ها هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند. او در اظهاراتش به نشریه «People» گفته: «کاملاً درک می‌کنم صرف نظر از نیت من، رفتار من باعث ناراحتی فردی شده که بابت آن واقعاً متأسفم.»

علی عباسی کارگردان فیلم «کارآموز» که درباره دوران جوانی زندگی ترامپ است، پس از متهم شدن به تعرض به یک بازیگر سرشناس، که گفته می‌شود به جدایی او از آژانس‌های قدرتمند استعدادیابی «CAA» (آژانس هنرمندان خلاق) و «Entertainment 360» منجر شده است، واکنش نشان داد.

این فیلمساز ایرانی-دائلمارکی ۴۴ ساله در بیانیه‌ای که روز شنبه ۲۲ فوریه منتشر شد، تأکید کرد که این اتفاق و جدایی حرفه‌ای او از این شرکت‌ها هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند. او در اظهاراتش به نشریه «People» گفته: «کاملاً درک می‌کنم صرف نظر از نیت من، رفتار من باعث ناراحتی فردی شده که بابت آن واقعاً متأسفم.»

عباسی افزوده: «من بارها با این شخص وقت گذرانده بودم و دلیل داشتم که فکر کنم رابطه‌ای دوستانه میان ما برقرار است.»

او در توضیح این اتفاق گفت: «وقتی او را در مهمانی گلدن گلوب دیدم، از دیدارش خوشحال شدم و با حرکتی بیش از حد صمیمانه، با ضرب‌های دوستانه به پشتش با او

سرقت ۱/۵ میلیون دلار اتریوم از صرافی «بای بیت»؛ هکرها مرتبط با رژیم کره شمالی بودند



هکری تحت حمایت دولت کره شمالی شناخته می‌شود، سابقه حملات گسترده به پلتفرم‌های کریپتویی را در کارنامه دارد. این گروه تا کنون در چندین هک بزرگ، از جمله حمله Axie Infinity و Horizon Bridge نقش داشته و میلیاردها دلار از صنعت کریپتو به سرقت برده است. پس از این حمله، صرافی Bybit تأیید کرد که تمامی کیف پول‌های دیگر این پلتفرم ایمن هستند و برداشت کاربران همچنان در دسترس است. با این حال، بازار به این خبر واکنش نشان داد و قیمت اتریوم بیش از سه درصد کاهش یافت. با این حمله کارشناسان و تحلیلگران امنیتی بار دیگر اهمیت مقابله با حملات سایبری در دنیای ارزهای دیجیتال به ویژه عملاتی را که رژیم‌های بدخیم از آنها پشتیبانی می‌کنند هشدار دادند. آنها می‌گویند این حملات زنگ خطری برای تمامی کاربران و پلتفرم‌های فعال در این حوزه محسوب می‌شود.

● گروه هکری لازاروس (Lazarus) که به رژیم کره شمالی وابسته است، پس از هک حساب صرافی Bybit حدود ۱/۵ میلیارد دلار دارایی دیجیتال آن را به سرقت برده است. هکرها که وابسته به رژیم کره شمالی هستند، توانستند با نفوذ به کیف پول‌های Bybit، دارایی‌ها را به چندین آدرس مختلف منتقل کنند.

گروه هکری لازاروس (Lazarus) که به رژیم کره شمالی وابسته است، پس از هک حساب صرافی Bybit حدود ۱/۵ میلیارد دلار دارایی دیجیتال آن را به سرقت برده است. پایگاه خبری «کریپتو اسلیت» ۲۱ فوریه (سوم اسفندماه) گزارش داد این حمله، که یکی از بزرگترین سرقت‌های کریپتویی تاریخ محسوب می‌شود، باعث از دست رفتن حجم قابل توجهی از ارزهای دیجیتال شد. هکرها توانستند با نفوذ به کیف پول‌های Bybit، دارایی‌ها را به چندین آدرس مختلف منتقل کنند. گروه لازاروس که به عنوان یک شبکه

استراتژیست برجسته حزب جمهوریخواه به تصویر می‌کشد، عمدتاً نقدهای مثبتی دریافت کرده است. با این حال، این فیلم که به دوران اشتغال دونالد ترامپ در خرید و فروش و معاملات املاک می‌پردازد، به موضوعی بحث برانگیز تبدیل شده به ویژه پس از آنکه ترامپ شخصاً آن را محکوم کرد.

این فیلم شامل صحنه‌های جنجالی متعددی نیز هست از جمله صحنه‌ای که ترامپ همسر وقت خود، ایوانا ترامپ را مورد تعرض قرار می‌دهد و صحنه‌ای که او تحت عمل جراحی لیپوساکشن و کاشت مو برای پوشاندن طاسی خود قرار می‌گیرد.

ترامپ در شبکه اجتماعی خودش «Truth Social» این فیلم را «جعلی» و «بی‌کیفیت» توصیف کرده و نوشته: «امیدوارم که این فیلم شکست بخورد.»

او همچنین گفته: «این فیلم یک حمله زشت، کذب و سیاسی است که درست پیش از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ منتشر شده تا بزرگترین جنبش سیاسی تاریخ کشورمان را تضعیف کند.»

در همین حال، علی عباسی در مصاحبه‌ای فاش کرد که در مقطعی قصد داشته «نقش ترامپ را به یک بازیگر زن بسپارد.»

او در یک نمایش ویژه فیلم در واشنگتن دی‌سی گفت: «مدتی قبل از آنکه با سیاستین صحبت کنم، این ایده را داشتم که شاید بهتر باشد نقش ترامپ را یک زن بازی کند، چون زبان بدن او کمی نامتعارف و عجیب است و من می‌خواستم این ویژگی را برجسته کنم. ما این ایده را آزمایش کردیم.»

او در گفتگو با «دیلی میل» از افشای نام بازیگرانی که برای این نقش در نظر داشته خودداری کرده، اما تأیید کرد که از کیت بلانشت مشاوره گرفته زیرا او در نقش باب دیلان عملکرد درخشانی داشته است. عباسی در نهایت از این ایده صرف نظر کرد، زیرا معتقد بود که این انتخاب می‌توانست «بیش از حد نمایشی و غیرواقع‌گرا» به نظر برسد. در این میان، هنوز بطور دقیق مشخص نیست که در قضیه اخیر علی عباسی و شرکت‌هایی که با آنها کار می‌کرده، چه کسی از دیگری جدا شده است. اما این جدایی در تاریخ ۲۷ ژانویه ۲۰۲۴ اتفاق افتاده است. در حال حاضر تأیید شده که فعالیت‌های سینمایی عباسی اکنون به صورت انحصاری تحت نمایندگی مؤسسه LARK در بریتانیا قرار دارد.

این فیلمساز دیگر با شرکت روابط عمومی «The Lede Company» نیز همکاری ندارد، هرچند به نظر می‌رسد که قرارداد او صرفاً پس از انتشار فیلم «کارآموز» منقضی شده است. این اثر سینمایی، نامزدی جایزه اسکار را برای سیاستین استن در نقش دونالد ترامپ جوان و جرمی استرانگ در نقش روی کوهن وکیل بحث‌برانگیزی که به مربی و راهنمای این سوداگر جوان دنیای املاک بدل شد، به همراه داشته است. همچنین به «Deadline» گفته شده که علی عباسی با مؤسسه حقوقی «Granderson Des Rochers» نیز دیگر همکاری ندارد. اما منابع نزدیک به این فیلمساز تأکید کرده‌اند که این جدایی ارتباطی با موضوعات اخیر ندارد. این مؤسسه حقوقی تا کنون به درخواست این نشریه برای اظهار نظر پاسخی نداده است.

با وجود کوشش عباسی برای کم اهمیت جلوه دادن این ماجرا، نشریه «Deadline» روز جمعه، ۲۱ فوریه، بنا بر ادعای منابع، گزارش داد که او پس از آنکه در حال مستی یک بازیگر را مورد تعرض قرار داده، همکاری خود را با آژانس‌های «CAA» و «Entertainment 360» قطع کرده

کرد.

«عنکبوت مقدس» بر اساس ماجرای واقعی سعید حنایی قاتل زنجیره‌ای معروف ایرانی ساخته شده است؛ فردی که در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ در مشهد، ۱۶ زن عمدتاً از میان کارگران جنسی را به قتل رساند. این فیلم در قالب داستانی تخیلی، روایتگر تلاش یک روزنامه‌نگار زن برای تحقیق و افشای جنایات این قاتل است.

این اثر در جشنواره فیلم کن ۲۰۲۲ برای دریافت «نخل طلایی» به رقابت گذاشته شد و نخستین نمایش جهانی آن در ۲۲ مه ۲۰۲۲ برگزار شد. اجرای درخشان زر امیرابراهیمی در این فیلم، جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره کن را برای او به ارمغان آورد.

*منبع: دیلی میل

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

علی عباسی در سال ۱۹۸۱ در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی‌تکنیک تهران) آغاز کرد، اما در سال ۲۰۰۲ به سوئد مهاجرت نمود تا در رشته معماری ادامه تحصیل دهد.

عباسی سپس به مؤسسه سلطنتی فناوری سوئد (KTH Royal Institute of Technology) راه یافت و در نهایت، مسیر خود را در سینما با تحصیل در مدرسه ملی فیلم دانمارک (National Film School of Denmark) ادامه داد.

سومین فیلم بلند عباسی، «عنکبوت مقدس» (Holy Spi-der) در سال ۲۰۲۲ به نمایش درآمد. این فیلم که به زبان فارسی ساخته شده، محصول مشترک سوئد، دانمارک، فرانسه و آلمان است که توجهات بین‌المللی بسیاری را به خود جلب

داستانی عاشقانه... و سفر به ایران

از همان نخستین سفرم مجذوب مردم ایران شدم. این یک داستان عاشقانه است که با یک نفر شروع و در نهایت ختم به یک کشور، فرهنگ و مردمانش شد.»

وی می‌گوید: «در پروژه عکاسی از ایرانیان می‌خواستم تصویری از ایران ارائه دهم که متفاوت از آنچه باشد که در رسانه‌های غربی نمایش داده می‌شود. وقتی به ایران سفر کردم اغلب مردم از من می‌پرسیدند آیا روزنامه‌نگار هستم و من تأکید می‌کردم که من یک هنرمند عکاس هستم.



الکساندر آرمینجون

فکر می‌کنم به همین دلیل که روزنامه‌نگار نبودم آنها به من اعتماد کردند و اجازه دادند که از آنها عکس بگیرم. احساس کردم در بین مردم ایران نوعی بی‌اعتمادی نسبت به روزنامه‌نگاران غربی وجود دارد و از نحوه نمایش خودشان در رسانه‌های غربی راضی نیستند.»

الکساندر آرمینجون تأکید می‌کند: «درواقع، سه کلمه کلیدی برای درک پرتنه‌های ایرانی من وجود دارد: صداقت، سادگی و برادری؛ صداقت به این دلیل که سعی کردم در عکس‌هایم تصویری از تمام طبقات اجتماعی ایران ارائه دهم. از ثروتمندترین افراد تا فقیرترین، از سنتی‌ترین افراد تا مدرن‌ترین... از کلانشهرها تا مناطق دورافتاده. برای من مهم‌ترین چیز این است که به همه اقشار جامعه به یک میزان از احترام و کرامت نگاه کنم. در تجربه سفرهایم احساس کردم که جامعه ایران از دو بخش سنتی و مدرن تشکیل شده که با هم در مرادده است و به همین دلیل تلاش کردم تا از همه اقشار مختلف جامعه عکاسی کنم؛ از زنان بدون حجاب تا روحانیون... از مردم مشهد تا ایرانیان مقیم لس‌آنجلس. برای من، سیاست مهم نیست، بلکه بُعد انسانی است که اهمیت دارد. من اینجا هستم تا بگویم، نگاه کنید، این مردم ایران از دریچه دوربین من هستند. در عکاسی خیابانی، اصطلاحی وجود دارد که از هانری کارتیه برسون آمده: «عکاسی دزدکی»، یعنی اینکه مخفیانه عکسی بگیرید و در بری. اما من هیچوقت این کار را نکردم و همه عکس‌هایم را با کسب اجازه از خود مردم گرفته‌ام.

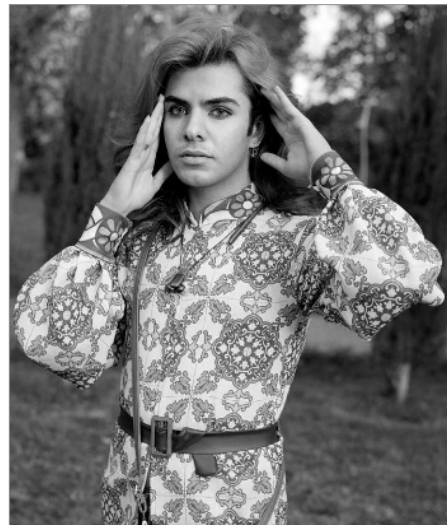
الکساندر آرمینجون در مورد پروژه‌ی عکاسی از ایرانیان مقیم لس‌آنجلس می‌گوید: «این سفر به توصیه ←

شده است. الکساندر آرمینجون از سیزده سالگی شروع به عکاسی کرده است. او به روش سنتی و با دوربین آنالوگ عکس می‌گیرد. عکس‌هایش سیاه و سفید هستند و خودش آنها را ظاهر می‌کند. این هنرمند به نقاط مختلف دنیا سفر کرده و از شانگهای تا بیابان‌های آتاکاما عکاسی کرده است. اما تا پیش از سفر به ایران هیچ تجربه‌ای در زمینه عکاسی پرتنه نداشته و اولین تجربه‌ی او در سفر به ایران اتفاق می‌افتد.



حوالی کویر لوت / ۲۰۲۲

الکساندر آرمینجون در پی داستانی عاشقانه در سال ۲۰۱۷ به ایران سفر می‌کند و به گفته خود او در این سفر شیفته ایران، فرهنگ و مردم آن می‌شود. پروژه عکاسی او از ایرانیان از سال ۲۰۱۷ شروع و تقریباً شش سال به طول می‌انجامد. او به بیشتر شهرها و روستاهای ایران سفر کرده



تهران / ۲۰۲۲

و از مردم عکاسی کرده است. الکساندر آرمینجون در مورد تجربه سفر به ایران و عکاسی از مردم می‌گوید: «من سه بار به ایران سفر کردم و

● نمایشگاه عکس «از تهران تا لس‌آنجلس» از ششم ماه فوریه تا یکم مارس ۲۰۲۵ در گالری «ایتک» در پاریس برپاست. این نمایشگاه شامل عکس‌هایی از الکساندر آرمینجون عکاس فرانسوی- سوئیسی است که از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳ از ایرانیان در ایران و لس‌آنجلس گرفته شده است.

● «در پروژه عکاسی از ایرانیان می‌خواستم تصویری از ایران ارائه دهم که متفاوت از آنچه باشد که در رسانه‌های



جزیره قشم / ۲۰۲۲

غربی نمایش داده می‌شود. وقتی به ایران سفر کردم اغلب مردم از من می‌پرسیدند آیا روزنامه‌نگار هستم و من تأکید می‌کردم که من یک هنرمند عکاس هستم. فکر می‌کنم به همین دلیل که روزنامه‌نگار نبودم آنها به من اعتماد کردند و اجازه دادند که از آنها عکس بگیرم. احساس کردم در بین مردم ایران نوعی بی‌اعتمادی نسبت به روزنامه‌نگاران غربی وجود دارد و از نحوه نمایش خودشان در رسانه‌های غربی راضی نیستند.»

● «هدف من این بود که تصویری متحد از مردم ایران ارائه دهم. عکس گرفتن در لس‌آنجلس با کردستان ایران کاملاً متفاوت بود. حتی روش‌های عکاسی هم فرق داشت اما نتیجه نهایی یکسان بود، زیرا من از یک ملت عکاسی کردم: «ملت ایران». من همیشه گفته‌ام که شناختن دنیای ایرانیان برای من یک افتخار بوده، زیرا ایران فقط یک کشور نیست چیزی فراتر از یک کشور است؛ یک جهان است. با هویتی که همیشه در طول تاریخ آن را حفظ کرده است. با وجود تمام تأثیرات خارجی حتی ایرانیان لس‌آنجلس نیز هویت ایرانی خود را حفظ کرده‌اند. این را هم فهمیدم که در پشت اختلافات سیاسی یک چیز برای ایرانیان بسیار مهم است: آنها فارغ از اختلافات به سنت، فرهنگ و هویت ایرانی متصل و وابسته هستند و این برای من بسیار زیباست.»

کتابیون حلاجان - نمایشگاه عکس «از تهران تا لس‌آنجلس» از ششم ماه فوریه تا یکم مارس ۲۰۲۵ در گالری «ایتک» در پاریس برپاست. این نمایشگاه شامل عکس‌هایی از الکساندر آرمینجون عکاس فرانسوی- سوئیسی است که از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳ از ایرانیان در ایران و لس‌آنجلس گرفته

«فستیوال در امتداد صداها» در پاریس با گروه «تریو»

اسپانیایی و همچنین آوا لی Awa Ly خواننده و آهنگساز سنگالی مهمانان گروه «تریو» بودند.

آرشید آذین با اشاره به اینکه «فستیوال در امتداد صداها» با هدف دعوت از صداهای مختلف در دنیا برگزار می‌شود، گفت: «گروه ما برای دومین بار است که در این فستیوال شرکت می‌کند. بار اول با همراهی ماکان اشکوری خواننده

چندی پیش گروه «تریو» در «فستیوال در امتداد صداها» در پاریس به روی صحنه رفت.

کتایون حلاجان - آرشید آذین آهنگساز، نوازنده، شاعر و همچنین پزشک پرتوشناس قلب و عروق در شهر پاریس زندگی می‌کند. وی در سال ۲۰۱۳ گروه موسیقی جاز ایرانی



و موزیسین ساکن ایران در این فستیوال برنامه اجرا کردیم و بار دوم تصمیم گرفتیم از دو خواننده غیرفارسی‌زبان استفاده کنیم. بجز حبیب مفتاح بوشهری که از اعضای گروه تریو است، دو خواننده زن، آوا لی از کشور سنگال که به تازگی آلبوم جدید خود را منتشر کرده و همچنین نوریا روویرا صلت خواننده و رقصنده اسپانیایی ما را در این شب همراهی کردند.»

«تریو» را در همین شهر راه انداخت. در این سالها آلبوم‌های Persian Sketches ، Djan 7 ، Sing Me A Song ، Vorticity ، از این گروه منتشر شده است . آرشید آذین از آغاز فعالیت گروه «تریو» میزبان موزیسین‌ها و خوانندگان بسیاری از ایران و دیگر کشورها بوده است. امروز گروه «تریو» متشکل از حبیب مفتاح بوشهری خواننده و نوازنده ایرانی، هروه دو راتولد Hervé de Ratuld خواننده



در «فستیوال در امتداد صداها» چند آهنگ از آلبوم جدید گروه «تریو» با نام Vorticity که بر اساس گردش خون در بدن و با الهام از اتفاقات سالهای اخیر در ایران ساخته شده، برای اولین بار به روی صحنه اجرا شد.

و موزیسین فرانسوی و آرشید آذین است. روز ۱۰ فوریه ۲۰۲۵ گروه «تریو» در «فستیوال در امتداد صداها» در پاریس به روی صحنه رفت. در این اجرا نوریا روویرا صلت Núria Rovirat Salat رقصنده و خواننده

سباستین شروه پشیتیان گالری من که پنج سال پیش در پاریس تاسیس کردم انجام شد. او به من گفت چرا از ایرانیان که خارج از ایران زندگی می‌کنند عکاسی نمی‌کنی و من می‌دانستم که جامعه بزرگی از ایرانیان در لس‌آنجلس زندگی می‌کنند تا جایی که لقب تهرانجلس به آن شهر داده‌اند. به همین دلیل برایم جالب بود که به آنجا سفر کنم و این را هم می‌دانستم که تعداد کمی از ایرانیان جامعه ایرانیان لس‌آنجلس را مسخره می‌کنند! اما سفر من به این شهر مرا شگفت‌زده کرد.»

این هنرمند عکاس ادامه می‌دهد: «ایرانیان متفاوتی را در لس‌آنجلس دیدم از کسانی که نوروز را جشن می‌گرفتند تا کسانی که مراسم عاشورا برگزار می‌کردند... از زنانی



جنوب تهران / ۲۰۲۲

که با حجاب مراسم عاشورا می‌گرفتند تا ورودی مسجدی که به آن پوستر «زن، زندگی، آزادی» نصب شده بود. یک تناقض باورنکردنی و شگفت‌انگیز! اما آنچه نظر مرا را جلب کرد، وابستگی تمام ایرانیان به ایران بود. آنها از صمیم قلب کشورشان را دوست داشتند و به آن وابسته بودند. و این به نظر من خارق‌العاده است. فکر می‌کنم که تمسخر و قضاوت بعضی از ایرانیان در مورد «تهرانجلس» منصفانه نیست. به نظر من ایرانیان لس‌آنجلس هم بخشی از مردم ایران هستند. حداقل ۸۰ درصدشان نمی‌توانند به ایران بازگردند. با این حال ایران را در قلب خود دارند. بنابراین نمی‌توان درباره مردم ایران صحبت کرد و از ایرانیان خارج از ایران صحبت نکرد. از نظر من به عنوان یک خارجی این بخشی از تعادل ملیت ایرانی است.

الکساندر آرمینجون در پایان می‌گوید: «هدف من این بود که تصویری متحد از مردم ایران ارائه دهم. عکس گرفتن در لس‌آنجلس با کردستان ایران کاملاً متفاوت بود. حتی روش‌های عکاسی هم فرق داشت اما نتیجه نهایی یکسان بود، زیرا من از یک ملت عکاسی کردم: «ملت ایران». من همیشه گفته‌ام که شناختن دنیای ایرانیان برای من یک افتخار بوده، زیرا ایران فقط یک کشور نیست چیزی فراتر از یک کشور است؛ یک جهان است. با هویتی که همیشه در طول تاریخ آن را حفظ کرده است. با وجود تمام تأثیرات خارجی حتی ایرانیان لس‌آنجلس نیز هویت ایرانی خود را حفظ کرده‌اند. این را هم فهمیدم که در پشت اختلافات سیاسی یک چیز برای ایرانیان بسیار مهم است: آنها فارغ از اختلافات به سنت، فرهنگ و هویت ایرانی متصل و وابسته هستند و این برای من بسیار زیباست.»

برخی پرستاران در ایران به دلیل حقوق ناکافی در اتومبیل زندگی می‌کنند

۱۵ نفر باید خدمت‌رسانی کند، این فشار ترکیبی شرایط معیشتی با حقوق کمتر از ۱۵ میلیون تومان و شرایط کاری سخت، بحران بیشتری باری این قشر ایجاد می‌کند و به مهاجرت یا تغییر شغل فکر می‌کند. این درحالی است که در همین کشورهای خاورمیانه پرستاران با حقوق ۲ هزار دلاری کار می‌کنند و این درحالی است که حقوق پرستار ایرانی با شیف اضافه کاری به ۲۰۰ دلار هم نمی‌رسد.

محمد شریفی مقدم در بخش دیگری از سخنان خود به خانه‌نشین شدن خودخواسته ده‌ها هزار پرستار اشاره کرده و گفته «با وجود اینکه در استان تهران و برخی استان‌های محروم با کمبود جدی پرستار مواجه هستیم، بیش از ۵۰ هزار نفر از پرستاران که عمدتاً زن هستند، در خانه نشستند و این در حالی است که سالها برای آموزش آنها از بودجه کشور هزینه شده و مسئولان نیز نسبت به موضوع بیکاری بانوان نگرانی دارند! این پرستاران ترجیح می‌دهند با حقوق ۱۴ میلیون تومانی اصلاً به سر کار نروند زیرا محاسبه اندکی نسبت به هزینه‌های زندگی و سختی و پرتنشی کار نشان می‌دهد که ورود به این شغل در ایران منطقی نیست.»

پرستاران از ۱۳ امرداد امسال نیز اعتصابی سراسری را پیش بردند که در بیش از ۵۰ بیمارستان دولتی و در بیش از ۱۲ استان کشور گسترش یافت.

با گسترده شدن اعتصاب سراسری پرستاران و اختلال در فعالیت بیمارستان‌های دولتی، محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت دولت مسعود پزشکیان وعده حل مشکلات پرستاران داد. او در ابتدا اعلام کرده بود که «مشکل انباشت مطالبات جامعه پرستاری ظرف دو هفته آینده برطرف می‌شود» اما یک روز بعد از این وعده عقب‌نشینی کرده و گفت: «انتظارات مالی پرستاران را در حد توان کشور پیگیری می‌کنم.»

او با اینکه نخست وعده حل مشکلات طی «دو هفته» را داده بود، در اظهارت جدید خود گفت «برای ارتقای جایگاه هویتی و حرفه‌ای پرستاران گفتگوهایی را با رئیس جمهور و اعضای دولت، آغاز کرده‌ام.»

همزمان علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی موافقت کرد که دولت پزشکیان با برداشت از منابع صندوق توسعه ملی بخشی از مشکلات حاد در رابطه با خواست پرستاران را در کنار حل مشکل کمبود دارو و... حل کند.

وزارت بهداشت در اقدامی عجیب رقم حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان به حساب پرستاران واریز کرد. واریز این رقم ناچیز و تحقیرآمیز با واکنش پرستاران روبرو شد.

پرستاران با گذشت ماه‌ها همچنان در انتظار پرداخت شدن معوقات مزدی هستند که وزیر بهداشت دولت پزشکیان وعده آن را داده بود!

آنها در آبان‌ماه امسال و همزمان با روز پرستار در ایران نیز کمپینی اعتراضی با عنوان «کمپین روبان مشکلی» را برگزار کردند و با بستن روبان مشکلی به بازوهای خود به مقامات وزارت بهداشت هشدار دادند که معوقات آنها را پرداخت کند.

دولت پزشکیان نه تنها در عمل به وعده‌های خود به پرستاران کوتاهی کرده بلکه ده‌ها پرستار را با تعلیق از محل کار و تشکیل پرونده‌های امنیتی و قضایی سرکوب کرده تا به این شکل از تداوم اعتراضات سراسری و همزمان پرستاران جلوگیری کند.



او افزوده «علت آمار بالای مهاجرت از این شغل به مشاغل دیگر یا مهاجرت به‌عنوان پرستار به کشور دیگر، ناامیدی جامعه پرستاری از اصلاحات مربوط به مدیریت منابع انسانی این بخش و اصلاح اساسی نظام تعرفه‌بندی خدمات و معیشت خویش است.»

محمد شریفی مقدم با اشاره به اینکه آمار دقیق میزان خروجی‌ها از بخش پرستاری کشور مشخص نیست گفته «آمار در اینباره اعلام نمی‌شود. وقتی هم ما بنابر مشاهدات تجربی و میدانی از رشد این موضوع در جامعه پرستاری سخن می‌گوییم، مسئولان فوراً جبهه‌گیری می‌کنند و می‌گویند این ادعاها با چه آماری مطرح می‌شود؟»

این فعال صنفی حقوق پرستاران همچنین با تأکید بر مشکلات اقتصادی پرستاران به دلیل دستمزد ناچیز و عدم پرداخت معوقات شغلی گفته «برخی از پرستاران در تهران، فاقد مسکن هستند و برای آنکه کرایه خانه ندهند، چند شیفت کار می‌کنند و در ساعات استراحت در خودروی شخصی می‌خوابند.»

او همچنین تأکید کرده که «بیمارستان‌های ما از دولتی و دانشگاهی تا تامین اجتماعی امروزه با مشکل حاد کمبود پرستار مواجه است و این کمبود مانند سایر نارتازیه‌ها و کمبودهای کشور عمل نمی‌کند، بلکه بخاطر این کمبود جان انسان‌ها از دست می‌رود.»

به گفته محمد شریفی مقدم سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده اگر از نرخ کف و زیر حد استاندارد ۳ پرستار به ازای هر هزار نفر جمعیت کمتر باشد، با مرگ و میر بیشتر بیماران مواجه خواهیم بود: «این درحالی است که طی سال‌های اخیر ما در این نرخ زیر استاندارد رکورد زدیم و به ازای هر هزار نفر جمعیت، کمتر از ۱.۵ نفر پرستار داریم؛ این یعنی اگر پرستاران فعلی ما حتی اگر خود را در محیط بیمارستانی به آب و آتش هم بزنند، نمی‌توانند حداقل استانداردهای سازمان بهداشت جهانی را در خدمات پرستاری تأمین کنند.»

دبیرکل خانه پرستار همچنین گفته «وقتی پرستاری در بخش اورژانس و فوریت‌ها به‌جای پرستاری از ۴ بیمار به

● خبرگزاری «ایلنا» امروز شنبه چهارم اسفندماه گزارش داده که از ابتدای امسال تا پایان بهمن‌ماه دست‌کم ۵۰ مورد تجمع پرستاران در شهرهای مختلف برگزار شده است ● محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار گفته «برخی از پرستاران در تهران، فاقد مسکن هستند و برای آنکه کرایه خانه ندهند، چند شیفت کار می‌کنند و در ساعات استراحت در خودروی شخصی می‌خوابند.»

● پرستاران از ۱۳ امرداد امسال نیز اعتصابی سراسری را پیش بردند که در بیش از ۵۰ بیمارستان دولتی و در بیش از ۱۲ استان کشور گسترش یافت.

● دولت پزشکیان نه تنها در عمل به وعده‌های خود به پرستاران کوتاهی کرده بلکه ده‌ها پرستار را با تعلیق از محل کار و تشکیل پرونده‌های امنیتی و قضایی سرکوب کرده تا به این شکل از تداوم اعتراضات سراسری و همزمان پرستاران جلوگیری کند.

تجمعات اعتراضی پرستاران در حالی طی روزهای گذشته در شهرهای مختلف ایران افزایش یافته که دبیرکل خانه پرستار نیز می‌گوید ترک شغل و مهاجرت پرستاران در یک سال اخیر چند برابر شده است.

امروز شنبه چهارم اسفندماه ۱۴۰۳ جمعی از پرستاران زنجان در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی و شرایط معیشتی نامناسب، مقابل استانداری این شهر تجمع کردند. تجمعات اعتراضی پرستاران در روزهای گذشته به دلیل پرداخت نشدن حقوق و مزایای شغلی عقب افتاده، و همچنین عملی نشدن وعده‌های وزلرت بهداشت دولت پزشکیان برای حل مشکلات صنفی پرستاران افزایش یافته است.

اعتراضات پرستاران در مقابل استانداری خراسان در مشهد و اعتراضات پرستاران در محوطه داخلی بیمارستان میلاد تهران، تنها نمونه‌هایی از این اعتراضات است.

روز سه‌شنبه ۳۰ بهمن‌ماه، جمعی از پرستاران و کادر درمان بیمارستان «الزهرا» در اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

خبرگزاری «ایلنا» امروز شنبه چهارم اسفندماه گزارش داده که از ابتدای امسال تا پایان بهمن‌ماه دست‌کم ۵۰ مورد تجمع پرستاران در شهرهای مختلف برگزار شده است.

محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به موج جدیدی از اعتراضات پرستاران گفته امسال اعتراضات پرستاران به کارکنان بخش فوریت‌های بیمارستان‌های مشهد هم رسید. شرایط در بیمارستان میلاد نیز طی هفته‌های اخیر ملتهب بوده و علت اعتراض، موضوع معیشت و عدم اصلاح تعرفه‌های خدمات درمانی بوده و بعید است موضوع صرفاً داخلی و ناشی از مسائل مدیریتی خود بیمارستان باشد. واقعیت این است که فضای صنف پرستاری کشور سال‌هاست که در موقعیت پرتلاهی قرار دارد.

به گفته محمد شریفی مقدم «راهی که سیستم حکمرانی نظام سلامت کشور پیش روی جامعه پرستاری قرار داده است، راهی است که اعتراض در قالب تجمع کم آسیب‌ترین واکنش به آن است. واکنش بدتر خروج جمعی قابل توجه پرستاران از این شغل یا ادامه دادن به خدمت در این شغل در خارج کشور و مهاجرت است که هر دو این پدیده‌ها در یکسال اخیر چند برابر شده است.»

مایشگاه نقاشی‌های رامین پروین در پاریس

یک اتاق دیگر می‌روید؛ این فضایی است که همه ما تجربه‌اش می‌کنیم و به همین خاطر شاید در ذهن بماند و آن را به خاطر بیاورید. هرچه در آثارم جلوتر می‌روم، می‌بینم فضای اتاق‌هایم کمی تاریک‌تر و برعکس اتاق‌های پشتی به مراتب روشن‌تر و پرنورتر می‌شوند. علاقه من به نور خیلی شخصی است در زندگی روزمره هم رد پای نور را دنبال می‌کنم. نور به نظر من امید و میل به ادامه دادن زندگی است و اینکه انسان در نهایت از تاریکی به نور پناه می‌آورد.»

وی می‌افزاید: «دنمایی هم که امروز در آن زندگی می‌کنیم همینطور تاریک و تاریک‌تر می‌شود و ما راهی بجز پناه بردن به نور نداریم.»

اتاق دیگری می‌تابد و شما را کنجکاو آن اتاق دیگر می‌کند. این دومین مایشگاه رامین پروین در پاریس است. او سال‌هاست که نقاشی می‌کند و پیش از این در چند شهر آلمان مایشگاه گروهی و تک‌نفره برگزار کرده. است رامین پروین معمولا در مایشگاه‌هایی که برگزار می‌کند هنر چیدمان (اینستالیشن) نیز انجام می‌دهد. در این مایشگاه نیز درخت کوچک لیمویی در کنار یک صندلی روی آینه‌هایی کوچک روی زمین به چشم می‌خورد.

رامین پروین می‌گوید: «سال‌هاست که نقاشی می‌کنم و از همان ابتدا این شانس را داشتم که بتوانم کارهایم را ارائه کنم تا دیده شوند. پیش از ترک ایران چند مایشگاه در ایران

● رامین پروین حدود ۲۲ سال است که نقاشی می‌کند و ۱۳ سال است که ساکن برلین است. او در کنار نقاشی تجربه ساخت فیلم و انیمیشن را نیز در کارنامه خود دارد. در آثار به نمایش درآمده از او در «گالری ۲۷» اتاق‌هایی کوچک و ساکت با رنگ‌های تیره در همراهی با اندکی اشیا می‌بینیم.

● این دومین مایشگاه رامین پروین در پاریس است. او سال‌هاست که نقاشی می‌کند و پیش از این در چند شهر آلمان مایشگاه گروهی و تک‌نفره برگزار کرده. است رامین پروین معمولا در مایشگاه‌هایی که برگزار می‌کند هنر چیدمان (اینستالیشن) نیز انجام می‌دهد. در این



رامین پروین در مورد تاثیر مهاجرت بر آثارش می‌گوید: «قطعا مهاجرت تاثیر بسیاری در آثارم گذاشته است. در ایران من با تکنیک دیگری کار می‌کردم و حتی ضرب قلم‌موی من به روی بوم متفاوت بود. نوع بیان احساساتم متفاوت بود. اتفاقاتی که پس از مهاجرت به آلمان برایم افتاد به شیوه بی‌رحمانه‌ای خودش را به من تحمیل کرد. در همان سال‌های نخست متوجه شدم چقدر رنگ‌ها در آثارم تخت شدند، فضاهای هندسی شکل گرفتند؛ سرمای عجیبی در کارهایم نشست، آدم‌ها از اتاق‌ها رفتند و تبدیل شدند به عکسی روی یک دیوار. انگار فضای سرد آلمان شما را محاصره کرده باشد. این تاثیر بسیار بزرگی بود که مهاجرت در آثارم گذاشت.»

وی در پایان می‌گوید: «پرسپکتیو کارهای امروز من اصلا آن چیزی نبود که در ایران به آن می‌پرداختم. از این فرم جدید استقبال می‌کنم چون فکر می‌کنم دارد چیزی را به من می‌آموزد. حدس می‌زنم با این پرسپکتیو و دورفا می‌توانم احساس تعلق را زنده نگه دارم. گاهی احساس می‌کنم شاید من دارم با این اتاق‌ها خانه‌ای برای خودم می‌سازم و این برای من خیلی هیجان‌انگیز است.»

داشتم و آثارم مورد توجه قرار گرفت. حدود سی‌زده سال است که در آلمان زندگی می‌کنم و در کنار نقاشی فیلم و انیمیشن هم می‌سازم.»

رامین پروین در مورد آثار نقاشی خود می‌گوید: «نقاشی‌های من معمولا درباره‌ی دوران‌هایی از زندگی هستند که سپری می‌کنم. این روند را خیلی دوست دارم و در آن عمیق می‌شوم؛ انگار خودم را دنبال می‌کنم. حدود ۲۰ سال است که موضوع نقاشی‌های من اتاق و فضاهای بسته است. در گذشته حضور آدم‌ها در این اتاق‌ها بیشتر بود اما شاید به دلیل مهاجرت و یا مسائل روحی و یا موقعیتی که امروز دنیا دارد! آدم‌ها ناخودآگاه بدون اینکه من تصمیمی گرفته باشم کم‌کم کم‌رنگ و حتی محو شدند و تبدیل شدند به عکسی روی دیوار؛ فقط اشیا هستند که حضورشان همیشگی است و رگه‌هایی از نور که آرام آرام وارد کارهایم شده است. این حضور نور فکر می‌کنم شاید با گذر عمر به وجود آمد. فکر می‌کنم هرچه آدم رشد می‌کند رد پای نور را در زندگی بیشتر می‌بیند و درک می‌کند.»

رامین پروین در ادامه می‌گوید: «اتاق‌های من آشنا هستند و هر کسی می‌تواند خود را در آن تصور کند. شما از یک اتاق به

مایشگاه نیز درخت کوچک لیمویی در کنار یک صندلی روی آینه‌هایی کوچک روی زمین به چشم می‌خورد.

● «نقاشی‌های من معمولا درباره‌ی دوران‌هایی از زندگی هستند که سپری می‌کنم. این روند را خیلی دوست دارم و در آن عمیق می‌شوم؛ انگار خودم را دنبال می‌کنم.»

کتابیون حلاجان - رامین پروین نقاش و کارگردان ایرانی مقیم برلین آثار نقاشی خود را در مایشگاهی با نام «پژواک» در پاریس به نمایش گذاشت. این مایشگاه در «گالری ۲۷» از تاریخ ۱۱ ژانویه تا ۸ فوریه ۲۰۲۵ برپا بود.

رامین پروین حدود ۲۲ سال است که نقاشی می‌کند و ۱۳ سال است که ساکن برلین است. او در کنار نقاشی تجربه ساخت فیلم و انیمیشن را نیز در کارنامه خود دارد. در آثار به نمایش درآمده از او در «گالری ۲۷» اتاق‌هایی کوچک و ساکت با رنگ‌های تیره در همراهی با اندکی اشیا می‌بینیم. گاه تابلویی روی دیوار مردی را نشان می‌دهد که انسان نخستین را به ما یادآوری می‌کند. گاه صندلی‌ای بی‌حضور انسان در گوشه‌ای از اتاق به چشم می‌خورد. اما یک چیز در آثار او بسیار خودنمایی می‌کند و آن حضور نور است که از

جمهوری اسلامی اتوبوس‌های «برقی» از جمهوری خلق چین وارد کرده که دود می‌کنند!



● پس از رونمایی از اتوبوس‌های برقی چینی در تهران مشخص شد این اتوبوس‌ها چندان هم «الکتریک» نیستند و یک موتور دیزلی بری فصل سرما و جهت روشن کردن بخاری در آنها کار گذاشته شده است.

● قرارداد غیرشفاف علیرضا زاکانی شهردار تهران با شرکت‌های چینی برای واردات تاکسی و اتوبوس برقی همچنان دارای ابعاد پنهان است و مشخص نیست در چه ساز و کاری شهرداری تهران این قرارداد ۲ میلیارد دلاری را با شرکت‌های چینی بسته است.

● شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در اطلاعیه‌ای دیزلی بودن اتوبوس‌های خریداری شده را «دروغ» خوانده اما همزمان گفته موتور دیزلی این اتوبوس‌ها در فصل سرد سال مورد استفاده قرار می‌گیرند!

اتوبوس‌های برقی که طی یک قرارداد ۲ میلیارد دلاری از سوی شهرداری تهران با جمهوری خلق چین وارد کشور شده‌اند، در مراسم رونمایی از آگروزشان دود خارج می‌شد! اعلام شده این اتوبوس‌های برقی در فصل سرما برای فعال شدن بخاری‌شان باید با دیزل کار کنند!

علیرضا زاکانی شهردار تهران پنجشنبه گذشته در یک برنامه نمایشی به همراه مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی از ناوگان حمل و نقل عمومی به اصطلاح برقی پایتخت رونمایی کرد.

پس از رونمایی از اتوبوس‌های برقی چینی اما مشخص شد این اتوبوس‌ها چندان هم «الکتریک» نیستند و یک موتور دیزل برای فصل سرما جهت روشن کردن بخاری در آنها کار گذاشته شده است!

جعفر تشکری هاشمی رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران در واکنش به دوده‌های دیزلی اتوبوس‌های برقی وارد شده از چین واکنش نشان داده است.

او گفته که «در گزارشی که به من رسیده، گفته شده که هنگام روشن کردن سیستم بخاری، دود زیادی از اتوبوس ساطع شده است اگر این موضوع صحت داشته باشد، واقعاً جای تأسف دارد ما اتوبوسی می‌خریم که دو برابر یک اتوبوس دیزلی قیمت دارد، اما در فصل زمستان موتور دیزلی آن را روشن می‌کنیم! اگر این اطلاعات درست باشد، حتماً باید تحقیق بیشتری انجام دهیم و ببینیم که داستان این موتور دیزلی چیست.»

رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران افزوده «اگر چنین اتفاقی افتاده باشد، بسیار نامبارک است. این تصمیم می‌تواند تمام زحمات انجام‌شده را از بین ببرد. ما یک اتوبوس برقی خریداری کرده‌ایم، اما اگر یک موتور دیزلی برای گرمایش آن استفاده شود و از طرفی برای شارژ کردن آن هم از سوخت فسیلی استفاده کنیم، دیگر چه دلیلی دارد که به سمت اتوبوس برقی برویم؟ این همان اتوبوس دیزلی است! اگر قرار باشد در فصل زمستان، یعنی زمانی که با آلودگی هوا مواجه هستیم، موتور دیزلی روشن شود، پس چرا دو و نیم برابر قیمت پرداخت شده است؟»

بر اساس توضیحات جعفر تشکری هاشمی این اتوبوس‌ها با مسائل دیگری هم روبرو هستند: «این دو و نیم برابر قیمت، تنها بخشی از موضوع است. برای هر جایگاه شارژ،

۴۵۰ میلیون تومانی که به آنها وعده داده شده بود، پرداخت نشده اما در عوض، بی‌محابا شاهد ورود این خودروها به کشور هستیم.»

اینهمه در حالیست که شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در اطلاعیه‌ای دیزلی بودن اتوبوس‌های خریداری شده را «دروغ» خوانده و اعلام کرده که «اتوبوس‌های برقی تهران پس از تأیید متخصصین شهرداری تهران، کمیته فنی اتوبوسرانی تهران، بازرسان سازمان ملی استاندارد و وزارت صمت و ناظران گمرک به تهران وارد شده‌اند. همچنین این اتوبوس‌ها دارای استاندارد CCC چین و E-Mark اروپا به‌عنوان اتوبوس‌های برقی هستند. یعنی همه‌ی آنها متوجه این موضوع نشده‌اند که این اتوبوس‌ها گازوئیلی است؟»

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اما تأیید کرده که این اتوبوس‌ها دیزلی هم هستند و در نتیجه دود می‌دهند: «سیستم گرمایش این اتوبوس‌ها طبق مدل‌های جهانی و جهت افزایش بهره‌وری موتور الکتریکی آن، هم از طریق برق کار می‌کند و هم از طریق سوخت دیزل؛ مجدداً دقت کنید: تنها سیستم گرمایشی آن، نه موتور اتوبوس برقی! آب از طریق یک مشعل گرم شده و در فضای داخلی اتوبوس به چرخش در می‌آید. این سیستم گرمایش صرفاً یک آپشن برای دماهای زیر صفر بوده و جهت افزایش میزان گرمایش اتوبوس‌ها در شرایط خاص پیش‌بینی شده و در اکثر اوقات در شرایط دمایی شهر تهران کاربردی ندارد.»

این اطلاعیه همچنین مدعی شده «سیستم‌های گرمایشی اتوبوس‌های برقی در سه ماه سرد سال، با این فرض که در تمام طول روز نیاز به گرمایش باشد، کمتر از ۱۰۰۰ لیتر گازوئیل مصرف می‌کند.»

علیرضا زاکانی شهردار تهران اما تا زمان تنظیم این گزارش نسبت به خریداری و واردات اتوبوس‌هایی که تا اینجا مشخص شده در فصل‌های سرد سال «برقی» نبوده و همچنان هوا را آلوده می‌کنند توضیحاتی ارائه نکرده

نزدیک به ۱۰ میلیارد تومان هزینه شده است. از سوی دیگر، مسئله پیمایش این اتوبوس‌ها هم مطرح است که محدودیت‌هایی دارد. همچنین فناوری این اتوبوس‌ها که به‌صورت CBU (واردات کامل) به کشور آمده، برخلاف سیاست‌های تولید ملی است که مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده است. ما به‌جای حمایت از تولید داخلی، ناوگان CBU وارد کرده‌ایم. از سوی دیگر، برخلاف ادعای آلودگی صفر، این اتوبوس‌ها همچنان آلودگی تولید می‌کنند.»

قرارداد علیرضا زاکانی با شرکت‌های چینی برای واردات اتوبوس و تاکسی برقی با حاشیه‌های زیادی همراه بود. این قرارداد غیرشفاف همچنان دارای ابعاد پنهان است و مشخص نیست در چه ساز و کاری شهرداری تهران این قرارداد ۲ میلیارد دلاری را با شرکت‌های چینی بسته است. پیشتر اعتراضاتی از سوی اعضای شورای اسلامی شهر تهران به این قرارداد وارد شده بود و احتمال بروز فساد گسترده مالی به بهانه این قرارداد در شهرداری تهران نیز مطرح شده بود. با اینهمه وارد شدن تاکسی و اتوبوس‌های برقی مشخص کرده و مسائل نقلیه خریداری شده نیز به‌صرفه نیستند.

در همین رابطه جعفر تشکری هاشمی رئیس کمیسیون عمران شورای اسلامی شهر تهران گفته «در حالی که شرکت‌های خودروساز داخلی خودروهای زیادی در انبار دارند، شهرداری خود اقدام به واردات خودرو کرده و پول آن را به‌صورت کامل پرداخت کرده این در حالی است که در تهران ۵۰ هزار تاکسی فرسوده وجود دارد که ایمنی لازم را ندارند و جان مردم را به خطر می‌اندازند اما در عوض، شهرداری خودروهای شاسی‌بلند وارد می‌کند! این سؤال مطرح است که مسافران محروم جنوب شهر چطور قرار است با این خودروهای لوکس جابجا شوند؟»

عضو شورای اسلامی شهر تهران با تأکید بر اینکه برخی از این اقدامات بیشتر جنبه نمایشی دارند گفته «شاهد اعتراض رانندگان تاکسی به مسئله تاکسی‌های برقی هستیم. آنها می‌گویند که برای تأمین برق مشکل دارند و کمک بلاعوض

تعطیلات سراسری به علت بحران انرژی به ۲۷ استان کشور گسترش یافت



● در شرایطی که روز گذشته ۲۵ استان ایران با تعطیلی سراسری روبرو شده بودند، امروز ۲۷ استان در تعطیلی بسر می‌برند.

● در میان ۳۱ استان ایران فقط در استان‌های خوزستان، بوشهر، هرمزگان و یزد روند عادی فعالیت ادارات، بانک‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها و صنعت جریان دارد.

● شهروندان می‌گویند قطع مکرر برق سبب اختلال در روند زندگی و همچنین مختل شدن خدمات عمومی و افزایش هزینه‌های زندگی شده است.

بحران انرژی برای دومین روز پیاپی سبب تعطیلی ادارات، مراکز آموزشی، بخش صنعت و بانک‌ها در ایران شده است. در شرایطی که روز گذشته ۲۵ استان ایران با تعطیلی سراسری روبرو شده بود، امروز ۲۷ استان در تعطیلی بسر می‌برند.

بر اساس اعلام استانداری‌ها امروز سه‌شنبه هفتم اسفندماه استان‌های تهران، اصفهان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، خراسان «رضوی»، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، البرز، مرکزی، گلستان، مازندران، فارس، زنجان، سمنان، همدان، قزوین، قم، کرمانشاه، اردبیل، کردستان، گیلان، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، کرمان، لرستان و ایلام با تعطیلی روبرو هستند.

در میان ۳۱ استان ایران فقط در استان‌های خوزستان، بوشهر، هرمزگان و یزد روند عادی فعالیت ادارات، بانک‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها و صنعت جریان دارد.

کمال‌الدین میرجعفریان معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری تهران دلیل تعطیلی پایتخت را «دریافت گزارش‌های هواشناسی مبنی بر ادامه سردی هوا» اعلام کرده و گفته که «بر اساس مصوبه کارگروه مدیریت مصرف انرژی استان تهران روز سه‌شنبه ۷ اسفندماه، همه ادارات دولتی، آموزشگاه‌ها، مدارس و دانشگاه‌های استان تعطیل خواهد بود.»

وی افزوده که دستگاه‌های خدمات‌رسان و مراکز امدادی و درمانی تعطیل نیستند و بانک‌ها در شهرستان‌های مختلف استان به صورت شعب منتخب فعال خواهند بود.

بر اساس اعلام معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی قوه قضاییه «با عنایت به مصوبه کارگروه مدیریت مصرف انرژی استان تهران به علت تداوم برودت و سردی هوا، واحدهای قضایی و اداری قوه قضاییه استان تهران در روز سه‌شنبه ۷ اسفند تعطیل است.»

سازمان هواشناسی ایران پیش‌بینی کرده که طی سه روز آینده کاهش محسوس دما و ماندگاری هوای سرد در اکثر مناطق کشور روی خواهد داد.

این در حالیست که کاهش دمای مشابه و بیشتر در سال‌های گذشته سبب تعطیلی‌های سراسری نمی‌شد اما امسال با بحرانی شدن کمبود انرژی و ناتوانی دولت در تأمین برق و گاز و گازوئیل، تعطیلی‌های سراسری در دستور کار قرار گرفته است.

با اعلام تعطیلی سراسری در اکثر نقاط کشور در روز سه‌شنبه، کاربران در شبکه‌های اجتماعی این تعطیلات را به علت تشدید بحران انرژی نشانه‌ی دیگری از بی‌کفایتی و ورشکستگی و فروپاشی حکومت می‌دانند.

بر اساس گزارش‌ها با وجود تعطیلات سراسری اما قطع برق و حتی گاز در برخی نقاط کشور ادامه دارد. شهروندان می‌گویند قطع مکرر برق سبب اختلال در روند زندگی و

در سال ۱۴۰۲، ۱۸۳ هزار میلیارد تومان برآورد شده است که تقریباً هر سال بیش از دو برابر بوده است.

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی نیز به‌تازگی گزارشی منتشر کرده که نشان می‌دهد میزان کسری برق شهرک‌ها و نواحی صنعتی تا پایان خردادماه سال ۱۴۰۳ با بررسی مصرف برق در ۶ ماهه ابتدایی سال جاری معادل ۹۴۷۵ مگاوات برآورد شده است. طبق این گزارش بطور میانگین اعمال محدودیت‌های برق در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ افزایش قابل توجهی داشته و در مردادماه ۱۴۰۳ این اعمال محدودیت‌ها به حداکثر مقدار خود رسیده است

در این گزارش چنین برآورد شده که با توجه به میانگین ۱۳۰۸ ساعت اعمال محدودیت در سال ۱۴۰۳، حدود ۲۲ درصد از کل زمان مصرفی صنایع از بین رفته است؛ درحالی‌که این مقدار در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۴ درصد بوده است و در شش ماه ابتدایی سال جاری میزان خسارت ناشی از عدم‌النفذ تولید واحدهای صنعتی به بیش از ۴۴ هزار میلیارد تومان می‌رسد. بر این اساس میزان برق تحویلی به صنایع در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال قبل ۴۰ درصد کاهش یافته است و این در حالی است که علاوه بر محدودیت‌های اعمال شده، اعمال این محدودیت‌ها در بسیاری از موارد مطابق با زمان‌بندی وزارت نیرو نبوده که این موضوع صنایع را با چالش‌هایی همچون کاهش تولید مواجه کرده است.

احمد مهدوی، دبیرکل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی، هفته گذشته اعلام کرد که قطع و محدودیت گاز در سال جاری بیش از ۱/۵ میلیارد دلار خسارت به این صنعت وارد کرده است.

روزنامه «تجارت» نیز در مطلبی نوشته قطع گاز و برق خسارات عمده‌ای به واحدهای تولیدی وارد کرده که یکی از نتایج مستقیم آن، کاهش رشد اقتصادی بود؛ بطوری که رشد اقتصادی کشور پس از تجربه چهار سال رشد‌های بالای ۴ درصد، در بهار سال جاری، ۲/۵ واحد درصد نسبت به فصل مشابه سال قبل کاهش یافته است.

مختل شدن خدمات عمومی و افزایش هزینه‌های زندگی شده است. از سوی دیگر خسارت گسترده به بخش صنعت نیز ادامه دارد که بطور مستقیم بر کاهش رشد اقتصادی و تورم اثرگذار است.

همچنین استفاده از سوخت مازوت بجای گاز در نیروگاه‌های تولید برق نیز سبب تشدید آلودگی هوا در بسیاری از کلانشهرها شده و به تهدیدی علیه جان شهروندان تبدیل شده است.

بحران کمبود انرژی که از سوی مقامات حکومتی «ناترازی» عنوان می‌شود ناشی از سال‌های متفاوتی و ناتوانی در سرمایه‌گذاری و نوسازی برای صنعت گاز و برق است. با اینکه ایران دارنده دومین ذخایر طبیعی گاز و چهارمین ذخایر نفت در جهان است حتی در تأمین انرژی مورد نیاز داخل کشور نیز با بحران روبرو شده است.

خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران، ابتدای ماه اعلام کرد که از مجموع ۶۰۰ واحد نیروگاهی، حداقل ۸۰ واحد به دلیل کمبود یا نبود گاز و سوخت مایع از مدار خارج شده‌اند. نیروگاه‌های داخلی ایران ظرفیت تولید ۵۸ هزار مگاوات برق را دارند که خارج شدن این نیروگاه‌ها باعث کاهش هشت هزار مگاوات، نزدیک به ۱۴ درصد، از این میزان می‌شود. همچنین بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس، عدم‌النفذ صنایع کوچک از قطعی برق در تابستان امسال ۴۳ هزار میلیارد تومان بود.

همچنین بر اساس گزارش سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی، عدم‌النفذ صنایع مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی ناشی از قطع برق در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که زیان صنایع از قطع برق نسبت به سال پیش ۵ برابر و در مقایسه با سال ۱۴۰۰، هشت برابر شده است.

طبق این گزارش کاهش ارزش تولیدات صنعتی ناشی از قطعی برق صنعت در ماه‌های گرم سال در سال ۱۴۰۰، ۴۰ هزار میلیارد تومان، در سال ۱۴۰۱، ۷۱ هزار میلیارد تومان و

مشاور امنیت ملی کاخ سفید:

آمریکا گلوی اقتصاد جمهوری اسلامی را فشار می‌دهد

مایکل والتز مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری آمریکا می‌گوید که ایالات متحده با سیاست «فشار حداکثری» پای خود را بر گلوی اقتصاد جمهوری اسلامی فشار می‌دهد. والتز ۲۱ فوریه ۲۰۲۴ (سوم اسفندماه) در دومین روز بزرگترین همایش جمهوریخواهان آمریکا در نشست «CPAC» یادآور شد که در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ اقتصاد جمهوری اسلامی در نتیجه سیاست فشار حداکثری در حال فروپاشی بود. مشاور امنیت ملی کاخ سفید در ارتباط با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، بار دیگر سیاست رسمی ایالات متحده را تکرار و تصریح کرد که جمهوری اسلامی هرگز نباید به جنگ‌افزار هسته‌ای دست یابد. او در ارتباط با خاورمیانه نیز گفت در پی حمله تروریستی «هفت اکتبر» و حملات اسرائیل به حکومت ایران و نیابتی‌های آن، حزب‌الله به شدت تضعیف و حکومت مستبد بشار اسد در سوریه ساقط و «محور ترور» جمهوری اسلامی در منطقه عملاً مختل شده است.

شاهزاده رضا پهلوی:

حماس مثل اربابانش در تهران نمی‌تواند شریک صلح باشد

پس از تحویل پیکرهای کودکان خردسال اسرائیلی که توسط گروه تروریستی حماس در حمله‌ی فجیع «هفتم اکتبر» ۲۰۲۳ به گروگان گرفته شده بودند به صلیب سرخ، و اعلام اینکه پیکری که به عنوان مادر آنها تحویل داده شده متعلق به او و هیچیک از گروگان‌های اسیر در دست این گروه نیابتی جمهوری اسلامی نیست، شاهزاده رضا پهلوی جمعه سوم اسفند ۱۴۰۳ در پیامی ضمن ابراز

محمد اشرفی اصفهانی:

در ماجرای مهسا امینی، برخی طلبه‌ها با قمه و چاقو مردم را می‌زدند

محمد اشرفی اصفهانی، آخوند نزدیک به جریان «اصلاح‌طلب» در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت: «در ماجرای مهسا امینی [خیزش سال ۱۴۰۱] طلبه‌های باند پنهانی با قمه و چاقو به خیابان‌ها ریختند و مردم را می‌زدند و سپس با لباس‌های خونی باز می‌گشتند و لباس طلبگی می‌پوشیدند.» او افزود: «آیا طلبه باید با سلاح با مردم برخورد کند؟» او در بخشی از این مصاحبه که هفتم اسفندماه ۱۴۰۳ منتشر شد، پرسیده «آیا در تاریخ تشیع سابقه داشته که طلبه‌ای قمه به دست بگیرد و به مردم حمله کند؟»

افزایش قیمت کالاهای وارداتی در پاییز امسال

مرکز آمار ایران گزارش داده که قیمت کالاهای وارداتی در چهار فصل منتهی به پاییز ۱۴۰۳ نسبت به سال گذشته ۵۳/۸ درصد افزایش یافته است. همچنین شاخص قیمت کالاهای وارداتی تنها در پاییز ۱۴۰۳ به ۸۲۷/۲ رسید که نسبت به فصل گذشته ۱۵/۱ درصد و نسبت به پاییز سال گذشته ۶۴/۸ درصد افزایش داشته است.

با توجه به وابستگی شدید تولید در ایران به واردات مواد اولیه، افزایش قیمت کالاهای وارداتی در پی افزایش قیمت ارز، نه تنها قیمت کالاهای وارداتی بلکه قیمت کالاهای تولید داخل را نیز با افزایش قابل توجهی روبرو کرده است.

قدردانی ارتش دفاعی اسرائیل از مردم ایران و شاهزاده رضا پهلوی

در پی پیام همدلی شاهزاده رضا پهلوی و همچنین محکوم کردن جنایات حماس از جمله درباره قتل اعضای خانواده

صادق زیباکلام:

با تغییر نظام به شدت مخالفم

صادق زیباکلام فعال سیاسی اصلاح‌طلب در مصاحبه با روزنامه «شرق» گفت، «قطعاً جزء آندسته از تحلیلگران و فعالان سیاسی هستم که با گزینه تغییر نظام به شدت مخالفم؛ چراکه اولاً راه حل غیرممکنی است و حتی اگر هم چنین موضوعی با توجه به انبوه مشکلات و بحران‌ها وجود داشته باشد، آن را به صلاح کشور نمی‌دانم. براندازی راه حل نیست؛ براندازی پیشرفت نیست؛ براندازی یک قدم به جلو نیست.»

او در این مصاحبه که هفتم اسفند ۱۴۰۳ منتشر شد تأکید می‌کند: «چه قبل از روی کار آمدن دونالد ترامپ و چه بعد از آن، اساساً معتقد بودم که براندازی هم غیرممکن است و هم نامطلوب. همواره هم مخالفت خود را با این موضوع عنوان کرده‌ام. معتقدم نباید سال ۱۴۰۴ را آنگونه که برخی تلقین می‌کنند، ترسناک دید.» زیباکلام می‌افزاید: «جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ نه به بن‌بست می‌رسد نه فرو می‌پاشد.»

بودجه‌پاشی تکانه‌دهنده به نهادهای

تبلیغاتی و ایدئولوژیک در بودجه ۱۴۰۴

بودجه مرکز خدمات حوزه علمیه از ۱۱ هزار میلیارد در قانون بودجه سال ۱۴۰۳، در سال آینده با افزایش ۲۲/۵ درصدی به ۱۴ هزار میلیارد تومان خواهد رسید.

میزان بودجه‌ای که قرار است در سال آینده به مرکز خدمات حوزه علمیه پرداخت شود از سهم منابع عمومی شش استان کشور که بر اساس گزارش‌های حکومتی با «ناامنی غذایی» نیز روبرو هستند، بیشتر است.

بودجه «جامعه المصطفی» که مسئولیت مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور و پذیرش طلبه‌های خارجی را به عهده دارد با ۳۷/۵ درصد افزایش نسبت به امسال، در سال آینده به هزار و ۷۵۵ میلیارد تومان می‌رسد. در شرایطی که سازمان تبلیغات اسلامی قرار است ۵ هزار میلیارد تومان



بودجه دریافت کند، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی نیز در ردیفی جداگانه ۳۱۳ میلیارد تومان بودجه از منابع عمومی کشور که متعلق به مردم است دریافت خواهد کرد برای ستاد اقامه نماز ۱۲۹ میلیارد تومان، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر ۲۴۲ میلیارد تومان، سیاست‌گذاری حوزه علمیه خواران ۱۶۶۰ میلیارد تومان و مؤسسه آموزشی خمینی ۴۵۰ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده است.



بیباس و اینکه این گروه تروریستی نمی‌تواند «شریک صلح» باشد، حساب کاربری ارتش دفاعی اسرائیل به زبان فارسی نوشت: «ارتش اسرائیل از همبستگی نمایندگان مردم ایران و شاهزاده رضا پهلوی که در کنار حقیقت ایستاده و از خانواده بیباس در دوران سخت حمایت کردند، قدردانی می‌کند.»



همدلی و تسلیت با خانواده «بیباس» نوشت: «قتل کودکان بی‌گناه گروگان‌ها توسط حماس و بازی‌های پیچیده آن با خانواده‌هایشان بار دیگر نشان می‌دهد که حماس - درست مانند اربابانش در تهران - نمی‌تواند شریک صلح باشد. من به خانواده بیباس صمیمانه تسلیت می‌گویم و تأکید می‌کنم که تا پایان حکومت ترور و وحشت جمهوری اسلامی، هیچ ایرانی و اسرائیلی در امان نخواهد بود.»

محمد اسلامی:

دشمن به دنبال ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی است

رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در جمع شماری از فرماندهان سپاه پاسداران و بسیج هشدار داد که «دشمن همیشه قوی‌تر از گذشته و از هر روز قوی‌تر از دیروز تلاش می‌کند که جمهوری اسلامی ایران را ساقط کند و به انقلاب ضربه بزند.» محمد اسلامی، دوشنبه ششم اسفند ۱۴۰۳ با اشاره به اینکه «تحریم ابزار بُرنده برای از بین بردن مقبولیت نظام است» گفت: «نباید تردید بکنیم که این دشمن دشمنی است که از پا ننشسته و اگر زخمی شده ولیکن هارتر و گستاختر هم شده است.»

اجرای آثار چایکوفسکی و موتزارت در «تالار وحدت»

ارکستر فیلارمونی سن پترزبورگ ششم اسفندماه ۱۴۰۳ در «تالار وحدت» (تالار رودکی) تهران آثاری از آهنگسازان برجسته از جمله چایکوفسکی، گلینکا و موتزارت را اجرا کرد. رهبری این کنسرت متشکل از نوازندگان روس و ایرانی را یاروسلاو زابویارکین بر عهده داشت. این برنامه در چارچوب پروژه «پل موسیقی سن پترزبورگ-تهران» و با حمایت بنیاد ابتکارات فرهنگی رئیس جمهور روسیه برگزار شد.

وزیر آموزش و پرورش:

تعطیلی‌ها تصمیم حاکمیتی است و همه باید تبعیت کنیم

علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش گفته «تعطیلی‌ها تصمیم حاکمیتی است و فقط شامل ما نیست، صنایع و دستگاه‌های دولتی را هم تعطیل می‌کنند و همه باید تبعیت کنیم.» تعطیل کردن مدارس از جمله راهکارهای دولت برای عبور از بحران عمیق کمبود انرژی در ایران است.

وزیر صمت مدعی شد:

ایران پس از چین، سریع‌ترین توسعه را در صنایع استراتژیک دارد!

محمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت جمهوری اسلامی روز شنبه چهارم اسفندماه در نشست «روایت پیشرفت در زمینه ترویج و روایت پیشرفت‌های علمی و صنعتی کشور» در ادعایی عجیب گفت: «ایران پس از چین، سریع‌ترین توسعه را در صنایع استراتژیک داشته و در تولید فولاد، به افق ۱۴۰۴ رسیده است.» محمد اتابک افزود که «من تمام دوره کاری را در صنعت بودم و به عنوان صنعتگر، معتقدم آنچه امروز در جامعه منتشر می‌شود، شبهه نیست بلکه خلاف واقع را پخش و عنوان می‌کنند آنهم در جهت از بین بردن امید در دل جوانان و بی‌وژه نسل جوان تحصیلکرده و دانشگاهی.»

آتش‌سوزی در پالایشگاه شازند

پالایشگاه شازند در استان مرکزی روز سه‌شنبه هفتم اسفندماه ۱۴۰۳ دچار آتش‌سوزی شد. به گفته مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل این پالایشگاه، علت این حادثه «آتش گرفتن فن واحد آیزوماکس» بوده است.

ادامه ساخت هتل ۳۰ طبقه روی گسل «ولنجک» تهران

مهدی زارع استاد زمین‌شناسی اعلام کرده ساخت هتل در منطقه ولنجک واقع در شمال تهران ادامه دارد. به گفته مهدی زارع «این هتل که روی پهنه گسله شمال تهران قرار دارد، بر اساس مجوز ساخت هتل ۳۰ طبقه در ولنجک تهران و با موصوبه غیرقانونی کمیسیون ماده ۵ در بهمن ۱۴۰۰ ساخته می‌شود.» این استاد زمین‌شناسی تأکید کرده که «ساخت و سازهای بلندمرتبه در شمال تهران، به ویژه نزدیک گسل‌های فعال،

شهردار حاشیه‌دار تهران:

کارهای شهرداری در حوزه عمرانی فرع است! اصل بر توسعه نقش طلبه‌هاست!

علیرضا زاکانی شهردار تهران در همایش «دستاوردهای ستاد طرح شهید آرمان و مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران» پس از حرف‌های بی سر و ته درباره «انقلاب اسلامی» به عنوان «راه نجات در برابر مکاتب غربی و شرقی» و رهایی «ایران عزیز از استبداد»، حسن نصرالله را هم «گل معطر» نامید!

وی پس از انشا خواندن درباره «انقلاب اسلامی»، به «اصل ماجرا» رسید و گفت: «کارهای ما در حوزه عمرانی در شهرداری تهران فرع ماجرا است!» حالا «اصل ماجرا» چیست؟

اینکه علیرضا زاکانی بتواند «روز به روز نقش طلاب، اساتید حوزه‌های علمیه، نقش مساجد» را توسعه بدهد!

رقص یک زن جوان در ایستگاه مترو تجربه

رقص یک زن جوان بدون حجاب اجباری در کنار ایستگاه مترو تجریش در تهران با استقبال کاربران در شبکه‌های اجتماعی مواجه شد. این ویدیو روز شنبه چهارم اسفند ۱۴۰۳ در «ایکس» بازنتاب پیدا کرد.

برخی پرستاران در ایران به دلیل حقوق ناکافی در اتومبیل زندگی می‌کنند

خبرگزاری «ایلنا» امروز شنبه چهارم اسفندماه گزارش داده که از ابتدای امسال تا پایان بهمن‌ماه دست‌کم ۵۰ مورد تجمع پرستاران در شهرهای مختلف برگزار شده است. محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار گفته «برخی از پرستاران در تهران، فاقد مسکن هستند و برای آنکه کرایه خانه ندهند، چند شیفت کار می‌کنند و در ساعات استراحت در خودروی شخصی می‌خوابند.»



برخی پرستاران در ایران به دلیل حقوق ناکافی در اتومبیل زندگی می‌کنند



ادامه ساخت هتل ۳۰ طبقه روی گسل «ولنجک» تهران



وزیر آموزش و پرورش: تعطیلی‌ها تصمیم حاکمیتی است و همه باید تبعیت کنیم

پرستاران از ۱۳ امرداد امسال نیز اعتصابی سراسری را پیش بردند که در بیش از ۵۰ بیمارستان دولتی و در بیش از ۱۲ استان کشور گسترش یافت. دولت پزشک‌ها را تنها در عمل به وعده‌های خود به پرستاران کوتاهی کرده بلکه ده‌ها پرستار را با تعلیق از محل کار و تشکیل پرونده‌های امنیتی و قضایی سرکوب کرده تا به این شکل از تداوم اعتراضات سراسری و همزمان پرستاران جلوگیری کند.

شهر را در معرض فاجعه قرار می‌دهد.» او همچنین گفته «تأیید چنین پروژه‌هایی به سایر سرمایه‌گذاران سیگنال می‌دهد که می‌توان قوانین را دور زد و در مناطق پرخطر ساخت‌وساز کرد. بی‌اعتمادی به مدیریت شهری افزایش می‌یابد، فجایعی مانند فروریزش پلاسکو و متروپول فادهای ضعف نظارتی شهرداری‌ها در دهه اخیر بوده‌اند.»

در حالی که در اوایل سال جاری در روزهایی که مدارس تعطیل اعلام می‌شد، آموزش آنلاین در دستور کار قرار داشت اما در روزهای اخیر آموزش آنلاین نیز متوقف شده است. تعطیلی مدارس در برخی شهرها از جمله تهران به یک سوم ماه رسیده و سبب نارضایتی شهروندان شده است. این در حالیست که گزارش‌ها از کاهش کیفیت آموزش و سطح دانش دانش‌آموزان ایرانی حکایت دارد.



عکس هفته | بانو یاسمین

بانو یاسمین پهلوی در «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی/ سه‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۲ (۱۸ فوریه ۲۰۲۵)

عکس از سینا رضایی